



دائرہ و مجلہ

پنٹھواہ گینہ

د ۱۳۴۶ کال دز مری میاشت



فهرست مضامین این شماره

صفحه	نویسنده	مضمون
۱	فیض محمد عاطفی	دستگاههای جدید والاحضرت شهزاده احمدشاه ورکشاپهای
۲		پلچرخ را افتتاح فرمودند
۶	اثر یفتلی	پلیس ووظیفه
۷	دگر من غلام نبی ارکانحرب	حرب های مستقبل
۱۰	دگر وال ارکانحرب عبدالقدیر خلیق	تربیه بدنی اهداف و اشکال آن
۱۳	ملاجان پشتون جار	پر اپلم های امروزی . . .
۱۷	تورن محمد اسحق	دبالتاریس
۱۸	دگر وال ارکانحرب نور محمد ارسلا	قوماندانیت و مسئولیت های آن
۲۳	جگتورن اختر محمد لودین	مسابقه تسلیماتی
۳۰	بریدمن عبدالسلام	بریتانیا و قوای هوائی آلمان . . .
۳۵	لمری بریدمن محمد عمر	ماشین های حساب کننده
۴۰	پیغله حنیفه اراکوزی	دلاوران بی شمشیر میجنگند
۴۱	دگر وال محمدنعیم انوری	باحغرافیای جهان آشنا شوید
۴۶	دوهم بریدمن عقل الدین (مقبلی)	رشد تخنیک بمب . . .
۴۸	جهان شعر و ادب
۵۰	بریدمن محمد یوسف	آخرین پیکار موسولینی . . .
۵۵	همدرد جوزجانی	کرم های روده
۵۸	دوهم بریدمن میر جمال الدین (فخری)	وینستون چرچیل
۶۸	محصل پوهنغی محمد صدیق (رازقی)	دقوماندان شخصیت
۷۱	« زلمی (اکبری) »	سخنوری در اردو
۷۴	محمد صابر (سهیم)	ساینس در کمک دفاع .
۷۶	شمس الدین (جلیلی)	شهید ه
۷۸	فیض محمد عاطفی	مطالعات اجمالی . . .
۸۲	تورن (مقبل)	ای وطن
۸۳	دگر وال عبدالرحیم ارسلا	حرب اعراب و اسرائیل
۸۸	آقا محمد بیغرض	زما دمطالبو خوتکی
۹۰	م ؛ ن ؛ ا	مشغولیتهای فکری

معظم ټولو اک همایونی اعلیٰ حضرت

د شاهانه اردو دراکت د قطعی تطبیقات وکتل

شاهانه ذات د راکت د تطبیقاتو او انداخت له جریان څخه

خوښی ښکاره کړه



د معمولو تطبیقاتو په لړ کښی معظم ټولو اک همایونی اعلیٰ حضرت پرون د مقر ولارو او بو ته نزدی د شاهانه اردو دراکت د قطعی تطبیقات وکتل . شاهانه ذات په داسی حال کي چه والا حضرت شهزاده احمد شاه والا حضرت شهزاده محمد نادر ، صدراعظم ښاغلی محمد هاشم میوندوال او د ملی دفاع وزیر ستر جنرال خان محمد د ملوکانه ذات سره وو ، دسهار په ۹ نیمو بجو د مقر د ولارو او بو د تطبیقاتو سیمی ته ورسیدل او د شاهانه اردو د جنرالانو او دراکت د قواو د منصبدارانو له خوا یی استقبال وشو .

همایونی اعلیٰ حضرت د جنرالانو او منصبدارانو سره خاصه مهربانی وکړه او پس له هغه یی تطبیقات وکتل .

تطبیقات په ښه شان او د مرتب پلان سره سم اجرا شول او د دفاع هواری شوی راکتونه په هوایی ښو بانندی پوره ولگیدل .

شاهانه ذات د راکتونو د تطبیقاتو او انداخت له جریان څخه خوښی ښکاره کړه .

اوپه آخر کښی یی د دغه موفقیت په نسبت د خپل شاهانه رضائیت مراتب د ملی دفاع وزیر ستر جنرال خان محمد او دراکت د قواو منصبدارانو ته څرگند کړل .

د دی تطبیقات ، مفصل جریان او د هغه راپور تاژ د فوتوگانو سره په راتلونکی شماره کښی ښاغلو لوستونکو ته ، وړاندی کوو .

دستگاه‌های جدید

افتتاح ورکشاپ‌های پلچرخی که با مراسم خاصی صورت گرفت، اثرات عمیقی بر روحیه هر فرد وطن دوست و آرزو مند ترقی و تعالی کشور بر جای میگذارد، صرف نظر از موضوع تعمیرات مودرن و قشنگی که بر زیبایی و آبادی این قسمت می‌افزاید، چیزی که از لحاظ کیفیت خویش‌داری اهمیت است، همان دستگاه‌ها و تاسیسات تکنیکی است که با روحیه زمان و تکنولوژی عصر جدید هم آهنگی دارد، امروز هیچ کشوری قادر نیست با گام‌های اشتري، قافله را کت و اسپونتيك را تعقيب کند و هیچ اردونی در جهان نمیتواند در برابر سلاح و وسائط جدید از تخنيك و تخنيك كهنه و ديرينه استفاده کند.

مورال قوی و معنویات عالی نقش برجسته‌ای در مبارزات یکفوم دارد اما دلیر ترین فرد انسان بدون اسلحه موثر، بمقابل ترسوترين آدم مسلح، کاری از پيش برده نخواهد توانست، این واقعیت‌ها است که ملت‌ها را وادار به تقویت نیروی دفاعی و تحکیم قدرت شان میسازد، اردوی افغانستان، باین حقایق، ملتفت و آشنا است طرح و تاسیس و بکار انداختن دستگاه‌های جدید ورکشاپ‌های پلچرخی قدم بزرگ و مهمی است که در راه رفع نیاز مندیهای اردو برداشته میشود و مبنای دفاعی ما را تقویت می‌بخشد این تاسیسات همانطور که در خطابۀ والاحضرت افخم شهزاده احمد شاه بدان اشاره شد متناسب با تکنولوژی عصر ما است و ما یقین داریم، استفاده از چنین دستگاه‌ها بدست جوانان اردو و بلند بردن عظمت و قدرت اردو، کاریست که بموقع آن آغاز شده و بموقع از آن بهره برداری خواهد شد.

افغانستان با توجه بموقعیت مهمی که در این گوشه دنیا دارد راه سرنوشت درخشان و سیرانکشافی خویش را برهبری شخص اول مملکت اعنی اعلیحضرت معظم همایونی بادرایت و بیداری می‌پیماید و امیدواریم ساختمان این قبیل دستگاه‌های جدید فتح بایی برای ترقیات مملکت و تقویت بنیه دفاعی کشور در آینده باشد.

پالا حضرت شهنزاده احمد شاه

ورکشایهای پلچرخي را افتتاح فرمودند

های جهان در صحنه پر آشوب زندگی اجتماعی بمونی بسته است و تنها مردم و ملی در دنیای آشفته ماحق زندگی دارند که قوی و مقتدر باشند ضعیف بودن نشانه بدبختی و انحطاط است بنابراین باید با تمام قوا و با تمام نیرو بکوشیم که مطابق با شرایط عصر و زمان پیش برویم و قدرت و قوت را مترادف با تکنولوژی معاصر بچنگ آوریم .

تحولات سریع و عمیقی که در رشته های مختلف حیات اجتماعی ، سیاسی و بالخاصه اردوی مملکت رخ میدهد غرق نشاط و سرور میگردد امروز هر شخص منور و باخبر از جریانات جهان، بخوبی میداند که ملت عاجز در سایه قدرت ملی و جز در پرتو مساعی و فداکاری فرزندان خویش دیگر از هیچ راهی بسر منزل مقصود نخواهند سید، امروز مقدرات کشور

بروز ۲۷ جوزا ۱۳۴۶ مراسم باشکوه افتتاح ورکشایهای پلچرخي صورت گرفت مهمانان و ذواتی که از جریان این مراسم ، باز دید بعمل آوردند در تاریخ زندگی خویش خاطره پر هیجان این روز بزرگ را هرگز فراموش نخواهند کرد هر فرد این کشور که به عظمت و افتخارات مملکتش علاقه و دلچسپی دارد از مشاهده کارروائیها و نهضت ها و



والاحضرت افخم شهنزاده احمدشاه حین ایراد بیانیه در موقع افتتاح ورکشایهای پلچرخي



والاحضرت شهزاده احمدشاه و دیگر مدعوین در ادیتوریم حربی پوهنتون

بر روی همین مقصد، افغانستان برهبری پادشاه دنا و خردمند خویش بخوبی پی برده است که بمنظور حفظ کشور و استقلال و عظمت باستانی خویش باید نیروی دفاعی خویش را تحکیم بخشد بموازات این مفکوره پروژه ورکشاپهای پلچرخي که در پیکر دفاعی کشور ما حکم جان را داشت پی ریزی گردید کار ساختمان این پروژه عصری و بزرگ اردو به کشور دوست ما چکوسلواکیا تفویض گردید که با همکاری متخصصین و مهندسين و جوانان افغان و چکوسلواکیا به ساختمان آن پرداخته شد.

پروژه ورکشاپهای پلچرخي شامل ترمیم خاله مرکزی، اکادمی تخنیک، بنوونخی تخنیک و مرکز حفظ و مراقبت مهمات میباشد درین اواخر حربی پوهنتون نیز با موجودیت تعمیرات منظم و تجمیزات مدرن این منطقه که فعلا از احتیاج موسسات مذکور زیاده تر میباشد بمنطقه پلچرخي جاگزين گردیده است پروژه ورکشاپهای پلچرخي از

نگاه ساختمانی و جنبه ضرورت و احتیاجات اردوی شاهانه افغان وهم از لحاظ زیبایی و عصری بودن آن در قطار پروژه های بزرگ و عالی مملکت میباشد که در نوع خویش در داخل مملکت کم نظیر بوده و آینه بس درخشانی را در قسمت تئویت و تحکیم مبانی دفاعی افغانستان عزیز نوید میدهد.

ورکشاپهای پلچرخي بدست والاحضرت شهزاده احمدشاه و بنام خداوند بزرگ به حیث پروژه ایکه در راه انکشاف سالم کشور قدم موثری بر میدارد افتتاح گردید.

در مراسم افتتاح ورکشاپهای پلچرخي والاحضرت شهزاده محمدنادر والاحضرت مارشال شاه ولی خان غازی فاتح کابل، بناغلی عبدالله یفتلی و کیل صدارت و وزیر مشاور، دکتور عبدالظاهر رئیس و لسی جرگه، سناتور عبدالهادی داوی رئیس مشرانو جرگه، بناغلی علی محمد وزیر دربار سلطنتی، ستر جنرال

خان محمد وزیر دفاع ملی بعضی از اعضای کابینه، دگر جنرال غلام فاروق لوی درستیز، جنرال های اردوی شاهانه، بعضی از اعضای ولسی جرگه، بناغلی سلطان احمد پوپل سفیر کبیر افغانی در پراگ، سفیر کبیر چکوسلواکی در کابل، بناغلی جان ریش ناژ معاون وزارت ساختمانی چکوسلواکیا که در راس يك هیئت چکوسلواکی جهت اشتراک در مراسم افتتاح ورکشاپهای پلچرخي به کابل آمده بود نیز اشتراک ورزیده بودند. انجنیر عبدالصمد سلیم وزیر معادن و صنایع قبل از افتتاح ورکشاپها ضمن بیانیه ای چنین گفت:

(وزارت معادن و صنایع به اساس هدایت حکومت از آغاز پروژه، مراقبت تنظیم امور مالی و تطبیق پروژه را بعهده داشته و جای مسرت است که برای بهره برداری دستگاههای مربوطه ورکشاپها یکتعداد جوانان، در چکوسلواکیا تربیه شده و بصف متخصصین درین جا اشغال وظیفه نموده اند.)

(دراثر ارشادات ورهنمائی های اعلیحضرت معظم همایونی و توجه حکومت وقت پروژه بزرگ تخنیکي ورکشاپهای پلچرخي بمنظور استفاده وزارت دفاع ملی امروز آماده افتتاح گردید.)

متعاقب آن یناغلی جان ریش ناژ معاون وزارت ساختمانی چکوسلواکیا درین مراسم گفت: باعث مسرت ما است که این بنا های عصری با ماشین آلات مدرن نتیجه اشتراک مساعی طویل المدت افغانستان و چکوسلواکیا بوده و از اهمیت و پشتکار متخصصین هر دو کشور نمایندگی مینماید.

یناغلی ریش ناژ از اینکه در جریان ساختمان پروژه زمینه تماس بین موسسات افغانی و چکوسلواکیا

مساعدت و دوستی بین هر دو کشور مستحکمتر گردیده اظهار کرد.

یناغلی دوست محمد فضل رئیس پروژه ورکشاپهای پلچرخي ضمن توضیح تاریخچه ساختمان پروژه گفت: پروژه دریک ساحه یکنیم ملیون متر مربع اعمار گردیده و در آن ۲۵۵ نوع ساختمان های اساسی تخنیکي، تدریسی لیلیه، اداری، مکاتب سیورت و شفاخانه ها صورت گرفته است. همچنان در تکمیل پروژه بیست و هفت نوع آلات ثقیله و خفیفه و بصورت اوسط در هر روز هشتاد و دو اجیر، ۸۸۰ عمله فنی، ۱۲۰۰ کارگر عادی و ۳۲ متخصصین اجرای وظیفه کرده است. از سال ۱۳۴۰ این ریاست بکار آغاز و در ظرف این مدت ۱۸۰

محصل را بانتخاب وزارت دفاع ملی جهت تحصیل بخارج اعزام نموده است.

والاحضرت شهزاده احمد شاه ساعت ۹ ونیم قبل از ظهر به محفل افتتاح ورکشاپها تشریف آورده و از طرف انجنیر عبدالصمد سلیم وزیر معادن و صنایع، دگر جنرال غلام فاروق لوی در ستیز، تورن جنرال عبدالرزاق مبونند قوماندان حربی پوهنتون و تورن جنرال عبدالواحد سراج رئیس خدمات تخنیکي از دو و جنرال های اردوی شاهانه پذیرائی گردیدند گار داحترام مراسم تعظیم را ایفا و والاحضرت شهزاده احمد شاه در انیتوریم حربی پوهنتون خطابیة ذیل را ایراد فرمودند:



والاحضرت افخم حین معاينه کانتین پوهنځي توپچی درح، پ

جلالتمآ بان ، مهمانان گرامی ،
حاضرین محترم ! خوشوقتم که
امروزیکی از پروژه های عمده
مملکت را که اساسات و سروی آن
طی پلان پنجساله اول و مراحل تکمیل
آن طی پلان پنجساله دوم سپری
گردیده است افتتاح نمایم . مردم
ما که همواره برای بلند بردن سطح
زندگی خود صرف مساعی می نمایند
متوجه موسساتی اند که ممد تقویه
وضع اقتصادی مملکت باشد. روی
همین منظور ورکشاپهای پل چرخ
به تعقیب فابریکهء حربی که خدمات
قابل قدری را انجام داده بود اعمار
گردید ، که نه تنها برای یکعده
احتیاجات یومیهء تخنیکیی و امور دفاع
ملی ، بلکه برای استفاده شقوق
تخنیکیی و فنی ملکی نیز قابل استفاده

میباشد. درینجا از خدمات خستکی
نایذیر کارکنان افغانی تقدیر مینمایم
که به نیکویی میدانند عصر ما عصر
تکنالوجیست و درین راه ابراز مساعی
دقیق و پیوسته لازم میباشد. ضمناً
از تشریف آوری نمایندگان کشور
دوست چکوسلواکی تشکرات
خویش را ابراز و مراتب قدردانی
مقامات افغانی را از همکاری فنی
متخصصین دولت دوست
چکوسلواکی اظهار می دارم .
بنام خداوند بزرگ این پروژه
را که یک قدم دیگر در راه انکشاف
سالم کشور میباشد افتتاح می کنم .
بعد از ختم بیانات ، والا حضرت
با قطع نوار بالترتیب موسسات آنجا
را با اشتراک دیگر مدعوین مورد
بازدید مفصل قرار دادند .

مشاهدهء تاسیسات مدور چهره
های مهمانان را از شادی و مسرت
لبریز میساخت والا حضرت شهزاده
احمد شاه باقیافهء خورسند و
دلچسپی کامل از تعمیرات و دستگاه
های مختلف ورکشاپها دیدن
می فرمودند و کارهای عملی کارکنان
ورکشاپها را با دقت خاصی مورد
بازدید قرار میدادند ابتدا اکادمی
تخنیکیی حربی را دیدند در ساخانه
های مسلکی مخابره یکمودل تانک
که از مواد مصنوعی ساخته شده
و بداخل آن یکراديو ترانزیستور
کوچک تعبیه شده بود به والا حضرت
شهزاده احمد شاه طور یادگار
اهداء گردید و الا حضرت افخم آنرا
با اظهار لطف و تشکر قبول فرمودند.
(بقیه در صفحه ۷۷)



تعمیر قرارگاه سینمای حربی بوھنتون

پلیس و وظیفه

اثر یقتملی

آنچه را امروز برشتهٔ تحریر می‌آرم حکایتی است از چند روز پیش، در معبر عمومی و یکی از جاده‌های اساسی پایتخت کابل. شاید زمان و موقعیت کنونی اجازه ندهد تا آنچه را دیدم و شنیدم کلمه به کلمه بر زبان قلم بنهم و یا افسانهٔ مکمل آنرا بمطالعه دوستان اردو بگذارم. اما آنچه می‌باید نوشت و باید گفت در اینجا مختصراً تقدیم می‌شود.

وستایش همه را بخود جلب نموده پیوند معنوی بین خود و دیگران بوجود می‌آورد.

پولیس باید قانون را طوریکه با وسپاریده شده است اجرا و در تطبیق آن هیچگاه جنبه‌های شخصی و نفوذی را در نظر نگرفته و هراس بخود راه ندهد، چه یقینی است که عدالت اجتماعی او در تطبیق قانون احترام و تکریم او را بیشتر ساخته و محبوبیت همگان را حاصل میکند و برخلاف از عدهٔ متجاوزین بحقوق دیگران کاسته شده مردم میتوانند از امنیت واقعی برخوردار گردند و در آسایش و آرامی زندگی نمایند. اعمال قدرت پولیس با مصالح اجتماعی همونوا بوده و متقینیم که یادآوری و اشارهٔ کوچک یک پولیس میتواند پیشروی بسا خطرات بزرگ را بگیرد و از وقوع حوادث ناگوار جلوگیری نماید.

خوشبختانه امروز تا اندازهٔ که دیده میشود دستگاه پر از قدرت پولیس کشور وسیع، توانا با نظم و انضباط بوده و اجراءات وظیفوی آنها نیز از نگاه دوربین تماشا کنندگان مستور نیست. باین دلایل و براهین (بقیه در صفحه ۸۵)

و محافل اجتماعی را پر نور و روشن خواهد داشت.

طوریکه می‌بینیم امروز از فضل خدای بزرگ و مراحم شاه جوان ما قوانین موضوعه برای همه بیک نحو اجرا و در برابر مقررات حقوق مرد و زن، بزرگ و کوچک یکسان بوده و همه بان اطاعت کامل دارند درینصورت پولیس نیز باید همه طبقات را بیک چشم بنگرد و تبعیضی میان مردم قایل نشود و بتواند باین روش و اجراءات خود در راه گسترش عدالت اجتماعی گام‌های موثری بردارد.

پولیس در مالک متمدنی و پیشرفت جهان امروزی، همچون قاضی پاکدامن، با جرئت و جسارت تام در برابر هرگونه تجاوزات قانونی ایستادگی نموده و نظم و عدالت رادر کشور خود تأمین میدارد. از همین جاست که تا اندازهٔ زیاد مورد حمایت و توجهٔ مردم بوده همه او را سمبول فداکاری و وظیفه شناسی تلقی میدارند.

زبان پولیس، زبان قانون است و با پیروی از حق و عدالت رسالتی را که قانون به دوش او گذاشته است مجرا و انجام می‌دهد. تحسین

به عقیدهٔ شخصی من که شاید دیگران را نیز همین مفکوره در پیش باشد اظهار باید کرد که: پولیس مجری قانون و سمبول اصلی وظیفه شناسی، نظم و ترتیب امور روزانه است. اگر پولیس بتواند وظیفی را که قانون و تعلیمات مجوزه با وسپاریده است بحسن صورت انجام دهد مورد ستایش عمومی بوده و بر دل همه جای بزرگ و مقام عالی خواهد داشت.

پولیس در ۲۴ ساعت شبانه روزی خود مکلف است تا در جریان وظیفوی با ده‌ها پیش آمد ناگوار و اوضاع ناملایم که ناشی از عدم اطاعت دیگران به قانون و نظامات است مقابل گردیده و در هر حادثه‌ای سیر مقررات را تعقیب و از کانال تعلیمات منحرف نشود.

پولیس را لازم است تا در هر مرحلهٔ ازین حوادث متکی به عدالت اجتماعی و انصاف بوده و کوشش نماید به ندای وجدانش که مستند به براهین و دلایل ثابت و قانون است اجراءات نماید، چه در صورت اجراءات اضولی شمع عدالت اجتماعی رادرین طبقات ملت همیشه فروزان نگهداشته

حرب های مستقبل



منظور از مطالعه کتاب استراتژی اتحاد جماهیر شوروی اینست که برای خواننده محترم در مورد استراتژی حرب مستقبل و طرز استعمال صنعت سلاح های مختلف و دیگر فکتورهای اقتصادی، سیاسی و غیره روشنی انداخته شود. ازینجاست که نظر به اهمیت آن استراتژی عسکری اتحاد شوروی که از طرف تمامی کارشناسان نظامی و سیاسی دول غرب و امریکا عمیقانه تدقیق و تحلیل گردیده است ترجمه و بدسترس خوانندگان گرامی عرضه نمائیم، کتاب مذکور توسط یک هیئت ۱۹ نفری (یک نفر دگر جنرال، دو تون جنرال، ۶ نفر برید جنرال و ۹ نفر دگر وال) به تحت ریاست مارشال سوکولوفسکی حاضر گردیده است.

عقاید و نظریه منقدین و متفکرین امریکا و دول غرب راجع به استراتژی عسکری اتحاد جماهیر شوروی

سودمند را تشکیل مینماید.
در نظر غربیها بیانات کتاب
مارشال سوکولوفسکی ماهیت
حمایه کردن سیاست تصویب شده
رهبران سیاسی اتحاد جماهیر شوروی
رادار را میباشد.

عسکری و سیاسی غرب معلومات
قابل ملاحظه را در مورد پلان های
عسکری و دوکتورین های اتحاد
جماهیر شوروی روشن ساخته است
و بطور خلاصه این اثر برای اشخاص
عسکری و سیاسی ملل غرب یک منبع

۱- صرف نظر از آنکه دنیا
غرب و جامعه ناتورا بافکار و قناعت
های غلط سوق خواهد کرد ولی
باز هم دوکتورین و مفکوره های
مطالب آن قابل تقدیر و اهمیت شده
بوده و برای بسیاری شخصیت های

قناعت سترا تیژیست های اتحاد شوروی پرتسبیکه تصادم يك حرب عمومی مستقبل درین دو بلوک سیستم های مختلف اجتناب نا پذیر خواهد بود و به عقیده اوشان درین تصادم کهیتالزم بیک عاقبت بی نظیری خاتمه خواهد یافت امپریالیست ها حرب را يك واسطه به منظور بتاخیر انداختن سقوط سیستم های خویش که زود ویا دیر بوقوع می پیوند مطالعه میکنند .

در برابر این کمونست ها با ممالک غیر کمونستی سیاست (زیست باهمی مسالمت آمیز) را ترجیح میدهند، فقط هر نوع حرب موضعی که موقیقت و پیروزی های کمونست ها را در اروپا، شرق میانه، مناطقی همالیا و شرق دور عقیم میسازد طبعاً امکان آغاز يك حرب عمومی ذره وی را باسانی و سهولت آماده میسازد، باپیش نهاد اینطور احتمال معذرت که افاده شده در عقب آن شروع حرب رایک شکل مشروع نشان داده و در قبال آن (اختلال کمونست در دنیا را) پنهان میدانند این خصوص در (سترا تیژی عسکری بدین کلمات افاده شده میباشد) ، (حرب زره وی بیک سرعت برق آسا به تمام جهان انتشار خواهد یافت این طور يك تصادم بشکل وزمان سریع ترین باراضی ایالات متحده امریکا انتقال داده خواهد شد برای این منظور راکت های قاره پیما، موشک های رهبری شده، مرمی های کلاه گک انمی که از تحت البحری ها پرتاب میگردد و دیگر سلاح های استراتژیکی را استعمال خواهند کرد، ضرورت وارد ساختن ضربه های نتیجه قطعی را در بالای امریکای شمالی و دول

ناتو و ممالکی که باعمال تجاوز کارانه دول ناتو خدمت مینمایند و انمود میسازد) (يك حرب زره وی، عمومی که با مرمی های رهبری شده و راکت های منزل متوسط پیش برده میشود باید توسط حمایه تعزینات اردوی زمینی اتحاد شوروی، قوت های تکتیک هوایی و قطعات فرود آورده شده هوایی آن باید حمایه شود .)

یکی از اهداف مهم دیگر اتحاد شوروی که در کتاب ذکر شده اینست که توسط قوای بحری اتحاد شوروی قوای بحری ایالات متحده را امجاو منهدم ساختن میباشد .

نویسندگان اتحاد شوروی این حرب را بنام (حرب برق آسا) مسمی نموده اند و در مورد مدافعه هوایی افکارشان درین نقاط زیر متمرکز است .

بدست داشتن هر نوع احتیاط ها را تأکید میکنند به مدافعه ملی و تیت ساختن تاسیسات عنایع اهمیت عمده را توصیه میکنند به منظور مدافعه هوایی اتحاد شوروی راکت های رهبری شده عمده ترین سلاح مدافعه را تشکیل خواهد کرد قبول میدارند سلاح های کنونسیونل را يك عنصر حرب ذره وی تذکر میدهند .

وزیر دفاع ایالات متحده امریکا مطالعات خود را در مورد کتاب مذکور بدین صورت افاده میدارد . (روس هادریره مصمم گردیده اند که يك اردوی ۲-۳ ملیون نفری را در تحت سلاح داشته باشند . به نیروهای زمینی خود اهمیت بزرگ را قایل بوده و ادامه خواهند داد محافظه قدرت محاربوی قوت های کانونسیونل موجود را ترجیح میدهند در برابر این يك حرب مستقبل تنها

بیک شکل دوئل (جنگ و مسابقه تن به تن) ذره وی نی بلسکه به تعقیب این دوئل در میان ضربه های اتمی نیز جای گرفته و بیک شکل حرب طولانی تجلی خواهد کرد عقیده میکنند نظر باین سلاح های کلاسیک در فکر حرب ذره وی به منظور پراساختن و تلافی خالیگاه که از حجم سلاح های ذره وی به میدان می آید به قطعات زمینی احتیاج حس شده و در عین زمان کسب اهمیت مینماید این ملاحظات است که آنها را وادار به مسلح ساختن اردوهای زمینی توسط سلاح های اتمی میسازد و آنها را دوباره بفکر استعمال نیروهای کلاسیک سوق مینماید .

مکنامار او زبرد دفاع ایالات متحده امریکا از خواندن (سترا تیژی عسکری) شوروی باین انتباه میرسند که نویسندگان کتاب مذکور قدرت امحای سلاح های اتمی را بیک شکل درست و صحیح تقدیر و تشخیص کرده نوانسته اند .

علاوتاً مکنامار ادامه میدهد که روسها برین عقیده اند تا تکتیک کونسائتره کردن نیروهای خود را ترك نداده و به آن اصرار دارند و نظریه این اساس معتقداند که يك حرب هستوی سراپا بیک حرب طولانی کنوانسیونل تحول خواهد یافت وهم فرض و تخمین می نمایند که در زمان آغاز حرب يك قسم عظیم و بزرگ سلاح های اتمی و احتیاط های اتمی خویش را که مورد استعمال قرار خواهند داد .

به نتیجه قطعی مؤثر واقع خواهند شد . نظر به عقاید روسها تنها طریقی که متعاقب این صفحه حرب ممالک مقدار کافی سلاح های کنوانسیونل باشد در حرب پیروز خواهد گشت .

اما برخلاف عقاید روسهاستراتژی ایالات متحده امریکا بیک فکر دیگر استناد ورزیده و زیادتر متعایل است که حرب برق آسانی رایک حرب کنوانسیونل که بزمان طولانی ادامه یابد تعقیب نخواهد کرد.

مکنامارا اشاره نموده میگوید (اتحاد جماهیر شوروی بمرور زمان به طرز تفکر ما توافق نظر کرده و بدین وسیله در ابتدا به ضرورت تجدید استعمال سلاح های هستوی معتقد گردیده و بفسکر خاتمه بخشیدن حرب یا مذاکرات متقابل و اصل میشوند نظر به عقاید متفکرین و مبصرین ایالات متحده امریکا (ستراتیژی عسکری) به نقاط آتی تماس میگردد.

— بر اساس نظریه روسها اردوهای دشمن در جبهه بقدر ممکنه بیک عمق کم در برابر همدیگر موقع اشغال خواهند کرد.

— تخریب و انهدام نیروهای مسلح دشمن مراکز صنایع آن قدرت اقتصادی و نیروی سیاسی دشمن توسط سلاح های ذره وی در تعیین وثبیت نتیجه حرب بیک رول عمده و بزرگی رادار خواهد بود.

— در اروپا در حرب مستقبل تاسیس کردن بیک خط جبهه معین مشکل به نظر میرسد ازین جهت جنگ در طول بیک خط جبهه جریان نخواهد یافت.

ضربه های مرگبار اتمی اتحاد شوروی در بیک آن واحد در نقاط متعدد بالای تجمعات نیروهای مسلح غربیها تاسیسات عسکری و هر نوع مواضع وثاسیسات دیگر بیکه وصف اهداف اتمی باشند و در بالای نقاط ومحلات که قرار گدهای بزرگ ناتو *Nato* در آن جاها قرار دارند وارد کرده خواهد شد.

متعاقب این حرب را اردوهای ذره دار ادامه خواهند داد و قطعات مذکور بیک سرعت بلند و بلاانقطاع بیک عمق بزرگ پیش خواهند رفت مقاومت های غرب که در اراضی عقبی اینها ادامه دارد و قطعات پارچه شده اینها توسط نیروها و صنوف دیگر بیکه اردوهای زره دار را تعقیب میدارند منهدم و بر طرف ساخته میشوند.

از نتایج مطالب فوق مطالعه و مشاهده مکنامارا بدین صورت خلاصه شده میتواند.

قناعتم بر اینست که (ضربه های اصلی اتحاد شوروی متوجه اهداف محلات مسکون قطعه امریکا خواهد بود فقط این مطالعه طور بیک تصور تنها بوضعیت های موجوده همان آن اهداف متحد آ تابع همان وضعیت است نظریه تغییر و تبدیل شدن هر آن تاسیسات تحول یافتن این را هم انتظار داشتن از ایجابات است در استقبال اجرای

این گونه تعرضات زیاده تر احتمال متوجه شدن در بالای تاسیسات عسکری دارد ولی با این هم تخمین نمودن طرز جریان حرب هستوی مستقبل بسیار مشکل به نظر میرسد بیک خصوص که فهمیده میشود اینست اتحاد شوروی در حرب اتمی مستقبل در بالای اهداف مراکز صنایع و حکومت تخریب نیرو و قدرت عسکری تعرض خصم بعمل خواهد آورد. بدین شکل بیک تشبیه راه را برای بیک حرکت بالمثل امریکا باز خواهد کرد فقط طرز حرکت عقل سلیم اینست که طرفین از حرب اتمی وحشت ناک و مرگبار که در صورت بروز هر دو طرف نابود خواهند شد اجتناب ورزند مادر صورت متحرک ساختن تاسیسات و قوت های خود را که نوه را تشکیل میدهد. روسها را ازین گونه بیک تشبیه باز داشته میتوانیم برای آنها بیک راه معقول را باز گذاشته میتوانیم ناتمام

بستی در اخلاق و کردار نه تنها وجدان آدمی را می خشکاند ، بلکه عقل و هوش را نیز از راه خود منحرف می سازد - رفتار صحیح بارو بیت صحیح حقیقت بستگی دارد .
(کولتون)
در محفلی از مردمان خشن بیک احساس کریمانه غوغائی بپا می کند . در گبرو دار کار زار هر دو طرف بیک عمل قهرمانی را می ستایند .
(سرپ - سیدنی)

تربیه بدنی، اهداف و اشکال آن

تتبع و نگارش عبد القدیر خلیق

دگروال ارکان حرب

هوا، رطوبت بلندجوی و یا خود کمی آکسیجن خیلی هامهم می باشد قدرت و ظرفیت کنار و قابلیت های مجار بوی پرسونل حربی منحصر به مقاومت جسمانی و متناسب بودن وضع بدنی آنها بوده به هر قوه که درین حصه یعنی داشتن اندام متناسب و مقاومت قوای جسمانی خوب، بهتر می باشد به همان پیمانانه در انجام وظائف مجار بوی خود ها موفق و کامیاب میگردند. در تعلیم و تربیه بدنی و بهبودی وضع جسمانی افراد عسکری باید که در *(Character)* و شکل مجارباتی را که اجرا مینمایند مدنظر قرار داده شود و اینهم ناگفته نماند که فشار جسمانی که در بالای یکنفر هوا باز می آید نسبت به فشاریکه بالای یک نفر تانکیست *(Tanksman)* یک فرد تحت البحری و یا خود نفر راکت می آید از همدیگر متفاوت می باشد. پس از همین نقطه نظر است که احتیاج و ضرورت اتخاذ میتودهای خصوصی تعلیم و تربیه بدنی برای افراد صنوف مختلفه هوایی، بری و بحری به میدان می آید همچنان صنوف مختلفه اردو یعنی قوای زمینی نیز متضمن داشتن میتودهای مختلفه تعلیم و تربیه بدنی می باشد. زیرا اهداف، اشکال و وسائل تربیه بدنی صنوف مختلفه قوای مسلح مختلف و متفاوت میباشد. پیلوت ها و هو انوردان جهت کسب قابلیت های بدنی که بتواند اوشان را در اجرای وظائف محوله

شمول راکت ها و اسلحه اتومی در زمره اسلحه قوای مسلح معالک مختلفه جهان قدرت ضربه وی و آتش قوای زمینی و بحری را دوازده مثل بلندبرده و بدینصورت تاکتیک حرب مودرن را بشکل قابل ملاحظه تغییر داده است. لکن در مقابل همچو اکتشافات مجیر العقول سوالی درمخبطه هر فرد جهان خطور مینماید که راجع به انسان و قوه انسانی چه تحولی رونما خواهد شد آیا رول قوای انسانی در مجاربه بمقابل اینهمه اسلحه، وسائط و ترتیبات های بس ماهرانه و دقیق تقلیل نیافته است؟

در جواب چنین سوال پاسخی که داده شده و میشود منفی بوده زیرا هنوز هم عساکر و افراد در مجاربات امروزی رول قابل ملاحظه را دارا می باشند گویا تعیین سرنوشت حرب هنوز هم مربوط به نوك برجه عساکر بوده و یا خود عبارته دیگر معرفی گردیدن و داخل شدن وسائط و تانک؛ یک جدید نتوانسته است که قیمت فکتور انسانی را از بین ببرد. بلکه برعکس قیمت قوای انسانی بیشتر شده رفته و این احتیاج مبرم انسانی نه تنها از نگاه قابلیت های تعلیم و تربیه تخنیکی و قدرت مجار به وی اش بوده بلکه اوصاف جسمانی و سیالیست او در کار نیز از زمره فکتورهای قابل ملاحظه محسوب می گردد.

مشاهدات تطبیقاتهای تاکتیکی تحمل عمومی قوای جسمانی را که از طرف منسوبین عسکری در اننای رفتارها و مارشهای طولانی و درین تانکها و زرهپوش نشان داده میشود به منصب امتحان و آزمایش قرار داده و از همچو مشاهدات بر می آید که تا چه حدی پرسونل قوای ما منحیث قبول زحمات و مشقات جسمانی حاضر

و آماده حربی میباشد که این اوصاف را از آنها بدرجه اولی طالب می باشد. چنانچه پریکتس *(Practice)* و مشق و تمریناتیکه در انداخت و فیر اسلحه تانک و زرهپوش ها بعد از یک رفتار طولانی و دوامدار به عمل آمده است، بمشاهده رسیده که مرتبات و عمله یک تانکی که جسماً قوی و خوب تعلیم و تربیه دیده است در انداختی که اجراء نموده اند، درجه صحت اصابت آنها در حدود (۱۲ - ۱۰) فیصد نسبت به انداخت های نورمال خرابتر بوده در حالیکه نتیجه مرتباتیکه جسماً ضعیف بوده اند در حدود (۴۰ - ۳۵) فیصد خرابتر از نورمال بمشاهده رسیده است درینجا لازم است علاوه گردد که گروپ اولی برای رفع خستگی و ذله گی و اعاده مجدد قوای جسمانی و قابلیت مجار بوی وقت کمی را بکار داشته در حالیکه گروپ دومی برای ایفای عین مرام وقت بس زیادی را ضرورت داشته است.

مناسب و خوب بودن وضع جسمانی در اننای تطبیقاتهای تاکتیکی در حالات تحول آنی درجه حرارت فشار اتماسفیر *Atmosphere* یعنی

شان موفق گرداند لازم است آنها گاز خوردن های عمودی خیز بالای جال و چرخ های جمناستیک ثابت و آزاد را اجرا نموده علاوه بر دایوهای *Dives* تخته بلندترین ، جمناستیک و افتادن ها را اجرا دارند و هم برای پیدا نمودن تحمل به مقابل فشارهای بزرگ و دوامدار لازم است تریه بدنی سیستماتیک (*Systematic*) را اجرا نمود تا بدین طریق عضلات بطنی و تنفس عمیق صدری بعمل آید .

افراد قوای بحری هدف های خصوصی دیگری را در تعلیم و تریه بدنی خود ها دارا می باشند که برای ایفای آن مرام ها پرسونل کروزر های جنگی روی آب را لازم است تا در پرتو تعلیم و تریه بدنی صاحب اوصاف و قابلیت گردند تا بتوانند در اوقات و زمانهای لازمه آن عکس العمل آنی را برای ادای وظیفه از خود نشان دهند گویا برای پرسونل قوای بحری داشتن يك قوه جسمانی خوب ، قابلیت های عالی شناوری و کشتی رانی (بواسطه بیلچه ها) ، فعالیت نمودن در تحت شرایط گوناگون اعم از جوی و همچنان در زیر آب و روی آب .
تعلیمات و مشق های تمریناتی مخصوص وجود دارد که انسان را در مقابل فکتور های نامساعد ذیل قوه تحملیه میدهد که آنها عبارتند از تحمل به مقابل حرارت و برودت از حد زیاد ، مقاومت در برابر تحولات آنی درجات حرارت ، ایستادگی در مقابل هواهای مختلف الکثافت ، و هواهاییکه متعاقباً در تحول باشد . علاوه بر پرسونلیکه در تحت البحری ها ایفای وظیفه میدارند با داشتن اوصاف پرسونل بحری باید دارای اوصاف اضافگی حوصله و تحمل در مقابل پیش آمد های گوناگون ، ذکا و فکر رسا و نیز ادامه کار و فعالیت در طول سفرهای

طولانی و دوامدار ، اعاده نمودن مجدد و فوری قوای ذائل شده بواسطه وسایل تفریحی و غیره را دارا باید بود .

نفر های نازک و یا خود بعبارة دیگر تانکیست ها احتیاج اولی را به داشتن يك قوه تحملیه عالی و قابلیت غلبه یافتن بر موانع و مقاومت در مقابل مرض هائیکه برابر حرکت عرض اندام مینماید دارا میباشد پرسونلهای را دارا ها و یونلهای مخا بزه ضرورت به قوه تحملیه ، سرعت حرکت نشان دادن عکس العمل آنی و نیز قابلیت داشتن تحمل به مقابل فشارهای دوامدار محلی ، وقت ، سرعت و صحت وی رکتیونیهای (*Reactions*) جوابیه ، داشتن ظرفیت کار کافی و مقاومت عالی در مقابل فکتورها و عوامل نامساعد در تحت شرایط کار و ساعات مساعی را در برابر آلات حساس و مهم دارا باید بود .

تعلیم و تریه افراد عسکری مورال و اراده و عزم قوی آنها نیز از اوصاف ایست که اوشان را در اجرای وظایف شان موفق میسازد بسی ازین اوصاف در طول جریان کورسهای تریه بدنی انکشاف داده میشود . و از همین نقطه نظر است که ثابت بودن و محکمگی احساسات و پسیکولوژی (*Psychology*) یعنی روحیاتی جرأت و عزم و اراده قوی در خلال تطبیقات های که شامل عناصر تهلیکه و خطر می باشد انکشاف داده میشود این تطبیقات ها و تمرینات محتوی حرکت نمودن در بالای نقاط مرتفع و کم استناد ، خیز زدن ها از بالای موانع عریض و عمیق ، تمرینات در بالای سامان جمناستیک با شمول متوازه ، خرك ، گاز ، موانع ، تخته های دایو نمودن (*Dive*) ، پایان شدن و خیز در انشای سکی خوردن و غیره میباشد سپورتها ، بوکسنگها (*Boxing*)

تمامی اشکال مختلفه پهلوانی ، دویدن ها بغرض آشنا ساختن به اراضی و نشان دادن عمل و فعالیت در مقابل هر گونه اوامر و اشارات انسان را برای استحصال هر گونه هدف در اراضی تعلیم و تریه می نماید . انواع مختلفه تریه بدنی که در آن بازیهای اتلتیک (*atletic*) و حرکاتی که شامل فشار جسمانی و صرف قوای جسمی و دماغی باشد ، و هم مسابقاتیکه درین نوع بازی ها بین مسابقه کنندگان اجرا می شود اعتماد بنفس را در آنها تنمیه و تقویه میدارد خلاصه بدون خوف از اینکه در گفتار ما مبالغه نشود ، میتوان اظهار کرد که تریه بدنی یکی از میتود های مهم و اساسی تریه نمودن اراده و عزم انسانی بشمار میرود .

درین اوآخر يك اثر و تعلیماتمه جدید تریه بدنی در اردوی شوروی نشر گردیده که در آن به عموم قوماندانان قوای مسلح توصیه گردیده است تا اوشان انواع مختلفه میتود های تریه بدنی را برای بلند بردن قدرت و کفایت محاربوی آن ها ، استعمال و تطبیق نماید .

در تعلیماتمه فوق الذکر اهدافیکه از تعلیم و تریه بدنی مراد و مقصود است قرار ذیل می باشد :-

- انکشاف قوه تحملیه و تنمیه صبر و حوصله در برابر مشقات و مشکلات و وظیفه وی .

- بلند بردن قوت و انرژی افراد و منسوبین اردو .

- توئید سرعت و چالاکی در اجرای اوامر و وظایف از طرف آنانیکه در دستگاه فعالیت عسکری ایفای وظیفه میدارند .

- پیدا نمودن و استحصال مهارت برای غلبه یافتن بر موانع .

- آموختن تکنیک ها و چالهای محاربات تن به تن و یا خود مجادله های مشت و یخن .

— سکی خوردن و آب بازی را
آموختن و درین‌ها ملکه و مهارت را
حاصل نمودن .

همچنان فراموش نباید کرد که
تنمیه و تقویۀ روحیه عزم و اراده
جسارت استقلالیت حرکت ، اعتماد
بنفس ، حس همکاری و مساعی مشترک
باهم‌دیگر و احساس رفاقت در پرتو
تربیۀ بدنی بدست آمده اینکار نه تنها
بنیه افراد و منسوبین عسکری را تقویه
می نماید بلکه در ایجاد اوصاف
فوق‌الذکر نیز رول بس ارزنده
را دارا می باشد .

فارم و شکل اساسی تربیه بدنی
در اردو های مدرن دنیا در هفته
سه روز در محضر تها می پرسونل قطعه
اجرا می شود در برخی از قطعات این
تربیه بدنی در هفته دوروز اجرا شده
و درس مذکور یک ساعت دوام می کند
درس سکی خوردن دو ساعت را دربر
می گیرد .

وقت زیادی در قطعات در تعلیمات
بدنی صبحانه که ۳۰ : ۲۰ دقیقه را
در هوای آزادی می گیرد ، به خرج داده
می شود و اینکار به استثنای روز های
رخصتی در طول هفته بلا وقفه جریان
می کند که بدین حساب هیئت عمومی
ساعت مساعی درین راه تقریباً ۲ و نیم
ساعت را احتوا می نماید . درس های
تربیه بدنی بصورت تدریجی پیش برده
شده و متدرجاً تقویه می گردد و هم
از طرف دیگر از نگاه مشکلی سخت‌تر
و طاقت فرسا تر شده می رود .

در تعلیمات بدنی صبحانه چهار
شکل مختلف وجود دارد که اولی آن
عبارت از ادمان های آزاد ، دومی
مشق هائیکه در بالای وسائل و وسائیل
جمعناستیکی اجرا می شود شکل سوم
عبارت از خیز از موانع مختلفه و
چهارمی عبارت از راه رفتن های تیز
و دویدن ها در بالای اراضی می باشد
هر شکل مختلف تعلیمات بدنی صبحانه
با استثنای چهارمی آن تماماً انسان

را به دویدن های دوامدار تا به ۱۰۰۰
متر حاضر و آماده می سازد مگر شکل
چهارمی آن که عبارت از قدم زدن ها
و دویدن ها تا به ۴ کیلومتری و دویدن
های بالای اراضی تا به ۳ کیلومتر میباشد
انسان را برای رفتارهای جبری و شاقه
که یکی از ایجابات حربهای مدرن
است مهیامی گرداند افراد عسکری
که در سپورتهای اتلتیک حائز
درجه اولی میباشند برای گرفتن لقب
ماستری سپورت خود را کاندید
می نمایند و هم اینگونه اشخاص به
اجازۀ قوماندان یونت تعلیمات بدنی
صبحانه خودها را اجرا می دارند که
این مشق ها در زمان های معینه بحال
انفرادی و با خود در داخل گروپ
اتلتیک ها اجرا می شود .

افراد عسکری در تحت شرائط
مخصوصی تعلیم و تربیه اضافگی داده
می شوند که این حالات و شرائط
مخصوصی عبارتند از مسافرت های
دوامدار و طولانی بواسطۀ وسائل و
وسائیل نقلیه مختلفه از قبیل موتر ،
طیاره ، هلی کوپتر ، کشتی و تعلیمات
دوامداریکه در بالای آلات و سامان
متنوعه اجرا می گردد ، بوده و
تعلیمات مذکور آنها را برای ایفای
وظائف محوله شان مقتدر می سازد .
سیستم تربیه بدنی سپورتهای مختلفه
را احتوا نموده و در هفته ۶ و ۷ ساعت

برای آن تخصیص داده شده است .
این ساعات تعیین شده در دلگی ها و
سپورتهای اجتماعی . انواع مختلفه
بمسابقات اتلتیک خاصه اشکالیکه در زمان
های مجاربه و مجاربات مختلفه تن به تن
و غیره مورد استفاده قرار داده شده
می تواند و همچنان یک سلسله تعلیمات
های تربیه بدنی و عسکری را احتوا
مینماید بمصرف رسانیده می شود .
در پرتو انکشاف قوه جسمانی
عساکر یعنی در خلال بلند بردن قوه
تحملیه آنها ، قوماندانها استعداد و
قابلیت مجاربوی آنها را نیز بلند میبرند
و نیز در اخیر میتوان گفت که تعلیم
و تربیه بدنی برای قطعات اردو خیلی
ها مهم بوده و یکی از عناصر عمده و
اساسی تعلیم و تربیه و رسانیدن قطعات
بشمار میرود . و این نقطه بارز و جاندار
را نیز نباید فراموش کرد که سپورتهای
و تربیه بدنی وجودهای سالمی را که
دارای اورگانها ، خون ، عضله و
استخوان سالم باشد بار آورده در عدم
موجودیت آن ممکن است بسا قسمت
های وجود انسان به نسبت عدم رسیدن
خون کافی که ماده حیاتی وجود
بیشمار میرود فلج گردیده و از فعالیت
بمز ماند و به اصطلاح دیگر قبل از
جوان شدن لباس پیری کهولت را
در بر نموده و مصدر خدمات قابل
قدری نگردند . « ختم »

هر اشتغال پستی ، آدمی را در انجام آن تند
و تیز و در انجام چیزهای دیگر کند می کند .

(سرب رسیدنی)

قانون از تعادل نیروهاست که بنا بر آن چون
آدمی در دریا غرق شود از حد معینی پایین تر
نمیرود ولی در اقیانوس پستی و دیانت ، هر چه
پایین تر رویم ، قوت رفتن آسانتر می شود .

(ج. ر. لاول)

پرابله‌های امروز و حروب

ضروریات

نویسنده: تورن جنرال سوشکوف
از اتحاد جماهیر شوروی

مترجم:
ملا جان پشتونجار

در تاریخ بشر حربها به اقسام مختلف ثبت گردیده تاثير آن در انظار ایديالوژهای امپریالیزم ثابت شده که سابقاً حربها وجود داشتند و دوام خواهند نمود، البته دوام آن عاقبت ناگوار دارد. حربها تنها با اجتماع انجمن‌های مختلف و با تظاهر کشورها، اردو و همچنان وسایط تسلیحات و مالز مه‌های محار بوی به مقاصد خصوصى و بیک ستيژ معین در پیشرفت بشریت

طبقات آرزوهای سیاسى معین دو گانه (صلح و یا حرب) را تعقیب و ادامه میدهد. ازینرو برای دانستن کرکتر حرب لازم است تا اسباب آنرا درک و طبقاتیکه این را تکان میدهد بحسن صورت تشخیص گردد! در یک جمعیت بین طبقات، رقیب و مخالف موجود است و یا خیر! از موضوع خارج است آیا بمقابل مردم فعال اتحاد شوروی احضارات آرزوهای تمام سکشنهای انجمنهای برطانوی یا امریکائی سیاست تسلیحات نمایشی گفته شده بود؟ نه خیر! اقراً اینچنین نبود بلکه بیک طبقه بورزیوس در برطانیا، جرمنی، فرانسه منحصر بوده است، اضلاع متحده و جاپان که قوای خویش را جهت مجاهده با تحت فشار آوردن طبقات کارگر درجه اول جهان فرستاده بودند تا به طبقه کارگر و ده‌ها قین درین ممالک و پاساير آن اذیت بدهند.

مشال دیگر در امریکا تطبیق میشود که آنهم حمله بمقابل مردم و تنام

خارجی یک کشور تنزاهر دانه بود و هم موفق شد تا ارتباط عضوی بین سیاست و اقتصاد را مشاهده بدارد. او تصدیق نکرد که طبقات مظلوم و ستم‌دیده در حربها مقابل استثماريون شان یک سیاست خویشتن را تعقیب نمود، بلکه برای حربهای ملی مردم مقابل طبقات ظالم و کشورهای شان اینها تحت تعریف حرب کنوزویچ بکلی نیامدند.

تعریف حرب لنینی

Marxist Leninist

بسیار عمیق و سنگین است و از نقطه نظر سیانس حقیقت مطلق دارد! لنین درباره حرب گفت: «حرب یکی از قارمهای مبارزات سیاسى بین طبقات میباشد و کشورها است، تمام حربها دوام سیاست قدرتهای مربوط و طبقات مختلف داخلی آن میباشد»

سیاست چیست؟ سیاست بین طبقات و لنینها و ولایات تاسیس مناسبات میباشد. کافیه مناسبات سیاسى در کشورها و ملتها قاعدتاً بنامبات توده میباشد.

و ارتقای آن آغاز می‌گردد. حربها تنها برای کشتن و گمراهی ابدی و بصورت محقق برای خاتمه حیات انجمنهای بشری و ازین بردن مدنیت و حیات مسعود باعث می‌گردد.

حرب دوام سیاست است:

حرب بصورت دوامدار با سیاست تحدید می‌گردد، این مفکوره برای نخستین دفعه از طرف اعضای طبقه متوسط بورزیوس Bourgeois و محررانظامی کلاوزویچ Clausewitz توضیح شده که «حرب دوام سیاست است. با وسایط موثر» لنین V.I. Lenin این فورمول را خیلی عالی دانسته و هم ایضاح ضروریات و وسایط را در قارم عمومی درست و انمود ساخته است بيمورد نخواهد بود که بین تعبیر حرب لنین (Marxist) و تناظر کلاوزویچ بیک اشاره مساوی بگذاریم مهم این است که کلاوزویچ به سیانیت عقیده کامل دارد از آنرو و اختلاف طبیعی سیاسى را تکذیب میدارد. حرب را کلاوزویچ بعضاً لنینیتر تعقیب سیاست

است، آیا این حرب مدهش کدام پالیسی ملی طبقات عالی را انعکاس خواهد داد؟

فرهانی! باز هم حرب توسط استثمار یون و امپریالیست هایکه در اتازونی حکمرانی مینمایند انفلاق خواهد نمود. درین پالیسی افراد کارگر امریکائی شامل نیستند بلکه آنها بیش از پیش مقابل این پالیسی مستبدانه کشور امریکا پروتست شدید مینمایند و علاوه میدارند که اینها اشخاص متمول (میلونر و ملیاردرها) را ترغیب و دعوت میدارند.

علاوه برین پالیسی داخلی و خارجی یک کشور نباید از طرف یکدیگر تقبیح گردد، سیاست داخلی و خارجی بصورت محقق دارای دو جنبه سیاست معین برای تفهیم اساسی و سمع آرزو های طبقه مقننه (یا اراد داخلی در یک انجمن سوسیالستی) میباشد.

کرکتر سیاست خارجی مانند یک قانون است که از پالیسی داخلی بمیدان میآید که آنها تعایمات مستقیم طبقه طبیعی کشور است. علت این است که حرب بسیارتر از پالیسی داخلی انعکاس مینماید که مملکت آنرا قبل از حرب تعقیب میدارد، کشور های امپریالیستی به اشخاص ملیونر و ملیاردرها خیلی اطاعت دارند ازینرو یک سیاست مستبدانه را در کشور خویش و هم عین پالیسی که امپریالیست ها بالای افراد و سائر کشورها نیز ادامه میدهند. و قنا که اینها توسط جستجوی وسایط حرب و تسلیحات پیشرفت را مد نظر دارند و افراد کارگر را آزمایش مینمایند این ممکن است پس چطور کرکتر یک حرب به سیستم داخلی یک مملکت مربوط است، این وضعیت بصورت گرافیکی توسط خریطه اضلاع متحده تنویر گردیده است.

Benjamin Davis یکی از لیدرهای حرکات سیاهپوستان (نگروها) اتازونی

به این مناسبت اشاره نموده گفت: درینجا یک ارتباط نژادی در الاباما *Alabama* بود و آنکه قوای امریکائی دروینتام اجرا نمودند بهر دو صورت یک جنایت بزرگ را در حق افراد بعمل آورد. این جنایت مرا بیشتر مجبور ساخت تا تعریف ضرورت حرب را ذیلاً ایضاح بدارم:

«حرب دوام سیاست های معین کشورها و طبقات معین است بداخل کشور های خود شان توسط سائر وسایط موثر و نیرومند» این تعریف حزبها را بین کشورها و ائتلاف های کشورها میبوشانند حر بهای سویل حز بهای مخالف، حزبها مقابل امپریالیزم توسط ملت هایکه آنها برای آزادی می جنگند و یا اینها به آزادی رسیده میباشند و غیره درین باره تعبیر حقیقی سیاست همان است که حرب را مثل حادثه *Socio Political* حیات اجتماعی تعبیر نموده است، توسط بیولوژی نژادی؛ ژئوپولتیک (جغرافیه سیاسی) و یا فکتور های فزیکو اوژی بحث نشده است پس پروپاگندهای امپریالیست بعدرم توسط طبیعتها و قوانین توسعه جوئی یک حزب مخالف و در تجزیه عمومی واسطه توسعه اقتصاد تصور خواهد داد این سوالی را بمیدان می آورد: تناسب مهم و عمیق بین حرب و اقتصاد چیست؟

اسباب اقتصادی حربها:

فکتور های اقتصادی برای تمرکز بیشتر حرب در انتقال و تحول از طرف جامعه بدوی به سیستم ملکیت واسیر گرفتن محاسبه گردیده است تحولیکه پیشرفت حقیقی در نیروهای سودمند جامعه و تظاهر محصولات اضافی در آن مدلول است این محصولات اضافی در یک جامعه احزاب مخالف و بی اعتدالی بالا و پائین را بار آورده و برای تقویه فوری به نمایش دهندگان احتیاج موجود است

محصولات اضافی توسط استثمار یون اختصاص شده که خود شان مصدر آن میباشند اختصاص محصولات اضافی توسط ممبران حزب قانونی پرنسیب معقول محصول تحت سیستم ملکیت واسیر گرفتن بود این دلیل توسط استثمار ملکیت واسیر گرفتن رسیده که به اسرا از گله های حیوانات بدتر غذا دادند چشمه حیات آنها کوتاه و بسیزی آنها بدون فامیل میزیستند در تولد و تناسل طبیعی قدرت کار کردن (زائیدن) بصورت حقیقی ناممکن بود هجوم ایران بدون چیز وقتی شروع شد که اینها بصورت مخصوص توسط حربها و غلبه سایر ممالک تحت امنیت بودند. اکتشافات سیانس که مبداء حربها در تمام تشکیلات جامعه مخالف اقتصادی (اسیران، مالک الطوائفی و کاپیتالیستها) شاید بصورت ابتدائی فکتور های اقتصادی را تعقیب بدارند که قرناً برای هر کدام تشکیلات مخصوص موجود باشد آنها متبع حربها در زمانهای مودرن مثل امپریالیزم یک تعریف سیستم سیاسی و اقتصادی میباشد مبارزه کاپیتالیستها با پیشوا های بزرگ مانند لینن *V. I. Lenin* که حرب را تعلیم و رهنمائی نموده و برای تجدید کاپیتالیستیک پیشنهادی قیمت داده است مثلاً در حرب دوم جهان شبکه حق الانحصار پیشوا های امریکائی به ۵۵۲۰۰ میلیون دالر بلند رفت همچنان در ۱۹۳۴ و ۳۹ ۱۹۵۰ میلیون دالر بود از حق الانحصار خویش طبقات متوسط نیز منابع مالی و ثروتها را برای احضارات حرب تهیه نموده بودند.

بمیدان آمدن دیپوی سرمایه در ممالک امپریالیست توسعه انحصار کشور کاپیتالیسم و تحکیم فشار انحصاری بر نماینده گان حکومت برای ازدیاد خطر جنگ ذاتی در اقتصاد امپریالیزم توجه بیشتر نمودند درینجا ترکیب

قدرت انحصارات بانجروی کشور در میکائیکه ضعیف برای توسعه انحصارات علویت حرکات آزادی و مبارزه برای آزادی ملی سیستم کاپیتالیست را جلوگیری اما حربهای تجاوز کارانه را تجدید نه نمود (فعالیت های امپریالیست را مانند محرکین در مداخله حربهای ملی و انقلابیون حربهای آزادی را مانع نمود) اینها میکوشند تا حکومتهای انقلابی را از پا انداخته ورژیم های پושالی (دست شانده) را تاسیس بدارند . محافظه نفوذ و اقتدار درین ممالک و بصورت دوامدار غارتگری شان دوام نماید وهم آرزو ندارند تا پیشوایان افسانوی ایشان ضایع گردند! مجاهده امپریالیست ها درین است تا افراد مظلوم را زمان زیاد به قوت خود تحت اسارت و بندگی خویش نگهدارند . طبقه امپریالیست حربهای مستملکه گری را شروع مینمایند اما مردم به حربهای آزادی ملی موجوده با وسایط بدست آورده مبارزه و بمیدان آوردن انقلاب ملی اقدام و تشریفات میدهند چنانچه این وضعیت در خریطه مردم دومینیکا *Dominica* در ویتنام جنوبی و کانگو بمشاهده رسیده و به اثبات رسید که امپریالیست برای صلح و امنیت جهان یک تهدید عظیم است .

زمینه اقتصادی حرب هم چنین بدین طریق کشف و نتیجه غلبه و متار که حرب در دویدن های طولانی توسط فکتورهای اقتصادی دریافت گردیده است توسط سیستم اقتصادی انجمن و سیستم سیاسی ظفر تعلیماتهای اتحاد شوروی در حرب المانهای نازی بالای اقتصاد سوسیالیستی و بالای تولید مناسبات سوسیالیستی اساس عمده را تشکیل نمود . جهت ختم حربها و بر طرف کردن آنها از طرف حیات اجتماعی تعریب منابع اقتصادی حرب لازم و ضروری است ملکیت خصوصی و محصولات مردم منبع حرب اسباب اجتماعی و ملی آنها با ظفر سوسیالیسم بر بالای تسمیعات یک جهان پهناور موقوف خواهد بود !!

مدافعه حرب ذروی .

آیا مناسبت بین حرب و سیاست حرب و اقتصاد در پرنسیب بروز راکتهای ذروی و تهدید گیتی بیک حرب وسیع ذروی تبدیل میشود ؟ درین موضوع رساله های بیشتری از طرف ایدیالوژیست های طبقه امپریالیست بدست آمده و شاید بیش از پیش اکثریت طبقات محررین بدین موضوع تشبث و ایضاحات داده باشد که حرب بدبختیهای طبیعی داشته و بصورت ابدی ازین بدبختیها جلوگیری محال است و حرب را اینها مثل یک جامع در توسعه انجمن یاد آوری نموده اند وهم چنان یک مدار حقیقی و خیلی عالی در مناسبات بین هدف کشورها و مقاصد نقیضه مخالفت سیاسی بین آنها است . این رویه ظلمانی تسلیحات و بی حرمتی یک تصور غلط نظری و بسط نیست بلکه یک پروپاگند خطرناک ستر اتریکی است که برای طرح دوباره پرواز دادن و بمیدان آوردن حرب ذروی همچو یک واسطه پالیسی استبدادی امپریالیستی تصدیق میشود .

ایدیالوژی های ناتو (*Nato*)

میکوشند تا ثابت سازند که تشخیص دو کامپ مقابل حتمی است اما الغای حرب راکتهای ذروی ممکن نیست! این تبدیل موازنه نیروی صحنه های بین المللی در عصر ما نباید با مفهومات حرب ذروی نادیده پنداشته شود! از هراس یک متار که فجیع اینچنین یک حرب و ترس از کیفر معین امپریالیست ها تا متحمل شوند هر گاه اینها بممالک سوسیالیستی تعرض بدارند اغتشاشاتی را در کامپ ایدیالوژی های پیروان امپریالیسم مشاهده خواهند نمود .

بعضی از همجواران از باعث بدبینی زیاد بیک تقدیر عقیده دارند که وقوع یک حرب جهانی رقت بار در دنیای پهناور و غناساختن نژاد عمومی بشر حتمی است و جلوگیری از آن ناممکن میباشد . سایر مناظر جستجوی یک حرب ذروی بصورت

متنوع بوده بخانه که در آن بصورت مقبول زیست میکنم چکش زدن است شرح نخستین این همین بود که به اطراف آن حرف زده شد وهم این مفهوم از طرف *H. Kahn* یک ایدیالوژی با تجربه امپریالیسم امریکائی میدان آمده است .

حینیکه حرب ذروی احضار میگردد این حرب غیر قابل اجتناب بوده در عین زمان ثمره بی مورد این پالیسی غیر مدافع خواهد بود . طبقه قانع این اشکال خصوصی را تفسیر و رونق بیشتری خواهد داد که راکتهای ذروی تغییر اساسی بین حرب و سیاست دارد ، این تغییر اساسی اختلاف قدیمی دارد همچنین بین آنها یک عقیده دارند و یانه فورمولیکه حرب دوام سیاست است با وسایط موثر !!

اقسام مختلف مباحث در حمایت این تهیه شده برای مثال تذکر داده شده که مقاصد جدید حرب یک قدم تطابق سنگین بین سیاست و فعالیت های سلاح مودرن میباشد که نظر باین ارتباط کنترل سیاست را از آن قطع کرده و نظریه داده اند که تنها این یک مفکوره ذی قدرت حرب نیست که بدوام سیاست متعلق باشد بلکه بسیاری فقرات حربها از حربهای با مورد و بی مورد که باید دارای مفهومی باشد موقوف شده است .

بهر صورت اید بالوژی های بورژووس میکوشند تا از تمام نیرنگها و چاره ها استفاده نموده غارتگری را بکلی معدوم سازند . حربهای بیمورد و سیاست مستبدانه امپریالیسم سعی دارند تا دوائر نظامی اتانزونی و بریطانیا را قطع بدارند . مردم فیدرالی المان و سایر ممالک امپریالیست از مسئولیت های کازات و وظایف آنها میکوشند تا یک حرب راکت ذروی را برای قتل عام بشر احضار نمایند . امپریالیست ها میخواهند تا باشندگان ممالک خویش را مورالا و سیاست خلع سلاح بدارند تا آنها را برای حدوث یک حرب آینده گمراه

سازند و اینها عقیده داشته باشند که در نتیجه آنها برای خواهش دریافت قصر زندگی و برای تسلط جهان حرب اجرا نخواهند نمود، بلکه برای حیات بسط خودشان و برای نجات فزونی از فنا و نابود شدن مساعی اجرا خواهند نمود.

طبقات آینده علل اینچنین میبشمارد را همچنین واضح نموده که اینها فریب میخورند، تجاوز کباران امپریالیست پالیسی ارتجاعی خویش را از دست نداده اند، حرب مثل يك واسطه توصل به اهداف طبیعی و هم اعمال و استعمال سلاحهای ذروی شان نیست، این مهم است تا یادداشت گردد که سلاح ذروی موافقت خود شانرا نشان میدهد اینها يك نتیجه بسط تمایل به *To talitarian*

(دولتیکه یکنفر و یا يك هیئت حاکمه در آن کلیه تصدی امور را سردست دارند) در توسعه انجیریههای مودرن نمیباشد، همچنان مدافع امپریالیزم را مردم عقیده خواهند نمود. این پالیسی مستبدانه امپریالیزم بود که سلاحهای دسته جمعی و راکتهای ذروی عرض اندام نموده برای نشان دادن توسعه مسلح ساختن قوای ممالک بلاک اتلانیک شمالی برای وسایط و ملزمه آنها با سیستمهای جدیدترین تسلیحات و دریافت خط سیر تراتیژی ناتو که آنها را برای استعمال سلاح ذروی در اوایل روزهای حرب توصیه و اعلان مینمایند.

بیمورد است تا یاد آور شویم این سیاست استبدادی امپریالیزم تعدید شده بود تا پاسخ مشابه را در فارم مدافعه در بالای پارت مردم صلح دوست اتحاد شوروی و سایر ممالک احضار بدارند.

حرب جهانی باید و نیست جلوگیری گردد!!

سوال ضروری وثابت حرب ذروی بکدام سوال دیگر تبدیل شده خواهد

توانست: گرچه اینچنین حرب مانند يك واسطه سیاسی استعمال میگردد. واضح است که حرب ذروی يك حرب عادی نیست بلکه متضمن تباهی و فناهی و بالاخره از بین بردن حیات لوکس افراد بشر است. یعنی برای ارتقای بعضی معاونتهای طبیعی و مقاصد پیشرفت نبوده بلکه برای متجاوزین نیز بحیث مخرب و کشنده خواهد بود تردیدات نظامی اتحاد شوروی در پرنسیپهای وسایط تشریح تجزیه کردن مخالفت خصوصی و حقیقی عصر حاضر میباشد (مخالفت بین سوسیالیزم و کاپیتالیزم) حرب برای ممالک سوسیالیستی بیگانه بوده اکثر ابعث فجایع روحی میداند صلح حالت اصلی و حقیقی برای پیشرفت سیستم جدید میباشد. مقابله با حرب ذروی توسط ایدیالوژیهای مدافع متفرد امپریالیزم حتمی و ضروری دانسته شده مدافع اتحاد شوروی *Lenin* پرنسیپ صلح جوئی. محافظه مفکوره دو سیستم مختلف را همچو خط مدافعه پالیسی خارجی شان میدانند. این مفکوره صلح جوئی ممالک سوسیالیست و کاپیتالیست در پروگرام پارتهای کمونست اتحاد شوروی گنجانیده شده «این يك ضرورت روشن برای پیشرفت جوامع بشری میباشد، حرب نمیتواند و نباید مانند يك واسطه تصفیة بین المللی مورد بحث قرار گیرد! مفکوره صلح جوئی یا حرب مصیبت آمیز همچو يك پیشنهاد عادی در تاریخ مینماید.»

حربها بصورت اتوماتیک و خود بخود نمی شکند اینها بصورت مشورت و تصمیم قبل از وقوع توسط کشور های امپریالیستی احضار و آغاز گردیده اند. ایچمنهای کتر گریکه صلح و امنیت ملتهارا محافظه و تحکیم بیدارند باید بطور کافی قوی و قوای خود را تشکیل بدارند بدینصورت معانعت و جلوگیری از حرب بکلی ممکن است وهم میباشد در بسیاری

از ممالک سیستم بورژوئیس قایم گردد! حرب يك قرار مقدماتی و حتمی در عصر ما نیست اسکانات حقیقی جلوگیری با وسایط و ملزمه های لازم برای فرونشاندن متجاوزین و اشغال گران وجود دارند تا درین مبارزه نوع بشر از حرب آزاد گردد! مادر عصر خود يك وحدت قوای نیرومند را مانند سیستم سوسیالیست، طبقه کارگر بین المللی، حرکت بطرف آزادی ملی ملیونها مردمان عادی جهان را ترصد میداریم. مردم اتحاد شوروی تمام حربهارا تردید نمینمایند میگویند ما بمقابل حربهای عادی، غارتگر، رهن دشمن هستیم، ما حامی عدل میباشیم، ما حربی انقلابی که مردم با تسلیحات خویش برای حریت و آزادی خود را اجرا میدارند طرفدار میباشیم. اینها حربهای آزادی ملی و حربهای ملی اند که برای مدت طولانی دوام مینمایند چنانچه امپریالیزم و کلونیالیزم دوام نموده است. پارتی ما و مردم سوسیالیستی این را مانند وظیفه اش احترام میدارند و درین پارتهای مانند پروگرام شامل گردیده تا مبارزه مقدس مردمان ستفدیده و حربهای عدالت آنها برای آزادی مقابل امپریالیزم را از صمیم قلب و با تمام قدرت حمایه و مدافعه نمایند.

همچنان موازی به دو سیستم، مقابل سوسیالیال و اقتصادیک مخالفت در سیاست، در صحنه جهان موجود است. که یکی آن پالیسی امپریالیزم است که حربها را روی کار می کنند و پالیسی سوسیالیزم که مردم را سوی صلح کشانیده و آنها را از حربهای نژادی رهائی میدهند.

عاقبت به سیاست صلح و آزادی ملی و سوسیالیزم متعلق است نه به غارتگری و استعمار!!

ختم

د بالټار ئيس

ليکونکی: بورو ديناد شوروی اتحاد
 دارذو دمر کزی ارشيف
 علمی لوی آمر
 ژباړونکی: محمد اسحق داستحکام
 سرتوب تورن

دنړۍ د سترو جنرالانو د معرفي په لړ کښې د پاول بېمويچ دینکوف پېژندنه:
 پاول بېمويچ دینکوف روسی د داخلی جگړو قهرمان او د سره اردو د جنرالانو له ډلې څخه ؤ. دینکوف
 د فبروری په شپاړسمه نیټه او ۱۸۸۹ کال کښې دیوه غریب بزگر په کورنۍ کښې زیږیدلی دی.

چلونکی په غوښتنه د (۱۹۱۷) کال
 ستنیا پر په میاشت کښې خوشی شو
 نهنه وخت چه پاول بېمويچ دینکوف
 له بندنه خوشی شو نو د بالټا در ئیس
 په صفت ئی په ټول قوت په کار زور
 واچول او دا کتیا بر مسلح قیام له پاره ئی
 تیاری نیول دینکوف په اسر هره
 گړی ټول بحری او د بحری قوا ساتونکی
 او ساحلی قوا جر کت ته چمتو دی په
 اساس دهغه صلاحیت چه د روسی
 مرکزی سویا لستی دیمو کراتی
 کمیټی له خوا ور کړ شوی وه .
 دینکوف په خپلی امضایو تلگرام
 داور ور کړیزرته لیژلی اوراجع په
 احضاراتو د بیړیو په وضعیت
 حرب دا کتیا بر ۲۵ نیټی پیشی ته
 ذکر شوی و.

ولی په ۲۴ او ۲۵ دا کتیا پر
 د شبی له پلوه دپترو گراد حربی انقلابی
 کمیټی یو تلگرام د دینکوف په نامه
 صادر کړ دا تلگرام په شفری توگه
 د حربی بیړیو او بحری ساتونکو د لیژلو
 او امر درج کړی و چه په مسلح قیام
 کښې اشتراک و کړی .
 تر ۲۵ دا کتیا پر پوری په
 هیواد کښې روسی حکومت اعلان و
 ولی په دوهمه ورځ د مقابل انقلاب
 (پاتی په ۲۲ مخ کښې)

ئې منځنی ونه ئی برابر په ورین نندی
 او با فکړه چه دستر گو څخه ئی مهربانی
 او مینه څر گندیله مخی ته ودریده
 دالین وه زه ورنژدی شوم او ورته
 می وویل :
 اجازه دی چه لټا څخه کوم امره
 هدایت اویا کومه اطلاع دخپل کار
 په باره کښې واخلم . ډیری داسی
 آوازی آورم چه کوم مسلح تحریک
 شروع کیری او دا می هیله دی چه
 دیو دوو جملو د آوریدلو امکان په
 لاس راوړم زه دلین څخه دومره پوهه
 شوم چه د احتمالی مظاهرو په مقابل
 کوم مسلح تحریک نشته .

ولادی میریلچی لینن ویل اوس
 ئی ته پخپله وگوره او پام کوه چه
 شومی ونکړی او علاوه ئی کړل
 آوریدلی می دی چه هلته دی د حکومتی
 مشرانو سره ژوندینه نه دی نو پام
 کوه چه څه پښه درونه ئی .
 باک نلری ولادی میریلچی لیننه
 دا خبری شته ولی مونږ تا گذاره خلک یو
 محکمینی د کشیش څخه دوزخ ته
 نه زغړو . . . دایول میاشتی په ورځو
 کښې پاول بېمويچ دینکوف
 دوخت د حکومت له پلوه په سلیمی
 بندی خانه کی بندی شو پس له دوو
 میاشتو بند څخه د منوگانو (بیړی

پاول بېمويچ دینکوف په
 کال ۱۹۱۲ کښې د عسکری خدمت
 ته جلب شو او پس له بشپړولو د
 کرنشاد الکترومین ښوونځی څخه
 په لینن نوی بیړی کښې د الکتریک
 مانوگی مقرر شو او په همدی کال
 پاول بېمويچ د بولشویکانو په ډله
 کښې شامل شو او د رسیدلی مبلغ
 موقعیت ئی ونیول. پاول بېمويچ
 دینکوف د فبروری د انقلاب له لومړنی
 ورځی څخه وروسته د مانوگانو له
 ډلې څخه د گیلسنگفورس د بلدی اعضا
 وټاکل شو او د مارچ په میاشت
 کښې د بالټیک د بحیری په مرکزی
 کمیټه کښې رئیس وپېژندل شو. ولی
 د ۱۹۱۷ کال په اوړی کښې پاول
 بېمويچ دینکوف دایول مظاهری
 څخه یوه ورځ محکمینی لومړنی کتنه
 اولیدنه له ولادی میریلچی لینن سره
 وکړه چه دینکوف پخپله ددی لیرنی
 داسی نقل کوی . . . کوته په کوته
 گرغیدلم او پوښتنه می کوله چه ممکنه
 ده زه لینن وویم .
 ایا ته څوک ئی .

زه د بالټیک دمر کنوړ ئیس یم .
 د در پیره زه په دی نورو کوټو
 کښې وپوښتم . که می کنل د څنگ
 کوټی څخه یو سری راووتل چه عمر

قوماندانیت و مسؤلیت های آن

صاحب منصبان اردو از منابع مختلفه نشأت نموده و مصروف خدمت متفرقه میباشند، برای اینکه از معلومات مکتسبه آنها بطور درست استفاده گردد بر قوماندان است که ایشان را نظر به سویه ایشان در شقوق اختصاصی ایشان داخل خدمت ساخته و از ایشان استحصال وظیفه بدارد زمان و تجربه ایشان را قادر بایفای هر نوع وظیفه میسازد که نظر به وظیفه که به ایشان سپرده میشود آنها را قادر باجرایی آن ساخته میتواند در اردو صاحبمنصبانی هستند که در اثنای محاربه بصورت جسورانه وظیفه مجوله خودهارا ایفا کرده اند ضابطان جوان تجربه کافی نداشته و برهنمائی محتاج اند و همچنین وظیفه که از ضابطان جوان در اثنای محاربه خواسته میشود نسبت به ایام صلح تفاوت دارد. برای اینکه ضابطان جوان به این نوع وظایف آماده ساخته شده و تنویر گردند بر قوماندان است که وقتاً فوقتاً ایشان را در جاهائیکه لازم بدانند جمع نموده و بایشان کفرانسهای لازم بدهد.

اینگونه کفرانسها توسط قوماندانان بشکل غیر رسمی و دوستانه بمعادونان داده شود. صاحب منصبان خورزد رتبه از طرف قوماندانان تولی مربوطه شان وقتاً فوقتاً جمع گردیده و بایشان موضوعات مدنظر تفهیم

گردانیده میشود. اینگونه کفرانسها را میتوان در اثنای شام در وقتیکه از طرف قوماندان تثبیت گردد ایراد کرد و همچنین اگر قوماندان لازم داند بعد از صرف نان چاشت میتواند اینگونه کفرانسها را دایر نمود موضوعات را که در همچو اجتماعات از طرف قوماندان یضابطان مادون تفهیم گردانیده میشود ذیلاً توضیح مینمائیم:

- اجرای رسم تعظیم و پیش آمد با بزرگان و هم رتبه ها.
- طرز پوشیدن لباس و معلومات در باره اخلاق و اطوار ایشان.
- مضار قمار و مشروبات.
- چیزهائیکه از ضابطان مادون خواسته میشود و اهمیت سجل در ترفیع صاحب منصبان.
- دسپلین عسکری و طرز جریان تحقیق در اثنائیکه یک وظیفه تحقیق بایشان سپرده شود.
- اجرای ترفیع و تأثیر راپور فعالیت در بالای آن.
- تاریخچه قطعه مربوطه و وظایفی را که اجرا نموده است.
- طرز تقویه مورال افراد منسوبه.
- کمک یا همدیگر بمقصد تقویه معلومات و تقویه عطش تحصیل در صاحب منصبان مادون.
- تنویر کردن صاحب منصبان

از هر نقطه نظر و ایشان را و دار ساختن بیک مقدار پول پس انداز اگر چه ناچیز هم باشد.

- محافظه اسرار عسکری و مانع شدن از افواهاات بیجای.
- استعمال و عدم استعمال وسایط عسکری در وظایف متفرقه.
- اهمیت حفظ الصحه و پاکتی و صفائی در بارک ها و تشله عسکری.
- طرز اداره و دفتر داری و چطور میتوان یک اداره کننده خوب بارآمد.
- طرز تفتیش جزو تامها و چطور میتوان یک مفتش خوب بارآمد.
- دقت در تعلیم و تربیه پرسونل ترتیب پلان تدریسی و تهیه وسایل تدریس.
- طرز محافظه از حریق و تعلیمات مکمل در اثنای ظهور آن.
- لست قوماندان برای کسانیکه بعد از ایشان وظیفه قوماندانی را عهده دار شوند.
- هر قوماندان اگر چه وظیفه خود را بحسن صورت اجرا هم بنماید از قطعه مربوطه خود بعد از مدتی تبدیل شدنی است و قوماندان دیگری بعرض او خواهد آمد. قوماندان خوب کسی است که برای قوماندان ما بعد خود که وظیفه قوماندان قطعاً منسوبه اش را بدست میگیرد رهنمائی ترتیب و آنرا بدسترس قوماندان جدید بگذارد تا قوماندانی که جدیداً وظیفه

قوماندانیت را بعهده میگیرد در ایفای وظیفه محوله خویش مشکلاتی نبیند و بدون مشکلات بوضعیت فعلی و گذشته قطعه آشنا گردد. برای این مقصد بر قوماندانان است که قبل از اینکه از قطعه منسوبه خویش جدا گردیده و وظیفه خویش را ترک بدهند رهنمائی های لازمه بقوماندان مابعد خود نموده و قوماندان را درین باره تنویر نمایند. برای این مقصد نظریه تجاریکه در اثنای وظیفه قوماندانی قطعه منسوبه خویش بدست آورده یک لست ترتیب و آنرا بغرض استفاده قوماندان جدید بگذارد. در لست متذکره باید چیز های ذیل داخل کرده شود:

— کمبود افراد - صاحب متصبان خورد ضایضان در قطعه منسوبه چقدر است .

— موضوعاتی که باید بدرجه اول در قطعه مربوطه بمرحله اجرا گذاشته شود کدام چیز ها است .

— بکدام مقام ها و اشخاص بمقصد اجرای امور مربوطه قطعه منسوبه تماس لازم است و چطور میتواند با آنها تماس گرفت .

— کدام قطعات از نقطه نظر تعلیم و تربیه سویه عالی داشته و کدام قطعات تعلیم و تربیه ضعیف دارند و چطور میتوان بالای آنها تاثیر وارد آورد .

— بکدام نوع امور انضباطی قطعه مراقبت نزدیک و دو مدار لازم است .
— از نقطه نظر تحفظ بکدام چیزها باید دقت کرد .

— کدام نوع سلاح در قطعه کمبود است و کدام نوع آن عارضه دارد و کدام نوع تحت ترمیم میباشد .

— آماده گی قطعات در هر وقت و زمان .

— قوماندان باید قطعه خود را طوری تعلیم و تربیه نماید که قطعه منسوبه اش بمقصد استخدام در هر وقت و زمان حاضر و آماده باشد. چه کسی فهمیده نمیتواند که چه وقت و در کدام ساعت امر استخدام قطعه و اجرای محاربه آن بنا برده داده میشود. در حرب دوم جهان و در محاربات کوریا همچو وظایف به قطعات بصورت ناگهانی داده شده است. پس برای اینکه در وقتیکه او امر متذکره میرسد بدست و پاچه گی مواجه اشوید باید قطعه منسوبه خود را از هر نقطه نظر مجهز ساخته و برای فعالیت محاربوی در هر وقت و زمان شب و یاروز در طول بیست و چهار ساعت هفت روز هفته حاضر و آماده نگه داریم تا بمرور دیکه امر استخدام از مقامات عالی میرسد بدون دست و پاچه گی او امر مذکور را بمر حله اجرا گذاشته بتوانیم. و همچنین در زمان محاربه نیز نباید این مسئله را از نظر فراموش کرد چه بسی واقع شده است که در اثنای رخصتی آخر هفته قطعه منسوبه مورد تعرض ناگهانی دشمن واقع گردیده است اگر بچنین مسائل پیش بین نباشیم امکان تلفات زیاد میرود .

طرز اداره :

قوماندان باید در طرز اداره خود ترتیبی را در نظر بگیرد که در فعالیت قطعه منسوبه اش سکتگی وارد نگردد. بسیاری از قوماندانان را میتوان سراغ کرد که این مسئله را در نظر نگرفته امور محوله اش متشتت و پراکنده گردیده است که باعث عدم کامیابی او در امور محوله گردیده میباشد. بدون اداره خوب قوماندان در امور محوله خود هیچوقت کامیاب شده نمیتواند .

اداره خوب صرف از استفاده عقل سلیم و تطبیق آن بدست آمده

میتواند برای اینکه يك قوماندان خوب در امور محوله يك اداره صحیح و مثبتی را تنظیم نموده بتواند باید بچیز های ذیل دقت نماید :

۱- اهمیت زمان

در عسکری زمان اهمیت زیادی را حائز است باید امور محوله را طوری تنظیم و ترتیب داد که در زمان لازمه مطلوب حاصل گردد و هم از مادونان خود اجرائی او امر را در وقت و زمان آن طلب باید کرد.

۲- شخصیت قوماندان: شخصیت قوماندان در سیستم اداره او تأثیر بسزائی دارد. باید قوماندان رویه را در پیش گیرد که همه افراد و صاحب منصبان قطعه منسوبه به او احترام قائل گردیده و همیشه بنظر احترام باو بینند و همچنین موجودیت او را در هر جا حس نمایند هر گاه موجود باشد و یا نباشد امور محوله در قطعه باید طوری جریان داشته باشد که مانند موجودیت قوماندان در قطعه جریان میداشته باشد .

قوماندان باید وقتاً فوقتاً از اطاق خود بیرون شده شخصاً در میدانهای تعلیم اشتراك بنماید .

۳- نظریه دادن در امور شخصی افراد .

افرادی که در قطعه منسوبه شما موجود است همیشه بعضی مشکلات شخصی داشته میباشند. بر قوماندان است که وقتاً فوقتاً خود را از این نوع مشکلات افراد آگاه ساخته و اگر ممکن باشد برای ازاله آن اقدامات لازمه بعمل آورد. افراد معیت شما از مشکلات پولی - مسائل فامیلی - موضوعات دسپلینی و غیره شکایت خواهند داشت. قوماندان باید طوری با افراد خود پیش آمد نماید که این مشکلات را بیک نظر از سیمای افراد درک نموده و مانند يك دو کتور حاذق آنرا تشخیص و ادویه

لازمه بمقتصد رفح تقیصه مذکور بدهد. قوماندان باید اقدامات لازمه بمقتصد رفح تقیصه مذکور بعمل آورد و همچنین توصیه های لازمه با افراد مورد نظر نتیجه مثبت بار آورده میتواند. وهم اگر ممکن باشد سفارش خط های لازمه بمقاماتی که همچو مسایل بایشان مربوط باشد داده شود که باین صورت برفع شکایت افراد اقدام نموده و اعتماد افراد را نسبت بخود کمائی کرده میباشد.

۴- تقدیر از خدمات فوق العاده. در قطعۀ منسوبه شما اشخاصی وجود خواهند داشت که يك برجسته گئی از خود نشان خواهند داد برای اینکه ازین کار افراد را باین گوله عمل نیک زیاد تر تشویق نموده باشید باید در وقت و زمانش از افراد متذکره تقدیر بعمل آید. که باین صورت مورال افراد متذکره بلند گردیده و باعث تشویق ایشان در همچو امور میگردد. تقدیرهای متذکره اشکال مختلفه را باید دارا باشد که نظریه کاریکه از طرف افراد صورت گرفته هر شکلی را که قوماندان لازم بداند نظریه آن تقدیر لازمه با افراد داده میشود. اشکال تقدیر متذکره قرار ذیل است:

- اعطای تقدیر نامه.
- تشکر از افراد در محضر عام.
- اعطای رخصتی درین هفته.
- باید در نظر داشت که تقدیر متذکره در وقت و زمانش و در محضر عام صورت بگیرد.
- تقدیر از خدمت خوب باعث بلندی مورال گردیده و بر خلاف اگر نسبت اجرای وظیفه ممتاز قطعۀ مربوطه در وقت و زمانش تقدیر نگردد باعث خرابی مورال شده میتواند.

ترتیب راپور فعالیت :

قوماندان ها باید همیشه برای مادونان خود ترتیبی اتخاذ کنند که فعالیت ایشان راطور راپور نزد خود نگهدارند؛ قوماندان باید صاحب منصبان مادون خود را بنوبت نزد خویش خواسته و یا اینکه در قطعۀ نیکه در ان ایقای وظیفه مینمایند رفته و فعالیت ایشان را از نزد یک ملا حظه بنمایند و قناعت خویش را در باره فعالیت مادونان خویش حاصل نمایند و غلطی هائیکه درین معائنات قوماندان بمیان میاید در وقت و زمانش اصلاح نموده و آنرا کنترل بنمایند که باین صورت قناعت قوماندان را جمع بماند و نایب است آمده میتواند؛ در همچو بازدیدها از مشاهدات خویش استفاده نموده و آنرا قیمت داده و در عین زمان نفاذی را که بنظرش میرسد در محل آن اصلاح بنماید.

تر فعیع :

تر فعیع قوماندان مادون بالای مورال و فعالیت افراد تاثیر بسزائی دارد قوماندان میتواند که توسط امیدوار ساختن مادونان بتر فعیع در وقت و زمانش ایشان را بفعالیت بیشتر وادار سازد، در اثنائیکه برای تر فعیع صاحب منصبان سجل ترتیب میدهد باید قوماندان قناعت شخص خویش را در باره مواد ذیل را جمع به شخص مورد نظر حاصل نماید.

- ۱- صاحب منصب مورد نظر متکی بخود میباشد.
- ۲- درجه فعالیت و وظیفه موجوده و اهمیت بغرض اجرای وظیفه یک رتبه بالا.
- ۳- شخص مورد نظر در رفتیش های تعلیم و تربیه چه نتیجه بدست آورده است.

- ۴- شخص مورد نظر قدرت قیادت را دارد.
- ۵- در اجرای وظایف محوله از سلیقه کار میگیرد.
- ۶- غلطی های مادونان را در وقت و زمانش اصلاح کرده میتواند.
- ۷- در اجرای امور محوله از استقلالیت حرکت کار میگیرد.
- ۸- طرز ظاهری لباس و غیره آنچطور است.
- ۹- اسلحه و تجهیزات خویش را وقتاً فوقتاً بصورت درست تنظیم مینماید.
- ۱۰- خاصه جسارت و غیرت شخص مورد نظر چه اندازه است.
- ۱۱- شخص مورد نظر ببحث یک معلم استخدام شده میتواند.
- ۱۲- شخص مورد نظر در فعالیت کتلوی قطعات سهم میگیرد.
- ۱۳- شخص مورد نظر از اوقات فراغت خویش بمقتصد تزئید معلومات استفاده میکند.

- ۱۴- شخص مورد نظر در همه اوقات عسکر خوبی است.
- ۱۵- وظیفه که باو سپرده شده است بحسن صورت اجرا میشود.
- ۱۶- قدرت قضاوت و ذکاوت او تاچه اندازه است.
- ۱۷- هدایتیکه باو داده میشود تاچه اندازه آنرا بمرحله اجرا میکند.

- ۱۸- شخص مورد نظر لیاقت چوکی ایکه باو سپرده میشود دارد.
- ۱۹- شخصی مورد نظر دوسیه معاکماتی دارد.

- ۲۰- شخص مورد نظر در حادثات ترفیکی مواجه شده است.

خارج بست ساختن اشخاص نامطلوب .

وظیفه قوماندان است که افراد معیت خود را از نزدیک مراقبت نموده و هر کدام آنها را جدا گانه قیمت بدهد

طرز فعالیت ایشان را کنترل و اگر در اثنای فعالیت ایشان کدام نقصانی بنظرش برسد آنرا اصلاح نموده و مراقبت نماید. شخص مورد نظر درازاله نقص مذکور از خود چه عکس العملی نشان میدهد و اگر با وجود آن مکرراً نقص مذکور بنظر رسد و بازاله آن اقدام ننموده باشد شخص مذکور بحیث شخص نامطلوب تلقی شده موجودیت همچو اشخاص در قطعه باعث خرابی مورال و تعلیم و تربیه میگردد. پس بر قوماندانان است که همچو اشخاص را حتی الامکان از خود دور سازد و در اولین فرصت مساعد اینگونه اشخاص را از قطعه خویش خارج بست ساخته و نگذارد که دیگر صاحب منصبان از رویه اینگونه اشخاص پیروی نمایند. قوماندان خوب کسی است که تأثیر خویش را در غیاب بالای مادونان خویش وارد آورده میتواند قوماندان باید در اوقات غیر رسمی نیز مراقب اوضاع ما دونان خود باشد چه کمترین یک بد اخلاقی در خارج وقت رسمی بزودی در بین قطعه متسویه سرایت مینماید و باعث بی انضباطی قطعه هم خواهد شد قوماندانان باید باین مطلب جداً مراقب بوده و باین چنین عملیه میدان ندهند. و اگر کسی احياناً بسوء اخلاقی در خارج وقت رسمی متهم گردد برایش اولاً توصیه‌های لازم نموده و اگر با وجود آنها اصلاح ننگردید بنا بر برده طوری جزا داده شود که باعث عبرت دیگران گردد. قطعه ای که بسوء اخلاق مبتلا باشد تعلیم و تربیه آن بهر اندازه که خوب عم باشد قابل اعتماد نبوده و ازان در حضور و سفر وظیفه مطلوبه گرفته شده نمیتواند.

حیات اجتماعی :

قوماندانان باید در قرارگاه خویش ترتیبی اتخاذ نمایند که تا اوقات

غیر رسمی در قرارگاهها بخوبی سپری گردیده و باعث دلگرمی کسانی که در آنجا زندگی میکنند گردد. برای ایند قصد پیروگرامهای مختلفه و سرگرمیهای متنوع تحت یک پروگرام درست و مناسب ترتیب داده و ایشان را باین وسیله سرگرم نگه دارند. ترتیب لازمه برای اجرای سپورتهای متنوع اتخاذ گردد همچنین در روزهای معین هفته اگر امکان داشته باشد برای فامیلهای صاحب منصبانیکه در اطراف قشله زندگی مینمایند نمایش قلمهای تریوی بصورت مجانی و یاد بدل قیمت نازل صورت بگیرد.

رهنمای هیئت قرارگاه :

درین هیچ شک نیست که هیئت قرارگاه فعالیت قوماندانان را تمثیل میکند و قوماندان خوب کسی است که هیئت قرارگاه خود را بفعالیت آورده و ایشان را در اجرای وظیفه مطلوبه کمک مینماید. ضابطان قرارگاه میباید بدون کم و کاست نظریات قوماندانان را بمرحله اجراء گذاشته و وقتاً فوقتاً راجع بموضوع تحت اجراء قوماندانان را ازان مطلع سازند و قوماندان هم بنوبه خود در زمانهای مساعد بهر کدام از هیئت قرارگاه سرزده و طرز جریان وظیفه محوله را نظارت و کنترل مینماید و اگر لازم افتد از دادن رهنمائیهای لازم خودداری ننماید و همچنین در زمانهایی که از طرف مقامات بالا او امر فوری و ضروری میرسد قوماندان باید بالذات او امر متذکره را در حین جریان وظائف متذکره بمراجع آن ابلاغ و فیصله مقامات بالا را در این داره بایشان تفهیم میدارد.

برای اینکه قرارهای صحیح از طرف قوماندان داده شده بتواند باید هیئت قرارگاه وقتاً فوقتاً راپور اجراءات خویش را بر قوماندان تقدیم نماید و هم ضابطان قرارگاه برای

اینکه از وضعیت قطعات و جزو مهملات مربوط صاحب معلومات گردند و وقتاً فوقتاً بقطعات متذکره سرزده و درباره آنها معلومات لازم را برای خود کسب مینمایند ولی در اثنای اینگونه بازدیدها ضابطان قرارگاه باید در نظر داشته باشند که ایشان وظیفه قوماندانیت را عهده دار نیستند و نباید قوماندانان مادون را تنقید نمایند اما چنینکه همچو بازدیدهای خود را بپایان رسانیده و مراجعت مینماید راپور موضوع متذکره را بقوماندان خویش باید بدون کم و کاست تقدیم بدارند.

در قوماندانی امکان آمدن بعضی از مفتشین از طرف بالا موجود است در چنینکه همچو مفتشین مواصلت نماید باید از ایشان بپیشانی باز استقبال کرد. برای اینکه قوماندان بتواند از این گونه هیئات تفتیش مقامات عالیله به پیشانی باز استقبال نماید میباید تمام مربوطات خویش را در هر آن برای تفتیش حاضر و آماده نگه دارند. قطعه مربوطه اش از هر نقطه نظر در هر وقت و زمان برای محاربه آماده است و نباید از آمدن هیئات تفتیش وار خطا شده و ترس از خود نشان داد که باین صورت بهیئت متذکره میتوان یقین داد که قطعه متسویه اش بهترین قطعات اردو است.

پروگرام منظم اتلنتیک :

برای اینکه قدرت فزینی قطعات بصورت درست محافظه گردد قوماندان باید ترتیبی اتخاذ نماید که افراد قطعه متسویه اش در سپورتهای مختلفه اتلنتیکی اشتراک نموده و ایشان را وادار باجراای آن بنماید و خود قوماندان نیز باید دلچسپی خاص خویش را در این باره از خود نشان بدهد. باری این مقصد یک پروگرام منظم اتخاذ نماید و اجراء آنرا از قطعات

خویش طلب نماید. در این گونه پروگرام ها شخص منفرد گرفته الی دیگر سیورتهای اجتماعی باید از نظر دورنگهداشته نشود. در جزواتهای خورد مانند تولی و بلوک بسپورتهای اتلتیکی بسیار توجه گردد و کوشش شود که بدون معذرت هیچ کس خود را از اینگونه سیورتهای کناره ننماید و اینگونه فعالیت ها را طوری تنظیم نمایند که همه افراد باشوق و علاقه زائد الوصفی بان اجرا نموده و دلچسپی خاصی از خود درین باره نشان دهند. قشله خانه افراد است طوری که هر انسان کوشش میکند که خانه اش از هر نقطه نظر پاک و نظیف باشد قوماندان باید حتی الامکان کوشش نماید تا قشله های عسکری را پاک و صاف نگهداشته و نگذارند که افراد در قشله عسکری خویش دلسرد شوند و بیاد خانه های خویش افتند. دورنمای خارجی قشله باید پاک و نظیف بوده و نظر بیننده را جلب کند. سلیقه داخلی بارک های خواب در این مورد بی تأثیر مانده نمیتواند. هرگاه در امور فوق دقت بیشتری بخرچ رسانیده شود باعث بلندی مورال افراد گردیده و هیچوقت خواهش دور شدن از آنها نمیکند. پس بر قوماندان است که حتی الامکان کوشش نماید که تا امور پرا که در بالا ذکر شد توسط افراد معیت خویش ترتیب داده و ایشان را وارد سازد که بان خو بگیرند. قوماندان باید باقراد معیت خویش توصیه های لازمه نموده و ایشان را

وارد باین سازد که در هر چیز از میانه روی و اقتصاد کار بگیرند. اسلحه و مالزمه دست داشته خویش را همیشه حاضر و آماده خدمت نگهدارند که در اثنای محاربه دقت بهمچه امر مسئله حیات و ممات است و همچنین در مصرف بطور و وجه خانه میباید از اقتصاد و میانه روی کار گرفت و از اصراف بیجای خود داری کرد. بر قوماندان است که این روحیه را باقراد خود تزریق نموده و بایشان خاطر نشان سازد که میانه روی و اعتدال در هر امر بالخاصه در اثنای محاربه اهمیت سزائی دارد. زیرا بطور مثال در اثنای محاربه هرگاه در مصرف جبهه خانه و بطورول از میانه روی و اعتدال کار گرفته نشود زمانه های فرا خواهد رسید که از اسلحه و واسطه

نقل دست داشته خویش طوری که لازم است استفاده کرده نخواهند توانست همیشه تانکیهای بطورول را بر نگهدارید در اثنای حرکت و سایط هیچوقت ماشین موتر را گل نسکید (در حال رفتار ماشین موتر خاموش نشود) و در اثنائی که موترها پاک شده میباشند باید مراقب در بیوران بود و نگذارید که ایشان بصورت لاپالی گشت و گذار نمایند. قوماندان باید به صاحب منصبان معیت خود بفهماند که مسئول محافظه و نگهبانی تمام وسایط مربوطه شان بوده و هرگونه نقصان و یا عارضه که بواسطه واردمیشود مورد بازخواست شدید قرار گرفته و نظر دقت ایشان را در این باره جلب نماید.

د بالتا رئیس

(۱۷ د مخ پاتی)

او شمالی قفقاز کبئی په میرانه قهرمانانه جگری و کبری دینکوف د دریس و نشانو علم برادرو دصلحی په کلونو کبئی پاویل یفیموویچ د دینکوف دروسی اردو په تشکیل او ییواری کیدلو کبئی د فعال غری په حیث رول لوبولوی او با مسئولیتیه مقامونه ئی اداره کری. لکه دتویچی ریاست اداره، دسره اردو دکما لاتو اداره چه دکاریگرانو او بزگرانو غنچه تشکیل بشوی، دمرکزی آسیا دقو تو اداره، دلین کراد دمرکزی قواو اداره، د روسی سو سیال دیموکرات حزب دمرکزی کمیٹی اعضا) پاویل یفیموویچ دینکوف په ۱۹۳۸ کال کبئی وورل شو. دی د شخصیت پرست زمام دار ستالین په وخت کبئی د فشار او رپرونو وروسته مړ شو. (پای)

یوه دله دسره جنرال په قوماندانه پترو کرادته راشکاره شول پدی مقصد چه روسیه محافظه کری دابجری قوتونه، بحری ساتونکی او کاریگران ترقیادت د دینکوف لاندی په امر دلین پتروگراد ته را ورسیدل اوله ۳۰ نییی تر ۳۱ نییی د اکتیابر پوری انقلابی بحری قوا، بحری ساتونکو او بزگرانو تر فرمان د دینکوف لاندی دتزار داوسیدلو غای اونوری ابادی نه قاذاقی عسکرو غنچه پاک کرل. پاویل یفیموویچ دینکوف دتولی روسی په دوهمه کالنگره کبئی دبحری کمیساری وزارت پوست ته کاندیدو دینکوف په تنظیم او تشکیل دروسی بحری قوا اوساتونکو کبئی مشغول و ترخوچه د انقلاب د مقابلی ضد ته مبارزه وکری دینکوف دروسی دغلیمانو سره په کریمو، اوکراین

مسابقه تسلیحاتی

موضوع مرمی های رهبری شده بالستیکی قاره پیما

و

ضد مرمی های رهبری شده بالستیکی

تتبع و تگارش

اختر محمد لودین جگتورن مخابره

حرب عمومی دوم جهانی بسی انکشافات مهم نوینی را در ساحه های متنوع تخنیک عسکری بمیان آورده که در جمله بسیار مهم آن راکت های (وی-۱) و (وی-۲) جرمنی بود که انکشافات موجوده مرمیهای رهبری شده قدرت های بزرگ عسکری گیتی بروی آن صورت گرفته و مراحل مختلف

رادار، تلویزیون، حرارت و یا یک تعداد وسایل دیگری بمقصد هدایت مرمی رهبری شده بمهدف مورد استفاده قرار داده شوند و یا از یک محل بعید توسط اشارات بیسیم بمهدف هدایت گردد. بصورت عمومی چهار نوع مرمی های رهبری شده:

(زمین-به-زمین وزمین-به-هوا)
(هوا-به-هوا و هوا-به-زمین) وجود دارند.

مرمی های رهبری شده بالستیکی، یک واسطه است که راه پرواز آن از مواد سوخت انجن الی هدف «پرواز آزاد» مانند یک مرمی طوپچی بوده و بجاذبه و شرایط دیگری تابع میباشد ممکن برای تعدیل و یا تصحیح خطالسیر اجرای مانور کرده بتواند و یا نتواند و عموماً حاوی مواد انفلاق زرهوی میباشد این مرمی ها بنام مرمی های رهبری بالستیکی قاره پیما و مرمی های رهبری شده بالستیکی منزل متوسط - جدا میگردند. مرمی های که بمقصد تغریب آنها مورد

اتومی نتیجه آن شد که اکنون میتوان «اسلحه اتمی» توسط «راکت ها و مرمی های رهبری شده» بمقا دیر مختلف برای حمایه قریب قوای زمینی و تخریب اهداف ستراتیژیک ببعده قارهوی تحت استفاده قرار گیرد.

از نگاه تخنیک «راکت» سیستم تولید پیشراندن و یا یک مرمی رهبری شده مکمل است که قوه پیشراندن خویش را از خارج شدن گاز های گرم که از موادی درسیستم تولید میشود. اخذ، آب و یا هوا برای آن ضرورت نمیشد پاساس قانون سوم نیوتن که «هر عمل یک عکس العمل مساوی و مقابل» را دارا میباشد فعالیت نموده و بدو صنف: «راکت هائیکه بمواد سوخت جامد و بمواد سوخت مایع فعالیت مینماید» جدا میگردند.

«مرمی رهبری شده» یک واسطه بدون انسان است که خطالسیر آن ذریعه میکانزم داخل واسطه قابلیت تبدل خطالسیر را دارا بوده ممکن

تکاملی را بسیر زمان طی و بوجود آمدن اسلحه «تخریب کتله وی» چهره عسکری، صنعتی، اقتصادی و سیاسی دنیا رامبدل ساخته و عامل بزرگ اختتام حرب عمومی دوم جهانی همانا استعمال آن در سال ۱۹۶۵ بالای جاپان شمرده میشود. حجم و وزن بمب های زرهوی که در حرب دوم جهانی مورد استفاده قرار گرفت استعمال آن در سلاح های ستاندارد طوپچی غیر ممکن بود. بعد از حرب عمومی دوم جهانی پیشرفت سریع در زمینه خورد ساختن حجم و وزن آن صورت گرفته و به قوای محارب عسکری فرصت میسر گردید تا اسلحه اعمال نماید که قابلیت فیر گلوله های اتمی را دارا باشد. سلاح نخستین که بدین منظور تخصیص گردید توپ ۲۸۰ ملی متری بوده که این قطر برای گلوله های اتمی یک قطر خورد ترین بحساب رفته و بان در آن زمان موافق بود. تقلیل در سایز و وزن مرمی های

استفاده قرارداد شده نام ضد مرمی های رهبری شده با لستیکی ABM یاد می شود .

از نقطه نظر استفاده عملی دو اسم فوق مرمی های رهبری شده «تعرضی» و «تدافعی» اطلاق نموده که مرمیهای اول الذکر بمقصد تعرض بالای اهداف بزرگ حیاتی دشمن بدقایق زمان از طریق خلاص یک قاره به قاره دیگر بالاستفاده از حق انفلاق زره وی مورد استفاده قرار گرفته و به منظور دفاع و تخریب آن در خلا بالوسیله سلاح زره وی دو می بعین شرایط تحت استعمال واقع میشود .

انکشاف تخنیکی این دو نوع سیستم مصارف گزاف اقتصادی را بار آورده اکنون قدرت های بزرگ گیتی در پی آند تا گرد میز جمع شده از طریق دیپلوماسی بموافقه واصل آیند تا بازی از نتیجه آن برفع بشریت استفاده گردد . البته از حیث اهداف ستراتیژی سیاسی نمیتوان مطلوب واضح فهمید تنها ارقام مصارفیکه درین گونه مسابقه تسلیحاتی صرف مینمایند خیلی ثقیل و مصرف انرا چندین بلیون دالر و انمود میسازد . برای اینکه بموضوع طور لازم واری و از نظر عسکری در زمینه استفاده شده بتواند اینک معلومات موخذه از مجله تایم و نیوزویک ذیلاً تقدیم میگردد :

حکومت ایالات متحده امریکا در ماه جون سال ۱۹۶۵ افشا ساخت که بمقصد مدافعه مرمی های رهبری شده قاره پیمای اتحاد شوروی سیستم تدافعی یا ضد مرمی های رهبری شده قاره پیمارا بمصرف ۲۵ بلیون دالر انکشاف میدهد که تا سال ۱۹۷۰ استفاده عملی حاضر و سیستم تدافعی بد کوررانام «سیستم نایک - ایکس» یاد مینماید .

سیستم نایک - ایکس چه است ؟ آیا این یک سیستم فوق العاده مرمی

های رهبری شده نوین است که مرمی های رهبری شده قاره پیمای فبر شده دشمن را جستجو و آن را تخریب مینماید ؟

جواب آن اینست که يك «سیستم مهم ضد مرمی های رهبری شده» بوده که از نقطه نظر اهمیت قسمت های آن در بالا و یا در تحت زمین قرار داده شده اند .

رادار این سیستم بنام «رادار انقلابی» یاد شده و بصفت دماغ (نایک - ایکس) کار داده و از طرف اردوی ایالات متحده امریکا انکشاف داده شده و اسم اصلی آن «مار» ویا «رادار شعاعی - کثیر الوظيفه» میباشد که اسم مار از آن - بصورت اختصاری اخذ شده است . این رادار بجای سوچ های عادی سوچ های سریع - خفیف را استعمال نموده آتن آن اشعه خود را بهر طرف توجه نموده و بدین صورت بد اخل ۳۶۰ درجه بیک نظر میتوان «دید» اردوی امریکا حاوی - تاسیسات تیپ رادار (مار) واقع وایت سند - مکسیکو بوده و دیگران را در بالای جزیره (کوما جالین) واقع بحر پاسفیک اعمار نموده است . رادار آن بنام (مار) دارای خصوصیت های ذیل میباشد :

الف - میتوان بمسافه صد هامیل بعید مرمیهای رهبری شده واصله را کشف نماید .

ب - میتواند نوع حق انفلاق آن را تشخیص بدارد .

ج - میتواند خط السیر آن را با اهداف ایالات متحده امریکا تعقیب نمود .

عقیده اردوی ایالات متحده امریکا برین است که استیشن رادار (مار) میتواند وظیفه پیمانی را در خاک ایالات متحده - امریکا مقابل تعرض مرمی های رهبری شده قاره پیمای بحسن صورت ایفا نماید . طور مثال

یک مرکز استیشن رادار (مار) خارج شهر نیویارک میتوان ساحل شرق ایالات متحده امریکا را اعتبار از نیوانگلند الی واشنگتن پاسبانی نموده هر یکی از مراکز مذکور از زیر زمینی های سه طبقه ثنی کانکرتی و فولادی برای فعالیت ماشین مغز الکترونک جهت امور مناقشه اطلاعات شعاع هایکه توسط رادار بان داده میشود استفاده نمود .

ماشین های مغز الکترونک اطلاعات را از رادار در بلیونیم حصه یک ثانیه اخذ و آن را واپس به موضع مرمی های رهبری شده که درین موضع یک رادار بنام (م - س - ی) یعنی رادار موضع مرمی های رهبری شده وجود دارد بعین زمان داده و صاحب منصب انداخت امر فیر «ضد - مرمی های - رهبری شده» را ابلاغ و استقامت توجه آن را بهدف الی تقاطع مرمی های رهبری شده حفظ میدارد . یعنی تمام این امور در بلیونیم حصه ثانیه صورت میگردد .

در سیستم نایک - ایکس از دو نوع مرمیهای رهبری شده استفاده میشود . یکی آن «نایک - زیوس» طویل منزل سو پرسونک برد بوده و بتجربه قابلیت خود را بتزئیکه مرمی رهبری شده قاره پیمارا بسرعت ۱۸۰۰۰ میل فی ساعت بالای اتوموسفر تقاطع و تخریب کرده باثبات رسانید . قسم دوم آن «سپرنت» بوده که دارای منزل کوتا و قدرت عالی فعالیت میباشد ممکن تجربه آن ما ها و سالها رادر بر گرفته تا بفعالیت آماده گردد لکن مفکوره این است که نخست باید از نایک زیوس استفاده شده تا مرمی های رهبری شده قاره پیمای واصله را در خلا جستجو و تخریب نموده عد از آن هرگاه کدام یکی از آن از تخریب نایک زیوس باز مانده و یا بار نفاخ هست تر ۱۵۰۰۰۰

شهر

کابو ۱۱۱

میرمنی عالی رعیری شده

و

میرمنی عالی رعیری شده

تصمیم می بلسیون دالت

ضد - مرمی

رعیری شده با صورت

فت وارد میشود درین صورت از سپهرت استفاده گردد .

کامپلیت مکمل به سیستم تدافعی نایک - ایکس (رادار مار ، رادار م-س - ی و بطریقه های نایک زیوس و سپرنت) میتوان قبل از سال ۱۹۷۰ با هم اتصال و بیک دسته مدافعه قابل کار درآید .

قرار اظهار وزیر دفاع ایالات متحده امریکا مصرف تمامی سیستم نایک - ایکس ۲۵ بلیون دالر خواهد بود .

دیگرام ذیل میتوان مفکوره (مرمی های تدافعی زرهوی) و یا ضد مرمی های رهبری شده بالستیکی قاره پیما را در صورت وقوع جنگ اتمی از نگاه عسکری بصورت واضح تمثیل نموده البته این دیگرام تیوری است که مفکوره بروی رسم آورده شده است در ماه مارچ ۱۹۶۷ مشخصین ساینس ستراتیژیکی زرهوی واشنگتن و آمر اداره پروگرام های سیستم دفاعی نایک - ایکس وزارت دفاع ملی امریکا توسط یکی از مسئولین رسمی مجله نیوز ویک استفسار و مباحثات که در زمینه بکنفرانس های لندن - ماسکو . و نیویارک صورت گرفته است مبصر سائنس مجله نیوز ویک موضوع رادرمیان گذاشته ذیلا بران روشنی می اندازد :

اظهاراتیکه راجع به « موضوع مرمی های رهبر شده و تخریب کتله وی در محضر کمیته دفاعی مجلس سنای ایالات متحده امریکا از طرف وزیر دفاع ملی ولوی درستیز قوای ثلاثه آن مملکت صورت گرفته بود چندی بعد آن افشا و وزیر دفاع ملی در مورد چنین اظهار نموده است « در تمام احتمالات کافه ما چیزی که انجام خواهیم داد اینست که : هر دو طرف مصارف دفاعی را از دیادو با وجود آن امنیت واقعی بهیچ طرف میسر

نخواهد گردید » امالوی درستیز قوای امریکا بمفکوره وزیر دفاع ملی خویش موافقت نشان نداده و بادامه انکشاف سیستم ضد مرمی های رهبری شده ابراز عقیده و صورت وقوع احتمالی یک جنگ اتمی حیات ۳۰ - ۴۰ و یا ۵۰ ملیون امریکائی از مرمی نجات خواهد یافت ازین حیث از همه نقاط نظر انکشاف آن باارزش شمرده میشود .

موضوع که « رابرت مکنامارا » وزیر دفاع ملی ولوی درستیز روسای مشترک امریکا (جنرال - ارل - ویلر) را با تفرقه فکری مواجه گردانیده است مستقیماً قلب امنیت و قضاوت صحیح عصر اتموم تعلق میگیرد هر دو شخص با مسئولیت بزرگ که بعهده خویش دارند فکر میکنند که قابلیت تصور را ندارد : احتمالات نهائی حرب زرهوی . هر دو مطمئن اند که راه خودش مطمئن ترین راهی است خسارات تمدن مستقبل ذریعه آن جبران میشود .

به اصطلاح ساده، موضوع اینست که : اتحاد شوروی یک سیستم محدود ضد - مرمی های رهبری بالستیکی را مورد استفاده قرار داده است . آیا ایجاب مینماید که ایالات متحده امریکا ۳۰ ملیون دالر را در بالای سیستم ضد مرمی های رهبری شده بالستیکی خویش که هنوز هم سیستم نایک - ایکس آن در حال انکشاف میباشد در دهه دیگر صرف نماید؟ و یا بایست که وزیر دفاع ملی امریکا بناغلی مکنامارا این موضوع را از طریق تقلیل مسابقه تسلیحاتی با اتحاد شوروی حل و فصل نماید . و یا جواب اتحاد شوروی با ایالات متحده امریکا در مورد چه خواهد بود . پنتاگون (وزارت دفاع ملی امریکا) چیزی را که در آینده خود مینماید اتحاد شوروی را در بحث تقلیل بار تسلیحاتی

وسویه « قابل قبول » تخریب کتله وی ضد مرمی های رهبری شده بالستیکی موافق نمیبیند .

بنگاه اول منطق استدلال مینماید که بطرف عسکری بود . طوریکه معلوم است برای دفاع از نیزه سپهر ضرورت است همچنان هر یکی سلاح متکامل تعرضی ضرورت ایجاد سلاح دفاعی آن را بمیان می آورد . لیکن در بحر تحقیقات مرمی های رهبری شده و حق انفلاق آن با قدرت ده ملیون تن فوق العاده پیچیده نسبت بهر زمان بود که هیچگاه ستراتیجیست - انان عسکری آن را قبلاً نمیدانستند . بعد ازین صرف سلاح وجود نخواهد داشت بلکه سیستم های سلاح موجود خواهد بود . قیمت این سیستم ها بسیار زیاد و قدرت تخریب آن عظیم بوده که حتی اعلان انکشاف پارچه های آن میتوان تعادل متزلزل ترس و وحشت زرهوی را تکان داده و یک سلسله اقدامات و اقدامات را بوجود می آورد سپس خود اقدامات باستقامت پیشرو نخواهد رفت این اجراءات به ذات خود دقیق است اقتصاد - پولتیک - سیکالوژی و چهره تخنیک بالایی آن سایه افکنده است و ستراتیژی کهنه بورد خزائن از صحنه عمل برآمده است .

طورمثال متباعد اختفا در ستراتیژی جدید بطور مقید مفید نیست ؛ ایالات متحده امریکانمیتواند موقعیت صحیح مواضع های رهبری شده بالستیکی قاره پیما را پنهان و نباید در خفیه نگهداشتن آن سعی ورزد .

اتحاد شوروی میخواهد مکملاندازه محلات و قابلیت تخریب آن را برای معامله بالمثل بداند . حتی فاقتیت غیر مفید میباشد : لنوس پلنگ دومراتیه برنده جائزه نوبل دفعه در محضر عام اظهار داشت که ایالات متحده امریکا باید تحت البحری

های اتومی را با اتحاد شوروی بدهد تا قوای مانع زره وی خویش را انکشاف و توسط این تعادل قدرت ثابت در گیتی تضمین گردد. کنون یاد آوری میشود که حقیقتاً اتحاد شوروی بتحلیل اسلوب مکننا مارا ضرورت دارد تا اضرار استفاده از یک مدافعه ضد مرمیهای رهبری شده بالستیکی به آن ارائه گردد.

به آنهم علائم وجود دارند که اتحاد شوروی مفکوره جدید زره وی را دارا باشد ماه گذشته یناغلی صدراعظم اتحاد شوروی الکسی کوسگین بجواب پیشنهاد رئیس جمهور امریکا یناغلی لیندن جانسن جواب مثبت درین مورد داده و گفته است که (وسائل تحدید مسابقه تسلیحاتی مرمیهای رهبری شده زره وی تعرضی و تدافعی را مورد بحث قرار دهند) بدین مقصد در ماسکو سفیر ایالات متحده امریکا پابن امر منتظر بود تا مذاکره را باسناد آن آغاز نماید طوریکه رئیس جمهور امریکا اظهار داشت که «ایالات متحده امریکا و اتحاد شوروی در تاریخ دلسرد رقابت تسلیحاتی به نتیجه رسیده اند ممکن اخذ تصمیم دوجانبه را ایجاب نموده که پرابلمهای غامض و حتی بالاتر از آنرا بار خواهد آورد.»

الهام که بالاخره دو قدرت بزرگ زروی را بمفاهمه مجبور ساخته اند دلچسپ میباشد. امروز زمان سیستم ضد - مرمیهای رهبری شده اتحاد شوروی پیشرفته و باعث تزئید فشار بالای ایالات متحده امریکا گردیده و هرگاه تصامیم گذشته ستراتیژی کدام رهنمائی برای هر دو مملکت تشکیل نماید به ایالات متحده امریکا و شورویست تا فرصت را مغتنم شمرده میتوان طریقه را برای فعالیت های خویش تعیین نمایند.

در دهه گذشته دو دفعه هر دو قدرت

بزرگ زره وی بموضع مشابه و تحمیل مسابقه تسلیحاتی مواجه گردیده اند.

توسعه نخستین تسلیحاتی در سال ۱۹۵۰ با انکشاف مرمیهای رهبری شده بالستیکی قاره پیمای آغاز گردید. ایالات متحده امریکا در سال ۱۹۵۷ اولین دفعه حین سال سپوتنک و املائی «خلائی مرمیهای رهبری شده» از حیث تفوق شوروی درین رشته به آن شروع نمود. در دوران دوم پرتاب سپوتنک اول ایالات متحده امریکا امر تولید دو نوع مرمیهای رهبری شده متوسط المنزل بالستیکی «ژوپیتر» و (تور) را صادر نمود. انکشاف مرمیهای پولاریس سریع گردید که نتیجه آن مرمیهای رهبری شده بالستیکی قاره پیمای (اتلس) و (تای تان) بوده زمانیکه مرمیهای رهبری شده بالستیکی قاره پیمای امریکا در اوایل سال ۱۹۶۰ برای فعالیت بزرگ زمینی های انتقال داده شد زمان اقتدار صدراعظم سابقه اتحاد شوروی بوده بجواب آن معاهده منع آزمایش های زره وی سه ساله را شکست داده و بمب ۵۷ میگاتون «ترس» را انفلاق داده نتیجه آن برای هر دو طرف تضمین امنیت قلیل نسبت بکشیر بوده و به تزئید قدرت زره وی خودها مبادرت کردند. درین وقت ستراتیژی دانان دریافت که عصر مرگ همه گانی مواصلت نموده و میگاتوناژ زیاد تخریبی نسبت بتعداد اهداف آن وجود داشت. توسعه دوم مسابقه تسلیحاتی نمایش قدرت در سال ۱۹۶۲ واقعه کیوبا بود. این عمل باعث آن شد تا خلای حقیقی که در تولید مرمیهای رهبری شده ایالات متحده امریکا وجود داشت معلو گردد.

خوف این خصومت تاثیر مخنط داشت.

طرف مثبت آن مبدأ جدید عدم

توسعه بزرگ را بار آورد روهسای زمان هر دو قدرت بزرگ مجبوراً بجل پرابلم موافقه نمود. منع آزمایش سال ۱۹۶۳ یکی از نتایج آن بود. لیکن بس متخصصین عسکری و سائنسی بر ضد آن صدارا بلند نموده و با ایالات متحده امریکا اخطار داد که این وضع پیشرفت تکنالوژی امریکا صدمه بزرگ وارد و اتحاد شوروی درین زمینه سبقت خواهد جست که در آنصورت ذریعه اتحاد شوروی موازنه قدرت دنیا برهم خواهد گردید. هفته گذشته ۲۰۰۰ نفر از نمایندگان مختلف دفاعی ارگانهای هوائی در کانفرانس خویش سقارش دادند که ایالات متحده امریکا باید «سیر دفاعی الکترونیکی» را امستند بر انفلاق بمب های هیدروژنی با ارتفاعات بلند در «پرتو تکنالوژی حالیه و طرح شده تجدید نظر بر ستراتیژی ملی» احضار نماید.

تا اکنون تکنالوژی برای ایالات متحده امریکا قدامت سه الی یک را در امور و مسائل نقلیه تعرضی تامین نموده است قدرت حالیه ایالات متحده امریکا مشتمل بر ۹۵۰ عدد مرمی رهبری شده بالستیکی قاره پیمای یک میگاتنه مینوتن داخل مملکت در سیلوهای زیر زمینی داخل موضع بوده که بمقابل ضربه یک میگاتن بمسافه نیم میل بعید مقاومت نموده میتواند.

۶ و ۴ عدد تایتان - دو - ده میگاتنه و ۶۵۶ عدد مرمی پولاریس به ۴۱ عدد تحت البحری زره وی تخصیص داده شده که حد اقل ۳۰ عدد آن تمام اوقات بحال پاسبانی بوده و ۶۸۰ عدد طیارات بمباردمان ب - ۵۸ و ب ۵۱ شامل آن میباشد این قابلیتها مکملاً مودر نیزه میباشد طور مثال وزارت دفاع پلان را سردست گرفته که بداخل زمانهای معین مینوتن سابقه و مینوتن - سه را

توسط مرمیه‌های رهبری شده فوق‌العاده عالی تحریف شده ماریک انجن سه طبقه‌ای که حموله کثیر مواد انفلاتیه را حمل نموده بتواند تجهیز میکند. وفلیت تحت‌البحری پولاریس دوباره با مرمیه‌های رهبری شده پوسیدن جدید که میتوان مواد انفلاق کثیر را بطبقات زیاد پراکنده نماید مجبزه‌سازد قوای هوائی مرمیه‌های رهبری شده بالستیکی قاره پیمارا با مواد انفلاقیه کثیره‌ایکه از عرشه ترن و ترک فیر میشود انکشاف داده است.

ارقام اخیره رسمی مرمیه‌های رهبری شده بالستیکی قاره پیمای اتحاد شوروی ۳۵۰ میباشد. همچنان بمنزل ۱۳۶۰۰ میل مرمیه‌های رهبری شده سرب‌بالای تحت‌البحری ۱۵۵۰ طیاره بمادمان کمتر از سرعت صوت بمقابل تایتان - سه قرار دارد. «مامی دانیم که دشمن اکنون دارای چقدر مرمیه‌های رهبری شده میباشد» رئیس جمهور امریکا در لطق تنسی خویش اظهار داشت که مادر زمینه ذریعه اعمار مصنوعی اطلاعات در دست داریم فی‌الحقیقت هر دو ایالات متحده امریکا و اتحاد شوروی بصورت خیالی در جستجوی دفاع غیر قابل تسخیر برای مدت ۲۲ سال میباشد اعتبار از سال ۱۹۵۳ مرمیه‌های رهبری شده ضد طیاره نایک اجا کس و هر کولیس شهرهای ایالات متحده امریکا را پاسبانی مینماید. سیستم نایک زیوس از این پروگرام نشئت میکنند.

در سال ۱۹۶۳ زیوس من جمله چهار ده عدد مرمیه‌های رهبری شده بالستیکی ناره پیماتا تایتان و اتلس زپایگاه هوائی واند ابرگ واقع ایالات کالیفورنیا بط ف جزیره کواچیلین در مرکز پاسفیک پرتاب شده بود موفق به تقاطع گردیدند. ایکن این سیستم يك نقص واضح را دارا بود:

انتن دوار را دارآن هر ثابیه آسمان را پالیده ویا بصورت ساده گفته شود که مقابله آن با مواد انفلاقیه کثیر و وسایل مصنوعی در يك تعرض عمومی غیر مکفی میباشد بر علاوه این زیوس در مقابل مرمیه‌های رهبری شده قاره پیمای فیر مرحله ثانی خفیف تر - تیزتر خیلی بطی بوده و سیستم مذکور قطعه قطعه گردید.

قرار معلوم روسها بموقیت اولی نائل گردیده اند چنانچه در سال ۱۹۶۱ بواسطه مواد انفلاقیه زره‌وی بالای جهیل ارال يك مرمی رهبری شده بالستیکی قاره پیمارا تقاطع نمود بعد از آن در ظرف کمتر از یکسال صدر اعظم سابقه اتحاد شوروی نگیتا خرسچف اعلان نمود که ضد - مرمیه‌های رهبری شده اتحاد شوروی میتوان «بپرنده در خلاصا بت نماید» قرار تحلیل استخباراتی اتحاد شوروی در اوایل سال ۱۹۶۰ امیدوار استعمال سرب ضد - مرمی‌های رهبری شده بود. این سلاح بمقابل مرمیه‌های رهبری شده عالی بصفت نایک هر کولیس مؤثر بوده لیکن بمقابل مواد انفلاقیه بالستیکی که با سرعت پنج میل فیثانیه از آسمان میریزد مؤثر شمرده نمیشود. اتحاد شوروی مودل اخیره ضد - مرمیه‌های رهبری شده بالستیکی خویش را در سال ۱۹۶۴ در بالای تریلر در میدان سرخ دريك محفنه سگرت مانند معدنی بانفزار عامه ارائه نمود. ناتوان را طرح «گالوش» نامید گالوش در غرب قدری کمتر بمعمومیت شناخته شده دارای چهار عده نوزل پوستر دار بوده ممکن برای فعالیت سریع مواد سوخت جامد را استعمال و اهداف خود را در زوایای بعید اتموسفیر تحت اصابت قرار دهد ازورای راپورها برسی آید که در ساحه مسکو جا بجا گردیده همچنان ممکن تحفظ منظوقی را شکل کمربند

برای ساحه‌های بسیار وسیع صنعتی در قسمت اروپای مرکزی روسیه تامین نماید. درین ضمن بعضی خصوصیت‌های وجود دارند «معبه‌های مرمیه‌های رهبری شده بالستیکی قاره پیمای» که فعلاً بالای خط قطب شمال بین ایالات متحده امریکا و اتحاد شوروی امتداد یافته است هر گاد چنین باشد اهداف اتحاد شوروی از جنوب در محلیکه تحت‌البحریهای پولاریس امریکا واقع بحیره مدیترانه پاسبانی مینماید جراحت‌پذیر میباشد سیستم دیگر تدافعی اتحاد شوروی نزدیک تالین واقع استونیا ظاهر شده است اما مقامات رسمی ایالات متحده امریکا باستخدام این موافقه نیورزد امنیت در تالین خیلی متین بوده عبور سیاحین خارجی توسط طیاره بالای این شهر ممنوع میباشد.

به سیستم مذکور هنوز بداخل کشور اتحاد شوروی بنظر شک و تردید دیده میشود.

بموجب قضاوت ستراتیژیک دانان اتحاد شوروی مکملاً از موضوع مطلع اند که نمیتوان ذریعه سیستم ضد - مرمیه‌های رهبری شده بالستیکی مکملاً مواد انفلاقیه را در هر جا متوقف ساخت. بصورت عمومی در غرب حدس زده میشود که در وضعیت موجوده اتحاد شوروی علاقه باستخدام ساحه مدافعه وی «غضیم» را نداشته بلکه سیستم ساحه مدافعه «بازیک» میتوان بمقابل تعرض چینیائی‌ها مکفی باشد.

سیستم ضد مرمیه‌های رهبری شده بالستیکی ایالات متحده امریکا بروی کاغذ يك سیستم خوب است. فعلاً ایالات متحده امریکا بغرض تحقیقت و انکشاف آن پول زیاد را نسبت بانکشاف بمب اتموم بالای پروژه منها تن صرف نموده است. صد ملیون دالر يك قرار داد را

بايك كمپنى الكترىكى امضا نموده كه تعداد مجموعى آن را ۲۰۸ مليون دالر بالا ميبرد .

اساساً سيستم نايك ايکس عبارت از مرميهای رهبرى شده - رادار و ماشينهای حساب وده که برادار و مرميهای رهبرى شده ماشينهای حساب و احياناً معلوم مينمايد که بايد چه بکنند . مرمى رهبرى شده بزرگ آن سيارتان به طول ۵۴ فـت بوده که مانند گالوش اتحاد شوروى برای تقاطع مرميهای رهبرى شده بالستىکى قاره پيمای وارده در اتموسفر بالائى طرح شده ميتوان توسط تشعشع زره وى مواد انفلاقيه خويش آنرا تحت تاثير قرار دهد .

انفلاق درفضای خارجى نسبت عدم موجوديت اتموسفر که امواج صدمه را نقل ميدهد تاثير ندارد از اين حيث قدرت کشتن سيارتان از ناحيه شعاع ايکس و نيوترون خواهد بود که ذريعه انفلاق از آن بيمانى آيد فرضاً اگر انرژی شعاع ايکس بسيستم مرميهای رهبرى شده قاره پيما اصابت مينمايد از اثر حرارت مولده ذوب گردد .

• بتعداد زياد شعاع های ايکس در آن نفوذ نموده محافظه مواد انفلاقيه آن از اثر حرارت ضعيف شده ميتوان از اثر آن قدرت مقاومت را بدخول در باره اتموسفر نداشته باشد .

سپرنت اولك دار زره وى طورى طرح شده است که ميتوان خورد تر و وسيع تر را اخذ و در ارتفاع ۳۰ ميل در ظرف يانزده ثانيه صعود نمايد اين تماماً زمان است که مرميهای رهبرى شده بالستىکى قاره پيمای بسپر خارجى سيارتان نفوذ مينمايد .

بنا برآن هر دو نوع مرميهای رهبرى شده بدون رادار جز اسباب باز يچه چيزى ديگر شمرده نميشوند پرده سيستم مرميهای رهبرى شده

بالستىکى ايفاظ نخستين قريب دائره ار کتاک که از سال ۱۹۶۳ باين طرف فعاليت نموده ميتوان بمجل قومانده (نورد) واقع کلورادو را در يانزده دقيقه اشاره ايفاظ تعرض بدهد . رادار عظيم ثابت مرميهای رهبرى شده بالستىکى ايفاظ نخستين در حقيقت ميتوان مرميهای رهبرى شده بالستىکى قاره پيمای دشمن را که در طى نمودن راه خود در بالا باشد کشف نمايد . بعد از آنکه مرميهای رهبرى شده بالستىکى ايفاظ نخستين سيستم نايک - ايکس برای پاليدن بعيد و تعقيب اقمار مصنوعى از رادار شعاعى کثير الوظيفه تکتيکى و رادار استحصالي معلومات استنادده و بالاخره

از رادار موضع مرميهای رهبرى شده که کنترل اصابت مواد انفلاقيه را حين تصادم حقيقى برای سپرنت و سيارتان تا مبن ميکند فعاليت مينمايند . در روايت سند و کواچيلين از رادار (شعاعى - فيز) استفاده ميشود: انتن متحرک نبوده بلکه ثابت بوده ميتوان صدها اهداف منفرد را باصحت تام کشف و باندازه ملي ثانيه آن را محاسبه نمود . در رادار های ديگر اشارات فره کانس بلند باستقامت های مخلف نشرو با اهداف متنوع تصادف و واپس منعکس ميگردد .

تمام اين چيز ها سر يعانه در اداره صورت ميگيرد .

باين همه موجوديت صحت کامل در سيستم ضد - مرميهای رهبرى شده بالستىکى بسي نقاط ضعيف نيز در آن وجود دارد اين سيستم ميتوان ذريعه متعرض فریب داده شد اين وضع از اهميت مدافعه ملي کاسته و کار خيلى مشکل هم ميشود .

طوريکه مرميهای رهبرى شده بالستىکى قاره پيما بطرف ضد مرميهای رهبرى شده - همنائى کرده ميشود در عين حال با خود بتعداد کثير چيز های ديگر در مدافعه دشمن نفوذ ميکند . اکنون

مرميهای رهبرى شده تعرضى بترتيبى طرح ميشود که نه تنها با خود مواد انفلاقيه حمل نه نمايد بلکه برای مختل ساختن رادار طرف مقابل بعضى اشيای مصنوعى « معاونات نفوذيه » را نيز با خود حمل ميکند . چيز های مصنوعى وى : « معاونات نفوذيه » ممکن بالون های مخصوص پارچه های ديگروحتى بوسن مرميهای رهبرى شده بالستىکى قاره پيما را با خود حمل نموده که اشيای مذکور ميتوان بعد از قطع انجن محترق و پارچه های آن مواد انفلاقيه را تعقيب و در پرده رادار بشکل پارچه های ابر ظاهر گردد .

برای مغشوش ساختن سيستم ضد مرميهای رهبرى شده ميتوان متعرض از تخنيک مکدر ساختن با اجرا کردن چندين انفلاق در خلا استفاده نموده و الحاصل دخول متعرض در سيستم ضد مرميهای رهبرى شده مدافع به طريقه های متعدد صورت گرفته ميتواند در عصر حرب زره وى هميشه متعرض بالای مدافع تاخته ميتواند قرار اظهارات وزير دفاع امر بکابا موجوديت سيستم نايک ايکس و اطاق های نجات از تعرض اتمى مدافعه سويل در پنجاه شهر امريکا که تا سال ۱۹۷۰ اکمال ميگردد بالای ايالات متحده امریکا ۳۰ مليون ضايعات اسانى در يك حرب اتمى تحميل خواهد گرديد . با تعرض ثانی اتمى ۱۲۰ مليون ضايعات وارد شده هر گاه ضايعات يك بر دو حصه باشد در دفعه سوم بعد از انقضای دو ماه تماماً از بين خواهد رفت با موجوديت اين همه وسائل محل پنهان شدن در حرب زره وى وجود ندارد .

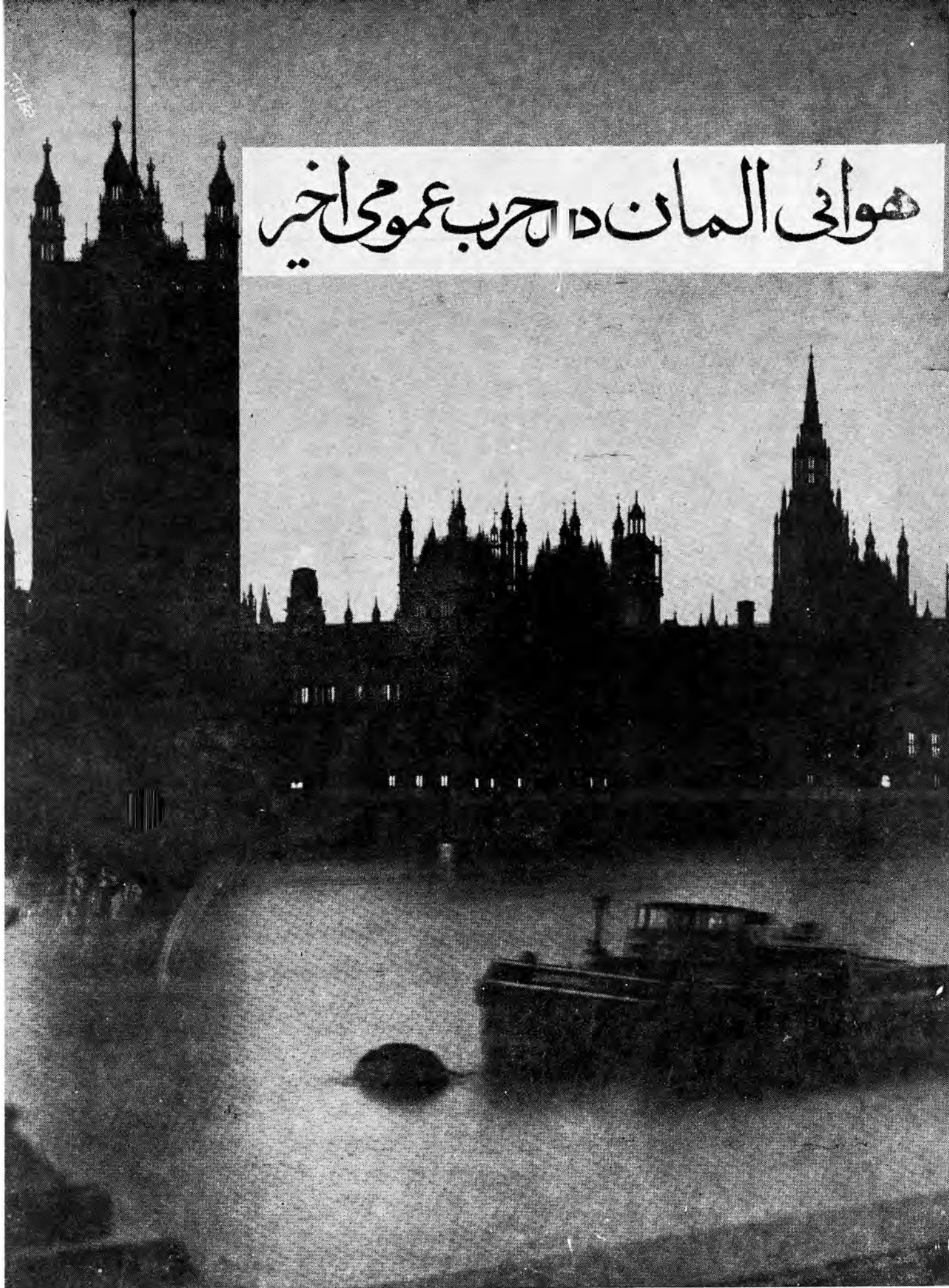
نتيجه نهائى ضد مرميهای رهبرى شده برای « مدافعه خفيف » ۱۰ بليون دالر بوده که تحفظ منطقه وى را بداخل مملکت تا مبن کرده و بر علاوه آن برای سپر های سپرنت « مدافعه قدرى غليظ » برای ۲۵ شهر ۴۰۹ : (بقيه در صفحه ۳۴)

بریدمن عبدالسلام
از قوای هوایی

بریتانیا و قوای

پس از شکست فرانسه در حرب عمومی اخیر دولت آلمان پلان های استراتژی خود را متوجه انگلستان نمود. هتلر در ۱۹ ژوئیه پیشنهاد مصالحه نمود. ولی لندن نظر به وعده هایکه با مالک دیگر کرده بود پیشنهاد صلح را رد کرد. غرض آلمان تأمین اولویت خویش در قاره بود. و چون انگلستان آرزوهای نازی ها را قبول نکرد. آلمان مصمم شد با وارد نمودن ضربه های مهلکی، حریف را از پا در آورد. اردوی انگلستان کلیه تجهیزات خود را در قاره اروپا از دست داده بود. ولی قوای هوایی و بحری قوی داشت. از اینرو هیچیک از استراتژیست های با استعداد قوای سه گانه آلمان نمی دانست چگونه باید به انگلستان نیرو پیاده کند و خود هتلر نیز در این پلان مشکوک بود و حتی چندین بار بعضی از پیشنهاداتی که در این موضوع برایش کرده بودند رد نموده بود لیکن از اینکه صاحب منصبان نیروی دریایی آلمان تا آنوقت چندان بحرب اشتراک نکرده و تقریباً کار زیادی نداشتند. مسئله حمله به انگلستان را مورد بررسی قرار دادند، همان بود در ۲۷ مه «کورت فریکه» *Kurt Fricke* فرماندان نیروی دریایی، پلان جدیدی تهیه کرد که عنوان آن *Studie England* بود. یک رشته تدابیر مقدماتی نیز برای جمع آوری کشتی های مختلف و ساختن تحت البحری های مخصوص پیاده کردن قوا، که آلمان کاملاً فاقد آن بود، بعمل آمد. در این مورد «دکتر گفریدنر» آن اقتصاد دان کج اندیش که در نخستین روز های

هوایی آلمان در حرب عمومی اخیر



فعالیت هتلر در مونیخ در تنظیم پلان های حربی به او یاری کرده بود ، پلان های «تسماح جنگی» می نامید ، تهیه کرد که طبق آن یکنوع کشتی را در نظر گرفتند که پوش آن یکنوع یکنوع بتون محکم ساخته شده بود و می توانست دو صدها تیربار را در قسمت ریهات بجا بگذارد . تانک یا چه توپ را ، با خود حمل کند و در هر ساحلی قرار بگیرد در نتیجه در یکی از روز های اواخر ژوئن در «کومپین» پلانی را بدست هتلر گذاشت که طبق آن دریان خود را به دست آورد کرد . تشدید جنگ در این دو دریائی آلمان علیه کشتی های بحار ، فابریکجات و پیمان های و قوای هوایی انگلستان مسلح های خراس انگیز علیه مراکز صنعتی و پیاپی کردن یکنوع افراد نظامی برای انگلستان .

لازم باشد ، نتواند در هوا مجار به کند . معهدا به عقیده یودل تمام این کارها لازم نبود . چون انگلستان دیگر نمی تواند برای نیل به بیروزی بجنگد و فقط می تواند برای حفظ مستعمرات و سیاست جهان خود در جنگ ادامه دهد ، طبق پیش بینی ها یکه می شود وقتی که بداند صلح راه توی می تواند به بهائی ارزانی بدست آورد ، قاعدتاً باید در تحصیل آن بکوشد . این چیزی بود که هتلر نیز به آن می اندیشید و بهمین جهت آنرا در نطق خود ملحوظ داشت و در نتیجه در ۱۷ ژوئیه امر نمود که سیزده فرقه زبده برای نخستین حمله به انگلستان در ساحل کانال مانس جایگزین در زمان روز و ماندن این حمله را در روز ۱۳ ژوئن انجام نمود که در نتیجه در روز ۱۳ ژوئن می بایست ارتش سوئیس را به انگلستان دهند . وطنی نقشه ای را تنظیم کردند که تا روز سوم است و طبق آن در روز چهارم حالت انگلستان را بکنترل در یک قوای برتر که از آن در جهت عسارت از شش فرقه سببیت فرقه آن با موتور و موتور خود را به بی باکت سوخ حمله را انجام دهد و در روز سوم طبق پلان حمله می رفته فرقه قوای هوایی در فرقه هوایی در حالت انگلستان بمبارات مشغول باشند . از اینرو هتلر با یک اراده متین و یابک غرور خامس ، به «هالدر» گفته بود : وضع انگلستان پس ناگوار است . ما جنگ را از راه و احتمال بر گشت موفقیت بطور ما غیر ممکن است .

اما با وصف آن تعرض هوایی بزرگ گورینگک به بریتانیا که «عملیات عقاب» *Odlerangriffe* نامیده می شد در ۱۰ اوت اجرا شده بود تا قوای هوایی بریتانیا را از آلمان ها با ایدو بدگوارند تنها شرط لازم برای تجاوز به آن کشور را تحصیل کند . مارشل گورینگک هیچ شکلی در باره فتح نداشت . تا اواسط ژوئیه مطمئن بود که میتواند قوای فعال دفاعی بریتانیا را در جنوب انگلستان در چهار روز با یک هجوم دامنه دار درهم شکند . راه را برای پیاده کردن قوای زمینی آلمان باز کند . گورینگک به قوای هوایی اردوی آلمان گفت که اقدام کامل قوای هوایی پادشاهی قوای بیشتر طول خواهد کشید . در اواخر هفته در حقیقت آلمان در این قوای هوایی فکر می کرد که با بلوغت و اقبال است که بتواند بریتانیا را در روز چهارم در حال تسلیم کند .

یودل در محاکمه و جمعیت خود چنین قرار داده بود که «جنگ علیه قوای هوایی انگلستان باید بر هر کار دیگر مقدم باشد» اما در همین فکر میکرد که این عملیات در این عملیات حمله و رمی توان باز حمله بسیار سنگین انجام داد . در نتیجه این عملیات بر انعام اولده و مقام سببیت در این حمله قرار کرد و حمله در نتیجه ، و بالاخره دولت آلمان او اذعان به تسلیم خواهد کرد .

یودل در محاکمه و جمعیت خود چنین قرار داده بود که «جنگ علیه قوای هوایی انگلستان باید بر هر کار دیگر مقدم باشد» اما در همین فکر میکرد که این عملیات در این عملیات حمله و رمی توان باز حمله بسیار سنگین انجام داد . در نتیجه این عملیات بر انعام اولده و مقام سببیت در این حمله قرار کرد و حمله در نتیجه ، و بالاخره دولت آلمان او اذعان به تسلیم خواهد کرد .

یودل در محاکمه و جمعیت خود چنین قرار داده بود که «جنگ علیه قوای هوایی انگلستان باید بر هر کار دیگر مقدم باشد» اما در همین فکر میکرد که این عملیات در این عملیات حمله و رمی توان باز حمله بسیار سنگین انجام داد . در نتیجه این عملیات بر انعام اولده و مقام سببیت در این حمله قرار کرد و حمله در نتیجه ، و بالاخره دولت آلمان او اذعان به تسلیم خواهد کرد .

این کار را فقط وقتی می توان مورد بررسی قرار داد که آلمان تسلط هوایی را احراز کرده باشد . بنابراین ، منظور از پیاده کردن قوا نباید تسخیر نظامی انگلستان باشد . این کار را میتوان به نیروی هوایی و نیروی دریائی محول کرد . مقصود از این عملیات باید وارد آوردن ضربه سر کپار [*Todesstoss*] به انگلستان باشد که قبلاً از لحاظ اقتصادی فلج شده و دیگر اگر هنوز

این کار را فقط وقتی می توان مورد بررسی قرار داد که آلمان تسلط هوایی را احراز کرده باشد . بنابراین ، منظور از پیاده کردن قوا نباید تسخیر نظامی انگلستان باشد . این کار را میتوان به نیروی هوایی و نیروی دریائی محول کرد . مقصود از این عملیات باید وارد آوردن ضربه سر کپار [*Todesstoss*] به انگلستان باشد که قبلاً از لحاظ اقتصادی فلج شده و دیگر اگر هنوز

این کار را فقط وقتی می توان مورد بررسی قرار داد که آلمان تسلط هوایی را احراز کرده باشد . بنابراین ، منظور از پیاده کردن قوا نباید تسخیر نظامی انگلستان باشد . این کار را میتوان به نیروی هوایی و نیروی دریائی محول کرد . مقصود از این عملیات باید وارد آوردن ضربه سر کپار [*Todesstoss*] به انگلستان باشد که قبلاً از لحاظ اقتصادی فلج شده و دیگر اگر هنوز

جزء جنگیده های خود را در بزرگ
اجتناب کرد و در نتیجه خسارات
قابل ملاحظه ای نگاشتند. با توجه
از بندرهای انگلیسی وارد آمد. چهار
کشتی بزرگ و هفتاد کشتی کوچک
عویق شد. اما این پیروزی به قیمت
مشهد شدن ۶۹ و آسیب دیدن
۱۳۵ فروند طیاره ما که بی تقاضا شد
قوای هوای انگلستان ۲۰ فروند
طیاره جنگی از دست داد. در ۲۰ اوت
گورینگ که فرماندهی برای عملیات
عقاب در روز بعد صادر کرد. شروع
دو روز هم راه حمله های پرلستیک
های ۲۰۰ نفر دشمن اجرا شد که دو
نیمه پنج روزه آنها آسیب دید و یکی
یکی از شمار آنها ۳۰۰ نفری ها در
وقت نماندند که در ۲۰ اوت
برای دفاع بر یکایه از پشت او
و بتای این عملیات خود را برایشان

حالت تفریق را از دفاع بخاری
امدیکه نیروی آلمانی سوکت از
فروند طیاره بخار و سی و چهار
فروند طیاره شکاری هنگام تودیک
شدن در نسیاید T-11 از طرف
قوای هوای انگلستان غافلگیر و
بشدت کوبیده شد. حتی طیاره
که بیشتر استن بمباز بود بدول
و از دست داشتن رکو جکرین تلفاتی
مدافعتان متوسط دادند.
این پایان دار قوای هوای
آلمانی راه در سرکانه اند و یا بود
طیاره آن هرگز برای حمله باز
نگشتند.
آمریکاییان آلمانی ها در جنوب
انگلستان موفقیت آبی تر بود. در آن
قسمت چهار حمله با لوه اجرا شد
که یکی از آنها تقریباً نماندند و
چهار فایرینگ طیاره سازی
ضربت خورد و پنج میدان هوایی
و چهاردهم ماه تقریباً
بیشتر برای حمله بر میدان های هوایی
عسکر فرستادند.

که پنج تا از آن میدان های هوایی
« کاملاً ویران شده است و خسارات
وارد عملیات را چنان بود و لوه
در ۲۰ اوت چهار طیاره انگلیسی
طیاره از دست دادند و در ۲۰ اوت
در هیله اوت نخستین پیروز بود که
هوای اجرا شد. در آلمانی ها عمده
قوای هوایی خود را از دست
هوای که در فرانسه و زوری و
دانشگاه تحصیص داده بود به میدان
فرستادند. بر رویهم ۸۱ تک حمله
و بمبارد و ۱۴۹ عملیات نبردهای
هوایی انجام گرفت « میدان هوایی
اسکندزیا و یاه کفا آرا و
ها استفاده نمی نمودند به سرگوش
مصیبت فراوان چارت گودیت و
میدان طیاره برای یک عمده فرستاده
بر ساحل جنوبی انگلستان آلمانی ها
امید وار بودند که بتوانند

با این تلفات آلمانی هر غنی رغم
تفوق عددی خود مشکل می توانستند
به زمین گیر کردن طیاره انگلیسی
امید وار باشد.
حال مارشال گورینگ نخستین
از دو اشتهه تا کنیکی خود را سوکت
شده بود. مهارت فرماندهی قوای
هوای انگلستان در استفاده از طیاره
خود عظیم آلمانی ها هم برهون استفاده
میدان هوای روان را در نظر بود طیاره
آلمانی از لیفتا شرو و پرواز
بایکایه روی در از و با غیره
شان بر صف صدر ادر می افتند و خط
چندان بدقت تعیین می شد که فرماندهی
قوای دفاع هوای انگلستان میدانست
چه لحظه ای آنها را می توان سقوط داد.
این یک پیروز زمین در جنگ هوایی بود
و آلمانی ها و آنکه دو استفاده از این
آب الکترونیک از انگلیسی ها عقیب

بر فواید خود خبر آن ساخت
معملاً حمله بر ایستگاههای رادار
بریتانیا که در ۱۲ اکتبر جتک است
رسانده بود. اذانه نیافت و مؤثر
اکتبر گورینگ فرماندهی آن حمله
را با این عیادت ظاهر کرده
حمله بر ایستگاههای رادار انگلستان
حتی یکی از آنها ترک هم نماندند
بیداد است رادار جین حمله ای
مورد ندارد. در سال اول
یک سب دیگر دفاع هوایی
مؤثر در جنوب انگلستان وجود
مرا از مجاری این ناحیه ای بود
مرا از روز پر و زمین بود و
شکله سر آلمانی ها تشکیل شده
که طیاره است و بی ای بی موسی
تلفاتی می بیند به لیکه ای نام
اسلیم عمل این قره لوه بود
حمله فرمود از زمین و
طیاره ابتدای تشکیل می
بگفتند. کالاند، بیلیوت های
میدان در ایستگاه ایستگاه
سر ایستگاه بیلیوت های انگلیسی
طول بیوجهای زمین می
از اوت آلمانی ها حمله ای
خود را بیوجهای ایستگاه این
کننده ده هفت تری آنها در
های هوای آلمانی لندن
جنوب انگلستان وجود
اهمیت حیاتی بود. این
بود محکم بر بنیان شبکه
بریتانیا

تا آن روز جریان نبرد
بزیان نوقت واقف بود. در
نیروای هوای آلمانی
در بر ایستگاه و هفت
از حالت تازیدین ترتیب
آلمانی روز بیرونه یوه
شدند. بین ۹ اوت و ۲۳
بدی هوای پنج روز
شد و گورینگ روز نهم
۳۲

امرداد که به محض بهبود یافتن اوضاع جوی، لوفت و افه حملات خود را منحصرآ بر نیروی هوایی انگلستان متمرکز بسازد.

گورینگ اعلام کرد: « ما به دوران قطعی جنگ هوایی علیه انگلستان رسیده ایم. تکلیف حیاتی ما عبارتست از شکست دادن نیروی هوایی دشمن، نخستین هدف ما انهدام طیارات جنگی دشمن خواهد بود.

برای رسیدن به این منظور، آلمانی‌ها از ۲۴ اوت تا ۴ سپتامبر بطور متوسط هر روز هزار طیاره به میدان فرستادند. اینک گورینگ، برای نخستین بار درست گفته بود. نبرد بریتانیا وارد مرحله قطعی خود می‌شود زیرا حمله‌های آلمانی‌ها داشت بر شبکه دفاعی نیروی هوایی انگلستان مؤثر واقع می‌شد. در دو هفته میان ۲۳ اوت و ۶ سپتامبر، ۴۶۶ فروند طیارات جنگی انگلیسی منهدم شده یا بسختی آسیب دید اگر چه انگلیس‌ها در آن هنگام نمی‌دانستند؛ تلفات لوفت و افه خیلی کمتر بود چنانچه اظهار نموده بود « کفه ترازو به زیان قوماندانی قوای هوایی انگلستان پایین رفته بود، واضطراب فراوان حکمفرما بود. » اگر چند هفته دیگر این وضع ادامه می‌یافت، بریتانیا دیگر دارای سازمان دفاعی متشکل برای جنگ های هوایی نمی‌بود و تجاوز به خاک آنکشور مسلماً به موفقیت می‌انجامید.

اما ناگهان گورینگ دومین اشتباه تاکتیکی خود را مرتکب شد. این اشتباه را می‌توان از حیث عواقب باخطای هتلر در موقوف داشتن حمله نیروی زره دار آلمان در دوتنک در ۲۴ مه مقایسه کرد. اشتباه مزبور نیروی هوایی کوفته و رو به سقوط

انگلستان را نجات داد و یکی از نقطه عطف در تاریخ نخستین نبرد هوایی بزرگ بشمار میرفت.

پس از وارد آمدن تلفات سنگین به قوای هوایی انگلیسی؛ تلفاتی که در صورت ادامه یافتن بزودی تحمل ناپذیر می‌شد، لوفت و افه در هفت سپتامبر حملات خود را تبدیل کرد به بمباران شبانه لندن. بدینگونه طیارات عسکری انگلیس از خطر انهدام رستند.

از اینکه چه اتفاقی در آلمان روی داده بود که موجب تغییر نا کتیک لوفت و افه شد، تغییری که برای جاه طلبی های هتلر و گورینگ بسیار شوم بود؛ یکی از پیش آمدهای عجیب تاریخ است. زیرا شب ۲۴ اوت ده دوازده فروند از طیارات بمباران آلمانی مؤظف شدند تا فا بریکات طیاره

سازی و مخازن نفت لندن را بمبارد کنند. پیلوت های این طیارات سهواً بمب های خود را بالای یکی از کارته های لندن انداختند که در نتیجه این کار موجب انفجار چندخانه و کشته شدن چندتن غیر نظامی شد. انگلیسی ها تصور کردند که آن بمباران قصدی بوده و بهمین جهت شب بعد برای تلافی، برلن را بمباران کردند.

این بمباران خسارات زیادی ببار نیاورد. آنشب ابرمتر کمی برلن را پوشانده بود و فقط نیمی از هشتاد یک طیاره بمباران اعزامی هدفهای خود را یافتند. خسارات مادی چندان قابل اعتنا نبود. اما لطمه ای که بر روحیه آلمانی ها وارد آمد قابل توجه بود زیرا این نخستین بار بود که طیارات بمبارد انگلیسی برلن را بمباران میکردند. « باقی دارد »

مسابقه تسلیحاتی

(پیء صفحه ۲۹)

مرمیهای رهبری شده باالستیکی قاره پیمان خواهد گردید درین صورت ایالات متحده امریکا دو نوع مدافعه را بوجود خواهد آورد. یکی آن مدافعه « نقطه » بمقابل اتحاد شوروی و دیگران مدافعه « عبوس » بمقابل چین.

از تجلیل عوامل فوق بر می آید که انکشاف سیستم تعرضی و تدافعی زره وی مرمیهای رهبری شده باالستیکی قاره پیمان چهگاه امنیت کامل را تامین نتوانسته باسیر ارتقائی انکشافات تکنالوجی اهمیت تدافعی و تعرضی هر سلاح جدید به کمترین فرصت ازین رفته انکشاف آن باعث مصارف گراف بودجه شده و هم قناعت طرفین را در مورد حاصل کرده نتوانسته راه معقول آن بجز « تجدید مسابقه تسلیحاتی » چیز دیگر نمیشد.

بلیون دالر تخمین گر دیده است. نظر لوی درستیز قوای ثلاثه امریکا قیمت « مدافعه عالی » شهرهای امریکا را با بوسی و سائل از نقطه نظر قیمت و کیفیت زیادتر میسازد.

در وضعیت موجوده امریکا ۲۰ بلیون دالر رادر جنگهای ویتنام صرف نموده و ۴۴ بلیون دالر دیگر درین زمینه بالای آن از دبا دگر دیده بر علاوه آن امریکا پروگرامهای دیگر مانند پروگرام « جامعه بزرگ » نیز در پیش رو داشته هرگاه اتحاد شوروی نظر به این یک دالر رامنحیث تعرض بمصرف میسازد امریکا بمقابل آن چهار دالر را در مدافعه بمصرف میسازد همچنان چین تا سال ۱۹۷۰ صاحب

ماشین های حساب کنند ه

الکترونی برای اداره کردن اردوهای مدافعه ضد هوایی

در زمان حاضر تمام سیستم های اتماتیکی در اردوهای مدافعه ضد هوایی ممالک سرمایه دار عصری تر و مودرن تر شده می رود. نظر به اطلاعات مطبوعاتی امریکا برای مدافعه ضد هوایی و مراکز عسکری خود چندین سیستم اتماتیکی ایجاد نموده اند:

- ۱ - سیستم ثابت نیمه اتماتیکی مدافعه ضد هوایی بر اعظم « سیدز *СеИД* »
 - ۲ - سیستم ثابت نیمه اتماتیکی مدافعه ضد هوایی مراکز بزرگ عسکری و صنعتی بر اعظم ها میسایل ماستر *МиСсаИл - Мастер*
 - ۳ - سیستم متحرک نیمه اتماتیکی مدافعه ضد هوایی برای اردوهای صحرائی *М иСсаИл - Мастер*
- ۱ - سیستم متحرک اداره کردن وسائط مدافعه ضد هوایی مراکز در صحنه های دور از بحریدز *БЭ иЦз* مختصراً راجع به خواص این سیستم ها بحث میکنیم.

که از نظر اجرات و مقیاس و استعمال آلات رادیو الکترونی یک دلچسپی زیادی دارد. سیستم سیدز « *СеИД* » در تمام بر اعظم ها تا به ۳۰ سکتور مدافعه ضد هوایی را

خود دشمن و راجع به فرستادن احوالات طور اتماتیکی در باره موضوعات هوایی و حالت گروهی قوت های هوایی و وسائط مدافعه ضد هوایی در عین مومنت و مقیاس معین راجع به حساب های اتماتیکی و تصمیم و با لخره به اقدامات بعد از حل و فصل قوماندان و انتخاب وسائط مدافعه ضد هوایی برای دستگیری هدف های هوایی (روی کار آمده.

چنین پروبلم را نمیتوان ذریعه کار دستی و یا ماشین های حسابی مستقل حل کرد. لازم است که وسائط حساب کننده سریع و عمومی که تمام این مسائل فوق الذکر را حل کرده و اداره تمام وسائط مدافعه ضد هوایی برای مجادله با دشمن هوایی در فضای وسیع کشف کند.

اولین نمونه ماشین های حساب کننده الکترونی که چنین وظیفه اداره کردن در سیستم مدافعه ضد هوایی به عهده داشت در سنه ۱۹۵۷-۱۹۵۶ عیسوی (ماشین های حساب کنند، *AN/FSQ-7* که در مرکز قوای هوایی اضلاع متحده امریکا و ماشین های *AN/FSQ-1* در سیستم میسایل ماستر *МиСсаИл - Мастер* در ۱۹۱۷ عیسوی قرار داشتند بوجود آمده اند

اردوی مدافعه ضد هوایی از نقطه نظر استعمال ماشین های حساب کننده الکترونی یک قوا مساح پیش قدم بوده که ایجاد و تولید چنین ماشین های حساب کننده الکترونی برای این اردو ضرور بود. هنوز در جنگ عمومی دوم جهان و قتیکه طیارات جرمنی شهر لندن و دیگر شهرهای انگلستان را بمبارد میکرد لازم بود که توپ های ضد هوایی را مجهز میساخت. یعنی برای اداره موفقانه این توپ ها لازم بود که آلای بالای آن نصب باشد. نشان میداد که آیا سرسی با طیاره در کدام وقت تصادم میکنند. که چنین مسائل را باید بایک سرعت کامل حل و فصل مینمودند. ازدیاد سرعت طیارات، زیاد شدن استعداد مانوره دشمن های هوایی نه تنها به اداره نمودن طور اتماتیکی توپ ها احتیاج داشت بلکه برای اداره کردن تمام اردوهای مدافعه ضد هوایی احتیاج بمیان آورد. نزد ارگانهای اداره کننده مدافعه ضد هوایی مسئله (راجع به اتماتیکی ساختن و تمرکز نمودن، جمع آوری معلومات ها راجع به موضوعات هوایی از تمام ارگانهای مشاهده ثی و راجع به شناختن هدف های هوایی

ایجاد میکند. سکتور مرکز مشاهده را که با تمام منابع مشاهدات و وسائط سکور مدافعه ضد هوایی رابطه دارد توسط تمام قوه های مدافعه ضد هوایی اداره میشود.

اگر محیط سکتور دارای مرکزهای سیاسی و عسکری و صنعتی باشد پس اداره کردن وسائط مدافعه ضد هوایی، که مرکز مهم بزرگ را از حملات هوایی محافظه و مخفی میسازد توسط مرکز میسایل ماستر *Мисса ил-Мастер* اجرا میشود.

اداره اردوهای مدافعه ضد هوایی از یک مرکز بنام مرکز اداری اجرا میشود که قرار داده این مرکز اداره را نزدیک یکی از مراکز تماشا و یا مرکز مشاهده قرار میدهد. بدین ترتیب اساس سیستم اداره مدافعه ضد هوایی اتوماتیکی بر اعظم را مرکز مشاهده تشکیل میدهد. تمام تجهیزات دستگاه تخنیک هوایی که سیستم *Се и ДЭС* سیدژ را تشکیل میدهد چهارگروپ تنسیم میشوند: کشف نمودن، شناختن، دریافت کاردینات هدف های هوایی، بکار انداختن و حل و فصل یعنی هدایت گرفتن، مخابره قوماندان برای از بین بردن هدف های هوایی.

وسائط تخنیکی مرکز مشاهده قرار ذیل اند:

- ۱- دو کامپلکت ماشین های حساب کننده الکترونی که یکی آن اساسی و دیگری کومکی میباشد.
 - ۲- ساختمان آخذہ راجع به معلوماتها از وسائط کشف کننده.
 - ۳- ساختمان مرسله معلوماتها از مرکز مشاهده و وسائط مدافعه ضد هوایی و مرکز عملی کننده.
 - ۴- ساختمان آخذہ و مرسله که با مراکز حربی ارتباط دارد.
- منابع اساسی معلوماتهای مرکز مشاهده عبارت از استیشن های رادیو

لوکاسیون مختلف، نو کریو الهای مشاهده زمینی (تقریباً بیست و چهار هزار نو کریوالان در تمام براعظم)، نو کریوالان امورات میترو لوژی هوایی و همچنین مراکز اداره وسائط ضد هوایی و پرواز طیارات میباشد. گروپ بندی نو کریوالان رادیو لوکاسیون به ترتیبی بوده که ساحه خالص رادیو لوکاسیون را نه تنها در بر اعظم بلکه دور از حدود آن نیز تکمیل بسازد.

ساحه خالص رادیو لوکاسیون در بالای بر اعظم ها توسط رادیو لوکاسیون استیشن کشف بعید، ذریعه استیشن رادیو لوکاسیون که ارتفاع هدف ها را دریافت میکند، بواسطه رادیو لوکاسیون که در بالای طبارات و دیریزابل های نو کریوالا قرار دارند ایجاد میشود.

ساحه رادیو لوکاسیون دور از بر اعظم ها بواسطه کمر بند های استیشن رادیو لوکاسیون «*ИИИИ*» پائین پری که از جناح کمانا نام میگذرنند، رادیو لوکاسیون کمر بند کشف دور که یکی آن در خطوط ۵۵-۵۶ عرض البلد و دیگری آن که بنام کمر بند *Дбю* دیو، یا دور از خطوط ۶۹-۷۰ بطول الاسکا، کانادا، درگیریند و بالاخره در ساحل بحر و نیز به اندازه ۲۰۰ کیلومتر دور تر از ساحل در بر میگردد میباشد.

وسائط اساسی تخنیکی مرکز مشاهده عبارت از یک ماشین عمومی حساب کننده الکترونی نوع *AN/FSQ-7* میباشد. ماشین های حساب کننده الکترونی *AN/FSQ-7* عبارت از ماشین دو گانه باد خول عمومی و ساختمان دو بلبه حسابی حفظ کننده خارجی میباشد.

استفاده دو ماشین مذکور در سیستم *Се и ДЭС* سیدژ کاربردن

وقفه را تکمیل میسازد یک ماشین آن (اساسی) به پروگرام اداره کردن وسائط مدافعه ضد هوایی دیگر آن (کمکی) برای بکار انداختن بعضی معلومات ها و یا دریافتی از کار افتادن ماشین اساسی کار میکند.

تبدیل ماشین ها ذریعه سوئیچ ساختمانهای دخولی و خروجی مرکز مشاهده صورت میگردد، در ماشین سیستم دو گانه حساب کننده با قطعی های حساب کننده ۳۲ چوره قطارها استعمال میشود، هر کدام ساختمان محافظه کننده با هسته های فیبریتی (فیبرد مقناطیسی) با گنجایش ۵۰۰۰۰۰۰ علامت دو گانه جمع آوری شده.

ساختمان محافظه کننده خارجی هر ماشین از ۱۲ تابه های مقناطیسی با گنجایش ۵۰۰۰۰۰۰ علامت دو گانه تشکیل شده سرعت دوران در یک دقیقه است ۳۰۰۰ دور آن در یک دقیقه است برای نوشتن پروگرام بکار انداختن معلوماتها و حسابها هشت دانه فیتته مقناطیسی که به هر کدام آن اندازه میرسد استعمال میشوند.

اندیکاتور دید بان از دو عدد نل های *Характери* و *Та и Иа ТроН* «تا اینجا ترون» و خرکترون تشکیل شده بالای خرکترون تمام وقوعات هوایی مرتسم میشوند، درین مابین ۵۸۰۰۰ گروپ های رادیونی که قدرت مصرف خود را ۱۰۰۰ کیلو وات تشکیل میدهد، ماشین حساب کننده الکترونی *AN/FSQ-7* راجع به معلوماتها، نیکه از منابع مختلف در باره وقوعات هوایی میرسد و نیز راجع به شناختن طیارات خود و طیارات دشمن و پروبله های عمل وسائط مدافعه ضد هوایی (باید نظر گرفتن خواص حرکت هدفها؛ موقعیت میدانشها و میوایی شکاری؛ حدود مرمی های ضد هوایی و راکتها)

مصلحت دادن درباره تقسیمات هدف های هوایی بین وسائط فعال مدافعه ضد هوایی قرار دادن قوماندان و اوامر به وسائط و وسائط را طور اتوماتیکی بسوی هدف سوق دادن و آنرا از بین بردن .

وسائلی که هدف های هوایی را از بین می برند عبارت از طیارات جت شکاری دستگیر کننده و راکت های رهبری ضد هوا *Найк*، *Бомарк*، *ناپک* و *بو مارک* اند، تمام تجهیزات و تخییات حربی که مدافعه هوایی را روی کار می سازد در سیستم یگانه سیم دار، هوایی، رادیویرلی و خطوط رادیویی داخل میشوند .

طرز فعالیت سیستم مذکور بطور عموم قرار ذیل است :

کدر حربی هر سکتور از چهار مواد تشکیل شده : کشف کردن، همراهی کردن هدف ها شناختن هدف ها انتخاب و موظف ساختن سلاح - سوق دادن طیارات شکاری دستگیر کننده و یاراکت های رهبری ضد هوا بمقابل اهداف .

اگر در کدام قسمت بر اعظم کدام گروپ طیارات از حلقه خروجی مشاهده و رادیو لوکاسیون آنرا کشف کرده، درینصورت لازم است که راساً کار دینت های اهداف (بعدوافق) آنرا دریافت نموده بعد از آن کار دینت های اهداف به استیشن های رادیو لوکاسیون (که معلومات ه را در دو سیستم بکار می اندازند و آنرا ذریعه خطوط رادیویی انتقال داده در اوقات خصوصی توسط خطوط رادیویی به ماشین های حساب کننده مرکز مشاهده سکتور که در ترکیب آن استیشن رادیو لوکاسیون شامل است انتقال شده) تشکیل میشوند این معلومات های بدست آمده بایک تابه دخولی طور اتوماتیکی نوشته

میشوند، تا به مذکور آتا وقتی معلومات هارا در خود ذخیره کرده تا اینکه ماشین های حساب کننده به استفاده آن آماده باشد، در مومنت های لزومه ماشین های حساب کنند. معلومات های دخولی را از تابه به ساختمان حفظ کننده که از ۶۵۰۰۰ ریگیسترها دارای هسته فیریتی تشکیل شده نقل میدهد .

ماشین مذکور در ابتدا معلومات های خود را از سیستم های مجاور کار دیناتی را در سیستم عمومی برای سکتور سیستم های مستقیم (مستطیلی) کار دینت تشکیل میکنند و بعد از آن معلومات بدست آمده راجع به اهداف دستگیر شده را با معلومات های طیارات خود (مرشروت پرواز طیاره خودما) در سیستم محافظه ماشین داخل میسازند؛ این عملیه تصرف طیاره را دریفت میدارد .

طیارات عصری تماماً با آلات که طیاره خود و دشمن را دریافت میدارند مجهز میباشد بدین سبب وظیفه شناختن طیاره در هوا آسان تر شده است . ناگفته نماند که ساختمان شناختن طیارات برای همیشه نمیتواند طیاره را بشناسد .

بطور مثال رادیولو کاتور میتواند که یک دسته پرنده های بزرگ را دستگیر و معلومات راجع به آنها ب ماشین های حساب کننده انتقال بدهد نظریه خواص اشاره انعکاس، خط میر ویا سرعت پرواز ماشین حساب کننده دریافت میدارد که غلطی واقع شده و مطابق به آن در روی پرده اندیکاتور اشاره بدهد .

افسر (صاحب منصب) که برای شناختن موظف است باید معلومات راجع به هدف و اشاره مذکور پیدا کند (از روی سرعت و غیره) و در صورت غلطی باید الای دکمه فشار آورده و نشان بدهد که هدف قابل

دقت نیست . هرگاه گروپ طیارات دستگیر شونده از دشمن نبوده در این صورت صاحب منصب مذکور ذریعه اداره دکمه ئی به پولات اداره نو کریوال عملی کننده معلومات مکمل راجع به این گروپ طیارات بدهد . نو کریوال عملیات راجع بانتهخاب و مایط بمقابل طیارات دشمن مسؤل تام میباشد. در روی اکران نو کریوال عملیات اهداف هوایی که ذریعه صاحب منصب شناختن نقل داده شده تصویر میگرددند . بکار انداختن و انتقال معلومات ها از مومنت کشف اهداف که ذریعه رادیولو کاسیون تابه تصویر اهداف در روی اندیکاتور زمان به واحد ثانیه ها در بر میگردد . گروپ طیارات دشمن (بشکل علامه طیاره) در روی اکران الکترونی بقسم فورمولیاری اهداف که دارای تمام معلومات های لزومه راجع به کشف اهداف بوده واضح میگردد به همان اندازه که اهداف در حرکت میباشدند . فورمولیاری مذکور نیز در حرکت می باشد .

فورمولیاری عبارت از گروپ است که از نه ۹ حروف و اعداد تشکیل شده :-

$$\begin{cases} HLM \\ 227 \\ 056 \end{cases}$$

علامات فورمولیاری پارا ترهای ذیل را نشان میدهد :

دو حروف اولین *HL* استقامت پرواز هدفها و حرف سوم *M* تصرف طیاره را نشان میدهد .

وجود آمدن حرف کلان *M* در فورمولیاری نشان میدهد که طیاره خارجی است و حرف خورد *m* نشان میدهد که طیاره خود ما است دو عدد اول سطر دوم ۲۱ سرعت طیاره را و دو عدد اول سطر سوم ۰۵ نمره های هدف هارا نشان میدهد .

نمره هدفها را خود ماشین بطور اتوماتیکی به آنها انتخاب میکند .

عدد سوم سطر دوم ۷ و عدد سوم سطر سوم ۶ که يك ارقام دو عددی ۷۶ را تشکیل میکنند و از بالا به پائین خوانده میشود ارتفاع هدفها را نشان میدهد.

بر علاوه آن در فورمولیاری هدفها در روی اکران اندیکاتور بعضی نقاط جغرافیوی را نیز نشان میدهد بطور مثال سرحد های سکتور موقعیت میدانها حدود سلاح ضدهوا، دستگا های راکت های رهبری شده ضدهوا را نیز نشان میدهد. بعد از اینکه معلوم شود که گروپ مذکور طیارات دشمن اند ماشین مذکور خود بخود حساب تقیسات و سایط ضد مدافعه هوائی میکند.

اگر انتخاب به طیارات شکاری تصادف کند درینصورت ماشین حساب کننده خواص پرواز طیارات دستگیر کننده (سرعت و ارتفاع) برای حل مسایل دستگیری دریافت میدارد. بعد ازین ماشین مذکور نقاط دستگیری و زمان قریب شدن را دریافت میدارد. در بالای اندیکاتور در عین زمان

علامات $\frac{A}{10}$ ظاهر میگردد که نشان میدهد در کدام نقطه (A) ممکن حمله و دستگیری هدفها ذریعه شکاری دستگیر کننده در کدام زمان ۱۰ دقیقه صورت بگیرد. استقامت پرواز طیارات شکاری ذریعه عقب نشان داده میشود. حساب زمان و کار دینات مقابله طیارات شکاری با اهداف ذریعه ماشین های حساب کننده الکترونی در ظرف کمتر از يك نیم دقیقه صورت میگیرد.

بر علاوه آن ماشین مذکور دریافت میدارند که آیا چقدر محروقات برای طیارات شکاری به سرعت بلندتر از سرعت هدف و گرفتن ارتفاع و از بین بردن هدف و واپس گشتن آن به پایگاه لازم است. تمام حساب های مربوط به نمره

(درجه) هدف ها و انتخاب سلاح در ظرف ۰.۵ ثانیه اجرا میشوند. هر گاه هدف تا به منطقه بطریه توپچی ضد هوا و یا راکت های رهبری ضدهوائی ترتیب شده باشد درینصورت نو کریوان عملیات به طیارات شکاری امر نداده بلکه توسط وسایط ضد هوائی هدف را از بین میبرند.

صاحب منصب که در دستگاه رادیوئی با طیاره خود ارتباط دارد ذریعه اشارات پیلوت را بطرف هدف سوق میدهد. درین اواخر در اضلاع متحده امریکا يك داتچیک با دستگاه که قوماندان های طیارات دستگیر کننده که ذریعه ماشین بکار انداخته شده بطور اتوماتیکی به يك کود شفر دو گانه تبدیل کرده که پیلوت آنرا ذریعه رادیو تلفون گوش میکند چنین داتچیک از تا به مقناطیسی سلکتور قوماندان و تقویه کننده تشکیل شده.

تا به مقناطیسی ۳۲ دائره ها دارد. بالای هر دائره آن يك کلمه نوشته شده. هر کلمه آن يك دائره با عرض 1mm دربر میگیرند فاصله بین هر دائره 6 mm است. سرعت دورانی تا به ۱۲۰ دقیقه دور آن است وابسته به اینکه کدام قوماندان بکار انداخته میشود آنرا به ساختمان پروگرمی اشاره میدهد و از آن جا به تقویه کننده و بالاخره به اخذ میدهد از اخذ به اثر (Эфир) و این عملیه ناوقتی جریان داشته میباشد که تا قوماندان کامل به پیلوت برسد. داتچیک مذکور طوری ساخته شده که صدای انتقال آن با صدای آدمی کدام فرق نداشته باشد.

صاحب منصب که از زمین سلاح را سوق میدهد از حالت اکران و کنترل دستگیری هدف و از بین بردن هدفها و واپس گشتن طیارات به پایگاه مراقبت میکند.

ماشین حساب کننده مذکور کورس ایتیمال و دو طرف طیاره که به پیلوت طور اتوماتیکی نقل میدهد حساب میکند.

ماشین های حساب کننده الکترونی نه تنها راجع به طیارات شکاری حساب کرده میتواند بلکه راجع بحر می های نوع (Бомарк) بومارک) نیز حساب میکند.

درینصورت صاحب منصب سوق کننده ذریعه فشار تکمه به چالانی مرمی قوماندان میدهد.

بکار انداختن معلوماتها و حساب های مربوط به چالانی مرمی ها «Бомарк» در ماشین های حساب کننده مشابه به آن است که ذریعه ماشین در اثنای اداره کردن طیاره دستگیر کننده بوجود می آید بعد ازین نو کریوال بطریه کنترل کننده حالت آماده گی مرمی «Бомарк» را امتحان میکند اگر مرمی آماده باشد بالای اکران علامه عددی منتخب بوجود می آید.

بعد از آن که اشاره آماده گی بدست آمد ذریعه صاحب منصب در روی اکران نقاط دستگیری آنرا یعنی سرعت و استقامت و ارتفاع را دریافت میدارد.

بالای دکمه که دارای نوشته «ОГОНЬ» آتش است فشار داده و مرسله که به بلاک دستگاه رهنمائی مرمی رهبری شده معلومات برای چالانی مرمی میدهد سویچ میشود. ازین انداخت مرمی صاحب منصبان که در سالون سلاح نشسته اند جواب میدهند.

درین سالون چهار گروپ صاحب منصبان موجود میباشد هر چهار گروپ آن به قوماندان کلان سلاح که پهلوی قوماندان بزرگ قرار دارد تابع میباشد.

پس از انداخت مرمی برای دستگیری ما بعد آن یکی از پنج

صاحب منصبان مذکور مراقبت میکند هر صاحب منصب از پلوت اندیکاتور تصویرات هوائی استفاده میکند و دارای معاون تخنیک میباشد در اثنای پرواز مرمی ماشین های حساب کننده الکترون معلومات های معین را دریافت نموده و توسط رادیوبه مرمی مذکور انتقال میدهد. مرمی مذکور در پرواز اشارات که بواسطه اخذه و مخایره از ماشین های مذکور جمع شده انتشار میدهد .

نظریه معلومات دخولی ماشین الکترونی (سرعت ، استقامت پرواز ، ارتفاع حتی سرعت باد) استقامت کورس مرمی استقامت حمله مرمی وقت نزدیک شدن حساب میشوند .

هرگاه سرعت و استقامت پرواز و یا ارتفاع هدف ها زود زود تغییر بخورند درینصورت حسابها تکرار میشوند و برای این مقصد ۰.۲ ثانیه لازم است .

بعد ازین ماشین آنرا بقسم شفر می آورد که موقعیت مرمی نسبت به تمام اخذه ها درسکتور خود داشته باشد چون ماشین مذکور دارای يك تا به (بارابان) دخولی و يك تا به خروجی بوده و ماشین مذکور زودتر توسط معلومات های خروجی مانند قوماندها برای تمام انواع سلاح پر میشود .

بمجردیکه ماشین عملیات را انجام داده تا به آهسته آهسته معلومات های خود را در خطوط مخایره داخل میکند و زمانیکه برای ماشین معلومات برای تیب کردن بوجود می آید تا به آزاد میگردد .

حرکت جنگ هوائی در بالای اکران تصویر میگردد درینصورت

اهداف بقسم يك خط در روی آن
بوجود می آید و تصویر مرمی بقسم يك نقطه تیز نشان داده میشود .
قطع شدن این علامات فوق الذکر روی اکران نشان میدهد که دستگیری خاتمه یافت نظر به اشاره ماشین عملی کننده در سالون دستگیری «حافظه» ماشین ها را راجع به هدف و مرمی پاك میکند .

نظر به انتشار مطبوعات خارجی درچنین اداره انحراف مرمی ازهدف تقریباً تا سه متر تشکیل میدهد به همین ترتیب ماشین های حساب کننده الکترون در اثنای اداره کردن مرمی های *Bomark* و *Hank* عمیات ذیل را اجرا میکنند .
- خط و سیر پرواز اهداف را حساب میکنند .

قدرت

هیچ چیز باندازه قدرت فرمانروائی ، نفس آدمی را خوشنود نمی سازد . (ادیسون)
هیچ چیز زودتر از تصور قدرت مایه برافتادن سبکسران نمی شود ، هم چون شراب پرنیروئی است که در شیشه سستی ریخته شده باشد ،
(سرپ - سیدنی)

هیچ چیز با ندازه استعمال فراوان یابیحردانه قدرت بآن آسیب نمی رساند اگر تندرهم پیوسته ببرد ، بیش از صدای آسیابی ، مایه هراس نمی شود . (. . .)

- هدف را می شناسند .

- اشارات مرمی های رهبری شده را از استیشن های مترو لوزی و رادیولو کاتور ها اخذ میکند .

- جدول های انداخت برای از بین بردن هدف ها را تجدید میسازد .
- در جدول های ارتفاعی قیمت های جدید را مینویسد

- سلاحها را بمقابل طیارات دشمن که بالای آن حمله نشده انتخاب و راجع به انداخت اسلحه اوامر میدهد
- راجع به سوق دادن سلاح نیز حساب میکند .

- قیمت های اداره و سلاح را آماده و به خطوط مخایره نقل میدهد .
- قیمت های علاقمند راجع به از بین بردن هدف به مرکز های همجوار و مرکز قومانده نقل میدهند

- راپور حساب راجع به مسئله هوائی ، جدول های معلومات برای ۱۰۰ مراکز عملیات در سالون های دستگیری شناختن و سیستم سلاح آماده میسازند .

تمام این عملیات در ظرف ۱۵ ثانیه اجرا میگردد .

به همین ترتیب این وظائف فوق الذکر را هر کدام ماشین های حساب کننده الکترون و ماشین مرکز رهنمائی سیستم *Ceidg* سیدز اجرا میکنند .

درین اواخر راجع به ایجاد سیستم اتوماتیکی اداره کردن وسائط مدافعه ضد هوائی تحت نام *Coper-ceidg* در فعالیت هستند .

این سیستم برای کشف و دستگیری راکت های بالستکی بین بر اعظم ها است . (ختم)

دلاوران بی شمشیر میجنگند

يك روز بارانی این فراق را شکست و موزیک ملی با آواز بلند تمام شهر را لرزاند مردم بی اختیار بطرف میدان بزرگ دهکده که مرکز شهر بود رفتند .

ستاره با قلب مملو از عشق و در حالیکه دسته گل زیبای وحشی بدست داشت و شاید از آن خاطره نیز داشت بطرف میدان بزرگ شهر رهسپار شد . مجاهدین که فیروز و فاتح برگشته بودند از طرف پدر، مادر و اقارب شان غرق در گل پاشی شدند .

ستاره نیز زرغون خود را که نشان فیروزی بر سینه داشت از دور شناخت ولی قدرت نزدیک شدن به آن کرده نتوانست (زیرا عشق پنهانی و غیر رسوا داشت) پدر زرغون که از فرط خوشی اشک می ریخت فرزند خود را در آغوش گرفته بود ولی زرغون دو چشمه ستاره را می پالید بمجرد دیدن آن دو دیده پیشرویش زانو زد و گفت : (آری من به شمشیر عشق توفیروز شدم حتی که میهنم بر من داشت قسماً اداء کردم) . مدتی دسته گلی را از ستاره گرفته عوض آن نشان فتح را که گرفته بود بر پیشانی ستاره تعلیق کرد . همان موزیک ملی نواخته میشد و صدای خوشی از آن بر میخاست هنگام شب دختران و جوانان زیبای دهکده در عروسی زرغون و ستاره پایکوبی میکردند .

این بودیکه خاطره دودل داده وطن پرست که به خوانندگان گرامی مجله محبوب اردو تقدیم گردید .

(پایان)

گذاشت و از بی احساساتی پدر خود شکوه کرد و گفت : (چه خوب اگر پدرم به من شمشیری داده و اجازه کند که من به صف مجاهدین پیوسته از دشمن متجاوز انتقام گیرم) ستاره که خود را مشاور زرغون زیبا و قداکار خود می دید از خوشی اشک می ریخت در جواب زرغون گفت : (دلاوران بی شمشیر می جنگند تو احتیاج به شمشیر پدر مکش ، شمشیر از دشمن گیر و بواسطه شمشیر خودش بکش من در انتظار روزی خواهم بود که تو از جبهه برگردی نشان فتح و فیروزی را به سینه تو آویزان کرده باشند و بحث يك مرد فاتح و وطن پرست افغان با غرور و متانت نزد من برگردی و مرا نزد تمام مردم دهکده سرفراز گردانی)

زرغون از جملات ستاره به هیجان آمده گفت : من به کمک اسلحه به جنگ نمی روم بلکه به نیروی عشق پاك تو میدان جنگ رفته و می جنگم بلی بدون شمشیر هم جنگیدن ممکن است) زرغون بصورت پنهان بدون استیذان پدر و داشتن شمشیر به يك عزم راسخ که توسط عشق تقویه شده بود با دیگر جوانان دهکده رهسپار مرزهای حدودی شد .

بلی آنروز را خوب بیاد دارم که ستاره همان دختر شاد و تندان سابق نبود بلکه همیشه با روح موحش و سیمائی بریده جلوه گر میشد با هر کس از احوال جبهه جنگ سخن میگفت و مقابل خود را درین باره سؤال پیچ میکرد و آرزو داشت تا روزی باز موزیک ملی شروع به نواختن کرده و جوانان فاتح را به دهکده برگرداند .

از طفولیت خاطره دارم که در دهکده ما دختری همبازی ام بود گامگاه برای گردش بطرف کوهسار نزدیک باهم میرفتیم برای خود گلپای و حشی می چیدیم . زندگی کودکانه ما سپری شد و باهم در آن دهکده بزرگ شدیم .

دخترک که قد بلند و موی سیاه دراز داشت زیباتر جلوه میکرد اسمش ستاره و در یک خانواده خیلی فقیر بدنیا آمده پدر و مادر خود را در کودکی از دست داده بود ستاره در خانه کدخدای دهکده از او ان طفولیت خدمت میکرد و در همان خانه بزرگ شد و دل بگرو عشق زرغون یگانه پسر کدخدای خود داده بود و یک دیگر را بحد پرستش دوست می داشتند .

در این وقت بود که هنگامه در شهر و دهکده پخش شد که دشمن مرزهای حدودی را گذشته افکار استیلای خاک ما را دارند .

جوانان دهکده دسته دسته بگروپ های مجاهدین ملی می پیوستند در شهر ، موزیک ملی نواخته میشد زرغون که تازه هژده بهار را پشت سر گذاشته بود پسر خیلی شجاع و آرزو داشت مانند سایر جوانان دهکده داخل جبهه سنگر گردد و بمقابل دشمنان میهن خود بجنگد . ولی پدرش مردی بود خود خواه که ثروت سرشارش احساسات ملی آنرا زیر تأثیر گرفته بود این آرزوی پسر خویش را افکار کودکانه مینگریست و او را کودکی بیش نمی پنداشت و به وی اخطار کرده بود .

زرغون موضوع را با ستاره در میان



قسمت (۵)

می زیست ، ولی از ۱۸۵۳ باین طرف تغییرات قابل ملاحظه درین مملکت بمیدان آمد و تا واسط دهه ۱۹۳۰ جاپان کشور صنعتی و تجاری مهمی گردید ، و در میان قدرتهای نظامی جهان نیز مقام برجسته ای بدست آورد .

چنانچه سران جاپان رویه دیگری اتخاذ کرده بودند ، این کشور با پیشگامی خود در ایجاد یک اقتصاد نوین ممکن بود همسایگان آسیایی خود را بعصری از ترقی و سعادت بی سابقه وارد سازد . ولی نفوذ عسکری به نحو روز افزونی تقویت شد و چنان بلند رفت که جاپان با جرای یک پلان توسعه ارضی مبادرت نموده ، و خاک خود را با فتوحات نظامی

جاپان

موقعیت :

جاپان از یک تعداد جزائر کوچک و چهار جزیره بزرگ که شمالاً و جنوباً با هم اتصال یافته در بحر پاسفیک وقوع دارد ، قسمت شمالی آن از بندر گنا ولادی و استک در حدود (۵۰۰) میل و جنوب آن از کوریو جنوبی (۱۲۰۰) میل و از ساحل چین توده ئی ۵۰۰ میل دور می باشد .

تاریخ معاصر :

تا اواسط قرن اخیر جاپان نقش مهمی را در امور جهانی ایفا نمی کرد . در حقیقت از ابتدای قرن هفدهم تا اواسط (۱۸۵۰) جاپان تقریباً به انزوای کامل

تبع

ونگارش

دگر وال

امحمد نعیم

«انوری»



وارد میکند صنایع فلزی، نساجی، ابریشم، چینی، مواد کیمیاوی، تایر و تیوب و بازیچه های اطفال از جمله صادرات عمده جاپان می باشد.

آب و هوای جاپان :

زمستان در جاپان بسیار سرد می باشد. ریزش باران به پیمانه زیاد است. و این هم از آن سبب است که در طرفین جزائر جاپان جریان سرد وجود دارد.

فوق العاده می توانند سه ربع مایحتاج خود را از ناحیه برنج و دیگر مواد خوراکی در خود مملکت تولید نمایند، صنعت ماهی گیری درین مملکت بسیار پیشرفته است، با وصف آنکه یک قسمت بزرگ مواد خام را از خارج وارد می کنند با آنهم صنعت در جاپان فوق العاده تکامل نموده، آهن، نفت، ذغال سنگ از جمله مواد است که جاپان

وسعت بخشید، بالاخره بقوای امریکادر پرتلهاربر Pearl Harbor حمله نمود اما در ۱۹۴۵ بشکست بزرگی مواجه گردید و تا ۲۸ اپریل ۱۹۵۲ تحت اشغال امریکا باقی ماند.

اقتصاد جاپان :

اکثر قسمتهای جاپان را کوهها و تپهها تشکیل داده و ۱۶ فیصد اراضی آن قابل زراعت میباشد جاپان بایشت کار و زحمت کشی

همچنین با وقوع جزا ئر
جاپان در مسیر باد های موسمی
در داخل جزائر سبب اختلافات
فاحش اقلیمی می شود ، در
طول سواحل جنوبی و جنوب
غربی آب و هوا مرطوب و نیمه
استوایی است درین نواحی
زمستان ملایم و تابستان شدیداً
گرم می باشد .

شهر ها :

توکیو : بزرگترین شهر و
پایتخت جاپان بوده دارای
هشت و نیم میلیون نفوس میباشد
و از جمله بزرگترین شهر های
جهان محسوب می شود .

اوساکا ، دومین شهر بزرگ
جاپان بوده و دارای دو و نیم
ملیون نفوس میباشد .

کیوتو ، نکوبا ، یوکوهاما و
کوبی از شهر های درجه سوم
جاپان محسوب می شوند .

با آنهم هر کدام بیش از یک
ملیون نفوس دارد .

مردم و عنعنات ملی :

منشأ قومی و نژادی جاپانی ها
تا اندازهء مبهم میباشد ، چنین به
نظر میرسد که جاپانی ها اخلا فی از
مردم مغولی و مالایائی باشند .
که در از منعه سابق در مرور
زمان در آنجا جاگزین شده اند
طرز زندگی عنعنوی جاپانیها
از چین گرفته شده ، مذهب
بودائی ، روابط نزدیک فامیلها ،

حروف نوشته زبان جاپانی از
از جمله چیز هائی است که از
چین به جاپان انتقال یافته ،
رو بهمرفته از نتیجه این نوع
اقتباس های کلتوری و عنعنات

افترائی که به آن اعتنا نشود
به زودی از میان می رود اگر
نشان بدهید که از افتراضدمه
دیده اید ، به صحت آن کمک
کرده اید (تاکیتوس)

گوش خود را در برابر
کسی که زبان به سعایت دیگری
گشوده است ببند . اگر کلمات
دعا را نپذیری به پس باز
میگردد و خود او را مجروح
میکند . اگر آنها را بپذیری
به پیش پرواز میکند و ترا
مجروح میسازد .

« کوارلز »

تهمت هائی هست که در
برابر آنها بیگنائی هم جرأت
را از کف میدهد .

کسانی در برابر تهمت بیشتر
امنیت دارند که کمتر از آن
بگریزند .

« ستا فیسلا ئوس »

من هرگز توجه به افتراها
راضروری نمی دانم ، همچون
جرقه های هستند که اگر به
آنها فوت نکنید خود بخود
از میان میروند . (بورهاو)

موجودهء جاپان یک مدنیّت مخصوصی
در آن سرزمین بوجود آمده است .
یکی از مسایل کلتوری جاپانیها
حظ بردن ، زیبا ئیها و ذوق
آرستیک است ، مخصوصاً در
قسمت باغ داری و تزیین چمن
و باغ ذوق بسیار عالی دارند .

از جمله عنعنات عصر فیودال
جاپان که تاکنون با قوت کامل
باقی مانده است ، احترام افراد
به بزرگان فامیل ، دهکده و
بالاخره امپراطور است .

مذهب :

مذاهب بودائی ، شانتو و
مسیحی مذاهب بزرگ و عمدهء
جاپانی را تشکیل میدهد ، مذهب
بودائی در قرن ۱۶ از چین به
این مملکت انتقال یافته .

مذهب شنتو که در آثار و
اساتیر قدیم جاپان هم تأثیر آن
دیده می شود ، از قرن ۱۹ میلادی
تا اخیر جنگ عمومی دوم
مذهب رسمی جاپان بود ، از
تعلیمات این مذهب بود که
جاپانی ها مملکت خود را سرزمین
مقدس و امپراطور را شخصیت
آسمانی می دانستند ولی بعد از
جنگ عمومی تغیر فاحش در
طرز تلقی مردم نسبت به تقدس
امپراطور بوجود آمد و مذهب
شنتو هم از رسمیت افتید .

مسیحیت در سال ۱۵۴۹ باین
سرزمین معرفی گردید تعداد

مسیحیان تقریباً به نیم میلیون نفر می رسد .

طرز حکومت :

از سال ۱۹۴۷ باینطرف در جاپان طرز حکومت سیستم دیموکراسی شاهی مشروطه اتخاذ گردیده، از نگاه قانون اساسی امپراطور محض حیثیت سمبول ملی را داشته ، و صلاحیت قوای اجرائیه بدست صدر اعظم

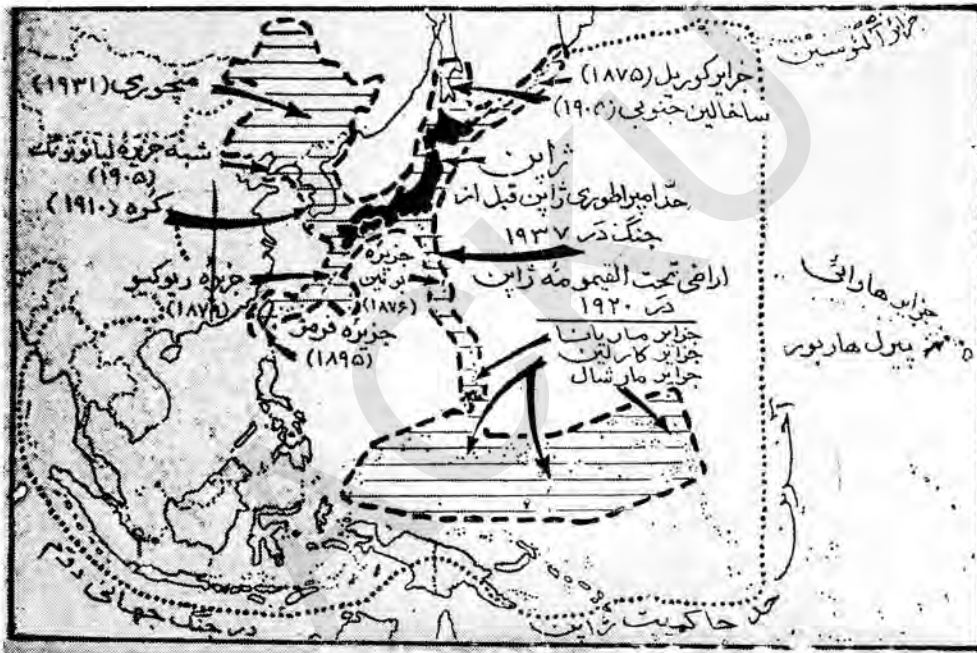
پوهنتون شامل می گردد . در جاپان تعداد پوهنخی و پوهنتون ها به ۲۴۵ عدد و تعداد جونیر کالج به ۲۸۰ عدد می رسد ، انگلیسی در جاپان بحیث لسان دوم بعد از دوره متوسطه تدریس میگردد .

غذا :

برنج ، سبزیجات و غذا های بحری ، بهترین خوراک جاپانی

ساختمان طبیعی :

ساختمان اکثر جزایر کوهستانی



می باشد ، کابینه نزد پارلمان انتخاب شده مسئول است .

معارف :

معارف در جاپان بسوی بسیار عالی رسیده است ، دوره شش ساله ابتدائی و سه ساله متوسط اجباری و رایگان میباشد . در حدود ۵۳ فیصد فارغ التحصیلان این مکاتب ۹ صنفه به صنوف دوره ثانوی و در حدود ۶ فیصد فارغ التحصیلان صنف ۱۲ به

بوده وادی های زرخیز بین این جزایر را کوهها احاطه نموده است در مناطق حاصلخیز جمعیت کثیر نفوس زیست میکنند ، تنها در اوکیناوا (۷۵۹) هزار نفر زندگی دارند ، که تقریباً در هر میل مربع (۱۵۰۰) نفر میرسد . با اینکه جزایر یوکو در منطقه معتدله واقع شده اند . ولی جریان گرم ساحل جاپان با این جزایر

را تشکیل می دهد ، برنج جوشانده تقریباً در هر سه وقت صرف می شود ، چای نوشابه ملی جاپان را تشکیل می دهد تمپوره یکنوع ماهی پخته از غذا های معروف جاپانی می باشد .

جزایر اوکیناوا

موقعیت و مساحت :

جزایر اوکیناوا بین جاپان و فارموسا موقعیت داشته و در حدود ۳۷۵ میل طول دارد این جزایر

اقلیم نیمه استوایی را داده است
بارندگی و رطوبت زیاد بوده و
همه ساله طوفانهای شدید موجب
خسارات زیادی درین جزایر
می گردد .

شهرها :

بزرگترین شهر آن بنام
شهر ناها *Naha* یاد می گردد
که دارای (۲۱۸) هزار جمعیت
است .

شهرهای کوزا ، ناگو ، از
شهرهای مهم دیگر این جزیره
می باشد .

مردم ، نسان ، مذهب :

در قرن ۱۴ میلادی جزایر
یوگو تحت تسلط چین قرار
گرفت ، در سال (۱۶۰۹) میلادی
این جزیره به تصرف جاپانیها
در آمد که تا سال (۱۸۷۱) تحت
سلطه آن باقی ماند در بهار ۱۹۴۵
این جزایر از طرف قوای امریکا
اشغال شد ، که تا کنون مسائل
خارجی و اداره این جزایر
بدست قوای امریکا است .

حکومت :

کمشنر عالی این جزایر از
طرف امریکا مقرر و تعیین میشود
و حکومت مرکزی رایک مجلس مقننه
۲۹ عضوی (که برای مدت دو
سال از طرف مردم انتخاب میشوند)

وسیستم قضائی تشکیل می کند .
دارند در سال ۱۹۵۹ صادرات
ولایات و بلدیها و حکومت
این کشور به ۱۲ میلیون دالر و
محلی را خود شان انتخاب و
واردات آن ۲۱ میلیون بالغ
اداره می کنند .
می گردید .

وضع اقتصادی :

معارف :

اکثر مردم زراعت پیشه اند ،
زراعت برنج ، نیشکر و
سبزیجات به پیمانہ زیاد صورت
و متوسط مجانی می باشد پوهنتون
می گیرد یک عده مردم به
ریکوکہ در سال ۱۹۵۹ تاسیس
جنگلداری و ماهیگیری نیز اشتغال
شده دارای دو هزار معلم میباشد .

بقیه این مضمون را در صفحه مقابل ۴۵ مطالعه فرمائید

تهمت و افترا !

اگر هم چون یخ پاك و همچون برف خالص باشی نمی توانی
از تهمت بگریزی . (شکسپیر)
اگر وجدان پاك باشد ، بر بداندیشی جانگزا و بر تهمت
سیاه پیروزمی شود ، ولی اگر در آن تنها یک لکه باشد ،
عیب جوئی ها هم چون چکشی است که درگوشی کوبیده
می شود . (الکساندر پوشکین)
مخالفت و تهمت زدن غالباً در خشانترین ستایشی است که
رذیلت و سفاهت از فضیلت و فرز انگی میکند .

(را در فورد . ب . هینر)

مفتری بابد گوئی از کسی که غایب است کار نادرستی
میکند ، و آن کس که پیش از دانستن صحت افترا آنرا معتبر
می شمارد نیز به همان اندازه گناهکار است . آنکه در معرض
اتهام قرار گرفته دو بار آزار می بیند یکی از طرف آن کس که تهمت
را می پراگندد و دیگر از طرف آنکه به سخن چینی کس اعتبار
می نهد . (هرودوتوس)

رشد تخنیک بمب و بمب اندازی از وضعیت ابتدائی به حال مدرن

مملکت اتحاد شوروی اولین بارسوالات زیاد راجع به نظریات بمب اندازی و نظریه اسلحه بمباردمانی، طیارات و بمب های هوایی ایجاد کردند چنانچه پیلوت های شوروی توانستند بار اول بالای اهداف خود بمب ها را استعمال نمایند. طرز استعمال مواد منفجره و انداخت آن توسط وسائل هوایی برای از بین بردن دشمن به اثر زحمات زیاد از

سابق تا بوجود آوردن و سایل موجوده، بمب های هوایی ایجاد کرده بود. چنانچه در جنگ بزرگ جهان معلوم گردید که در ۱۸۱۲ جنرال مسکو که در عین زمان والی عسکری مسکو نیز بود پیشنهاد کرد که توسط وسایل اداری هوایی برای انداخت مرمی های منفجره از نوع صندوق ها معه باروت بالای فوتهای فرانسوی استعمال کرده شود برای امتحان عملی این نظریه تجارب مخصوص بعمل آوردند. چنانچه در تطبیقات مشهور، قوای هوایی کیف، پتربرگ و وراشیف وظیفه داده شده بود که باید قوه دشمن «هدف مجازی» بصورت کلی محو و نابود گردانیده شود. در جنگ کوریا (۱۸۵۳-۱۸۵۶) غند پروجک کرسر سکوی ماخیف به قوای هوایی خویش چنین پیشنهاد کرد: برای انداخت بمب ها بالای قوای انگلیس که نزدیک کروشانتو میباشند توسط بالون های هوایی انداخت بمب ها اجرا گردد عین این طریقه انداخت بمب ها در وقت نیکولای اول نسبتاً بطرز حربی خوبتر استعمال گردیده است.

در جنگ ترپولیتان ۱۹۱۱-۱۹۱۲ (مابین ترکیه و ایتالیه) ایطالوی ها از طیارات کشف خود بعضی اوقات بالای ترکیه بمب اندازی اجرا میکردند. در زمان جنگ با اتان «۱۹۱۲-۱۹۱۳» پیلوت های روسی کوستین کوسیکا و غیره به طرفداری بلغاربه بالای ترکیه بمب اندازی اجرا کردند. تنها مهمترین نوع فداکاری هوایی آن زمان اکتشاف بود، چنانچه بمب اندازی در آن وقت بعضی اوقات بعداً اجرا میکردند زیرا که در زمان مذکور هنوز وسایل انداخت بمب موجود نبود. کاملاً دانسته میشود این قسم بمب اندازی بدشمن تخریب کم میداد، از تجربه های استعمال وسایل حربی هوایی در جنگ فوق برای اکتشاف آینده کومک بزرگ کرده که بالاخره به این نتیجه رسیدند که طرز تاثیر بمب اندازی بالای اهداف دشمن هنوز دقیق تر خواهد شد به شرط آنکه اگر در طیارات وسایل مخصوص بمب اندازی نصب گردد.

اولین سملکنی که طیاره بمباردمان ساخت روسیه بود. در سال ۱۹۱۳ در فابریکه بالتیک روسیه در جهان بار اول طیاره چهار ماشینه ساخته شده بود. بعد از سال ۱۹۱۴ فابریکه مذکور بطور مسلسل طیارات بمبارد مان را خارج میکردند (طیاره ال موراخه) که طیاره مذکور برای اجرای بمب اندازی وسائل مخصوص بمب اندازی داشت از قبیل: (نشانه بمب اندازی قفل بمب اندازی و وسایل دیگر بمب اندازی). همه بار حربی طیاره مذکور در حدود ۵۰۰ کیلو گرام میرسید.

اولین مخترع نشانه بمبارد عبارت از تالماچوف و ایوانوف و مخترع بمب های هوایی در روسیه اورانوف بوده در عین زمان در سال های مذکور اولین نظریه بمب اندازی روی کار شده بود که آن هم به اساس نظریه ژوکوف بود.

در اول اپریل ۱۹۱۵ اداره تخنیک حربی روسیه به ژوکوف تحریر ذیل را ارسال نمود:-
ژوکوف عزیز و وطن پرست!

چونکه مرمی‌ها از هوا انداخته میشوند لازم است که مقاومت هوا به مقابل آن تعین گردد این نه مرمی مختلف با نه استقامت مختلف انداخته شود تا که مقاومت هوا معلوم گردد و کوف نه تنها مقاومت هوا را به مقابل مرمی انداخته شده از طیاره تعین و تثبیت نمود بلکه نظریه اساسی بمب اندازی را نیز اختراع نمود .

در سال ۱۹۱۵ برای او دو کنفرانس ذیل ترتیب شده بود :-

۱۵ ستمبر در متاتیک مسکو راجع به (نظریه بمب اندازی از وسایل هوائی) .

۲۹ اکتوبر در قسمت فزیک به ذوق مندان مضمون مذکور راجع به (انداخت بمب از وسایل هوائی) .

در سال ۱۹۱۶ برای روشنائی زیادتر بشر و کوف (کتاب بمب اندازی از وسایل هوائی) را که در جهان کورس اول بمب اندازی یاد میشود به جهان منور جو تقدیم نمود .

سوالات دیگر بمب اندازی در کتاب ژوراوچنکوف (سوالات توپچی هوائی) در مجلس عالی ۱۹۱۷ خود تثبیت و نشر گردانید در اثناء نوشتن این زحمات (ژوراوچنکوف از تجارب شخصی خود) راجع به اجرای بمب اندازی به شرایط حربی در آن وقتیکه خود شان توپچی (ال موراخه) بود استفاده نمود ، در کتاب خود بر علاوه نظریه بمب اندازی یک اندازه از سوالات عملی و طریق اجرای آن نیز تحریر نموده است به این اساس روسیه در اثناء حرب اول جهان در حصه بمب اندازی نسبت به ممالک هم جوار تفوق داشت . چونکه خائنین تزار بالای مردم خود راجع به ساختن آلات مختلف اعتماد نداشت که نتیجه این عمل باعث مانع پیشرفت تخنیک اقتصاد روسیه گردید . اما علما ، مخترعین و سازندگان منفرد در حصه

کار خود بدون کمک حکومت زحمت کشیدند و آلات مختلف را اختراع نمودند که در نتیجه این عدم کمک حکومت و بد بینی به مقابل علما باعث اغتشاش بزرگ سوسیالستی اکتوبر گردیده در ختم اغتشاش اکتوبر برای عسکر سرخ از تزار روسیه صرف ۳۰۰ عدد طیاره با ساختمان مختلف که آن هم اکثر شان کهنه بودند باقی ماندند . لذا معلوم میشود که بشریاط فوق دفعات انتظار اکتشاف فوری تخنیک بمب اندازی با وجودیکه پایگاههای اساسی تخنیک و مواد خام لزوم موجود نبود امکان نداشت . اما نا گفته نماند که در آن سالهای مشکل که از یک طرف جنگ ملکی و از جانب دیگر فشار تجاوز ممالک خارجی بالای روسیه بود پیلوت های روسی در حصه اکتشاف بمب اندازی فوق العاده سعی و زحمت کشیدند چنانچه در اوایل سال ۱۹۱۸ پاپ توف و بعداً در نبر سال ۱۹۱۹ پتروف بمب اندازی را به قسم پگی (نزولی) و سکبری « صعودی » اجرا نمودند که این وضعیت اولین ایجاد طریقه جدید و موثر بمب اندازی بوده و میباشد برای اجرای دقیق بمب اندازی نه تنها دانستن نظریات بمب اندازی کفایت میکند بلکه در دانستن بمب اندازی بصورت عملی نیز باید دسترس داشته باشند که به مقصد هذا برای مشق و تمرین بمب اندازی وسایل مخصوص ترینژور (اله مشق) بمباردمانی اختراع کرده اند که در زمین برای آموزنده گان بمب اندازی به اندازه کفایت برای اجرای بمب اندازی که بطور موثر دقیق و در عین زمان آموختن آن آسانتر میباشد ساختند .

ترینژور اولاً به مقصد فوق الذکر کرفته شوف اختراع کرد . قبل از جنگ بزرگ دلینوف راجع به ترینژور افکنی حملات زیاد کردند که درسی

ممالک دیگریکه موجود بودند قرابت داشت .

حرب دوم جهان موقیت هوائی روسیه را بالای قوای هوائی فاشزم المان ها عملاً نشان داد قوای هوائی بمبارد روسیه ضربات مختصر و دقیق به اهداف دشمن در میدان جنگ وارد کردند و آنها را نابود ساختند . اسمای پیلوتان قهرمانان اتحاد شوروی مالود چیخوف ماستر (دو مراتبه قهرمان) بمب اندازی شب و قهرمان (دو مراتبه قهرمان) بمب اندازی پیکي پولین و (دو مراتبه قهرمان) قهرمان کشف اتحاد شوروی ماستر بمب اندازی دقیق و غیره اشخاص آنها در جهان معلوم و هویدا هستند . بعد از حرب دوم جهان قوای هوائی اتحاد شوروی در حصه تربیه ماسترهای حربی خود توجه عمیق نموده و مسلسلآ بدون کم و کاست به تربیه آنها دوام داده و هنوز زیادتر تربیه خواهند نمودند .

در اکتشاف آینده خود متوجه انواع مختلف بمب اندازی میباشد تا دارای ضربه موثر و تخریب عمیق باشند حالا در اتحاد شوروی آلات و وسایل ساخته اند و میسازند که در همه شرایط جوی بمب اندازی موثر و دقیق را اجرا میکنند . اجرای طرز و طریق دقیق بمب اندازی که در نتیجه اجرای آن ضربه دقیق تر و تخریبات بلندتر میگردد مربوط به دانستن و طریق استعمال تخنیک حربی میباشد و دانستن آن وظیفه اساسی هوانورد است :

برای اجرای بمب اندازی دقیق و استعمال تخنیک بصورت عالمانه و اجرای وظیفه مطلوبه داده شده لازم است که به درجه اول نظریات را یاد نموده زیرا که به اندازه عمیق در عمل بمب اندازی تاثیر میکند . (ختم)

از: مریم معاونی

از دست رفتۀ

محبوبم چه زود، تر کم کردی وجه زود
 رشته محبت گسستی .
 چه زود از آشیانه ام پر کشیدی و
 براه جاودان شافتی .
 و چه زود در راه انجام وظیفه مقدست
 جان سپردی .
 محبوبم آرام بخواب مأم وطن از داشتن
 فرزند قداکاری چون تو بر خود میباید .
 آسوده دل بخواب که میهن یادان
 قربانیانی چون تو بار دیگر استقلال
 وامنیت خود را بدست آورد . محبوبم
 اگر چه تو را از دست دادم در عوض
 از افتخار جاودانی که برایم بجا گذاردی
 بخود میبالم . درود برسر بازان و
 دلاورانیکه جان خود را در راه وطن از دست
 دادند درود بر جانبازانیکه نام پر افتخار
 خود را در دفتر شهدا بیادگار گذاردند .
 درود بر تو ای محبوب از دست رفته ام ، درود

از امیری

سخن پیرود

هر چند که یکروز خوش از عمر ندیدیم
 هر روز دگر حسرت دیروز کشیدیم
 تنها نه به مستی هنری سر نزد از ما
 در بی هنری نیز بجائی نرسیدیم
 چون اشک لثیم از غم بیش و کم دنیا
 از چشم فلک بیهوده برخاک چسبیدیم
 پیری برخ ماخط از آنروی کشیده است
 تا خوانی از این خط، که ز دنیا چه کشیدیم
 تنها نبریدیم دل از دوستی خلق
 کز دوستی خویش هم امید بریدیم
 زان در قدم خلق فتادیم که از حرص
 یک عمر کمر بسته تر از مور دوییدیم
 از شعر بجائی نرسیدیم « امیری »
 عمری سخن بیهوده گفتیم و شنیدیم



(مرحوم قدا)

گفتن یودی

بیل بیل نه یوزمونیر قام او وطن یودی
 که روحونه یکبئی بیل بیل خوتن یودی
 پدی ، مخکه زرغونیر و خاوری کیرو
 د کسر لو در ید لو غببتن یودی
 میوه داری ، سایه داری ، که خار داری
 ونی بوئی رنگارنگ دی چمن یودی
 په دی غه که بیلی بیلی لهجی و ایو
 دیوبل په مراد پوهیرو گفتن یودی
 خود غرضو خلقو هسی نا آشنا کسرل
 حقیقت کبئی پشاور او چمن یودی
 که بنخیرو که سوزیرو که دویرو
 په دی مخکه زمونیر گورو کفن یودی
 قام پرست او تن پرست یوشانی وژنی
 د دهنم په لاس کبئی داراو رسن یودی
 خلق وائی مرگ او ژوند سره بیل بیل دی
 قدا نفلر کبئی مرگ او زیستن یودی

از: اخوتی

دوست مدار!

شب را دوست مدار ...
 زیرا که سیاه است ، همانند قلبت ...
 روز را دوست مدار ،
 زیرا که روشنی از روانت گریخته است ...
 قدا را منگر ،
 زیرا که نور روانت خموش است .
 از زلال رود خانه ننوش ؛
 زیرا که وجودت را نشان از صداقت و پاکی نیست ...
 دیگر آواز مخوان ، برای من ...
 زیرا که در آن ، نشانی از عشق نیست ...
 غم من از دودیده ات پنهان است ،
 زیرا که هستی ات از عشق تمی است ...

ضرب المثلها

* موشها از راه و روش موشها
 یا خبرند (یعنی برای گرفتن دزد، دزد
 را انتخاب کن)
 * بهترین سواران بدترین صورت
 زمین میخورند.
 * همیشه دزدی وجود دارد که
 دزد دیگر را غارت کند.
 * هرچه تعداد نوکران کمتر
 باشد نوع خدمت بهتر خواهد بود.
 * کسی که کاری غیر از نشستن
 و خوردن انجام نمیدهد، اگر یک کوه
 ثروت هم داشته باشد آنرا از دست
 خواهد داد.

* از آهسته رفتن مترس؛ از
 بیحرکت ایستادن ترس.
 * اگر در جوانی سوزن بدزدی
 در پیری پول خواهی دزد دید.
 * شمشیر تیز بدست سرباز شجاع
 داده میشود.

* وقتی که با گرگان هستی باید
 مانند گرگان زوزه بکشی.
 * مرد کردار باش نه مرد گفتار
 * مرد در یکصد سال عمر نیکنام
 نمیشود، ولی در کمتر از یکروز بدنام
 میگردد.

همهانی و ضرب المثل هایش

* یک همهانی که کردی، یک
 هفته باید روزه بگیری.
 * برای همهانی هر قدر هم که
 خرج کنی، باز از یاد همهانان میرود.
 * در همهانی آدم خمیس همه
 میخورند و بمیزبان در دل ناسزا
 میگویند.
 * سگ و مگس و آدم بی ادب
 ناخوانده به همهانی میروند.
 * اگر دیر به همهانی رفتی انتظار
 ران مرغ نداشته باش.

ناپلیون و معجزه!

ناپلیون دریکی از لشکر کشیها
 از سرعه ای میگذشت صاحب زمین
 فریاد کرد.
 معجزه .. معجزه.

هرچه از او پرسیدند که چه
 معجزه ای شده، جواب نداد و پی در
 پی فریاد میکرد. معجزه. معجزه.
 تا اینکه او را نزد ناپلیون بردند
 ناپلیون از و پرسید: چه معجزه ای
 شده؟

زارع گفت: من در این زمین
 نخود کاشته ام، اکنون می بینم
 سرباز سبز شده است!!
 ناپلیون خندید و امر کرد خسارات
 او را بدهند.

چده، چده را از بین همبر و؟

- * دوستی عداوت را
- * خوبی بدی را
- * مهمان نوازی خود خواهی را
- * متانت خودستائی را
- * خوشروئی نفرت را
- * جوانمردی خیانت را
- * عفو انتقام را
- * ز بیائی زشتی را
- * خوشبینی بدبینی را
- * اغماض کینه را
- * امید، ناامیدی را
- * قناعت، حرص را
- * مردم داری، جنایت را
- * پاکی، پلیدی را
- * پاکیزگی، مرض و بیماری را

لطائف

گویند چون مادر هلا کو خان
 وفات یافت، یکی از اعظم علماء عامه
 که با خواجه نصیرالدین طوسی دشمنی
 داشت بهلا کو گفت که در قبر
 نکیر و منکر از مردگان در باب
 اعتقادات ایشان سؤالهایی میکنند و
 چون مادر شما عوام است و سر رشته
 سوال و جواب ندارد مقتضی است که
 خواجه نصیرالدین را بهمراه او در
 قبر بفرستی که جواب نکیر و منکر
 را بگوید!

چون خواجه از این سعایت باخبر
 شد بسطآن عرض کرد که سوال
 نکیر و منکر در قبر برای همه کس
 مسلم است و حتی برای شما سلاطین
 هم هست پس بهتر است که مرا برای
 خود نگهدارید و فلا نکس (سعایت
 کننده) را در قبر نزد مادرتان بفرستید!
 هلا کو این امر را قبول کرد و آن
 عالم را در قبر مادر هلا کو گذاشتند!

چون تیمور لنگ بسطانت رسید
 روزی بشکار میرفت در راه مرد فقیری را
 دید که در صحرا زراعت میکرد از او
 پرسید که چه نام داری؟

گفت: تیمور!
 گفت: عمر تو چقدر است؟
 همان مدتی را گفت که عمر
 امیر تیمور بود!

چون نیک نگر بست دید که پای
 اونیز لنگ است!

پس دید که مشابهت کاملی بین
 او و آن مرد فقیر موجود است!

آنگاه پادشاه گفت: با اینهمه
 مشابَهت که میان ماست چگونه من
 بسطانت رسیدم و تو بفتقر و فاقه مبتلا
 شدی؟

آن مرد گفت بسبب آنکه طالع
 من و تو هر دو «دلو» است اما طالع تو
 وقتی بود که دلو از چاه بیرون
 میآمد و بر بود ولی طالع من وقتی بود
 که دلو در چاه فرو میریخت و خالی
 بود!!

آخرین پیکار موسولینی

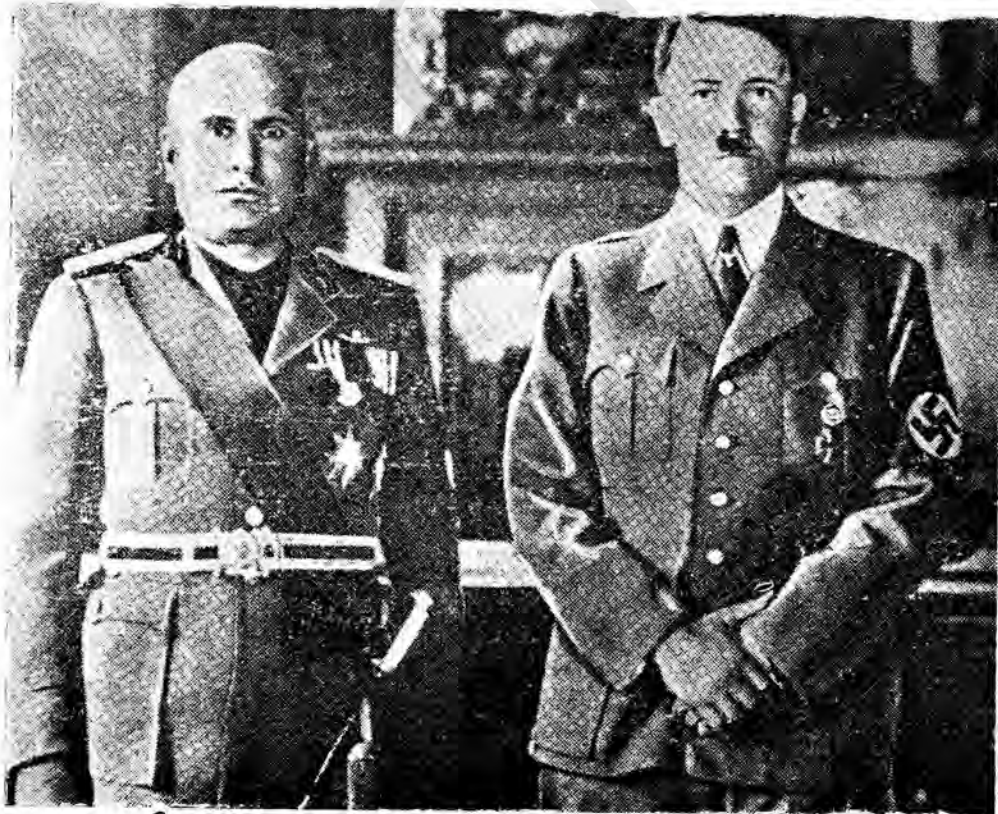
در ایتالیا

بریدمن محمدیوسف از ق ، م

برای موسولینی ایتالیا اقامتگاه شایسته‌ای می‌باشد اما بزودی توسط رفیق صمیمی و وفادارش آدلف هتلر نجات پیدا میکند و از آنجا بشکل اسرار آمیزی ذریعه طیاره مخصوصی گریختانده می‌شود و حوس انتقامجویی موسولینی را علیه دشمنانش در خاک ایتالیا دو چند می‌سازد در نتیجه نامبرده از پشت رادیوی آلمان خطاب به پیروان خود می‌گوید هر چه دشمن بیشتر ..

بدون اینکه به آن موقع بدهد بایکدنیا اندوه و آشفتگی از طرف يك عده ایتالیائی‌ها محبوس میگردد و نامبرده به نقطه مرموز و اسرار آمیزی در ارتفاعت کوه آلپ منتقل می‌شود، به نقطه مرتفع و دور افتاده که پای احدی به آن نمیرسد، به نقطه که فقط عقابهای بلندپرواز قادرند در آن آشیان بگیرند و او عبارت از قلعه کوچک و نیمه مخروبه «گران ساسو» میباشد که

موسولینی دوست و همکار صمیمی هتلر ناگهان از صحنه جهانی محو می‌شود او قبلاً مردمقتدر ایتالیا بود و دایم در بین کفزدن‌های شورانگیز طرفدارانش ظاهر میگرددید آرزوی بدست آوردن امپراطوری روم و تطبیق رویاهای خود را همیشه بسر می‌پرورانید اما جریان زندگی و شرایط جهانی موقع نداد تا اندیشه‌های شهرت خواهی خود را تطبیق بسازد همان بود



هتلر و موسولینی در نخستین لحظات جنگ



خانواده های شهری مساکن خود را بقصد دهات ترك میکنند

افتخار بیشتر ...

اوطی نطق هیجان انگیزی طرفداران مارا به مبارزه دعوت میکند و به آنان امیدواری میدهد که بزودی در سایه همکاری هتلر متفقین را بزانو در خواهد آورد... بدینسان در ایتالیا که مدت ها از جنگ دور بود هیجانی ناگفتنی و آشوبی عظیم پیاپی شود... میان مردمان این سرزمین دو گروه مرگزائی پدیدار گشته است.

اکثری مردم دشمن سرسخت و گروهی نیز طرفدار موسولینی میباشند راستی درین راه کدام یک پیروز خواهند شد؟ مارشال « بادولینو » موافقت متفقین را جلب کرده است و اینک نیروهای متفقین ناپل را به تصرف در آورده اند. ناپل بندر بزرگی است و از جهت رسانیدن آذوقه به اردوهای متفقین دارای اهمیت و ارزش خاصی است.

سربازان متفقین در این بندر پیاده شده آهسته آهسته راه شمال را در پیش گرفته بجان بروم نزدیک می شوند. مادر این جریان نیروی دیگری نیز

خدمات برجسته میکند این نیرو از یکجا شدن مردان، زنان و جوانان و طبقات مختلف مردم تشکیل می شود و هدف آن الحاق به قوای متفقین و نجات دادن ایتالیا است، این نیرو همان قوای پارتیزانی است که بزودی بزرگترین تشکیلات جنگی و عسکری را دارا خواهد شد. بقول یکی از قوماندانان بزرگ تنها تلاش پارتیزان هاست که میتواند آزادی و پیروزی ایتالیا را تضمین کند. بدین نحو هتلر به کشوری که در صحنه اغتشاشات داخلی میسوزد حمله میکند و آرزو دارد که رویاهای دوست خود را در ساحت عمل قرار بدهد. هتلر مانند همیشه از حرب برق آسا کار میگیرد... هزاران طیاره عسکری راه شهرهای مختلف ایتالیا را در پیش میگیرند و خروارها بمبروی مردمان تیره روز آن فرو میریزند. هدف های اصلی میلان و روم است. این دو شهر بزرگترین مراکز سوق الجیشی و حکم قلب مملکت را دارند هدف اصلی قرار میدهند. همان بود طیارات آلمانی در یکی از شب های ماه آگست بمبارانی عظیم با وسعت

فوق العاده آغاز شد و مهمترین مراکز استراتژی را از بین بردند و در تمام شهرهای ایتالیا جهنم را پیاپی ساختند و اکثری از شفاخانه ها و کلیساها سوخته و ویران گردید..

در چنین روزهای بحرانی و حساس « موسولینی » دوباره یونیفورم قوماندانی قوای ایتالیا را پوشیده، در هر کجا بهمراه هتلر دیده می شود. هتلر او را به تماشای جبهه روسیه میبرد و در پس جبهه دیوهای عیبات و جبه خانه ها را با نشان میدهد... موسولینی کم کم احساس دلگرمی و قدرت میکند و آماده است به مجرد رسیدن به ایتالیا نیروهای طرفدار هتلر را برای پیروزی مسلم بردشمنان خود و متفقین رهبری نماید.

یکروز هتلر در حالیکه لیخندی بر لب دارد خطاب به موسولینی میگوید:

دوچه اگر دوباره به ایتالیا برگردید و اسیر شوید چه خواهید کرد؟ چگونه خود را نجات خواهید داد؟ موسولینی از این سوال هتلر تعجب میکند به فکر فرو میرود و نمیتواند

جوابی بگوید و از آن روز به بعد تصمیم می‌گیرد تا در یک زمان کوتاه پیلوتی را یاد بگیرد و دایم طیاره با خود داشته باشد تا در لحظه بروز خطر خود را به آلمان برساند او اینکه آماده بازگشت به ایتالیا است و نیروهای طرفداروی انتظار پیشوای خود را می‌کشند. در چنین احوالات محافظین مسلح آلمانی که دوروبرش را گرفته است سخت محافظت میکنند به ایتالیا باز میگردد و اعلام میکند که آماده تشکیل جمهوری فاشیست است. رئیس این جمهوری نوین خود خواهد بود. تظاهرات شهری آغاز می‌شود فاشیست‌ها کنفرانس‌های عظیم می‌کنند و در جده‌ها رسم گذشت

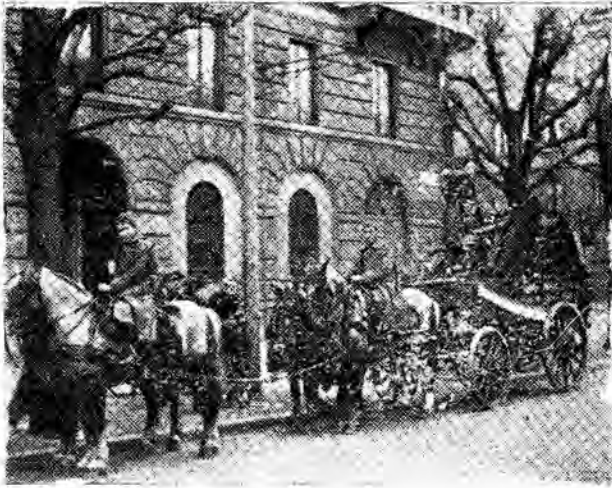
میروند. «موسولینی» هر روز در میدان‌های شهر رم، میلان و سایر شهرهای درجه اول، ظاهر گشته، با نطق‌های دو ساعته و هیجان‌آور خود مردم را تشویق میکند تا به فاشیست‌ها ملحق شوند زیرا آلمان دارد که سرانجام پیروزی به او خواهد بود. او اینسکن به اسلحه احتیاج دارد و می‌خواهد تا توسط آن دشمنان داخلی و خارجی خود را منکوب بسازد و باید اسلحه میان مردان خود تقسیم کند تا آنان مبارزه‌ای را که او بتیان نهاده است دنبال نمایند.

در این راه هتلر باو یاری خواهد کرد هتلر در پاسخ او می‌نویسد: «دوچه ما برای ساختن اسلحه به

«نفر» و به «فلز» احتیاج داریم. دوچه بزودی آنچه هتلر خواسته است در اختیارش قرار خواهد داد. نخست تعدادی داوطلب کارگر جمع آوری می‌کند. کارگران ایتالیائی از کوچک و بزرگ بکس‌های خود را بسته در ایستگاه شهرهای بزرگ گرد می‌آیند تا از آنجا به وسیله ریل‌های عسکری به آلمان فرستاده شوند. در زمانی کوتاه ده‌ها هزار کارگر ایتالیائی بسوی آلمان سرازیر شده در فابریکه جات اسلحه‌سازی بکار مشغول می‌گردند بدین‌حال این نیروهای انسانی باید مواد اولیه به کارخانه فرستاده شود عنصر مورد احتیاج آهن است اما



سربازی دوست مجروح خود را نجات میدهد



سربازان فاشیست مشغول جمع آوری فلزات کهنه است
تا از آن سلاح درست کنند

در ایتالیا آهن به سختی یافت می شود مغز های اقتصادی فاشیست به کار می افتد چه باید کرد ؟ در شهرهای ویرانه ایتالیا آهن قرصه فراوان به چشم می خورد این آهن خراب را باید به فابریکه جات های ذوب آهن آلمان فرستاد تا از آن اسلحه بسازند . گروه خبررسان در کوچه پس کوچه ها جاده و ویرانه ها به جستجو می افتند فاشیست ها گادی های درست کردند که روی آن روی پارچه های بزرگ سفید شعار های به مضمون زیر نوشته شده است « هر چه دشمن بیشتر افتخار بیشتر » این تکیه کلام موسولینی است . هر روز هزاران تن آهن خراب شده حلبی ، تیر آهن و تیز رفتار های از کار افتاده بوسیله نقلیات مخصوص به کار خانه جات آلمانی سرا زیر می شود و در آزاء آن سلاح های خطر ناک به موسولینی تحویل میگردد در برخی از شهرها آهنگران به کمک دستگاه های مخصوص به فعالیت می پردازند و درهای آهنی و هر آنچه از فلزات در عمارات بچشم می خورد بیرون آورده به آلمان می فرستند . اغوای موسولینی همچنان ادامه دارد او در یکی از نطق های خود میگوید :

من می خواهم نژاد ایتالیایی را مانند ژرمن ها خالص و برتر کنم . « از اینر زنان را به بار داری تشویق میکند و مسابقه ای برای انتخاب زیبا ترین و شاداب ترین کودکان ترتیب میدهد . عمال فاشیست افراد بی خبر و بی طرف را دعوت

بشرکت در این حزب میکنند . تدارکات این حزب ناقص است . از اینر و شروع به جمع آوری تدارکات مینمایند . هر خانواده ایتالیایی که یکی از افراد آن در زمره فاشیست ها است کتاب ، لباس ، بستریه ، بوت و وسایل اولیه زندگی در اختیار حزب میگذارد و بزودی دیو های تشکیلات و اکثری از کمالات حزب پوره میگردد . هتلر برای جلب موافقت و جلب نظر ایتالیایی ها دست به تبلیغات دامنه داری در داخل ایتالیا میزند ، زیرا او به نفقات ایتالیایی احتیاج دارد . دسته های موزیک ار دوی آلمان در جاده ها سازهای جالب میزنند و با مارش های عسکری افراد عادی را دعوت میکنند که لباس عسکری بپوشند و تحت لوای « طرفداران وی » قرار گیرند . اما بقول مارشال با دولیو « روح وطن پرستی و شاد دوستی هنوز در ایتالیا نمرده است » هنوز مردم آزادی

طلب آماده هستند تا از متفتمین پشتیبانی کنند و این چنین میکنند ... این روش هتلر برای جمع آوری و موافق نمودن قاطبه اهالی ایتالیا ، موثر واقع نمی افتد و بالا جبار دست بزور گوئی و تشدد میزند . و در روز های آتی جنگ ، وحشت و هراس بر دل ها می افکند و قساوت ها پراه می اندازد . سربازان او شهرها و دهکده های سر راه خود را نابود میسازند و دست به جنایات افسانه ای میزنند . در این راه فاشیست ها نیز همکاری نمودند ، چون طاعون و مرگ بر سر هموطنان خود فرو میریزند و داحتانهای تأثر انگیزی از قساوت و بیرحمی خلق مینمایند سربازان آلمانی از سرحدات غربی و شمالی بطرف مرکز ایتالیا سرازیر میشوند دانشمندان عسکری آلمان تانک جدیدی اختراع کرده اند که جزو عجایب جنگ و شاهکار های صنعت اسلحه سازی محسوب می شوند .

این تانک که دو متر طول و یک متر ارتفاع دارد فاقد افراد پیرسونل میباشد و بوسیله امواج رادیوئی سوق میگردد و بنام « بچه تانک » مشهور گردید که حاوی ده هاتن مواد منفجره « تی-ان-تی » است و قتی تانک های متفقین نزدیک می شوند سر بازی بوسیله دستگاه مخابرات رادیوئی بچه تانک را هدایت میکند و در اثر تصادم آن با تانک عظیم الجثه انفجاری عظیم رخ داده، تانک دشمن متلاشی میگردد. آلمان ها نام این وسیله حیرت انگیز را « گولیات » نهاده اند گولیات ها وحشت عظیم در دل نیروی متفقین ایجاد کرده است و پیشرفت آنها را دچار تاخیر مینمایند. آلمانی ها دست به کشتار میزنند تا با مرعوب ساختن ایتالیایی های شاه پرست، روحیه شان را ضعیف سازد و در سلک پیروان خود در آورند. در سراسر شهرهای اشغالی و دهکده ها، محبس خانه های موقتی بنا

میسازند اکثر قوماندانی این محبس خانه ها بدست فاشیست هاست. درین محبس خانه ها قوانین سخت و بیرحمانه اجرا میگردد. هر کس که فرار کند جایش در داخل قفس های آهنین مخصوصی است که یک متر مکعب حجم دارند و انسان را بحال فجیع از بین میبرد.

حمله آلمان ها بایتالیا وضع را دگرگون ساخته است قرو تیره روزی و قحطی و بیماری بر سراسر این سرزمین قدیمی که مهد افتخارات کهن میباشد، سایه افکنده است با گذشت زمان، هوا سردتر می شود و زمستان سرد و وحشتناک فرا میرسد درجه حرارت به ۱۰ درجه زیر صفر میرسد. ولی مردمان وطن پرست ایتالیایی تصمیم گرفته اند در مقابل نازی ها قد علم کنند و با تلاش دامنه دار پیروزی را بچنگ آورند. از اینرو یک افسر پیرو سالخورده انگلیسی، موسوم به جنرال « الکساندر » کمر

همت می بندد و دست به تشکیل نیروی عظیمی میزند که نیروی گریلائی یا « پارتیزانی » نام دارند قوماندانی پارتیزان ها را خود او بر عهده خواهد داشت و در سایه فداکاری افراد پارتیزان هاست که « الکساندر » متفقین را در ایتالیا به پیروزی نزدیک میکند... داستان فداکاری آنان بیشتر به افسانه شباهت دارد تا به حقیقت. همان بود در نتیجه فداکاری این قهرمانان وطن پرست شب ۱۱ تا ۱۲ مه متفقین جبهه دشمن را در ایتالیا می شکندند و ارتباط بین فرقه پنج و آنژیو محل مرکز تجمع قوای که از تخریب مرمی توپ های زوارون مصئون مانده است برقرار میشود. تعرض اینک با سرعت فراوان صورت می پذیرد روز ۴ ژوئن شهر رم گشوده میشود و ۶ فرقه آلمان خود را تسلیم متفقین میکنند روز ۶ ژوئن جبهه دوم در نورماندی افتتاح خواهد شد.

تاروز دوم مه ۲ میلیون آلمانی در سراسر ایتالیا تسلیم میگردند. قوماندان و صاحب منصبان بزرگ آلمانی در شهرهای بزرگ بدست پارتیزان ها میافتند و در حالیکه فوق العاده مایوس هستند خود را تسلیم سر نوشت میسازند. از همه مهمتر روز ۲۹ مه پارتیزان های ضد فاشیست و وطن پرستان ایتالیا موسولینی و معشوقه اش « کلارا پتاچی » که قصد فرار به آلمان داشتند دستگیر میسازند و انتقام این همه بی امنی های مردمان بی گناه ایتالیا را از آن میگیرند و ذریعه مرمی از پادر می آورند و بعداً جسدش را در شهر میلان بمردم نشان میدهند و دست هتلر را برای همیشه از ایتالیا کوتاه میسازند.

روز ۲۹ مه زندگی موسولینی انجام پیدا میکند و آخرین پیکار وی به نتیجه مثبت نمیرسد. « ختم »



در این فوتو جمله معروف موسولینی نوشته شده است « هر چه دشمن بیشتر... افتخار بیشتر... »

با جغرافیای جهان آشنا شوید

(بقیه صفحه ۴۵)

پښتونستان

موقعیت :

پښتونستان بین دریای سند و افغانستان واقع شده ، و از چترال بطرف شمال تا بلوچستان در جنوب تمدید می یابد و بایک سرحد (۳۵۰) میل از کشمیر جدا میشود ، مساحت آن در حدود (۱۹۰،۰۰۰) مربع میل بوده و بیشتر از ۷ میلیون جمعیت دارد .

سوابق تاریخی :

کلمه پښتون یکی از قدیم ترین کلمه ایست که در کتب تاریخ قید



گذاشتند و کلمه هند و هندیا از همین کلمه اشتقاق می یابد و سرحد طبیعی و جغرافیایی بین سرزمین آریانا و هند را همین دریا تشکیل می دهد .

ریگویدا سرزمین پښتونها را بنام پاکتیکا قید نموده است .

هیرادوتس (Heradotus) تاریخ نویس قدیم یونانی (۴۸۴-۵۲۵)

ارتباط می گیرد . مطابق به اسناد تاریخی قدیم پښتونها بطرف شرقی حرکت نموده و یکی از قوی ترین و سلحشورترین جامعه نژاد آریین بوده و تا کنار غربی دریای اندس (Indus) اچاگزین گردیدند .

چنینکه بکنار دریای رسیدند ، نام دریا اندس را سیند (Seerdh) که در زبان پښتو معنی دریا را می دهد

گردیده ، پښتونها باشندگان حقیقی «آریانا» یا افغانستان باستانی میباشد . در اسناد قدیم تاریخی (ویدا) و (اوستا) بنام پاخت (Pakht) که با کلمه بخدی ، بختار که امروز بنام بلخ که اسم یکی از ولایات شمال افغانستان میباشد ارتباط دارد . باینصورت تاریخ پښتون با تاریخ قدیم باکتريا . (مهند نژاد آریان)

قبل المیلاد نام های پکتی ، پکتیس
پکتولیس را به باشندگان پکتیکا
یا پکتیائیت نموده است . مورخ
مذکور راجع به پشتون و سر زمین
آن می نویسد

[پشتون ها شجیع ترین و سلحشور
ترین جمعیت جامعه آریان بود .
و دروادی های سپین غر کوه های
سلیمان زندگی میکنند .]

پس تاریخ قدیم نام پشتونستان را
جزو تاریخ آریانا (افغانستان قدیم)
می باشد .

مناطق معروف:

مناطق بسیار معروف پشتونستان
امروزی عبارت است از چترال ،
هزاره ، کوهستان سوات ، دیر ،
بئر ، پشاور ، تیرا ، باجور ، کوهات ،
بئر ، دمر ، غازی خان ، دیره
اسمعیل خان ، وزیرستان - خیبر ،
پیزو - گومل وانا ، بولان - ملاکند .
و بلوچستان .

پیداوار:

پشتونستان مرکزی منابع بزرگ
معدنی را دارا می باشد . که مشهور
آن قرار ذیل است: نمک ، طلا ،
آهن ، ذغال سنگ ، شلفر ، نایترو ،
جست ، قلعی ، پترول ، تیل خاک .
میوه جات معروف:

انگور ، انار ، ناک ، شفتالو ،
سیب و دیگر انواع میوه جات
انواع کمپل ها ، شامان چرمی ، انواع
کلاه ، سامان چرمی از جمله صنایع
در این مناطق می باشد . علاوه
تاً قالیچه های پشمی در پشتونستان
جنوبی ساخته و سالانه در حدود
(۸۰۰۰۰) تخته آن بخارج مملکت
صادر می گردد . همچنین انواع
گیاه های طبی میوه جات خشک . پوست
به پیمانہ زیاد پیدا می شود .

زراعت:

زراعت مشغولیت قسمت بزرگ
مردم را تشکیل می کند . و با عموم

گندم ، جو ، جوار و برنج به کثرت
زرع می شود .

صنایع اختصاصی

علاوه از صنایع عمومی که در
سراسر پشتونستان دیده می شود
در بعضی مناطق صنایع اختصاصی
نیز وجود دارد ، مثلاً در کوهستان
بهترین چرمگری وجود دارد ، و
اعلی ترین جنس چرم را تهیه
می دارند ، خاصتاً از پوست آهو
چرم بسیار نفیس می سازند . علاوه
تاً صادرات بزرگ این منطقه چوب
چارتراش می باشد . نجاری و صنایع
طریفه درین منطقه رونق خوب
دارد .

همچنان در مومند بهترین تفنگ
های ده تیر و شکاری و تفنگچه ها با
نوع مختلف ساخته می شود باجور
در پیداوار جو ، گندم ، و عسل
فوق العاده شهرت دارد .

کرم های روده

مسلم است که کثرت مرض و فیصدی بلند و فیات در یک مملکت تناسب مستقیم با سطح دانش عمومی دارد یعنی بهر اندازه که سطح فرهنگ بلند تر و استفاده از علم و دانش برای همه میسر باشد فیصدی وقوع امراض پائینتر و برعکس جهالت و بی سوادی ، عدم شرایط بهتر زندگی مدنی ، عدم معلومات قوانین و تعلیمات صحیحی عدم موجودیت معارف و فرهنگ برای اکثریت طبقات جامعه علل بلند رفتن گراف امراض ووفیات میگردد .

همچنان یک سلسله عوامل دیگری که بیشتر جنبه اجتماعی و اقتصادی دارد در بروز امراض رول انکار ناپذیر دارد به منظور اینکه بحث مابه طول نه انجامیده باشد از تذکر آن صرف نظر شد .

کرم های روده و امراض ناشی از آن نیز ارتباط ناگسستی با علل فوق الذکر دارد ، برای اثبات ادعای بالا میتوان احصائیه کسرت واقعات امراض ناشی از کرم های روده را در ممالک عقب مانده و روبرو به انکشاف با مالک که سطح دانش و فرهنگ عمومی بلند داشته و از زندگی مدنی با تمام جنبه های آن برخوردار است مقایسه نمائیم افراط و تفریط وقایع را بوضاحت دیده میتوانیم امروز در ممالک مرقی و

متمدن نادراً امراض ناشی از کرم روده بمشاهده میرسد که البته علل کمی بروز امراض مذکور همانا آشنائی کامل با طرز مبارزه علیه کرم ها است (تعلیمات صحیحی) . باتذکر مختصر بالا قبل از شروع بحث اصلی ناگزیریم بعضی اصطلاحاتی که در ضمن تشریح از آن نام میبریم ایضاح نمائیم تا در حین مطالعه موضوع در ذهن ها مغشوش باقی نماند. کرم های روده را تحت بحث پرازیولوژی *Parasitologie* مطالعه می نمایند .

Parasite :- اجسام حیه که در داخل یا خارج عضویت انسان یا حیوان جهت تغذی و ادامه زندگی بصورت موقتی یا دائمی حیات بسر میبرد . میزبان *Host* :- اجسام حیه اند که پرازیت ها برای نشوونما و تغذی خود بالای آن قرار میگیرند میزبان بدو نوع است یکی حقیقی که پرازیت در تمام دوره تکاملی خود بالای آن قرار دارد . دیگری میزبان بین البینی است که پرازیت در یک قسمت از دوره تکاملی خود به آن ضرورت دارد .

باب دخول :- از طریق جهاز هضمی توسط غذا و آب ملوث به تخم های کرم مثلاً تخم *Ascaris* توسط آب ، سبزیجات یک تعداد از طریق جلد و غشای مخاطی (پوش

داخلی اجواف) داخل عضویت میزبان میشوند مثلاً *Ankylostomes* بصورت مستقیم و یا بعضی بصورت غیر مستقیم توسط گزیدن بعضی حشرات مثلاً ملاریا و یا بعضی توسط لیسیدن یک تعداد حشرات مرضی یک قسمت جلد و یا غشای مخاطی داخل عضویت میزبان میشوند. طرق تنفس زیادتر در مورد مکروب ها و ویروس ها باب دخول بوده در پرازیولوژی آنقدر مورد بحث واقع نمیشود . پرازیت از طریق هضمی مثلاً مواد غایطه یا جهاز بولی و یا جلد عضویت میزبان را ترک می نماید .

طرز سرایت پرازیت ها :- بصورت ثابت پرازیت ها از اثر تماس انسان یا حیوان با مواد منته که از شخص مریض خارج میشود سرایت مینماید . زمانیکه پرازیت داخل عضویت یک انسان یا حیوان میگردد نظریه نوع و راه دخول تاثیرات مختلف از خود نشان میدهد . مثلاً کرم های *Ankylostomes* از وجود انسان تغذی نموده کم خونی را بعیان می آورد و بعضی تاثیرات سمی نیز دارند . بعضی باعث بندش روده ها میگردند مثلاً *Ascaris* و همچنان بالای او عیه او عصاب مجاور نیز فشار وارد کرده میتوانند .

کرم های روده یک تعداد امراض بنام *Helminthiasis*

را نزد انسان ها و حیوانات بوجود می آورد *Heiminteses* (کرم ها) را علماً به سه گروه تقسیم نموده اند
I- کرم های ملار یا

Nematodes

II- کرم های پهن *Cestodes*
III- کرم های *rematodes*

یا *Flukes* دانشمند روسی بنام *Kiskryabin* اسراض *helminthiasis* را بدو گروه تقسیم می نماید :

I- *geohelminthiasis*

II- *biohelminthiasis*

Nematodes

کرم های مدور و استوانوی که دارای دهن، سری، ووروده ساده بوده و به مقعد ختم میشود نر آن دارای دو عدد خصیه و جهاز تناسلی است و ماده آن دو عدد تخمدان (میوض) و رحم دارد این کرم ها اشکال مختلف دارد که عبارت انداز :

Ascaris - A

دارای رنگ سفید گلابی بوده از ۱۵ سانتی متر الی ۴۰ سانتی متر طول دارد . در مدت ۲۴ ساعت دوسه هزار تخم ماده آن میگذارد که توسط مواد غایطه بخارج اطراح و در مدت ۱۲ الی ۴۰ روز پخته شده با خوردن سبزیجات خام و ناشسته ، میوهجات و دیگر غذاهای آلوده به آن، سامان ولوازم آلوده و دست های آلوده داخل روده انسان سالم میگردد. بعضی انواع آن از طریق ورید مثلاً ورید وجوف به جگر، قلب و شش ها نیز رسیده میتواند و مرض را بنام *Ascariidose* بوجود می آورد که دارای اعراض ذیل است :

در صورتی که تعداد شان کم باشد کدام اعراض قابل ارزشی به میان نمی آید برعکس در صورت زیاد بودن دلبدی شدید اسهال -

استفراغ ، انتفاخ بطن، بی اشتهائی دردهای بطنی، کم خونی، سردردی در اخیر بندش روده، تشقب روده از اعراض عمده آن بشمار میرود. نزد اطفال تناقص فعالیت دماغی، فراموش کاری حتی از طرف شب اختلاجات را بوجود آورده میتواند .

اگر کرم مذکور به ششها رسیده باشد اعراض مانند آمدن خون از طریق دهن، *Pneumonie* *Bronchite* تخرشات جلدی را بمیان می آورد. در حین استفراغ امکان دارد کرم مذکور داخل حنجره شده مشکلات تنفسی را سبب گردد .

تشخیص آن خیلی ساده بوده و عبارت از یافتن تخم کرم های مذکور در مواد غایطه که توسط *Microscop* صورت میگیرد است. تداوی آن با ادویه مخصوص تحت نظر داکتر صورت میگیرد .

Enterobiose - B

کرمه بنام *Oxyure* یا *Enterobiosevermicularis* نیز یاد میشود مذکر آن از ۲ تا ۴ ملی متر و ماده آن از ۱۱ الی ۸ ملی متر طول دارد . در مدت ۲۴ ساعت در حدود ۱۰۰۰۰ الی ۱۲۰۰۰ تخم در التوات مقعدی و عجان می گذارد که باعث تخریش فوق العاده زیاد ناحیه مقعدی ، عجان و جهاز تناسلی زنانه میگردد که مخصوصاً در شب شدت اختیار نموده و اکثراً انحطاط روحی و اخلاقی را بار می آورد و حتی زنان برای تسکین این تخریش به یک سلسله چاره های سؤستوسل میشوند. این کرم ها توسط *Sancaphine Santonine* و *Piperazine* تحت نظر دوکتور صورت میگیرد .

Trichocephale - C

باریک و نارمانند بوده از ۴ تا

۵ سانتی متر طول دارد عموماً در روده های لک و چکوم جای گرفته سبب التهاب غشای مخاطی این نواحی شده زمین را برای میکروب های دیگر آماده میسازد که بعضاً سبب *Appandicite* نیز شده میتواند .

چون در نسج عمیق جدار روده جای میگردند لذا خارج کردن آن آسان نبوده ایجاب تداوی در تحت مراقبت داکتر را مینماید .

Ankylostome - D

کرم کوچک باندازه ۸ الی ۱۳ ملی متر بوده از طریق جلد مخصوصاً جلد پای داخل عضویت شده در اثناعشر در نواحی شروع روده باریک جای میگیرد .

کم خونی از اعراض عمده آن بوده هیموگلوبین خون تا به ۱۵٪ الی ۲۰٪ تنزیل میکند بر علاوه ضعفیت ، سر چرخ ، بی خوابی، نشو و نشات معدی معائی وصفی، تناقص اشتها، دلبدی استفراغ، درد شکم بادوره های اسهال نیز با کم خونی مترافق میباشد. برای وقایه آن باید از کشتن پای برهنه خود داری شود .

Trichine - E

دارای ۱۰۵ الی ۴ ملی متر طول بوده زیاد تر در نزد سگ، پشک، موش و خوک دیده شده در عضلات حجاب حاجز حنجره، عضلات بین الضلعی عضلات مزیفه و قلب جای گرفته اعراض از قبیل درد های شدید بطن اسهال آبگین، استفراغ، پندیدگی اجفان چشم و روی را بمیان می آورد . درجه حرارت از سبب تسمم آن به ۴۰ الی ۴۱ درجه سانتی گراد میرسد که بالاخره باعث مرگ شده میتواند . برای وقایه آن کنترل و مراقبت حفظ الصحه مسلخ ها معاینه حیوان قبل و بعد از کشتن و پخته نمودن گوشت بصورت درست (اقلام)

برای دو نیم ساعت حرارت داده شود) فوق العاده مؤثر است .

باید علاوه کرد که حفظ الصحه فردی استعمال سبزیجات بصورت پاک شستن دست ها با صابون قبل از غذا جلوگیری از تماس مگس با غذا در وقایه و حفظ آنها تقدم چهار فکتور فوق الذکر ارزش اساسی وعمده دارد.

II کرم های پهن یا Cestodes :
کرم های پهن یا فیته مانند دارای طول چند ملی متر تا چندین متر بوده از چهار الی ۲۰۰۰ بند تشکیل شده. در سر خود که اندازه سر سنجاق است چوشک و چنگک هادارد و توسط این ساختمان در عضویت میزبان خود محکم میگردد. هر بند دارای ساختمان تناسلی جدا گانه بوده حاوی تخم های بسیار است که تخم ها یا بند ها توسط مواد غایبه عضویت میزبان خارج شده سبزیجات، آب و دیگر مواد غذایی را ملوث ساخته به شخص سالم انتقال می نماید. *Cestodes* به انواع مختلف تقسیم شده که عبارت اند از :

A - Taenia Solium

بطول دو الی هشت متر بوده از ۷۰۰ الی ۱۰۰۰ بند که هر بند پخته هشت ملی متر عرض دارد و حاوی ۴۰۰۰ دانه تخم میباشد. سر این کرم به اندازه سر سنجاق از ۲۲ الی ۳۲ چنگک دارد . طرز سرایت :

بعد از خوردن غذاهای آلوده به تخم کرم توسط خوک ها و دیگر حیوانات از طریق دوران خون در عضلات جا گرفته که بعد از خوردن گوشت نیم خام حیوانات مذکور کرم ها که در حالت نشو نمائی خود فوق العاده کوچک میباشد داخل روده ها شده موجودیت آن در جدار روده تثبیت شده به نشو نمائی خود دوام میدهد و در ظرف سه ماه به حجم طبیعی خود (هشت متر) میرسد .

چون کرم مذکور از غذای میزبان تغذیه می نماید لذا باعث ضعفی و نادر سبب کم خونی و حتی نزد اطفال اختلاجات عصبی را بار آورده میتواند . تشوشات هضمی و درد های بطنی از اعراض عمده بشمار میرود . تشخیص توسط دیدن تخم ها یا بندهای کرم مذکور در مواد غایبه توسط مکر و سکوپ وضع میگردد همچنان معاینه خون و آزمایش های جلدی برای تشخیص ارزش قابل ملاحظه دارد . برای وقایه آن جدا نمودن حیوانات مصاب به کرم و مراقبت جدی آن ، پخته نمودن درست گوشت و کنترل مسلخ ها ضروری است برای تداوی طبی از ادویه مخصوص *taeniaceae* با مشوره دو کتور استفاده میشود .

B - Taeniasaginata

از دو هزار بند که هر بند حاوی صد هزار تخم میباشد طول عمومی کرم ها از ۴ متر تا به ۱۵ متر میرسد و نظر به یک سلسله زق های که از نظر شکل و جسامت راس خود تفاوتی با تینیا سونوم دارد بخوبی فرق شده میتواند .

زمانیکه گاو ، گوسفند و بز علف های ملوث به بند یا تخم کرم مذکور را میخورند تخم ها در اندکی نشو نما نموده از طریق دوران خون در عضلات حیوانات مذکور جا گرفته که در نتیجه خوردن گوشت های نیم خام حیوانات مذکور کرم های ابتدائی داخل روده انسان شده خود را در جدار روده تثبیت نموده شروع به نشو نما مینماید و در مدت سه ماه به اندازه طبیعی خود (۴ الی ۱۵ متر) میرسد .

در د های بطنی ، اسهالات اختلاجات عصبی ، تشوشات جلدی و در نزد اطفال خورد باعث بندش روده ها نیز شده میتواند . با پالیدن تخم یا بند کرم مذکور

در مواد غایبه ، معاینه خون و تست های جلدی کرم مذکور را تشخیص نموده میتوانیم برای کنترل و جلوگیری از کرم مذکور لازم است حیوانات قبل از کشتن توسط اشخاص فنی بخوبی معاینه شود همچنان بعد از ذبح گوشت آن امتحان گردد چون در مملکت ما اصلا به این نقطه ارزش داده نشده و هم مقررات مربوط به آن وجود ندارد لذا یگانه چاره آن جوش دادن گوشت باید بخوبی صورت بگیرد در قسمت تداوی طبی آنچه ارزش عمده دارد عبارت از خارج نمودن سر کرم از عضویت میزبان است در غیر آن تداوی بدون نتیجه است .

C - Diphylobothrium latum

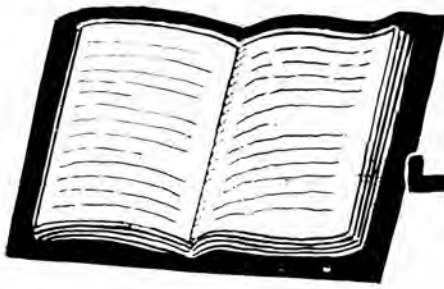
طویل ترین کرم این خاندان بوده ۱۸ متر طول دارد چون کرم مذکور از طریق خوردن گوشت ماهی داخل عضویت انسان میگردد لذا در مناطقی که مصرف گوشت ماهی زیادتر است بیشتر دیده میشود اعراض آن ضعیفی دردهای شکم کم خونی است و باطریقه که دیگر کرم ها تشخیص میگردد در مورد این کرم نیز قابل اجراء است برای جلوگیری و وقایه آن لازم است گوشت ماهی خوب پخته شده بعد مصرف شود .

III - Trematodes

به انواع مختلف از قبیل *Apidogastrea*

Monogenea و *Digenea* تقسیم شده است که صرف نوع اخیر در طرق صفرای انسانها و علف خوران یافت شده باعث يك سلسله اعراض میشود که خارج از بحث کرم های روده است .

در اخیر باید تذکر داد در پهلوی مسئولیت که شعبات مربوط در قسمت حفظ الصحه عمومی دارد فرد نیز يك سلسله مسئولیت های دارد که با انجام دادن آن تا حدی در تامین حفظ الصحه عمومی نقش مهم دارد .



عصاره ای از یک کتاب

میر جمال الدین فخری
دوہم بریدمن راکت

تلخیص و نگارش

وینستون چرچیل

مردیکہ مسیر تاریخ را تعمیر داد

جا بجا نمودند پس از آن عملیات شروع شد و در نتیجه وینستون چرچیل پیروز گشت .

لارڈ رائلف پدر وینستون که ناظر حرکات پسرانش بود از عملیات وینستون خوش آمد و از سروری که وینستون بردشمن چیره شده بود و در وجباتش هویدا بود پدر آگاہ گشت و بہ پسر بزرگش وینستون پیشنهاد کرد : « آیا میل داری وارد نظام عسکری شوی ؟ » .

وینستون پس از آن وارد نظام شد و فکرمیکرد « ازین چه بہتر کہ انسان وقتی قوماندان یک اردوی حقیقی باشد . »

سربازان اسباب بازی :
وینستون در طول روز های تعطیل بیشتر اوقات فراغتش را با برادرش جک بسر میبرد . بدین معنی کہ سر کرمی زیاد آنها بازیچہ های سربازی بود کہ در صف آرائی



چرچیل بزرگترین مرد تاریخ انگلستان

و پلان سازی جنگی هر دو برادر را مشغول میداشت . « یکی از روزها وینستون با برادرش جک گفت : من امروز میخواهم آرایش جنگی سربازانم را مانند آرایش جنگی « بلن ہانیم » بدہم . من (دوک مارلبورو) ہستم و توہم قوماندان قوای دشمن باش »

بدین ترتیب ہر دو پسر پس از صف آرائی میدان جنگ را در روی میزی ترتیب دادہ بودند قوای سواری و پیادہ یکدیگر را چہ ترتیبکہ عقل طفلانہ آنها اجازہ میداد

افسر سواری



در عید میلاد مسیح سال ۱۸۹۴
وینستون از مکتب افسری «حرری
شوونگی» (سند هرست) به رتبه
دوهم برید من فارغ التحصیل شد
در همین هنگام بود که پدرش
لازد را ندلف چشم از جهان پوشید
وینستون سرپرست فامیلش شد و از
آنجایکه مردمبری بود اداره امور
را بدست گرفت و بعد از چندی آرزو
کرد تا وارد سیاست شود «ودر همان
راهی که پدرش رفته بود قدم گذارد»
وینستون دو ماه پس از فوت پدر
وارد غنند چهارم سواری شد که
قوماندان آن دگرمن (برابازون بود)
برابازون یکی از بهترین ولایت ترین
قوماندانان انگلیس بود که تقریباً در
دوران حیاتش در سراسر جهان مثل
مصر، هندوستان و آریا وارد معرکه
های جنگی شده بود از نیرو شخصی
خیالیها مجرب و فهمیده ای بود.

وینستون تحت رهنمائیهای این
شخصیت بر ازنده در مسلك به
اندازه ای مهارت حاصل کرد که
میتوانست بر پشت اسپیکه عاری از
تجهیزات ویراق جنگی باشد و افساری
هم نداشته بشمسوار شود و از موانع
اسپ را عبور بدهد.

وینستون که آرزو داشت هر
ترتیبی میشود باید جنگی در بگیرد
تا او بتواند موضوعات نظریکه در
طول دوران تحصیلی عسکری آموخته
جامه عمل بپوشاند مگر صلح و صفا
در سراسر جهان حکفرما بود و جنگی
در کار نبود تنها در کیوبا که مردم
آن انقلابی برپا نمودند در عین زمان
جهت سرکوب ساختن آنها يك قوه
مختصرهسپانوی جانب کیوبا ارسال
شده بود وینستون خواست تا درین
گیرودار حضور داشته باشد و زود
خورد هر دو طرف را بچشم سرمشاهده
کند.

چرچیل با یونو فورم جنرالی لباسیکه آرزویش را از طفولیت در دل سپهر و زانید

نیویارک شدتد تا از آنجا به کیوبا
منتقل گردند و ناظر زود خورد آنها
شوند.

این اولین مسافرت وینستون بود.

نبرد جنگل

روز سی ام نوامبر که مصادف
با بیست و یکمین سالگرد تولد وینستون
بود فرارسید. این روز روزی بود که
دوهم برید من چرچیل با یکتفر انگلیسی

بنابران وینستون به یکی از رفقای
پدرش که سفیر انگلیس در هسپانیه
بود نامه ای نوشت و ضمن آن تقاضا
کرد تا اگر بتواند او را نیز با او ای
اعزامی هسپانیه به آنصوب ارسال
کند و وینستون بتواند این معرکه را
از نزدیک تماشا کند.

این نقشه عملی شد و وینستون
بایکی از رفقایش بنام (بارنز) عازم

دیگر بنام «بارنز» در پیشاپیش قوای اعزامی هسپانوی در جنگل به منظور عقیم ساختن فعالیت‌های اشرار کیوبائی که متفقاً علیه هسپانویها شورش کرده بودند حرکت می‌کردند. ونستون تا هنوز نمیدانست جنگ به معنی واقعی آن چگونه خواهد بود. او آنقدر در عالم رویا و تخیلات خود فرو رفته و به هیجان آمده بود که حتی سلی پشه ها و گرمی سوزنده جنگل را

احساس نمکیر د .

طولی نکشید که صدای شلیک يك تفنگ از عقب قطار رفتار آنها بگوش رسید همه متوحش و پرا گنده شدند «این اولین صدای گلوله جنگی بود ونستون می شنید»

دیری نپائید که صداها اضافه و اضافه تر شد گلوله ها از میان شاخه های درختان جنگل عبور میکرد که برهیت محاربه میافزود و ونستون چه تر تپیکه

لازم بود داخل موضع شد و ناظر حرکات هر دو طرف بود بهمین ترتیب لحنه ای سپری شد و ونستون تر صد کنان حرکات آنها را قیمت میداد . «ناگهان صدای صغیر گلوله ای برخاست و گلوله ها از چند اینچی سر و ونستون عبور کرد و به اسپه ای که در پشت سر او بود اصابت نمود ، اسپ شمه ای کشید و از جا پرید و به زمین غلتید و بعد از اندکی جان داد .»

«چرچیل با خود میگفت : گلوله هائیکه این اسپ را از پا در آورد ممکن بود بمن اصابت کرده باشد بدین ترتیب برای اولین بار در عمر من در میدان جنگ در زیر شلیک گلوله واقع شد. ام.»

دو روز این معرکه دوام پیدا کرد و پس از آن ونستون عازم انگلستان شد «درین محاربه گرچه ونستون شخصاً شرکت نورزید مگر با آنها را پوری که از جریان این جنگ به انگلستان فرستاده و در یک جریده منتشر شد غوغائی برپا نمود و آنقدر ازین راپور تاژامتقبال نیکی بعمل آمد که حتی حق الزمه نوشتن آنرا جریده مزبور پنج لیره پرداخت و در آن زمان هر لیره معادل بیست دلار امریکائی ارزش داشت .

ونستون پس از چندی که در انگلستان سپری نمود در ضیافتی بایکی از سرداران بزرگ انگلیس بنام (سر بیندن بلاد) اشنائی پیدا کرد که بلاخره این شناسائی به صمیمیت و دوستی حتی رفاقت مبدل شد .

ونستون از دوست صمیمی اش تقاضا کرد که با قطعات اعزامی جانب هندوستان او نیز شرکت کند چنانچه و قتیکه قطعات انگلیس جانب هند حرکت کردند ونستون نیز با آنها به این سرزمین افسانوی اعزام شد .



ایام خوشی چرچیل با اعضای فامیلیش در چارنول

درین ملک هنگا میکه و ونستون در مباحث قوماندانان و سایر شخصیت های انگلیسی در هند اشتراك میگرد میدید که از سخنان آنها هیچی نمیداند کویا و ونستون اصلاً تا هنوز سوادى فرا نگرفته است ، بنا مصمم شد تا هر چه زودتر برین بیسوادى چیره آید از بنرو سرى به کتابخانه های شهر (بنگلور) زد چون کتب مورد نظرش را در آنجا کمتر یافت به مادرش نامه ای نوشت و طى آن کتابهائی را درخواست کرد که توانست در اندک مدتی ونستون را در ردیف سایر انگلیسی های مقیم هند قرار دهد .

ونستون پس ازین مثل سایر افسرانیکه اوقات فراغت شانرا به بطالت میگذشتاند و قتش را ضایع نمیکرد بلکه در اطاقش مینشست و پرده های آنرا پائین میآورد و پس ازان پشت میز شمس مصرف مطالعه میبود .

فرد سخت مالاکاند :

ونستون چندى بعد مثل سایر اعضاى غنډ چها رم سوارى براى سه ماه مرخصى دریافت کرد .

و توسط کشتى عازم اروپا شد اولاً به ایتالیه پس ازان به یونان و پس از فاصله کونا هی ر هسپار انگلستان گردید مدتی نگذشته بود که خبریافت «سر بلیندن بلاد» در رأس قوای عظیمی مامور سرکوب ساختن قبیل سرکش «پتان» در هندوستان گردیده است .

نظربه وعده ایکه بایندن بلاد به ونستون داده بود ونستون چرچیل مکرراً به خاک هند وارد شد .

گرچه ونستون بسیار آرزو داشت که درین محاربه خودش بالذات اشتراك ورزد ولی جای خالی بر او در قوای بلیندن بلاد پیدانشد ازینرو حیث خبرنگار جنگی

درجه ایکه محاربه جریان داشت داخل شد .

قصه مالاکاند که بر فرژ کوه های سر اشیم موقعیت داشت توسط قوای انگلیس بکلی خاموش ساخته شد مگر متعاقب آن یکی از قبایل مومند بنای شورش نهادند و در همان شب او لینیکه آنها طغیان سر داده بودند چهل افسر و تعداد زیاد اسپان و قاطر های انگلیسی را به قتل رسانیدند و به غارت بردند .

بلیندن بلاد یکی از جنرال های مجرب و سابقه دار خود را برای سرکوب ساختن آنها مامور ساخت و امر داد تا تمامی محصولات زراعتی آنها را نابود کند و کلیه استحکامات شانرا با خاک یکسان سازد و به ونستون گفت که اگر آرزوی دیدن جنگ دارد در داخل قصبه مومنده قوای جنرال جفریز پیوندد .

ونستون همچنان کرد؛ مومند بها از بالای تپه ها از بر شدند و محاربه خونینی بین آنها در گرفت که «در ظرف چند لحظه پنج تن از افراد دسته کوچک و ونستون در خاک و خون غلتیدند مومند بها که با شمشیر و نیزه بمقابل انگلیسها میجنگیدند توانستند آنها را عقب نشانند و سلاح و مالزمه شان را به یغما ببرند .

«تلفات قوای انگلیس وحشتناک بود یک ثلث از توجی های انگلیس بقتل رسید و بسیاری هم زخم برداشتند کلیه قاطر های غنډ سوارى از پادر آمده بودند» درین محاربه ونستون زخمی اندک برداشت ، شب سر رسید و ونستون در کلیه اش به نوشتن را پور تاژی که در محاربه قبلی انگلیسها و مومند بها وقوع پیوسته بود مصرف شد .

بدین ترتیب ونستون که فکر میکرد جنگ جالب و جاذب است با تلفات سنگینی که بر پیکر قوای

انگلیسی وارد آمده بود ملاحظه کرد که «جنگ عاری از لطف و زیبایی است» .

از هندوستان به افریقا .

چندی بعد ونستون به نوشتن گزارشی محارباتیکه به چشم دیده بود پرداخت و راپورهایش را بعد از خود در لندن فرستاد آنها پس از مدتی به چرچیل خبر داد که نوشته هایش بصورت کتابی بنام «ستون اعزامی مالاکاند» منتشر شد و غوغایی در سراسر انگلستان پیا نموده و همچنان مجلات و جرایدی که از کتاب ونستون چرچیل تقریظ کرده بودند ضمیمه خود کتاب به ونستون فرستاد .

ونستون از شنیدن این خبر آنقدر به هیجان آمده بود که دست از پانعمی شناخت ازینرو احساس اطمینان ، افتخار و رضایتی میکرد .

«پسری که همه وقت معلمش در کارهای خانگی و سایر تکالیف و وظیفه که در دوران تحصیل به او محول میشد خیر کیف است ، نامر بوطاست ، خیلی بد ، بی علاقه ، و هزاران کلمه بدتر از آنرا مینوشت اکنون اثرش را تقریظ میکردند» و این موضوع رای طفلی که همیشه کودن و احمق نامیده میشد نعمت آسمانی است .

ونستون درین فکر شد که اگر بتواند کتب دیگری بنویسد آنها هم ممکن است به چنین امتیالی مواجه شود بناماً برای دریافت موضوع کتاب لازم بود تا در هر نقطه از جهان که جنگی درگیر حضور یابد و گزارشی ازان تهیه کند ، اتفاقاً درین هنگام در افریقا چنین آمالی برآورده شده میتواند .

گرچه رفتن به افریقا برای چرچیل مشکلات زیادی تواید کرد آنها هم به علت اینکه ونستون در یکی از گزارش های جنگی خود از اردوی انگلیس تنقید کرده و که این امر

باعث رنجش خاطر صاحبمنصنان بزرگ رتبه انگلیسی شده بود بدین مناسبت هیچ یک از آنها موافقه بر رفتن اورا به افریقا نمینمودند. بلاخره با زحمات زیاد ونیستون با اولین کشتی عازم مصر شد در مصر که آنوقت تحت سلطه ونفوذ انگلیس ها بود درویش های سودانی علیه انگلیسی ها قیام نموده بودند و گیر و دار سختی در آنجا رخ داده بود که مستلزم زد و خورد مساحانه گشته بود .

مختصر آنکه دوروز پس از ورود ونیستون به قاهره در جوار رود عظیم نیل در اویش جنگجو وانگلیس ها بهم در آمیختند و جنگ سختی بین آنها در گرفت در طول اندک مدتی اجساد ۲۰۰۰۰ درویش مقتول و زخمی بیابان را پوشانید . درین معرکه ونیستون چرچیل نیز اشترک داشت و پس از گلوله باری متواتر تویچی انگلیس ونیستون از اسب پیاده شد و بالای در اویش تیراندازی میکرد تا آنکه قوای در اویش به تقلیل رسیده و عقب نشستند .

اسارت بدست بویرها :

ونیستون که از افریقا به لندن مراجعت کرد تازه بر آن شد که از مسلک عسکری کناره گیری کند و راه سیاست پیش گیرد . ونیستون برای رسیدن به این مقصود مقدمات شرکت در انتخابات مجلس عوام انگلستان را فراهم ساخت . قبل از آنکه به صفت وکیل مجلس عوام انتخاب شود بویرها در افریقای جنوبی بنای شورش گذاشتند که بدین سبب انگلیس ها برای سرکوب نمودن آنها قوای اعزامی متشکل از یک غنند سواری را بدانصوب فرستاد .

«بویرها بز مانندگان کشورزان قوی الجئه ونیرومند هاندی بودند که سالیان پیش به افریقای جنوبی مهاجرت کرده بودند» دولت بریتانیه چون داخل مرز و سواحل مربوطه

آنها شده بودند و باین عمل خود به منافع دست داشته بویرها تجاوز کارانه اقدام ورزیده بودند و بویرها نیز به قیام ضد انگلیسی دست زده و آنها را تهدید میکردند .

مدیر یکی از جراید انگلیسی بنام «جریده پست لندن» از ونیستون تقاضا کرد تا بحیت سرخبرنگار جنگی عازم آنجا شود و در بدل آن ماهوار مبلغ ۲۵۰ لیره انگلیسی دریافت کند که در آن زمان این مبلغ پول گزافی بود که به یک خبرنگار داده میشد .

ونیستون پیشنهاد مدیر جریده را پذیرفت و جانب افریقا شد . پس از چهار روز مسافرت به شهر استکورت رسید که تصادفاً درین شهر کوچک یک قوه عسکری انگلیس استقرار یافته بود و قوماندان آن هم از آشنایان چرچیل بود . او برای چرچیل اطلاع داد که بویرها راه بین لیدی سمت و استکورت را بکلی قطع کرده اند و غیر ممکن است که ونیستون به آنجا رفته بتواند و احتمال میرود عنقریب بویرها بالای مانیز حمله ور شوند .

ونیستون چرچیل پس از تشریحات رفیق قدیمش تصمیم خود را چنین بیان کرد : « البته من هرگز چنین فرصتی را که بتوانم بداخل سرزمین دشمن بروم از دست نخواهم داد » «صبح روز بعد توسط قطار آهن که حامل مهمات عسکری بود آن شهر را ترک گفت پس از طی ۱۴ میل راه قطار توقف کرد و در این اثناء ونیستون متوجه شد که بویرها از تپه ها به طرف ترن سرازیر میشدند و مهتر از همه آنکه آنان با خود توپ نیز حمل میکردند »

چگون هلدین که سمت فرماندهی این قطار را داشت قومانده باز گشت داد مگر همینکه لو کو موتیو به راه افتید صدای انفجار ازدور شنیده شد و مرمی توپها از کنار لو کو موتیو گذشت اندکی نگذشته بود که «تکان

خورد کننده ای بر آنان وارد آمد چنانکه هگی بر کف واگان لو کو موتیو در غلثیدند » قسمتی از قطار از خط خارج شده و بویرها از عقب بالای شان دوامدار آتش میکردند . بلاخره پس از دو ساعت زد و خوردی که بین آنها صورت گرفت و نستیون راه فرار در پیش گرفت و به شدت میدوید مگر یکنفر بویر که بالای اسبی سوار بود دنبالش را گرفت و تهدیدش کرد ونیستون و یا باید کشته میشد و یا اینکه تسایم میشد » ناچار تسلیم شد و دستهایش را بلند گرفت .

ونیستون تحت فرمان یک سر بوز بویری راه زندان پیش گرفت .

اسیر جنگی :

ونیستون با ۶۰ نفر زندانی دیگر مدت یک ماه در زندان باقی ماندند و در طول این مدت همواره در فکر چاره رهایی از حبس بودند و کلیه افراد محبوس نقتیه های فرار را فرام میساختند . اما فرار از زندانیکه در آنجا محبوس بودند خیلی مشکل بود چه این زندان از جمله زندانهای نمونه دولتی بود که بهمیچوجه راهی برای گریز در آن نمیشد سراغ کرد .

ونیستون اتفاقاً در یکی از همین روزها هنگامیکه برای رفع ضرورتی در مستراح زندان رفته بود چشمش به دیوار زندان و پمبردارانیکه در نزدیکی آن گزیه داشتند افتید . این یگانه روزنامه ای بود که چرچیل خواست بدان توسل جوید بنأ شب هنگام وقتیکه تمام حرکات زندانبانان را زیر نظر گرفته بود ز راه مستراح به دیوار زندان پرید و از آنجا هم با ترس و لرزیکه نوید رهایی در آن نیفته بود به درختیکه در کنار دیوار قرار داشت انتقال یافت پس از آن هنگامیکه گزیه از زیر درخت دور



چرچیل پیرمرد باز نشسته ایکه امور کشورش را در هنگام پیری
بجوانان وا گذار شد

آنکه کوچکترین نشانه ای از خود
باقی بگذارد و یا اینکه مورد اشتباهی
قرار گیرد آن منطقه را عبور کرد
و به قوای جنوبی انگلیس پیوست که
در نتیجه این دو قوا بویرها را در
دو جبهه شمالی و جنوبی مورد تجاوز
قرار دادند و در اندک مدت آنها را
بکلی نابود ساختند .

شهر ژوهانسبورگ که برای اتصال
این دو قوا باید لیدی سمت و منطقه
جنوبی انگلیس بهم وصل شوند بنا بر آن
برای برقراری ارتباط بین این دو قوا
باید خبر رسانی از ژوهانسبورگ
عبور کند و به قوای دومی پیوندند .
این وظیفه خطیر را چرچیل بعهد
گرفت و توسط بایسکل با تسکتیک
مخصوصیکه خا و نیستون بود بدون

شد و نیستون پائین آمد و به عجله خود
را به کناری کشید . و پس از طی
مشکلات توانفرسائی خود را به
نزدیکترین خط آهن رسانید و لوکو
موتیو که حامل ذغال سنگ بود
واز آنجا رد میشد چرچیل توانست
خود را در آن بیاویزد و بدینوسیله
از منطقه دشمن دور گردد . و نیستون
از زندان خود را دور ساخت ولی
از منطقه بویرها نتوانسته بود فرار
کند . او بوسیله یکنفر انگلیسی که
بنام مستعار درین سر زمین زندگی
میکرد از ناحیه بویرها فرار کرد و
به نحوی از آنجا و پدیدن مشکلات
و مشقات طاقت فرسائی خود را به
یکی قونسالگری های انگلیس در آفریقا
رسانید و از آنجا هم دو باره به شهر
استکورت مراجعت کرد .

خبر بازگشت و نیستون در سراسر
این شهر آشوبی بر پا کرده بود و
اخبار تبریکی از بسی نقاط جهان برای
و نیستون مخابره شد هنگام ورود
و نیستون به شهر استکورت سراسر
آن شهر بایر قهای انگلستان مزین
شده بود و و نیستون با این عملی که
انجام داده بود شهرت جهانی یافت .

بازگشت يك قهرمان :

پس از طی يك سال انگلیس ها
موفق شدند که کلیه بویرها را از
شهر لیدی سمت عقب براند و اخراج شان
کند «تصرف شهر لیدی سمت» يك
خبر هیجان انگیزی بود و و نیستون
همان شب گزارش مفصلی برای
روزنامه پست لندن فرستاد ولی
خبرهای جالبتری در انتظار و نیستون
بود .

بویرها که از لیدی سمت عقب
نشسته بودند در شهر ژوهانسبورگ
که بطرف جنوب لیدی سمت قرارداد
اقامت گزیدند انگلیس ها میخواستند
که این شهر را نیز تصرف کنند .
زیرا يك قسمت قوای انگلیس در لیدی
سمت بود و قسمت دیگر آن در جنوب

چندی بعد این شایعه که فاتح اصلی محاربات افریقای جنوبی و نیستون چرچیل می باشد سراسر انگلستان را استیلا کرد و غایبانه مردم آن سر زمین و نیستون را تحسین و تمجید میکردند « بطور خلاصه و نیستون در آن ایام بصورت معبود و قهرمان ملی در آمده بود . »

و نیستون عزم کرد تا به انگلستان بر گردد و دوباره به فعالیتهای سیاسی خود آغاز نماید هنگام ورود از طرف اهالی استقبالی شایانی از نیستون به عمل آمد . « چرچیل تازه متوجه شد که مردم آن سرزمین او را بنام پدرش «لاردراندلف» یاد میکنند و بدینترتیب اولین قدم را برای ورود در حرفه پدری خویش (و کالت مجلس عوام) بر داشته بود . »

و نیستون درین راه پس از فعالیتهای فراوان بالاخره به نمایندگی حزب محافظه کار در انتخابات شرکت کرد .

اکنون لباس خاکی رنگ عسکری جای خود را به لباس رسمی و کلاه سلیندر که لباس مخصوص سیاستمداران است خالی کرده بود و همه کس چرچیل جوان را به لباس دومی ملبس می یافتند .

«چرچیل در انتخابات مجلس عوام که صورت گرفت به اکثریت ۲۳۰ رای پیروز گشت و به نمایندگی حوزه اولدهم در مجلس انگلستان برگزیده شد و نیستون با خوشحالی میگفت : بالاخره به مجلس راه یافتیم»

و نیستون در اندک مدت توانست نام زبردست ترین سیاستمدار انگلستان را کمائی کند .

لاردر اول قوای بحری

و نیستون در زندگی سه هدف داشت اول آنکه باید در امور سیاست از اعتقادات و اقدامات پدرش دفاع و پیروی کند، دوم آنکه قبل از مرگ

باید برای خود نام بزرگی در تاریخ باقی بگذارد . سوم اینکه به میهنش خدمت کند »

و نیستون برای و صول به این سه هدف از فعالیتهای خستگی ناپذیر خود لحظه باز نایستاد چنانچه در هر سه هدف خود موفقانه نایل آمد و نیستون مدت سه سال در حزب محافظه کاران باقی ماند و پس ازین مدت احساس کرد که « از جهت عقاید پیش از محافظه کاران به آزادی خواهان وحدت دارد این بود که از حزب محافظه کار کناره گرفت و به حزب آزادی خواهان پیوست »

از آنجائیکه آزادی خواهان او را به آغوش باز پذیرفت در اندک مدت به حیث رهبر حزب آزادی خواه عزتتقریر یافت پس از آن به معاونت وزارت مستعمرات و مستملکات منصوب شد مدت دو سال درین مقام باقی ماند چندی بعد بحیثرت رئیس اداره تجارتنی مقرر شد و پس از آن به صفت وزیر داخله انگلستان ایفای وظیفه نمود .

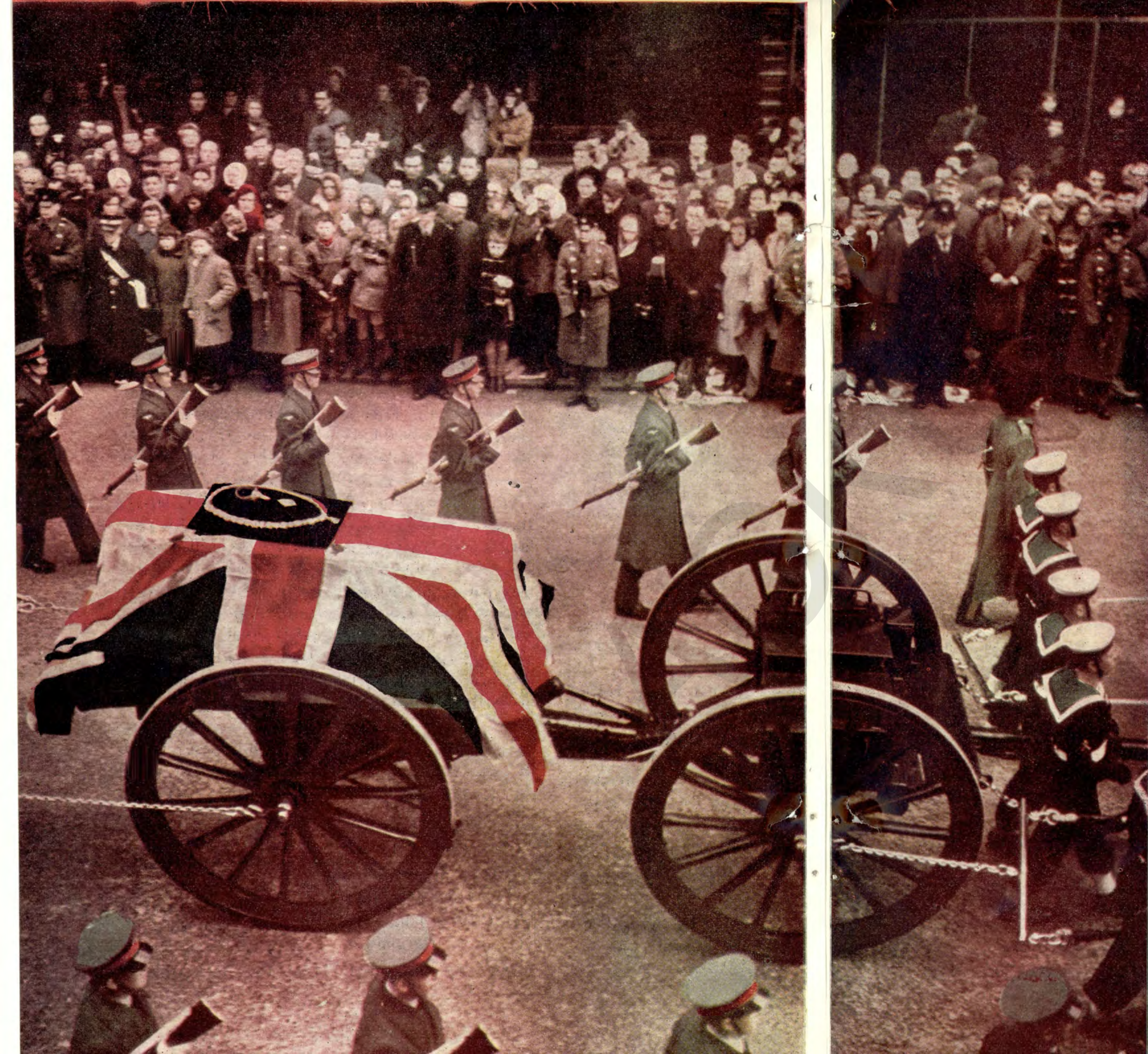
و درین وظیفه آخری توانست به مستمندان کمک کند و به آرزوی اصلی خود نایل آید این آرزو فقط هدف سومی چرچیل بود که از راه کمک به ضعیف ر مستمندان مصدر خدمتی برای کشورش گردد .

و نیستون لایحه مستمندی پیران و از کار افتادگان را از مجلس گذرانید .

در همین وقت بود که آلمانها به تجهیز اردوی خود و قوای بحری خود دست زدند و در فکر آغاز جنگ اول جهانی افتیدند .

و نیستون راعتیده بران بود که نباید از اقدامات جدی برای ایفای یک حرب غافل نشست زیرا درین صورت حتما به باصقین دول مجاور دچار خواهند شد . باید اولاً قوای بحری را تجهیز و تسلیح نمود و آنقدر در مجلس

منظره از مراسم جنازه چرچیل در لندن که با اسم خاص عسکری



وزراء به این موضوع غلومیکرد که بالاخره صدراعظم اورا احضار نمود و پیشنهاد کرد که مقام لارد اول قوای بحری را عهده دار شود احراز این کرسی را وینستون به پیشانی باز پذیرفت .

وینستون چرچیل بحرب میرود
وینستون چرچیل در حالیکه بالباس و تجهیزات حریمی ملبس بود از فامیلش خدا حافظی مینمود. سه طفل کوچکش را پدرانه بوسید و با خانمش وداع کرد روز بعد چرچیل در جبهه محاربه فرانسه به آلمان که مدت یکسال بود دوام داشت حاضر شد .

قوماندان عمومی قوای انگلیس در جبهه فرانسه آرزو داشت چرچیل را به رتبه جنرال ارتقاء دهد و بوظیفه اعزامش بدارد ولی مجلس عوام انگلستان به این امر موافقت نکرد بناً به درجه دگر منی بحیث قوماندان گارد سلطنتی اسکاتلند مقرر شد گرچه مادون هایش در ابتدا از و اطاعت نمیکردند زیرا آنها میگفتند که چرچیل مراتب دگر منی را سلسلتاً دریافت نکرده به علت اینکه هنگام ترک گفتن مسلک عسکری وینستون رتبه برید منی داشت ولی بعدها کار دانی و لیاقت چرچیل در امور مربوطه همه آنها را به اطاعت از خود واداشت .

گرچه چرچیل پس از آنکه چندین ماه را در جبهه فرانسه سپری کرد و آرزوی دیرینه اش این بود که باید انسان چه در هنگام حیات و چه در وقت مردن باید مسلح و با تجهیزات باشد با وجود آنهم قصد استعفا از عسکری کرد و فوراً پس از استعفی به لندن مراجعت کرد .

تامدت درازی از طرف دولت برای چرچیل کدام تکلیفی پیشنهاد نشد. در آن ایام اوضاع جنگ در جبهه ها بروفق مراد انگلستان و متفقین نبود بنابراین چرچیل کوشش نمود

تا از راه مقاله نویسی عقاید و آراء شخصی خود را منعکس سازد که این عمر مذکور فوق العاده در تغییر حرکات قوای انگلیس در جبهه محاربه موثر افتاد .

این ایام ایام تاریک زندگی چرچیل محسوب میشد از یتر و چرچیل از همه کار یکسره دست کشید و نظریه تشویق زنی به نقاشی پناه برد «مقداری رنگ و قلمبو و سه پایه نقاشی را خریداری کرد و مشغول کار شد و در اندک مدت منظره های با روح و تابلوهای روشن و زنده ای از زیر دست او بیرون آمد .»

پس از چندی صدراعظم انگلستان لوید جرج رهبر حزب آزادی خواه که یکی از بزرگترین شخصیت های سیاسی انگلستان به شمار میرفت چرچیل را به حیث وزیر مهمات منصوب ساخت که درین پست خود وینستون توانست دو باره نظر دقت مجلس عوام را نسبت به خود مساعدتر سازد چرچیل خودش همه روز، با طیارای پرواز میکرد و به فرانسه میرفت تا جبهه جنگ را از نزدیک ببیند او درین ایام آنقدر جدیت و فداکاری ملاحظه ای از خود نشان داد که توجه کلیه مردم جهان را بخود جلب نمود . تا آنکه در یازدهم نومبر ۱۹۱۸ جنگ پایان پذیرفت و در سراسر انگلستان جشن برپا شد .

«در جنگ عمومی اول مقابل هر پنج نفر صاحب منصب انگلیسی که بقتل رسید دو افسر آلمانی و در برابر هر سه سرباز یا افراد انگلیسی مقتول دو سرباز آلمانی کشته شده بودند» چرچیل میگفت «دیگر نباید در جهان جنگی به وقوع پیوندد»

اما چرچیل ندای قلبش را همیشه که به او خبر میداد :
«آلمانها باز هم خواهند جنگید»

ایام خوش در چارتول

چندی چرچیل از کنار کناره گیری کرد و به نوشتن خاطرات خود گذشتاند و به این ترتیب ایام خوش او مدت سه سال با طول انجامید او در ۱۹۲۹ با زنی سفری به آلمان نمود از آنجا نیکه چرچیل مرد کنجکاو بود وضع موجوده آلمان را بخوبی درک کرد چنانچه روزی که بازنش در یکی از جاده های برلن قدم میزد گفت «کلمی، آلمانها خود را برای جنگ دیگری آماده میسازند و به تجمیع خود پر داخته اند. این جوانهای موبور آلمانی را که در خیابانها و جاده های حرکت میکنند نگاه کن اینها را برای شرکت در جنگ آماده میسازند آلمان در حال حاضر در دست هتلر مرد دیوانه ای افتاده است»

بدین ترتیب چرچیل از وضع احضرات آلمان به مجلس عوام اطلاع داد مگر کسی به سخنانش گوش نداد تا آنکه آلمان به قدرت واقعی خود رسید و چمبرلین صدراعظم انگلستان برای مذاکره با هتلر در آلمان رفت و چندی بعد یعنی در ۱۹۳۹ اخبار مدعش وضع جهانی را بدین طریق اعلام داشت «آلمان به چکوسلواکیا حمله کرد!!» «هتلر بر قسمتی از لهستان «پولیند» ادعای ارضی دارد!» «آلمان و شوروی قرار داد دوستی امضاء کردند!!» انگلستان و فرانسه اعلان کردند که اگر آلمان به پولیند حمله کند علیه آلمان وارد جنگ خواهند شد!!»

چنانچه در اول سپتامبر ۱۹۳۹ اردوی آلمان در خاک پولیند سرازیر شد و در روز بعد از آن انگلستان و فرانسه متفقاً با آلمان اعلان جنگ دادند .

بازگشت وینستون :

وینستون پس از ۲۵ سال کناره گیری از سمت لارد اول قوای بحری

به اثر تقاضای چمبرلین صدراعظم انگلستان دوباره این مقام را پذیرفت . چرچیل از روزیکه به این وظیفه منصوب شد آماده ساختن یک قوه منظم بحری جهت اشتراك در حربیکه دریوشرو داشت شدو مانند صاعقه شروع بکار کرد .

چرچیل درین اوقات برای جبران پسمانی انگلستان از آلمان شبانه روز هژده ساعته متواتر به شتارت خستگی ناپذیری مشغول کار بود و به عین ترتیب اطرافیان خود را نیز در اجرای امور مربوط واداشته بود .

نظر به کارروائی هائیکه چرچیل در ایام وظیفوی خود انجام داد «در دهم ماه می ۱۹۴۰ شب هنگام پادشاه انگلستان شخصاً بدنبال چرچیل فرستاد و مستند صدارت را به او پیش نهاد کرد این آرزوی دیرینه وینستون چرچیل بود زیرا میدانست که با احراز این مقام میتواند بهترین خدمت را به کشورش بنماید . « (وینستون لیونارد اسپنسر چرچیل) پس از انتصاب بصدارت انگلستان از رادیو خطاب به ملت انگلستان با صدای رسا و تکانه دهنده و بالحنی دلبرانه چنین گفت :

« من جز خون ، سرارت و تلخی ، اشک و بلاخره عرق نوید دیگری نمیتوانم به ملت بدهم » بدین ترتیب وینستون صدراعظم انگلستان شد و در طول چند سالیکه حرب عمومی دوم جهان جریان داشت با احراز همین مقام ایفای وظیفه نمود .

علامت پیروزی :

وینستون در یکی از روزهای جنوری ۱۹۴۳ عزم کرد تا با سران دول متفق مذاکره ای بعمل آرد و پلان موفقیت را به اشتراك هم طرح نمایند چنانچه چرچیل بارتیس جمهور امریکا روزولت ، جنرال ایزنهاور ، جنرال ژیرو ، جنرال دوگل و جنرال الکساندر

ملاقات کرد که در نتیجه مباحثات شان به عملی نمودن نقشه ای رسیدند که به پیروزی شان انجامید .

بالاخره جنگ پایان پذیرفت و سراسر جهان در آرامش مطلق فرورفت درین هنگام وینستون چرچیل به حزب محافظه کار پیوسته بود و مردم انگلستان آرزو داشتند این بار برای قوی تر از حزب کارگر باشد تا بدائوسیله از ابتلائات و مشکلاتی که گریبان آنان را گرفته خلاصی یابند بنابراین همینطور هم شد و صدراعظم کشور انگلستان از حزب کارگر انتخاب شد . چرچیل برای چند سالی از کاردست کشید و به زمین های زراعتی که در چارسول خریداری نموده بود به زراعت و کشاورزی پرداخت ضمن آن به نوشتن خاطرات جنگ دوم جهانی مشغول شد .

وینستون به بسیاری از ممالک اروپائی سفر نمود و خطابه های ایراد کرد که مورد استقبال شایانی قرار گرفت .

« درین مدت پوهنتون های انگلستان به چرچیل که قدسی به پوهنتون جهت تحصیل نگذاشته بود عناوین دکترای

افتخاری اعطا کردند و در اثر نوشتن آثار تاریخی جایزه نوبل که از بزرگترین جوایز جهانی بشمار میرود به او اعطاشد . »

در ۱۹۵۱ بار دیگر کشور انگلستان چرچیل را دعوت به کار کرد و در حالیکه ۷۸ سال داشت دوباره بعیث صدراعظم آن کشور ایفای وظیفه نمود .

در ۱۹۵۳ بزرگترین افتخار تاریخی انگلستان را از دست ملکه درهاقت نمود . « بدین ترتیب طفل خورد سالیکه از انشاء گریزان بود یکی از نویسندگان میرز و برجسته شد و کودک کودنی که درس لاتین را هرگز نتوانست فرا گیرد بزرگترین قهرمان صلح جهان شناخته شد . »

« اومدت دو سال صدارت کرد و پس از آن این کرسی را به شخصیت های جوانتری واگذار شد تا این مسئولیت را جوانتر ها بعهده گیرند . »

چرچیل در تاریخترین لحظات تاریخ کشورش رهبری ملت را به عهده گرفت چرچیل برای تمام مردم جهان نمونه قدرت ، دلیری و شجاعت شد و نام او تا مدت مدیدی در جهان پایدار خواهد ماند . (انتها)

به لذت احساس کردن بهره اکثریت است ، ولی تقدیر کردن نصیب گروه اندکی است ، تنها یک یادوتن در اینجا و آنجا آمیخته ای از هوس و فهم دارند که جوهر آن ستایش و عبادت است . (الیزابت - س شپارد)

انسان ، انسان مغرور ! چون لباس نازکی از قدرت بپوشد ، چنان حیل های عجیبی در برابر آسمان می بازد که فرشتگان را به گریه در می آورد . (شکسپیر)

کارشایسته بالاخره مورد تأیید واقع می شود . (ا - ب - آلکوت)

د قوماندان شخصیت

مرهون بولو او دخپل لوړ شخصیت په اقتضا ټولو محو اناو ته چه ستاسی د معیت افتخاریی درلود په مشفقانه توگه کتل. ستاسی دغه د قدر وړ رویو مور ته د یوی بختوری او هو سا آیندی د نصیب کیدلو زیری را کواو اودا د اچ مو ستاسی د بشاش خیری غځه اخیست .

تاسی په ربتیا سره ز مور هغه علاقمندان واست کوم چه مور وپلار درته سپارلی یو . . . مور دلته دهغوی د مشفقانه غیر غځه محروم او دهغوی د شفقت لاسو ته ز مور په سر نه را کښل کیدل، ز مور سر و سترگی دیوه فطری عشق له پلوه په خپلو پستو شونو و چانه بشکولو . . . دلته دمور وپلار د سعادت نه ډک بختو ر سیوری ز مور پا سر نه و ، خو بیا هم کله چه ستاسی د شفقت خیره به مو ستاسی په موسکیدونکو شونو و ولیدله نو د پردیسی او تحصیل ټول زحمتونه به موله یادو و وتل . . . د وظیفی د سر ته رسولو رپونه ، د انضباط او د سپلین د تامين سختی به راته آسانی شوی .
بیاغلو! ددی دپاره چه زما وینا لامحققه شی نو بیه به داوی چه د ملگرو لخوا کفالتاً خپل هغه تاود ، احساسات ستاسی مخکښی وړاندی کړم کوم چه ستاسی دلوی شخصیت سره ټایی .

داچه دا و بشکو تو یول ستاسی د حوصالی او پوره متانت خلاف کار و نوموړ هم زړونه کلک کړل او په چیغو چیغومو ونه ژړل .
تاسی خپلی خبری ډیری زړلندی کړی سو ز پوه شو چه ربتیا د احساساتو لاندی راغلی یاست او نور نه شی کولای چه لمان د دغو احساساتو له تاثیر و ژغوری .
مور بیا پوه شو . . . چه تاسی مور سره پوره مینه لری؛ او په خپل دغه بیلتون که غه هم ستاسی د لا شخصیت په لوړیدلو او ستر مقام په اشغالو لویای ته رسیدی ډیر خپه یاست .

مور هم د خپلو زړ و په دغو پتو لپ زیدلو ، دیوپت درد په احساسولو دروحیاتو د حرارت په سپیداو . . . په معنویاتو مو دیوه خارجی اغیزی په تاثیر . . . اونورو روحی بدلونو نو پوه شو . . . هو! زهم بیه پوه شوم کله چه به می تاسی وکتل ستاسی د تاسف نه ډکی خبری به می تر غوره شوی اودوازه به راته ستاسی په هکله دیوڅو مودی دیو لمانی توب ښه ما حول را ترسخته شو، هغه ما حول چه تاسی سره مویوه نه شلیدونکی علاقه پیدا کړی اوسره خلطشوی وو .
ز مور دغه کلکه علاقه او سپیڅلی مینه ستاسی د بولار ښوونو مشفقانه روزونو او بیاد ډیری مهربانی او لطف

ډیر بله چه دیوی او ږدی مودی د سفر په نیت د خپلو خپلو انو او د کورنی له غرو او خوړو ملگرو غځه ر ایل شوی یم ، دهغوی ا د بیلتون له کبله (چه تر یوه وخته دهغوی سره اخیل شوی وم) دومره ډیر متاثر شوی نه یم لکه چه نن په هغه شیبه ، ، ؟ هو ! هغه حیرانو ونکی او ژړونکی لحظه چه تاسی په کښی دخپل خدای پامانسی و روستی و خبری کولی . . .

که تاسی خپله فرموده: «ملگرو! زه چه تاسی سره غه خبری کوم دانو ستاسی د جدائی له کبله د پوره احساساتو لاندی راغلی یم او په دی ډیر تاثر او تأسف ښکاره کوم چه ستاسی غځه نن بیلیرم» نو زه به غه عرض کړم .

خدای په آمانی په دی حساسو اوله معنی ډک کامو که ستاسی شونهی خوزیدل په هماغه اندازه ز مور پا کوزرونو هم ز مور په گو گلو کښی دیوه پت خویر له کبله بی واره تو پونه وهل . یوازی ستاسی او از له خپگانه نه و ډډ شوی، ز مور زړونه هم راډک شوی وو .

که ستاسی له سترگو کوم غاځکی او ښکی غځیدلی وای نو هله به مویوه مخونو درونو او بشکو یا رانو نه لیدلای وای .

رښتيا چه دلته د پيرو تو دو سرو
 سره مخامخ شوی يم او پير زيارونه
 می گالی خودا به ما هغه وخت
 هيرول چه ستاسی له خوا به په
 پوره شفقت مخاطب کړی شوم او دا
 دمهربان «خطاب» کلمه به مو ستاسی
 په مسيدونکو شونيو وليدله .

د خطاب کولو سره سره درضايت
 موسکاهم ستاسی په شونديو خپره شوه
 نويو عالم هيجان او خوشالی
 به هم زما په زړه راخپري شوي هغه
 چه زه يی لاستاسی خواته راکښلم .
 داستاسی دعالی کرکتر او پياوړی
 شخصيت ښکاره دليل و چه زما غوندي
 پيرو ملگرو د يوه حقیقی قوماندان
 او واقعی انسان مثال وپيژندلي .

ستاسی ښه رویه او عاقلانه
 حرکتونه چه ستاسی د ښو اخلاقواو
 نجيب ظرفيت ښکارندوؤ زموږ او حتی
 د لولو منورو لخوا نانو او حقیقی
 افسرانو چه په صفت دافغانی پياوړی
 اردو وظایف په غاړه لرو پوره
 د ليلونه دی .

تاسی موږ پيرښه په سمه لاره رهي
 کولو ... په وهلو او تپلو په موږ
 د سپلين نه تينگاؤ په بدو ويلو او
 تهديدولو مو د انضباط او اداري
 ټکي ته نه يو متوجه کړی بلکه ستاسی
 قار او غضب هم داخلاقى جنبونځی
 ليري نهؤ ... ستا له خوا جزا چه زموږ
 د جرم په مقابل کښی موږ ته راکول
 کيدله په خوښي مو قبوله ... دانو
 ټول ستاسی دمحبت نه ډک زړه اوسره
 سينه وه چه موږ يی د سپلين په پوره
 رعایت کولو روا داره کړی وو .
 موږ ته ددی نه بل لوی تهديد نهؤ
 چه دنه رضائيت په وخت به ستاسی په
 تندى د خبگان کونجی خبری شوی
 موږ ته ستا ليره خواشینی کافی وه .

ای زموږ پير محترم قوماندانه!

رښتيا چه زه تاسی سره پيره مينه
 لرم هغومره مينه چه ايله اوس پری
 پوه شوم ما تر اوسه ددی جرئت
 نه شو کولای چه ستاسی ښه علاقه او
 صميميت دخپل پير اخلاص په غرگندولو
 ونمانجم ستاسی آمر توب تقدير کړم
 او ستاسی دستر شخصيت سناينه
 وکړم . مگر اوس چه ستاسی دخداى
 پامانی کلمی راته تر غوره غوره

انسان باید د ژوندانه په لار
 کښی د مینى او ايثار داسی
 گرانبها آثار دمانه پريږدی چه
 وروستی خلکی په سروسر کړو
 ښکلول افتخار و بولی . (...)

د خلکو په زړو کښی ښایي
 چه دا خلاقی سپيڅلتيا هغه
 تخمونه و کړو چه ميوه يی يی
 له وفا و اخلاصه بل څه نه
 وی . (...)

انسان جسماله نظره پناه کيږی
 مگر بختور سړی هغه دی چه
 معنا د چا د زړه له تله و نه ونځی .
 (...)

ښکاره ښی هلته پريږدی نو ستاسی
 غوندي قوماندان کولای شی چه په
 پوره اخلاص او محبت دخپلو معيتويه
 زړو کښی غای ونیسی او ، هغه تخمونه
 و کړی چه ميوه يی ددی هیواد او اولس
 دپاره د پوره لوړتيا او نه هيريدونکو
 خدمتونو مصدر گزری .

هغه که دخپلو لاسو په تنا کو
 د فکر او ذهن په سترى کولو دخپل
 معبت دپاره د دوی گار نيزون
 شادا بوی ... تاسی هم په خپلو
 ښو اخلاقو ، محابنه کړنو دگران
 هیواد خدمت ته پياوړی قوماندانان
 او حقیقی ليدران وړاندى کوی . چه
 دهيواد لوړتيا او ددی اولس حقیقی
 سعادت د همدغو لخوا نانو د ايثار
 نتیجه ده او ددی نجيب ملت راتلونکی
 پياوړی زمامداران دی . نويو قوماندانان
 که چيرته هغسی مادی ښی په يوه
 موسسه او گار نيزون کی دمان
 يادگار پريږدی تر هغی لومړی باید
 دخپل معيت په زړو کښی د پوره
 صميميت او ايثار تخمونه و کړی
 دخپل معيت سره د پسيکولوژی
 له نقطه نظره په زړه پوری رفتار
 و کړی .
 ښاغلو !

زه داسی حال کښی چه دروحي
 خواشینی د پوره اغيزی لاندی راغلی
 او دیوی نامعلومی خوانه دپټی
 درديدني احساس کوم ستاسی نيت
 او دقدر وړ علاقه بيا تقدير وم او
 غانته ددی اجازه در کوم چه په پوره
 سپيڅلتيا ووايم زه تاسی سره علاقه لرم
 هغه علاقه چه خو ژوندی يم تاسی
 به ميرنه کړم او ستاسی دښو علاقه
 او مهربانو نه هيريدونکی خاطر یی
 به راسره ملگری وی او ستاسی سترى
 آرزو گانی او داخلاقو روڼی هينداری
 به راترمخه کوی . داخاطر یی به نو زما
 دښو گرافى په پاڼو کښی په پيری
 نمانځنی وليکل شی . دی خاطر و ته

کيږی او ستاسی دغو مودى قدرمن
 ماحول راته ترسترگو سترگو کوی
 د يوه دروند روحی فشار لاندی
 راغلی يم ... احساسات می په لځای
 نه دی زړه می په گوگل کښی
 دښی قرارى توپونه وهی او پټ پټ
 ديو پير خور احساس کوم .
 « هو ستاسی ستر شخصيت
 د قوماندانيت پوره مثل و » .

دانو هغه ذهنيت دی چه موږ ته
 د حقیقت په غيره راښکاره شوی دی .
 زما په عقیده که د يوه قوماندان
 عملی فعاليتونه يو گارد نيزون
 سمسوروی ، زینتی او ميوه لرونکی
 ونی په کښی پدی دخپلو لاسونو

یوازی دخپلو یادداشتو په صفحو کښی
غای نه در کوم بلکه دزړه په هغو
خالیکاؤ کښی یې غایوم چه زما
دوینو سره یوغای زما دجسمی او
روحي تکامل په برخه کښی پوره
رول ولوبوی .

مهر یا نه مشره!

یو محل بیا ستاسپڅلی وجدان ،
شریف اونجیب شخصیت ته داخلص
تمنیات وړاندی کوم ستاسی شو علاقتو ته
دا احترام سرتیتوم اوستاسی په وړاندی
بیا ددی عرض کوم چه : تاسی زه
دیو زلمی زړ وراو باکر کتر عسکر
غوندی روزلی یم زما معنویات مو
داسی لوړ ساتلی یاست چه زما د هیواد
دلورو غرو په شان زما دملی غرور
نښی په کښی څر گندی پرتی دی .
زه مو دیو واقعی افسر ، قابله لیور
اوحقیقی انسان په توگه دلوری تربیی
دښیکڼو په غیر کښی لوی کړی ئی
ماستاسی ډیره پسی ارشاداتو په اساس
دپوهی او عرفان ، انسانی معاشرت ،
دعسکریت صحیحی روزنی او تینگ
اساسات نه ده هیره کړی .

ته په خپله د پاک نفس اوسپڅلی
وجدان خاوند وی تا په محان اعتماد
درلود همدادلیل وچه په خپل معیت دی
اعتماد کاؤ .

تاسی یوازی خپل محبت اوداښار
هوس زموږ په زړو کښی نه و
غای کړی بلکه په خپلو منځو کښی
هم پوره خوشبیننه وی او ډیر صمیمیت
په پختوره فضا کښی په آرامی اوسیدلو
زموږ آمران په مادونانو مهر بانه وو
اومادونانو په پوره احترام اوتعظیم
دهغوی ددغو رویو نمانځنه کوله .
ستاسی لار ښوونی د علم و عرفان
په ښیکڼو ښکلی وی تاسی ته خپل معیت
خورا محبوب و دا نوځکه ستاسی
دمحبوبیت دعوی هرچا کوله .

محترم قوماندان صاحبه!

ستاسی د ارشاداتو هره کلمه
اوهره خبره ډیرو گیورو لاپوونو
پنگه او زموږ دنیکمرغیو ضامنه وه
همداو چه زموږ په نزدی زښته زیات
ارزښت درلود که څه هم تاسی خپلی
قیمت بها ښوونی موږ ته ارزانه عرضه
کولی خو بیا هم موږ ورته په هغه نظر
نه کتل چه دیو منور زلمی سره
نه ښایی .

زړه ته نژدی مشره!

تاسی یوازی زما قوماندان نه و است
بلکه هغه لیور مووی چه د ژوند
درس مورا کولو او موږ هغه
ایندی ته نژدی کولو چه زموږ د سعادت

ډیر وخت تیر شو ... ډیر
شیران می هیر کړل ، حتی چه ستا
ښکلی او مسید ونکی خیره می
اوس هم په خیال کښی نه راغی
خوددی سره می ستاد مینی او
ایشار خوری خاطر هیری نه
دی اوستا د ښو اخلاقو هینداره
می همداسی ترسترگو کیری .
نو باور و کړه چه ښه می
په یادیی . (...)

تا په ښو کارونو اوفداکاری
یوازی زه نه یم نمانځلی بلکه
تا ددی هیواد ټولو منورو
ځوانانو ته د قدر وړ د ایشار
درس ورکړی دی . (...)

دا نننی علاقه چه تا زما په
زړه کښی دیاد گار په توگه
پریشی ده ، سبا به ئی زه هم
ستا د اولاد په زړو کښی
پرېزدم . (...)

نه پوهیږم چه تا پرڅه
دوسره دخپلو ښوویو داغیری
لاندی راوستلم چه ستا په امر
اوس دسر قربانولو امتحان
ته هم چمتو یم . (...)

او خوشبختی ناوی خپله غیره خپره
کړی وی . اوموږ هغه څه سره آشنا
کول ستاسی هدف و چه محض د قربانی ،
ایشار او د وطن او قام دلور تیا ،
د تنگ ناموس د ساتلو په لار کښی
د افتخار گټلو درسو ته را کولی .

رښتیا چه تاسی یوازی ماسره مینه
نه درلوده بلکه دلویی پښتونخوا
دووږ اوزوږ سره مومحبت درلود .
تاسی نه دی موسسی سره اخلاصمن وی ،
بلکه دلوی افغانستان د باقدر ته خاورو
سره موهم دزړه لاری شریکی وی .
یوازی زما ښه روزنه مو مطلب نه وه
بلکه ددی اولس د آینه نسل ښی
روزنی مو په نظر کښی نیولی وی .

هرڅو که د خپلو احساساتو
ښکارونه و کړم بیا هم ستاسی شخصیت
ښا غلو لوستونکو ته هغسی نه شم
معرفی کولای لکه چه ستاسی شخصیت
اقتضاده .

د قلم اویان نیکمگر تیا می عذر
و بولی او ډیر می عفو کړی چه
ستاسی قدر دانی ډیر زیات دی
همدومره به ییا وایم «ستاسی شخصیت
د قوماندانیت ښکاره مثال دی »

قدر منو!

د خپلو ډیرو تمنیاتو او ښو هیلو
داظهارولو په پای کښی یو محل بیا
تاسی ته خپل حسن نیت او ډیر محبت
ښکاره کوم اوستاسی د ژوند د زیاتوالی
په آرزو تاسی ته توفیق غواړم چه
هغه خدمتونه وکړای شی چه ددی
لویی پښتونخوا ټاټوبی لاهم مسوره ،
دامخ په انکشاف اولس تر منزله دمقصود
ورسوی او دوی دهغو نیکبختیو
سره غاړه په غاړه کړی چه د معاصر
ژوند اقتضاده ، او ددی نه لاخل
روښانه فکرونه او پخی تجری درښتینی
قوماندانو په روزنو کښی سترې
کړی .

ستاسی د ژوند دا وړدوالی په آرزو ..

سخنوری در اردو

مبهرن است که برای موفقیت يك جزوتام ويا اردو تنها اكملات و تجهيزات و سلاح های مدرن که دارای تکنیک و تکنیک عالی بوده مشر واقع نشده. بلکه برای کامیابی يك اردو در محاربه علاوه به سلاح مدرن و استفاده از تکنیک عالی مورال قوی و روحیه بلند افراد رول مهمی را بازی می کند .

چه در بسامحاربات يك اردوی قوی و مجهز به نسبت نداشتن روحیه قوی و مورال به شکست مواجه شده است که تاریخ حرب شاهد این ادعای ماست. پس گفته می توانیم برای تأمین موفقیت اردو در محاربه موجودیت و داشتن مورال و معنویات قوی افراد لازمی است .

برای تأمین سوق و اداره يك جزوتام به محاربه و برای بوجود آوردن يك روحیه قوی قوماندانان به چاره های مختلف متوصل شده اند و نتیجه مثبت را هم بار آورده یعنی باوجود کمی قوا، سلاح و تجهيزات با آنها شاهد موفقیت را در آغوش گرفته اند .

یکی از چاره های موثر جهت بلند بردن روحیه و مورال افراد جزوتام ابراد خطابه ها و بیانیه ها

از طرف افسران است که این نوع خطابه ها را در اصطلاح فن خطابت (سخنوری در اردو) نامیده اند.

غرض از سخنوری در اردو هیاناتی است که قوماندانان و افسران هنگام قیام بچنگ برای سپاهیان و لشکریان می کنند تا آنها را بشور آورند و بکارزار برانگیزند و دلیر سازند با از خدماتشان قدر دانی و تشویق نمایند .

از گاه گاه جنگجویان درین مقام سخنها گفته اند که تأثیر عظیم داشته است و این کار از زمان باستان معمول بوده و امری طبیعی است و از بسیاری چنانگیران پیش مانند اسکندر مقدونی و قصیر رومی و دیگر آن سخنوریها نقل کرده اند اما گفتار هائیکه با آنها نسبت داده اند مسلم نیست که عین بیانات ایشان باشد .

از خطابه های قوماندانان کسیمکه سخنش بدرستی ضبط شده ناپلیون معروف است که در دوره انقلاب بزرگ فرانسه ظهور نموده و از سر کردگی بحسن کفایت خود بمقام امپراطوری رسیده است . و او هم شمشیر زن و هم قلمزن و هم سردار بی نظیر و هم سیاستمدار بلند پایه

بوده است و خطابه های که در مواقع مختلف برای لشکریان خود ایراد نموده بهترین نمونه سخنوری در اردو می باشد و ما بذا ذکر بعضی از آنها اکتفا می کنیم ولیکن برای تکمیل مرام سزاوار می دانیم که چند فقره از کلمات کوتاهی را که از سردار ان نامی قدیم هنگام کارزار نقل کرده اند یاد کنیم !

موقعی که خشاء یار شاه شاهنشاه هخامنشی یونان لشکر کشی کرد و آتینان از اسپارتیان یاری جستند پادشاه اسپارت که لئونیداس نام داشت بیاری آتینان آمد و به محافظت تنکه ترموپوس که برای رفتن به آتن سرراه ایران و یونان معروف است تا مانع شود که ایشان از آنجا نگذرنند و این واقعه در جنگ های ایران و یونان معروف است. حکایت کرده اند که در آن موقع یکی به لئونیداس گفت لشکریان ایران چنان فراوانند که اگر تیر اندازی کنند چشمه خورشید تیره می شود . لئونیداس گفت «چه بهتر که در سایه کارزار خواهیم کرد» .

از پلوییدرس سردار یونانی طیبیه که با اسپارتیان جنگ داشت نقل کرده اند که در موقعی کسی با او

گفت بچنگ دشمن گرفتار شدیم او گفت «چرا نمی‌گویی دشمن بچنگ ما گرفتار شد» و نیز نقل کرده اند که برای او خبر آوردند لشکر دشمن بیشمار است گفت! «چه بهتر که از ایشان بیشتر بدست ما کشته خواهد شد».

وقتی اسکندر مقدونی بچنگ دارا آمد یکی از خواص و ندیمان به او نصیحت کرد که بالای دارا شبانه حمله ببرد. جواب داد «مگر می‌خواهیم فتح را بپذیریم».

در موقعی که یکی از سرداران روم اقدام بچنگ می‌کرد یکی گفت و به او نصیحت کرد که امروز از ایام نحس است و جنگ را شاید. سردار گفت «پیروزی سعدش می‌کنیم».

هنگامی که یکی از سرداران فرمان حمله داده بود یکی از سرکرده‌ها گفت اگر برویم مرگ در پیش است. سردار گفت «راست است مرگ در پیش است اما اگر برگردیم ننگ از پس است». سرداری گفتند دشمن فراوان است باید ترصد کنیم که شماره آنها را بدانیم افسر گفت «لازم نیست پس از آنکه آنها را مغلوب کردیم شماره می‌کنیم».

موقعی که دشمن نیرومند روم را محاصره کرده و برای ستار که جنگ مبلغی از ایشان طلبیده بود کامیل *Camille* سردار رومی فریاد برآورد «رومیان کشور خود را بزر نمی‌خرند با آهن میگیرند ما هیچگاه با غالب گفتگو نمی‌کنیم همیشه با مغلوب طرف می‌شویم» این بگفت و لشکر خود را به حمله درآورد و دشمن را تاراج کرد.

فلیپ پادشاه فرانسه در جنگ بووین که از وقایع بزرگ تاریخ آنکشور است و در جنگ با انگلیسها و امپراطور آلمان و بعضی امرا زدوخورد داشت تاج خویش را بدست گرفته و به لشکریان گفت «ای

فرانسویان اگر کسی از شما لیاقت این تاج را دارد پیش بیاید تا آنرا بسرش بگذارم اما اگر مرا لایق می‌دانید بدانید که امروز پای نجات و شرافت فرانسه در میان است» لشکریان سر فرود آورده سوگند یاد کردند که تاجان در بدن دارند بچنگند و چنین کردند و فلیپ فیروز شد.

فرناند کورتسردار اسپانیوی که کشور مکزیک را فتح کرد موقع کارزار به لشکریان خود گفت «یاران آنچه می‌جستیم یاقیم خطر بسیار و غنیمت بی‌شمار از آن نام می‌گیرید و از این کام می‌یابید».

وقتی سرداری دید سپاهش از جنگ روگرداند سبب پرسید گفتند سرب هاروت نداریم گفت «شمشیر و ناخن هم ندارید؟»

قلعه را سپاه دشمن محاصره کرده بود در آنحال سردار دشمن بنگهبان قلعه پیغام فرستاد که تسلیم شود جواب داد «من تاکنون بیست و چهار قلعه را برای پادشاه خود حفظ کرده‌ام و اینک آرزو دارم بر حصار قلعه بیست و پنجم جان بسپارم».

یکی از سرداران فرانسه که می‌خواست بدشمنی حمله کند گفتند زره بپوش! به لشکریان خود گفت «گمان نمی‌کنم جان من از جان این رشیدان گرامی‌تر و خونم رنگین‌تر باشد».

هانری چهارم پادشاه فرانسه در یکی از جنگها چهار هزار نفر بیشتر نداشت و دشمن سی هزار بود کسی گفت با این سپاه اندک چگونه با این دشمن فراوان برمی‌یائی گفت: «تو همه لشکریان مرا نمی‌بینی خدا و حقانیت مرا بشمار نمی‌آورد».

شارل دوازدهم پادشاه مشهور معروف سویدی بی با کانه جنگ می‌کرد. سردارانش التماس کردند که خود را کمتر به معرض خطر در

بیاورد گفت: «یاران می‌دانم که شما محتاج نیستید من بشمار شادت بیاموزم اما من هم باید از شما کمتر نیاشم و وظیفه پادشاهی خود را بجا بیاورم» فردریک ویلیم پادشاه پروس در یکی از جنگها شمشیر خود را کشیده گفت «یاران من حامی و مدافعی نمی‌خواهم مگر خدا و دلیری شما و شمشیر خودم از پی من بیائید و به فیروزی مطمئن باشید».

البته خوانندگان آگاهند که چون در پایان قرن هجدهم میلادی فرانسویان دست به انقلاب زده سلسله سلاطین دیرین خود را از کار خارج و جمهوری اعلان کردند دول دیگر اروپا بقصد جلوگیری از نهضت انقلابی و هم برای ضعیف کردن دولت فرانسه همه هم دست شده با فرانسویان بنزاع برخاستند و مدت آنقوم چندین سال با سلاطین اروپا کشمکش نمودند در آن روزگار میان فرانسویان سرداران لایق ظهور کردند و در آغاز زدخورد در شمال و شمال شرقی فرانسه یعنی در هلاند و کنار رود رن که با اطیش و پروس جنگ کردند پیشرفتهای نمایان نمودند. یکی از سرداران هنرمند آن دوره بناپارت بود که بعد ها ناپلئون امپراطور فرانسه شد. او از آغاز جوانی ناشناس بود و نخستین ماموریتش شرکت در استخلاص بندر تولن که بدست انگلیسها بود که لیاقت و کفایتش در آن هنگام نمایان شد در سال ۱۷۹۶ جمهوری فرانسه برای اینکه دولت اطیش را که از مجادله با فرانسویان دست بر نمی‌داشت بچال خود بنشانند و تصمیم گرفت که در خالد ایتالیا با آن دولت طرف شود چون آن زمان ایتالیا یک دولت واحد نداشت و در قسمت عمده از آن کشور اطیشها مسلط بودند.

پس فرانسویان لشکر به ایتالیا فرستادند و بناپارت را سردار لشکر

قرار دادند و از آن زمان هنر نمائی بناپارت آغاز گردید و با آنکه سپاهش نسبت به دشمن بسیار اندک و تجهیزاتش ناقص بود فوراً از کوه‌های آلپ که میان فرانسه و ایتالیا واقع است گذشته وارد ناحیه پیمِن *Piemont* شد و آنجا اطیشها با پادشاه سارونی متفقاً کار می کردند پادشاه سارونی بزودی در مقابل بنا پارت درمانده شد و درخواست صلح کرد و باقی ماند اینکه اطیش از میدان در رود و برای این مقصود می بایست فرانسویان در خاک ایتالیا پیش روند در آن موقع بناپارت برای لشکریان خود چنین سخن راند : که تاثیر بس عظیم داشت و بواسطه این خطابه چندین فتح را نصیب شد :

سربازان ! در ظرف پانزده روز شش فتح کردید بیست یک درفش گرفتید. پنجاه توپ بدست آوردید چندین قلعه مسخر کردید بهترین قسمت پیمِن را متصرف شدید پانزده هزار اسیر گرفتید بدشمن ده هزار تن تلفات از کشته و زخمی وارد آوردید تاکنون برای سنگستانهای بیجا صل جنگ می کردید که برای شما نام می آورد اما برای مپمن سودی نمی داد امروز بواسطه خدمات خود با سپاه فیروز هلان دورن برابر شده اید هیچ چیز نداشتید همه چیز تدارک نمودید بی توپ فتح کردید بی پل از رودها گذشتید بی کفش راههای دراز را بچاپکی پیمودید. بی آشامیدنی و غالباً بی خوردنی در بیابان بسر بردید آنچه شما تحمل کردید جز سربازان آزادی و رزمجویان فرانسه کسی طاقتش را نداشت .

ای سربازان ! من از شما تشکر می کنم و مپمن از شما سپاسگذار و بهره از خوشیها خود را بشما و مدار خواهد بود وهم چنانکه در فتح تولن کارزار پر افتخار سال ۱۷۹۵ را پیش

بینی گردید فیروزی های کمونی شما کارزار شرافت مندتری را وعده می دهد .

دوسپاهی که چندی پیش با جسارت بشما هجوم می آوردند امروز وحشت زده از پیش شما می گریزند . مردمان فاسدی که بر بیچارگی شما میخندیدند و بگمان خود از برتری دشمنان ما شادی میکردند شرمند شده بر خود می لرزند .

اما ای سربازان غافل نباید شوید و بدانید که باز هم کارها در پیش دارید . تورن ، میلان را هنوز نگرفته اید . کشندگان با سوپل (باسوپل یکی از سیاسیون فرانسوی که در شهر روم او را کشتند) هنوز خاک مغلوب کنندگان تارکن را لگدمال می کنند. در آغاز کار از هر جهت دست تنگ بودید امروز همه چیز فراوان دارید ذخیره هائی که از دشمن گرفته اید بسیار است توپهای بیابانی و قلعه کوب هم رسید. ای سربازان مپمن از شما کارهای بزرگ چشم دارند امیدش را بر آورده کنید موانع بزرگ از پیش برداشتید اما هنوز باید جنگها بکنید از رودهها بگذرید و شهرهای چندین بگیریید آیا کسی از شما هست که دلاوریشستی گرفته باشد و باز گشت بقلعه اپنین *Appenin* و آلپ را ترجیح داده سرزنشهای آن سربازکان دون را بر خود پسنند ؟

استغفر الله فاتحان منتنت *Montenotte* و میلزینوود کو و مندوی *Mondovi* (محلات از ایتالیا که لشکر بنا پارت آنجاها را فتح کردند) چنین ننگی بر خود روا نمی دارند همه بی تاجد که شرافت ملت فرانسه را بجای دور دست برسانند همه آرزو مندند امرائی را که جسارت بخود راه داده میخواستند ما را زنجیر کنند زبون سازند همه می خواهند دشمن را بصلحی و ادار کنند که بر افتخار باشند و بقدا کاری

های بزرگ که به مپمن کرده است پاداش دهد همه در دل دارند که چون بخانه برگشتند سرفرازانه بگویند من در سپاه فیروز ایتالیا بودم .

ای یاران من !

من این فیروزی را بشما وعده میدهم اما شرطی دارد که باید تعهد کنید که بیجا آورید. آن شرط اینست که جانب مردمانی را که از دشمن می رهانید نگاهدارید از غارتگری نا بکارانی که دشمنان شما را برانگیخته اند جلوگیری کنید اگر چنین نکنید آزار کننده ملل نخواهید بود سهل است آنها شما را بلائی جان خود خواهند دانست مایه آبروی ملت فرانسه نخواهید بود و آن ملت شما را از خود نخواهد خواند . فتوحات شما، دلاوری شما، پیشرفتهای شما خون برادرهای شما که در نبردها ریخته شده همه به پدر خواهد رفت و شرف و سردارانی که محل و ثوف شما هستند شرمند خواهند خواهم بود . از اینکه بلشکریانی فرمانده باشیم که رعایت نظام نکنند و لگام گسیخته باشند و جز زور چیزی را پیشنهاد خاطر خود نسازند ما که نیروی ملت را در دست گرفته ایم عدالت و قانون را پیششیمان خود دانسته قواعد شرافت و انسانیت را برای مشتی مردمان بیدل ناجوانمرد که آن قواعد را پایمال می کنند الزام خواهیم کرد و نخواهیم گذاشت راهزنان افتخارات شما را بر یاد دهند . ای ملت ایتالیا بدانید که سپاه فرانسه آمده اند تا زنجیرهای شما را بسکنند. ملت فرانسه دوست همه ملل است با کمال اطمینان از او استقبال کنید .

مال شما، دین شما ، آداب شما محترم خواهد ماند . ما جوانمردیم و جز باستگارانانی که شما را بنده ساخته اند با کسی کاری نداریم . ختم

ساینس در کمک دفاع

از ساینک سماچار

مترجم محمد صابر سرهیم

موقف و اهمیتی را که ساینس و تکنولوژی در دفاع و مساعدت های حربی اتخاذ مینماید حاجت به تشریح و تمشیل نیست زیرا بهمان اندازه که یک نفر ساینس دان و یا تکنالوژیست در حیات ملکی بامور مربوطه خویش اشتغال میورزد بهمان اندازه لیاقت و فعالیتش به ایجاد و سازمان وسایل دفاعی نیز ضرورت میافتد چنانچه رولی را که یک ساینس دان در ایجاد ضروریات و نیازمندی های حیات سیول باملکی دارد نمیتوان بارولی که در احتیاجات دفاعی دارد فرقی

قابل شد در محاربات مدرن امروزی تأثیرات و میلان انکشافات علمی یکسان بالای افراد ملکی و نیروهای جنگی موثر است خواه مستقیم باشد یا غیر مستقیم. ترقیات و پیشرفت هاییکه در ساحه تکنالوژی و صنعت بعیان میاید تأثیر صنعتی بالای قوت های عسکری - قوای بحری و قوای هوایی وارد میاورد. و اگر از نظر اشتراك نیروی های انسانی سنجیده شود مخبرات و ستراتیژی ساینس و علمای ساینس بالنوبه با اسهام بارزی درین زمینه حصه میگیرند.

شاید بسمولت درك كرد كه ساینس و تکنالوژی تنها و تنها در جامه حیات ملکی زندگی نگرده بباره دیگر ساینس محضاً قسمت و بخش يك دانستمند ملکی نمیشد. زیرا اکثراً وقتی سخن از همدستی و توحید مساعی قی مابین ماینست ها و منسویین عسکری (ساینس دان و عساکر) بعیان می آید انسان دچار اشتباه و معشوشیت میگردد. معهدا بایست بخاطر داشت که یک ساینس دان میتواند هم ملکی باشد و هم عسکری و همچنان بر عکس آن.

چنانچه این حقیقت را وقتی وظیفه ورشته اوشان را اساس قرار دهیم بخوبی توضیح میگردد.

زیادی بالای ساینس دانان دفاعی مملکت تکیه می نماید.

تا او اخر حرب عمومی اول اهمیت و تأثیرات مهم امتیازات علمی بالای مسایل حربی کاملاً درك نشده بود و نه هم از آن به مفهوم اصلی و مفید استفاده میکردند.

در حقیقت کوشش های مردم جهان برای استفاده از ساینس در سیستم دفاعی ممالک شان از حرب دوم جهان آغاز می یابد. امروز باستثنای ممالکی که استقلال شان را درین تازگی ها بدست آورده اند سایر ملل اغلیاً بطور عموم تأسیسات علمی و دفاعی خود را قسمی مرتب نموده اند تا بتوانند به کلیه نیازمندی های دفاعی اوشان مطابقت کنند.

در حقیقت هر ساحه ساینس به نحوی از انحا در خدمت دفاع حصه میگیرند فی المثل سایکالوژی یا روان شناسی کوشان است تا برای ار دو افراد صحیح انتخاب شده افکار معتقدات افراد طوری باشد که برای هدف های مطلوب و مختلف بکار انداخته شوند و در نتیجه ما حاصل کار و فعالیت اوشان مفید و طبق انتظار باشد.

فیزیولوژی میکوشد تا دیز این

بطور کلی تمام علمای ساینس در یک توده که فهم و دانش خود را در یک جامعه بکار میاندازند دوام داده شود منوط و مربوط به يك طبقه نبوده بلکه باید کلیه نیازمندی های جامعه از مساعدت های اوشان برخوردار گردد.

وقتی راجع به ساینس در کمک دفاع می پردازیم فعالیت ساینس دانان تکنالوژیست ها در موارد آتی الذکر روی صحنه می آید.

الف - تتبع و تحقیق در راه پیدا نمودن و ایجاد روابط عمومی بین اسلحه، مواد منفجره، غذا و البسه.

ب - تعمق در باره بوجود آوردن آلات حربی از نگاه نوعیت و کیفیت.

ج - بعیان آوردن یک شکل ستراتیژی و مفید از نگاه سیستم اسلحه و قدرت جنگ کردن.

د - مطالعات عمیق از نگاه روان شناسی و فیزیولوژی بمنظور استعمال استعداد های اعظمی برای قوای مسلح مملکت.

بر علاوه مسئولیت هاییکه برای تاسیس و کشف ادوات از خصوصیات ذاتی و طبیعی ادوات حربی به مقصد ایجاد یک ذخیره آلات مدرن جنگ های امروزی ضرور است تا اندازه

لباس عساکر - اسباب و بالاخره مقداری لوازم و اشپای را که یک فرد عسکر بانیست با خود انتقال دهد اصلاح و پسندیده سازد. تأثیرات فشار بلند هوا و سنجش وضع هوا و چگونگی سایر اوضاع محیطی همه مطالعه میگردد تا قوای مسلح بتواند مقاصد و هدفهای پرزحمت را تصاحب کنند.

حساب و الجبر در زمینه لوژستیک تکتیک و ستراتیژی سهم خیلی بارز دارد. کیمیا و فیزیک در حال حاضر یگانه وسیله است که میتوان بواسطه آن برای بدست آوردن آلات جدید که مک گرفت و یا آلات موجود را اصلاح بیشتر کرد. علم میکروب شناسی و حشره شناسی متودی را بار دوازانی میکند تا بوسیله آن ماشین و کلیه ذخایر و وسایل حربی را که هنگام حضر به مخازن شان باقی میماند از خراب شدن جلوگیری نمایند.

الکترونیک و بالستیک (علم حرکت اجسام محرك) دو عنصر عمده در روابط ساینس با دفاع قرار میگیرند زیرا اکثریت سلاح مدرن امروزی با اساس همین دو علم بوجود می آید.

رول عمده

در هر یک از قسمت های مختلف ضروریات دفاعی يك کشور علمای ساینس رول های جدا گانه دارند . قبلاً در هندوستان تقریباً پانزده سال تدریجاً موسسات دفاعی علمی بمیان آمد که از خود لابراتوار و تأسیسات تخنیکی نیز داشت .

این دستگاه ها دوی آن بهم مزج شدند یکی برای استحصال و تولید دیگر برای جستجو و پیدا نمودن طرق انکشاف اجرات و طرز فعالیت اوشان طوری پایه گذاری گردید تا ساینس دانان هندوستانی بتوانند ماحصل کار خود را قسمی تقدیم کنند که آرزوهای آنها برآورده شده باشد طوری که قبلاً بان اشاره شد عناصریکه

میتوان درین مأمول از آن نام برد عبارت اند از سیستم اسحه تسهیلات مخابراتی ستراتیژی و بالاخره مساعده های انسانی با وصف فن اتومات سازی و «خود کاری» و یا مکانیزه کردن باز هم انسانی و مساعده های انسانی ، روشن ما فوق همه است .

اگر ما واقعیاتیک حرب مدرن در نظر ما باشد و از جانب هم کلیه طرق و امتیازات ساینس هم خواه برای حمله باشد یا دفاع بکار انداخته شود در آنصورت رول و فعالیت تیرا که خود انسان بعمده خواهد داشت مسئولیت عقل هوش و اقدامات جدید و با موقع ضرورت دارد همان اندازه که اعمال و بکار انداختن سلاح قدیم و کلاسیک به مشق و تمرین ضرورت دارد مقابلتاً آلات و اسلحه مدرن بقوا و کنترل انسانی کمتر ضرورت دارد سرومیکانیزم در عملیات اسلحه ، حمل و نقل و کنترل آنها منوط خواهد بود به تدبیر و طرح های الکترونیکی، شیوه های رادیومیکانیزه و رادار و همچنان به لیاقت و استعداد یک عسکر خوب او امر و قرارهای

تهمت از اقیانوس ها

میگذرد ؛ از کوهها بالا

می رود و سربعتر از «آباریس»

از بیابانها می گذرد و مانند او

بر تیرز هر آلودی سوار میشود.

(کولتون)

هرگز یک دروغ را دنبال

مکن اگر آن را تنها گذاری،

به زودی به جانب مرگ

می شتابد . تو میتوانی یک

کار نیک را زودتر از آن انجام

دهی که تهمت آن را از میان

ببرد . (ا . نوت)

صحیح قوماندانان عسکری تا جائیکه به تنظیم پرتاب و استعمال تعلق دارد موضع قابل تخریب مقدار قوای مخرب سلاح جنگی مدرن بمها و مواد منفجره امروز در هر مملکت قسم کنی ماورای تصور یک فرد عادی میباشد سلاح زهروی در توان تباهی و خراب کاری خود حد و حدود قابل نیستند چیزیکه امروز باید متوجه بود فقط دانستن معیار خسارات دشمن و تباهی منابع و ذخایر آنها از یک طرف و از جانب دیگر تنظیم و ترتیب یک پلان صحیح لوژستیک ستراتیژی و داشتن ادوات لازمه برای اعمال و اكمال پلان های فوق میباشد .

سیستم فنی مخابرات در جهان آنقدر انکشاف نموده که میتوان تمام کره زمین را توسط یک شبکه براعظمی با اقمار مصنوعی مثل تلستار (Telstar) بهم پیوست کرد . هر گاه بمنظور حرب استعمال گردد مثل رادار، رادیو و غیره. در آنصورت وسایل فوق الذکر مزیت های شایانی برای پلان گذاری دفاعی مملکت ارزانی خواهد نمود مخصوصاً اگر این کیفیت یاده ، بیست سال گذشته مقایسه گردد .

عنصر وقت (نایم)

حینیکه با عوامل فوق الذکر راکت ها و امکانات استعمال سقینه های فضائی را در مانورهای عسکری ضم کنیم در آنصورت موضوع نایم با وقت در برابر معیار تخریبات آنقدر کم و ناچیز میگردد که اصلاً غیر قابل مقایسه میشود چنانچه میتوان شد یک حرب را فقط در ظرف یک ساعت اعلان کند بچنگند و بیابان برسانند اگر چه نتایج احتمالی این وقایع را نمیتوان تشخیص داد باز هم معیار حدود تخریب و خسارات را میشود

شهمیده



شهمیده ستا د دروند همت نه قربان
ستا د لیاقت او شجاعت نه قربان

سری تو دی دی پری و غمغملی
سختی کر دی دی ایمان و کمالی
د شهادت چټکی دی ولیدلی
هم ماشومانو کونډو و وژلی

شهمیده ستا د دروند همت نه قربان
ستا د لیاقت او شجاعت نه قربان

ستاسری جنه‌ی اشارتونه کوی
دا اسلامی قضا و تونه کوی
دېشتونخوا د غرو په خو کو کښی نن
ستا د وجود خاورو هلو کو کښی نن

شهمیده ستا د دروند همت نه قربان
ستا د لیاقت او شجاعت نه قربان

د تورو لوبه دی ور یاده کر له
تا د پښتون مینه آزاده کر له
تول پښتانه دی تار یگونه وویست
تا ورته نوی دنیا جوړه کر له

شهمیده ستا د دروند همت نه قربان
ستا د لیاقت او شجاعت نه قربان

کونگی نښتی ژمی و غبریدی
پتی نښتی سترگی و غبریدی
د غه سلگی مونیر هیرو لی تشو
لرزی جذبی مونیر پا خولی تشو

شهمیده ستا د دروند همت نه قربان
ستا د لیاقت او شجاعت نه قربان

زمونیره وینی دی شریکی سره
پی هورو دلی ورونکی سره
خادم د دین او دایمان شهمیده
د زړگی سره شم قربان شهمیده

شهمیده ستا د دروند همت نه قربان
ستا د لیاقت او شجاعت نه قربان

«پائی»

پیش بینی کر د فرضاً در بین گونه
موارد نقاط نظر اقتصادی و پابندت‌های
بیالوژیکی بقایا و بازماندگان حرب
رایکطرف گذاریم در محاربات مدرن
بکار انداختن مزیت‌ها و فعالیت‌های مثبت
و ساینفک برای حمله کننده و متعرض
چانس موفقیت و فرصت هجوم‌های
ویران کن را نصیب میگرداند و در
تحت این شرایط پلان برای دفاع
عبارت خواهد بود از انقسام مناطق
ستراتژیی بقسم وسیع و فراخ آنهم
به منظور تلافی عینی و ایجاد قوت‌های
نیرومند جهت احیاء مجدد خسارات بعد
از آنکه جنگ سپری می‌شود.

بناءً از شرح بالا چنان معلوم می‌گردد
که حرب مدرن حادثه است خیلی
گران و پر قیمت خواه جریان و پیشبرد
جنگ باشد و پاپر کاری زیان و خسارات
وارده از جنگ در زمان بعد منسکوره
جنگ‌های محدود با استعمال سلاح
های قدیمی تا کتون هم مورد نظر
ملک بوده بالخاصه اگر این رویه در
برابر ملل غریب جهان مقایسه گردد
زیرا ملل عقب مانده امروزی
نمی‌توانند ایجابات محاربات مدرن
امروزی را پوره کنند.

بطور خلاصه ساینس و انکشافاتیکه
درین رشته صورت گرفته است نتیجتاً
علمای ساینس چنان قدرت غیر عادی ای
بدست بشر سپرده که انسان می‌تواند
تمام هستی و موجودیت خود را ذریعه
آن در ظرف چند دقیقه از بین ببرد
گرچه آلات و ادواتیکه ایجاد میشوند
بذات خود وسیله این همه حوادث
خواهند بود مع الوصف قوای انسانی
و کنترل بشری باز هم در مقابل
اسلحه رول عمده تری دارد از طرفی
هم فن اتومات سازی و (خود کاری)
تا اندازه زحمت بشر را تخفیف بخشیده
افراد را از خستگی و امیر هاند لیکن
جای قلب انسان را که یگانه ملکیت
در خشان نوع بشر است نمیتوان
پر کند. (خاتمه)

والاحضرت شهزاده احمدشاه ورکشاپهای پلچرخی را افتتاح فرمودند

(بقیه صفحه ۵)

سپس به ترمیم خانه مرکزی
حربی پل چرخی (ورکشاپهای
پلچرخی) تشریف برده یکی از لیلیه
های طلاب و یکی از کانتین های آنرا
مشاهده فرمودند بعد از افتتاح ترمیم
خانه مرکزی و بازدید از بنوونچی

تخنیکی حربی و دستگاهها و
ورکشاپهای مختلف ترمیم خانه
بسواری موتر از مرکز حفظ و مراقبت
مهمات ، دستگاه های مخابره
و مرکز آن و خانه های مسکونی
دیدن بعمل آوردند .
جریان این مراسم بعد از صرف
ناشتا و مشاهده یک فلم که ساختمان
ورکشاپها را از ابتدای تاسیس تا
آخر نمایش میداد بساعت ۲ بعد از
ظهر خاتمه پذیرفت و مهمانان گرامی
با قلوبی سرشار از احساسات
پر حرارت و ورکشاپهای پلچرخی
را ترك دادند .



منظره از بناهای حربی پوهنتون در ورکشاپ پلچرخی

مادرست همان چیزی هستیم که دیگران در باره ما می اندیشند - طرز نلقی دیگران از نظری
که داریم بما جرأت می دهد که یابیش برویم یا از کار خود دست بکشیم . (هزلت)

من هرگز به تهمت ها گوش نمی دهم . چه ، اگر نادرست باشند خطر گول خوردن من هست ،
و اگر راست باشند این خطر هست که از کسانی متنفذ شوم که هرگز با آنها سرو کاری پیدا
نمی کنم . (مونتسکیو)

در پیرامون ژئوپولیتیک (GEO POLITIC)

-۲-

مفهوم (سرزمین مرکزی) از این نقطه نظر به التفام از (ماکیندر) بعبارت گرفته شده و علمای ژئوپولیتیک آنرا باستدلال زیر در مورد توسعه سیاسی المان بکار برده اند (سرزمین مرکزی) در روسیه شوروی نیز تقریباً مصداق دارد. المان نیز که یک قدرت مهم زمینی است در داخل قطعه (اروپا - آسیا) با روسیه شریک است ولی المان برخلاف روسیه بدریا دسترسی داشته و از اینرو میتواند یک قدرت دریائی شود اگر المان در شرکت با روسیه

نقش مسلط را داشته باشد آنگاه میتواند نخست (سرزمین مرکزی) سپس (هلال داخلی) و از جمله قدرت دریائی انگلستان و جاپان و سرانجام (هلال خارجی) قاره های کوچک تر را کنترل کند.

تنها روش قابل تصور برای توسعه المان طبق چنین فیرمولی جنگ است علمای ژئوپولیتیک اظهار امیدواری کردند که المان و روسیه بطور مسالمت آمیز برای تشکیل چنین شرکتی که در آن المان نقش مسلط را دارد همکاری نمایند این امیدواری با قرار داد سال ۱۹۳۹ باوج رسید ولی باحمله هیتلر بشوروی در سال ۱۹۴۱ بخاک افتاد.

جنگ کنونی که شش قاره و تمام اقیانوسها در آن شرکت دارند گواه براینست که بنای سیاسی جهان برای پذیرفتن فرضیه (سرزمین مرکزی) آماده گی ندارد. و درحقیقت کشورهای مجاور (سرزمین مرکزی) در پی تشکیل اتحادیه ها ئی نه با همسایگان نزدیک خود بلکه با کشورهای ماورای آنها هستند بدین طریق یک پیوستگی یک در میان در

تفسیر علمای (ژئوپولیتیک) در باره حدود سیاسی تعبیه دیده است امریکائیان و دیگر کسانی که از روی سادگی تصور کرده اند حدود عبارت از یک حد ثابت کشور است تعجب خواهند کرد اگر بدانند المانها که دنبال (ژئوپولیتسین ها) را گرفتند معتقدند مرزها صرفاً نقاط توقف موقتی در راه پیشروی یک ملت بسوی تسخیر جهان است برای المانها مرزهای جدید التاسیس لمح ای برای نفس تازه کردن است تا اینکه ملت بتواند دوباره آماده فتوحات بیشتری بشود در وقت مناسب وجود مرزهای جدید را ممکن است بهمانه بهمانه تازه ای برای جنگ بکار برد.

تاریخ بکرات ثابت کرده است که حدود از تمام وسائل سیاسی بیشتر و آسانتر بهانه جنگ بوده و حوادث حدودی تصادفی یا عمدی مایه آغاز بسیاری از جنگها شده است. علمای ژئوپولیتیک از این نیز دورتر رفته و ادعا کرده اند که یک ملت در مورد (حدود طبیعی) نیز حقی دارد و این مرزها ممکن است ماورا مرزهای موجود سیاسی ملت

سراسر اروپا و آسیا با المان و روسیه در اردوهای مخالف بوجود میآید قدرت زمینی و دریائی اغلب با یک دیگر ترکیب شده اند و کشورهای بزرگ که در خارج از اروپا منافع و علاقیتی دارند وزنه خود را برای ایجاد نمودن توازن مستقل از المان یا روسیه بکفه می اندازند و المان و روسیه مللی هستند که کشورهای بزرگ ممکن است با آنها کم رابطه داشته باشد.

نظریه سرزمین مرکزی خیلی دور از واقعیات کنونی است که بتوان آنرا در زمان حال بموقع اجرا در آورد نظریه (سرزمین مرکزی) را اگر بخاطر نفوذی که بر افکار مردم المان دارد، نبود ممکن بود بدون ملاحظه مردود شمرد برای مردم المان تئوری مزبور یک راه علمی برای توضیح جاه طلبی های آنها است.

حدود - هر نوع طرح ارضی که برای نظم سیاسی جدید در کره زمین پیشنهاد شود و هر نوع فرضیه فلسفی برای توجیه غلبه اظهار گردد باید یک روش عملی برای حرکت بسوی مقصد موجود باشد این روش را

قرار گرفته باشد و در چنین حال سبب تجاوز گردد .

این مفهوم عقیده در حدود هادی نهفته است غالب حدودی که حد (طبیعی) توصیف شده اند . اکنون دیگر مانع و رادعی نیستند - گویانکه ممکن است زمانی چنین بوده باشند بنابراین وقتی چنین حدود طبیعی تلقی شده استقرار یابد ، آنها را بهمان سادگی (حدود مصنوعی) میتوان بهانه جنگ قرار داد . هر حدودی حتی اگر یک مانع بزرگ باشد اگر میلی را که دارای نیروهای بالقوه متفاوتند از هم جدا کندهی ثابت و متزلزل خواهد بود . علاقه شدید به (اوتارکی) و (فضای حیاتی) همسایه ضعیف رالقمه چربی برای دولت بزرگ میسازد خاصه اگر دارای منابع غنی و با موقعیت سوق الجیشی باشد .

این امر تصادفی نیست که اروپا قاره کلاسیک غلبه با حدود متعدد و بسیار طویل است اروپا همچنین قاره ای است که دارای حداقل زمین های بایر بوده و نسبت بمساحتش منابع بسیار گرانبهای داشته است . تنوع خاک اروپا واحدهای سیاسی بسیاری را که با حدود طبیعی از هم جدا شده اند بوجود آورده و چون این واحدهای جداگانه رشد یافتند و با همسایگان خود بمخاصمه پرداختند سرزهای مانع را یا از میان بردند و یا کم کردند کشور های اروپائی با ایجاد رابطه نزدیک با یک دیگر به عنوان رقیب و یا دشمن رفتار نمودند و مبارزات شدیدی بر سر قطعات مختصری از خاک در گرفت مرز های اروپا نتیجه این سلسله از وقایع است علمای ژئوپولیتیک با تاریخ همداستان شده و حدود را به عنوان بهانه همیشگی وسهل الوصولی برای جنگ دانسته اند . می پوشاند حتی اگر استدلال مزبور از نظر علمی صحیح بود دولتی که آنرا برنامه

خود قرار میداد بدون تردید به جنگ کشانده میشد تبدیل ثنوریهای فضائی حقایق جغرافیائی ، مستلزم تغییر نقشه سیاسی است که حتماً با مقاومت شدیدی رو برو میشود . چنانچه جنگ کنونی بکرات آنرا ثابت نموده است .

ژئوپولیتیک از ابتدای پیدایش بطور جدا نشدنی با جنگ مربوط بوده است ژئوپولیتیک در یک کشور میلیتاریست رشد یافت و پیشرفتش بر هبری مردان نظامی بود . پس ژئوپولیتیک مولود یک فکر نظامی است باید بنوبه خود تا چه اندازه در افکار نظامی تأثیر داشته است .

خدمات ژئوپولیتیک در مورد آمادگی نظامی آلمان بدو صورت بوده است یکی آنکه جمع آوری و تنظیم اطلاعات در باره تمام نقاط جهان را با روش صحیح تسریع کرد و این رسمی بود که قبلا در میان جغرافیا دانان آلمانی بخوبی رواج داشت دیگر آنکه ژئوپولیتیک کشفیات خود را مستقیماً با تأسیسات نظامی مربوط نمود و باشکل تحریف شده تبلیغاتی زیرماسک جغرافیای علمی بمیان مردم آلمان و سایر ملل راه یافت .

مؤسسات نظامی از طریق ریاست های ارکان خود عادت بجمع آوری منظم و کسب اطلاعات مربوطه بکره زمین کرده بودند علمای ژئوپولیتیک در فعالیت پر دامنه دار خود در زمینه علوم علمی اولین کسانی بودند که این کشفیات را برای خدمت به نیازمندیها دولت بکار بردند تاراهی برای استراتژی سیاسی آن بکشایند این امر بدتبال خود بر رسی های جغرافیائی را بوسیع شدن مفهوم آن آورد که به هیچ وجه محدود به ژئوپولیتیک یا جغرافیای سیاسی نبود .

گروههای تحقیق توسط هاوس هو فر در مؤسسه ژئوپولیتیک وی در پوهنتون مونشن وسایر جاها گرد آمدند بانتظار جنگ درست همان

کاری را میکردند که جغرافیادانان در مؤسسات دولتی امریکا ، و از جمله وزارت حریبه اکنون که دیر شده برای نیروهای مسلح و در نتیجه جنگ انجام میدهند تحقق (جنگ کلی) به جغرافی در میان تکنیکها و نظریاتی که بمنافع هر ملت خدمت میکند مقام اسامی دارد .

علمای ژئوپولیتیک که خواهان جنگ بودند ، و آنرا پیش بینی میکردند سالها قبل از شروع جنگ لزوم کمک مالی به مؤسسات جغرافیائی را که به بررسی مشغول بودند ، تاکید نمودند و آنرا بدست آوردند .

رابطه میان هاوس هو فرو ریاست ارکان اردوی العان هرگز بوسیله مدارک کتبی به ثبوت نرسیده است باوجود این ناظرین خارج صلاحت دار خصوصاً کسانی که مدت زمانی در العان اقامت داشته اند حتم دارند که چنین رابطه ای موجود بوده است وابستگان نظامی و تجار دلائلی بر اعتماد خود بدست داده اند .

علمای ژئوپولیتیک در کار ثانوی و کم اهمیت تر خود چهارچوب تفکر نظامی مردم العان را تأیید کرده اند آنان فرضیه های فضائی خود را بمنزله هدفهای عملی در برابر دولت العان قرار دادند اما وصول باین هدفها فقط بوسیله جنگ میسر گردید این نکته را علمای ژئوپولیتیک میدانستند و پیشنهاد های خود را با اظهار اینکه جنگ یک حال طبیعی انسان است توجیه می نمودند . آنها نتایج این مفاهیم و تأثیرات آمادگی نظامی ملت را می ستودند و دستورالعملی برای ادامه جنگ بوسائل جغرافیائی ارائه میدادند .

عوامل مزبور ایمان ملت را به سرنوشت خود بمشابه یک نژاد برتر که مامور گرفتن سر زمینهای دیگر وحکمرمانی است تقویت میکرد روش مزبور از تاریخ العان واز نهاد

العانی سرچشمه میگرفت و مدت درازی پیش از زمان ژئوپولیتیک شایع بوده است اما در یک عصر علمی ایمان کور کورانه نیازمند به پشتیبانی علوم طبیعی بود و ژئوپولیتیک برای نژاد پرستی العانی تو جبهات عقلانی فراهم آورد فرضیه های فضائی بحث مربوط بزمن رابی چون و چرا به میان میکشد بعلاوه فرضیه های مزبور که بازبان شبیه علمی بیان میگردد در مردم عادی مؤثر بود .

فرمول های ژئوپولیتیک نه تنها پیروانی از میان عامه مردم پیدا کرد بلکه حکمرانان نیز رسماً آنرا تصویب نمودند رابطه میان حزب نازی و ژئوپولیتیک (از طرف العانیها هر دو مورد تحقیق قرار گرفته است) مطالعه وقایع و شواهد داخلی سبب گردیده که محققان عاری از تعصب و بسیاری از شکاکان نتیجه بگیرند که تاثیر آن بر حزب نازی بسیار شدید بوده است .

(رودلف هس) که در شروع جنگ اخیر، شخصی سوم دولت نازی لقب یافت قبلاً باور هاوس هو فریکی از مؤمن ترین شاگردان اولیه او در ژئوپولیتیک بود و قتیکه هتلر پس از ماجرای (آبجوفروشی) نزدیک مؤنشن توقیف بود (هاوس هو فری بارها او را ملاقات نمود در آن هنگام (هس) نقش کتاب (نبرد من) را داشت بعضی از قسمتهای مهم کتاب (نبرد من) نشان میدهد که بسیاری از مفاهیم و فرضیه ها و بعضی از برنامه های ژئوپولیتیک عمیقاً هتلر را تحت تاثیر قرار داده بود .

هتلر در بحث پیرامون رابطه (فضائی حیاتی) و مقدمات نظامی یک ملت گفته است (و ساعت قلمرو زندگی یک ملت، شامل یک عامل

اساسی برای امنیت خارجی آنست هر اندازه که مکان وسیعتری در اختیار یک ملت باشد حفاظ طبیعی آن بیشتر است زیرا قیروزی های نظامی بر ملتیکه در ناحیه کوچکی متراکم شده باشد همیشه زودتر و آسانتر صورت میگردد و خاصه این پیروزی نظامی مؤثرتر و کاملتر از غلبه بر کشورهای است که مساحت بیشتری داشته باشد .

بنا بر این وسعت خاک یک کشور تا حدی سبب حفظ آن از حملات سبک میگردد . اما پیروزی ممکن است پس از جنگ طولانی و شدید بدست آید و بنا بر این خطر یک حمله ناگهانی شدید جز بدلائیل کاملاً غیر عادی بسیار بزرگ بنظر خواهد آمد از اینرو بزرگی قلمرو یک کشور خود دلیلی است برای آنکه آزادی و استقلال ملت آسانتر حفظ شود در صورتی که حالت عکس، یعنی کوچکی خاک کشور خود بخود دیگران را دعوت بتصرف آن میکند .

هتلر با همین منطق کمی دورتر در کتاب مذکور نوشته است (در جهان خط مشی سیاست خارجی یک دولت ملی فقط وقتی ضامن بقای نژادی است که بران حکومت میکند که میان تعداد جمعیت و ازدیاد آن از یک طرف و وسعت و قابلیت خاک وسیعتر از طرف دیگر رابطه ای طبیعی و حیاتی برقرار گردد .)

(فقط یک قلمرو با اندازه کافی وسیع در کره زمین موجودیت یک ملت را تأمین میکند .)

« . . . قلمرو یک دولت جز اهمیت نظامی و سیاسی بمشایه یک منبع مستقیم تغذیه نیز محسوب میشود وقتی ملتی تغذیه خود را بوسیله وسعت خاک قلمرو خود تأمین نمود آنوقت لازم می آید تا برای نگاهداری سرزمینی که بدست

دارد بیندیشد این امر وابسته است به نیروی کلی و سیاسی دولت و قدرتی که تا حدود زیاد مشروطه بملاحظات جغرافیائی و نظامی است .) جملات منقول اخیر و بکار بردن اصطلاح (ملاحظات جغرافیائی و نظامی) این فرض را که (هاوس هو فر) بر هتلر نفوذ مستقیم داشته غیر منطقی نشان نمیدهد .

نقل قولهای ذیل خصوصاً بسیار مهم است که بصراحت ژئوپولیتیک و جهان بینی نامیونال سوسیالیستها را باهم می آمیزد نکات مزبور بخوبی ثابت میکند که از نظر هتلر مسئله نژادی و زبان فقط از جمله عوامل متعدد دارای اهمیت یکسانی است که باید حدود مرزهای متغیر آلمان را معین سازند .

هتلر نوشت (تقاضای تجدید حدود مرزهای سال ۱۹۱۴ بدرجه ای یک حماقت سیاسی است که باید بمنزله جنایت بشمار بیاید و تازه این امر صرف نظر از این حقیقت است که مرزهای (رایش) در سال ۱۹۱۴ به هیچ وجه منطقی نبود زیرا در حقیقت مرزهای مزبور نه از نقطه نظر در برگرفتن عموم مردم آلمان نژاد کامل بودند و نه از نظر ملاحظات نظامی و جغرافیائی عقلانی محسوب میگشت مرزها نتیجه یک اقدام سیاسی بررسی شده نبود بلکه مرزهای موقتی یک مبارزه سیاسی بشمار می آید که به هیچ وجه تمام نشده بود و در حقیقت قسمتی از آن مولود بازی تقدیر بود) با انصاف عادی و در بسیاری موارد با انصاف بیشتر میشد هر مبنای دیگر را در تاریخ آلمان برای استقرار مجدد روابطی که در آن زمان هدف فعالیت

میاست خارجی بود انتخاب کرد .
 بهر حال ماناسیوسیالیستها باید جلوتر
 برویم حق گرفتن خاک و زمین ممکن
 است برای ملت بزرگی که رو
 بانحطاط میرود وظیفه ای بشود این
 ملت رو بزوال خواهد رفت مگر
 آنکه قلمرو خود را توسعه دهد
 خصوصاً اگر ملتی که دچار انحطاط
 شده ملتی که کوچک و سیاهپوست
 و غیره نباشد بلکه در آلمان شامل
 تمام زندگی باشد که نشان فرهنگ خود
 را بر جبین جهانیان نقش نماید و برای
 آنکه قدرت جهانی باشد باید وسعتی
 داشته باشد که امروز اهمیت لازم
 را بچنان کشور بزرگی میدهد و
 بمردمش حیات میبخشد .

کاملاً احتمال دارد که تاریخ
 پیوند نزدیک میان توسعه طلبی سیاست
 خارجی نازیها و عقاید هاوس هوفر
 و سایر علمای ژئوپولیتیک را نشان
 میدهد .

علاوه بر این واقعات بالا گرفتن
 کار (هاوس هوفر) و سایر علمای
 ژئوپولیتیک در دنیای نازی خاصه
 پس از سال ۱۹۳۳ مهم تر از آنست
 که یک تصادف صرف بشمار آید .
 اردو نمیتوانست از نهضتی که
 برای کمک بمقاصدش به شیوه
 نحسین آمیزی طرح شده بود غافل
 بماند باید قبول نمود که در دایره
 فرهنگ المانی ژئوپولیتیک جز
 لاینفک فکر رسمی و نظامی و عقاید
 میلیتاریستی مردم است .

سعی در اینکه ژئوپولیتیک رادر
 سایر کشورها نیز متداول سازند جز در
 جاپان هیچ جا توفیق نیافت. ملت
 جاپان خیلی قبل از روزگار ژئوپولیتیک
 یک ملت نظامی بود اما علاقه پدران
 (هاوس هوفر) به جاپان متقابل بوده
 و کتابهای (هاوس هوفر) به
 جاپانی ترجمه شد و در انجام علم

جغرافیا بوسیله دانشگاههای که از
 طرف دولت حمایت میشد مورد
 بررسی قرار گرفت .

جاپانیها با قبول ژئوپولیتیک آنرا
 بنحوی با اوضاع تطبیق دادند که
 مناسب برنامه فتح و غلبه دولت شان
 باشد .

در بین سایر ملل، ژئوپولیتیک
 بی اهمیت شمرده میشد تا آنکه جنگ
 اخیر همه را وادار نمود بدان توجه
 نمایند این نام فعلاً بگوشها آشنا شده
 است و تا کنون تاریخ و معنای نهضتی
 که در العان پیدا شد موضوع عده
 کثیری از کتب و مقالات شده است
 بسیاری از مردم ژئوپولیتیک را به
 مثلاً به هیولائی در نظر میگیرند بعضی
 از کسانی که اصطلاح (ژئوپولیتیک)
 را تائید کرده اند کوشیده اند تا
 آنرا برای استفاده بعضی از اعضای
 ملل متحد تغییر شکل دهند و شیوه
 تحقیق آنرا بکار لازم دار دو جمع
 آوری نموده و بان نام (ژئوپولیتیک)
 داده اند دیگران سعی کرده اند که
 یک ژئوپولیتیک امریکائی درست
 کند با این نحو که طرحی مبتنی
 بر جغرافیا برای پشتیبانی از برنامه
 شرکت امریکا در امور جهانی
 بسازند و نتیجه این امر نیز بدون
 تردید پیدایش طرحی برای بکار
 بردن قدرت سیاسی امریکا خواهد
 بود .

مورد استعمال دیگر اصطلاح
 مذکور آن است که (ژئوپولیتیک) را
 از جغرافیا متمایز کنند شناسائی
 جهان از نظر جغرافیائی یکی از مطمئن
 ترین بنیادهای سیاست ملی و انقلابه
 در جنگ و صلح است زیرا ژئوپولیتیک
 و اقیانوس عینی در پاره سر زمین هارا
 که باید در یک نامه واقع بینانه ملی

مورد توجه قرار گیرد جمع آوری
 و تنظیم میکنند بنابراین ژئوپولیتیک
 به مفهوم (هاوس هوفر) از طرف هر
 ملتی که اتخاذ گردد فقط میتواند
 منتهی ب جنگ شود هر چند ژئوپولیتیک
 تغییر قیافه دهد باز دستور العملی
 است برای یک منظور سیاست توصل
 و بزور تجاوز .

شرح حال (کارل هاوس هوفر، اردو و ژئوپولیتیک)

در سال ۱۸۸۷ تحصیلات خود در
 در مکتب سلطنتی ماگزی میلین تمام
 کرد .

۱۸۸۷ طلبه لوائی اول توپچی
 هوائی پادشاهی باویر بود بنام
 خدمت عسکری هاوس هوفر در اردوی
 باویر انجام گردید .

۱۸۸۹- از اکادمی توپچی
 (مکتب حرابه) با (درجه ممتاز)
 فارغ التحصیل شد بر تبه بریدن نائل
 گردید .

۱۸۹۲-۱۸۹۰ بمکتب توپچی
 و مهندسی وارد شد و با (امتیاز
 جهت خدمت مخصوص) به لوابر گشت
 اول اکتوبر ۱۸۹۵ با دادن امتحان

کانکور وارد پوهنهی ارکانجرئی
 اردو شد اول اکتوبر ۱۸۹۸ پوهنهی
 ارکانجرئی اردو را با (امتیاز برای
 خدمت از کانجرئی و معلمی) تمام
 کرد بر تبه لمری بریدن نائل گردید .

۱۸۹۹-۱۸۹۸ در ریاست ارکان
 بحیث یاور غند توپچی صحرائی خدمت
 نمود .

نوامبر ۱۹۰۱-۱۸۹۹ در مجلههای
 مختلف بکار گمارده شد مخصوصاً
 برای دو سال بمسافرت ارکانجرئی
 پرداخت :

سپتامبر ۱۹۰۱ بارتبه تورنی قوماندان
 بطریقه توپچی شد و در یونت خدمت
 میکرد .

ای وطن

من بلبل ترانه سرای تو ای وطن
 آزاد پر ز نم به هوای تو ای وطن
 بگذشته ایم در ره حفظت ز جان و سر
 بادهست و بود من بفدای تو ای وطن
 چشم حسد بسوی تو گریک نگاه کن
 کورش کند به برچه سپای تو ای وطن
 می پرورم همیشه بدل مهر و الفت
 ایکاش جان دهم بر ضای تو ای وطن
 شد تو تیسای دیده من گرد دامت
 با داد بفرق غیر بلای تو ای وطن
 آه ای وطن تو دلبر و محبوبه منی
 در سینه هست جای وفای تو ای وطن
 صد ها درود باد بر روح محضات
 محکم گذاشت سنگ بنای تو ای وطن
 بس خوشنما و دلکش و زیباست بیرقت
 سه رنگه سرخ و سبز و سپای تو ای وطن
 هر دم به آستان خدا (ج) نسل آریان
 دست دعا کشوده برای تو ای وطن
 آسوده باد خاطر نسل دلاورت
 یارب نبینم هیچ گدای تو ای وطن
 با دشمنان خویش اگرو برو شوند
 دایم مظفر است لوی تو ای وطن
 دامان و دشت و کوه تو از لاله هاپراست
 گلها شود خجل ز قبای تو ای وطن
 با طول عمر شاه رعیت نواز خود
 می خواهیم ارتقا و بقای تو ای وطن
 دارد ز بارگاه خدا (ج) (مقبل) آرزو
 حور بهشت باشمهد ای تو ای وطن

اوتایل ۱۹۰۴ - بکار دیگر وارد
 خدمت ریاست ارکانجریه شد .
 اکتبر ۱۹۰۵ - استاددرس تاریخ
 نظام جدید در اکادمی حرب .
 ژانویه ۱۹۰۷ افسر ارکانجر
 فرقه سوم هنگام تمرین و یونت های
 ریاست ارکان .
 زمستان ۱۹۰۹ - ۱۹۰۸ مسافرت
 به جاپان .
 اکتبر ۱۹۱۰ - تدریس در حربی
 پوهنخی حربیه و خصوصاً توضیح در
 باره تجربیات خود در خاور دور .
 تابستان ۱۹۱۱ بر تبه چگونگی نائل
 و بقوماندانی کندک در غند ۱۱ توپچی
 صحرا منصوب گشت .
 ۱۹۱۲ از خدمت اردو متقاعد
 گردید .
 ۱۹۱۴ - باخذد کتری در جغرافیا ،
 زمین شناسی و تاریخ از پوهنخی
 پادشاهی باویر در مونشن با درجه
 ممتاز نائل شد .
 در آغاز جنگ اول جهانی مجدداً
 به خدمت احضار گردید .
 ۱۹۱۹ بدرجه دگروالی متقاعد
 شد و به سمت نطق در پوهنتون مونیخ
 گمارده شد .
 ۱۹۲۱ - استاد افتخاری جغرافیا
 در پوهنتون مونشن ،
 ۱۹۲۴ - سردبیر مجله ژئوپولیتیک
 نشریه که توسط پوهنتون مونشن
 اداره میشود .
 ۱۹۲۳ - عضو اکادمی المان .
 ۱۹۲۳ استاد کرسی ژئوپولیتیک
 و رئیس پوهنخی علوم در پوهنتون
 مونشن .
 ۱۹۳۷ - ۱۹۳۳ رئیس اکادمی المان
 ۱۹۳۸ - رئیس (سازمان مردم)
 برای المانیها نیکه در خارج می زیستند
 (پایان)

حرب اعراب و اسرائیل

حرب اعراب و اسرائیل را میتوان حرب برق آسانامید زیرا این حرب بطور باصقین آغاز گردیده خیلی بسرعت انکشاف نموده و همچنان به بسیار سرعت ختم گردید .
برای اینکه خوانندگان محترم مجله اردو تا اندازه از جریانات حرب مذکور مطلع گردند اینک تحلیل بعضی خبرهای اخذ شده را تقدیم میداریم .

اسباب ظاهری حرب :

در نتیجه تصادمات محلی که در حد و سوریه واردن باقوای اسرائیل متعاقباً بعمل میآمد دولت اسرائیل بعد از یک تعرض شدید؛ بالای نقاط سرحدی سوریه به حکومت مذکور اخطار داد که با تمام قوا بالایش تعرض بزرگ اجرا خواهد نمود . سوریه بحیث یک عضو جامعه عرب از دیگر دول عرب درخواست کمک نمود تا موقف آنها با تبلیغات سیاسی و بعضی حرکات عسکری تقویه نمایند .

جمهوریت متحد عرب به درخواست سوریه جواب مثبت داده و برای اجرای منظور فوق الذکر قوای ملل متحد را از سرحدات خود دور ساخته و به محاصره خلیج عقبه آغاز نمود، تا توسط محاصره اقتصادی و تبلیغات مانع تعرض اسرائیل گردند . اما اسرائیل که تمام پلان های محاربه را آماده ساخته بود با احضارات مکمل محاربه را با اجرای یک تعرض باصقین آغاز نمود .

اسباب حقیقی حرب :

اساساً حرب اعراب و اسرائیل بغرض کنترل یک ماده سوق الجیشی

بنام نفت اجرا گردید زیرا وضعیت سوق الجیشی شرق میانه و مجادله برای نفوذ بالای مناطق مذکور که از طرف دول خارجی بعمل میآید و از مخصصات اعراب و اسرائیل استفاده نموده، آن سرزمین صلح و آرامش را به میدان حرب تبدیل ساخت و طرفین متحارب برای اجرای پلانهای سوق الجیشی خارجی استعمال گردیدند . برای تأیید قول خود اینرا لازم میدانیم تذکر بدهیم که از زمان بوجود آمدن سلاح های ذروی ، موازنه قوا بوجود آمده و دول دارای سلاح مذکور از هراس استعمال آن

از جانب مقابل، راساً محاربه نموده نمیتوانند و در حالیکه خود را در زیر سایه چتری ذروی خود محافظه مینمایند ، در جاهای خود نشسته محاربه دیگران را تماشا و مقاصد خود را بدست میآورند . البته ممالک متحارب نیز مفاد خود را سنجیده و بیخیال خود ها برای توسعه اراضی و یا احیای حقوق محاربه مینمایند . حالا بغرض اینکه خوانندگان محترم ما از قوای تمبل از حرب طرفین متحارب مسبوق گردند ، ذیلاً تخمین قوا را بمقصد محاسبه تناسب قوا تقدیم میداریم :

اسم مملکت	تعداد قوای مساح	تانک	طیاره	راکت
آ- ممالک عربی :				
۱- جمهوریت متحد عرب	۱۵۰,۰۰۰	۱۴۰۰	۶۰۰	۱۰۰
۲- سوریه	۱۰۰,۰۰۰	۷۰۰	۱۷۰	—
۳- عربستان سعودی	۵۵,۰۰۰	—	۴۰	—
۴- لبنان	۱۱,۰۰۰	۱۵۰	۴۰	—
۵- اردن	۶۰,۰۰۰	۱۸۰	۴۲	—
۶- عراق	۸۰,۰۰۰	۳۰۰	۱۰۰	—
ب- اسرائیل	۳۰۰,۰۰۰	۵۰۰	۸۰۰	دو کت نوع

هاوک امریکائی

ج- قوای دول بزرگ که به حرب اعراب و اسرائیل علاقه داشتند قرار ذیل تخمین گردید :

اساساً دول بزرگ يك حصه ناچیز قوای خود را قریب صحنه حرب تمرکز داده بودند با آنهم بغرض مزید معلومات محتویات راپور های بعضی منابع خارجی نگاشته میشود :

شوروی :

در پایگاه مهم شوروی که در بحیره سیا بود ، طبق خبر های منابع خارجی ۲۰۰ طیاره بحری وجود داشت که از آنجمله نصف آن طیارات بمباردمان بود . علاوه بر آنجا ۵۰ عدد تحت البحری ، يك تعداد کروزرها و مخرب های موجود بود که ده عدد از جمله کشتی های متذکره به بحیره مدیترانه سوق داده شد . در بین ده عدد کشتی های جنگی شوروی يك تعداد آنها مجهز به راکت های ذروی نیز بودند .

امریکا و انگلستان :

در نزدیک صحنه حرب ، امریکا دارای پایگاه های متعدد بود که مهم ترین آنها پایگاه های لیبیا ، قبرس و ترکیه بودند . علاوه بر بحیره نمبر ۶ امریکا که مرکز آن در ناپل بود دارای ۲ عدد کشتی بسیار بزرگ طیاره بردار بنام ساراتوگا و امریکا و نیز ۷۵ عدد کشتی جنگی و ۲۵۰ طیاره بود .

از جمله کشتی های نمبر ۶ هفت کشتی آن خود را تا ۲۲ میلی آبهای اسرائیل رسانیدند . هفت کشتی مذکور عبارت از جهازات ذیل بودند :

- چهار کشتی ترانسپورتی تعرض .

- ۲ کشتی پیاده کردن عساکر
- ۱ کشتی مخصوص پیاده کردن تانک .

در کشتی های مذکور ۲۰۰۰ افراد خیلی مجرب و ورزیده امریکائی بنام مرین موجود بودند .

انگلستان :

در پایگاه عدن قوای زیاد انگلستان موجود بوده و نیز يك کشتی طیاره بردار آن در آنجا برای اجرای وظیفه حاضر بوده و يك کشتی طیاره بردار دیگر آن در آبهای مدیترانه با جهازات دیگر آن آماده وظیفه بود علاوه بر لیبیا نیز دو فرقه مجهز انگلیسی برای اجرای وظیفه حاضر بودند .

مختصراً اینطور گفته میتوانیم که قوای امریکا و انگلیس به سواحل اسرائیل خیلی قریب بودند که این هم بالای مورال قوای اسرائیل تأثیر زیاد داشت ، در حالیکه قوای بحری شوروی خیلی دور تر بوده و طیارات بمباردمان شوروی برای کمک به اعراب باید از فضای ترکیه و از بالای پایگاه امریکا عبور مینمود .

جریانات حرب اعراب و اسرائیل :

I - دولت اسرائیل با احضارات مکمل و بعد از اینکه معلومات کافی راجع به فعالیت رادارها ، میدان های طیاره و محلات تجمع افراد ، سلاح و وسایط بذرايع ممکنه کشف و بدست آورده بود ، تحت یک پلان منظم با اجرای باصقین هوائی ، در مرحله اول شش میدان هوائی جزیره نماي سینا را تحت بمبارد قرار دادند .

در نتیجه طیارات عصری میک جمهوری عربی متحد در حالیکه در روی زمین بصورت صف نشسته بودند امجا گردیدند و با ینصورت اسرائیل از غفلت مدافعه هوائی عربها استفاده نموده و ۲۰۰ عدد طیارات خیای جدید جمهوری متحد عرب را از بین برده و بالخاصه میدان هوائی بزرگ جمهوری متحد عرب را در العریش نابود ساختند .

بعقیده مبصرین عسکری در اردو های که وسایط سریع ترمیم طیارات را دارند باعثین هوائی تأثیر زیادی

نمی نماید ، اما جمهوریت متحد عرب فاقد وسایط مذکور مانند دو باینصورت در مرحله اول حرب قوای زمینی دولت مذکور از حمایت مؤثر قوای هوائی محروم گردید .

تعرض فضائی اسرائیل نظریه پر نسپ مهم حرب اجرا گردید ، یعنی «اولا بالای میدانهای هوائی دشمن تعرض نموده طیارات آنرا از بین برده و تفوق فضائی بدست آورده شد .» طوریکه وقایع ثابت نمود ، تکتیک اسرائیل مؤثر ثابت گردید و بعد از باصقین مذکور قوای زمینی جمهوری متحد عرب از حمایت قوای هوائی خود محروم گردیدند که البته در محاربات صحرا طوریکه در حرب دوم جهان در افریقا ثابت گردید هر قدر قوای زمینی قوی باشد در مقابل تعرضات هوائی در صحرا موفق شده نمیتواند .

باصقین هوائی اسرائیل باینصورت اجرا گردید که قوای فضائی اسرائیل از یک تکتیک خیلی جدید هوائی استفاده نمودند یعنی از پایگاه های خود به ارتفاع خیلی پست بطرف بحر باستقامت لیبیا پرواز نمودند که پرواز مذکور ارادارهای جمهوری متحد عرب بنسبت پست بودن ارتفاع طیارات اخذ نموده نمیتوانست . بعد از آن طیارات اسرائیل دور خورده از عقب میدانهای طیارات جمهوری متحد عرب را بمبارد و طیارات آنها را در زمین از بین بردند و بعد به استقامت جبهه از عقب آمده و قسمت عقبی تانکهای جمهوری متحد عرب را مورد اصابت گلوله قرار دادند باینصورت قوای هوائی اسرائیل با قوای زمینی خود با از بین بردن تانکهای جمهوری متحد عرب توسط راکت ها کمک زیادی نمودند البته قوا و وسایط جمهوری متحد عرب به سبب فقدان حمایت هوائی بجهت اهداف سرئی و غیر قابل دفاع مورد اصابت

راکتها و مرمی‌های طیارات اسرائیل قرار گرفته و هیچ یک وسیله ستر و اخفاند اشنتند .

حالا شاید این سوال بذهن ما خطور نماید که چرا قوای فضائی باقیماندهٔ جمهوریت متحد عرب در محاربه داخل نگردیدند . اینطور گفته میشود که طیارات جمهوریت متحد عرب به دفاع از شهرهای مهم مانند قاهره و اسکندریه و تاسیسات مهم کانال سویز و بند اسوان و غیره پرداختند .

علاوتاً چون میدانهای هوائی جمهوریت متحد عرب محض در فاصلهٔ چند دقیقهٔ طیارات مافوق سرعت صوت

اسرائیل قرار داشت یعنی یک طیارهٔ *Mirage 3c* اسرائیل با سرعت اعظمی ۱۳۰۰ میل فی ساعت از تل اییب تا قاهره به ۱۵ دقیقه و تامیدان های هوائی اردن بمدت کمتر از ۵ دقیقه رسیده میتوانست طیارهٔ *Mirage 3c* دارای دو توپ ۳۰ میلی متر و دو راکت هوا به هوانوع مترا *Matra* میباشد که توپهای طیارات مذکور در زمان تعرض با صقین هوائی تعداد زیاد طیارات اعراب را در زمین از بین بردند .

II پلان اعراب :

مقامات نظامی جمهوریت متحد عرب اینطور تخمین مینمودند که تنگنای غازه به سبب عرض کم آن بخوبی مدافعه شده توانسته و باید قوای خود را بستمات بندر ایلات اسرائیل ارسال دارند تا باشغال آن یگانه راه بحری اسرائیل را در خلیج عقبه مسدود ساخته و بعد ازان به اردن داخل گردیده بکمک قوای اردن بالای حصهٔ وسط اسرائیل تعرض اجرا و اسرائیل را بر و حصه منقسم

ساخته از بین ببرند، البته پلان مذکور خوب احضار نگردیده و بمرحله اجرا گذاشته نشده بود. در جبههٔ مذکور تقریباً ۱۰۰ تانک جمهوریت متحد عرب و دو فرقهٔ پیاده ارسال گردید .

پلان اسرائیل :

پلان اسرائیل که بطور مکمل قبلاً طرح گردیده بود قرار ذیل بود :
اشغال ۳ نقطه مبدأ جاده های ۳ گانه صحرای سینا در مرحلهٔ اول محاربه : مقامات نظامی اسرائیل عقیده داشتند که اشغال ۳ جادهٔ صحرای سینا ظفر را تأمین میکند .
و بنابراین بحال ۳ قطار در جاده

های مذکور به پیشرفت آغاز نمودند و در جبههٔ جنوب خود یعنی در امتداد بندر ایلات مدافعه نموده و قوای تا نکدار جمهوریت متحد عرب را تثبیت نمودند .

در نتیجهٔ محاربه قوای اسرائیل از تفوق فضائی استفاده نموده و به اجرای شق در غازه موفق گردیدند و شهرهای غازه و خان یونس را در روز اول محاربه بدست آوردند (مراجعه به کرکی نمبر ۱)

در دو جادهٔ دیگر یعنی جادهٔ وسطی و جنوبی نیز تعرض اسرائیل انکشاف نمود ولی ازین پیشرفت خود چیزی ذکر نمودند و آنرا مخفی

پولیس و وظیفه

(بقیه صفحه ۶)

تا اینکه بعد از طی تقریباً سی چهل متر متوقف و دریوری از آن پیاده شد . پولیس به موتر نزدیک گردید رسم احترام بجا آورد و بجواب پرداخته تذکر داد که موتر حین چراغ سرخ عبور و مجبوراً به توقف آن اشاره داده شده است .

درینوقت عصبیت ، قهر ، تویبخ اوج گرفت ، معرفی خود و موتر به آخر رسید . پولیس موظف با کمال جسارت در حالیکه پنجهای راستش پیک کلاه او را تماس داشت گفت : من یابزرگی و مقام محترم آشنائی کامل دارم ولی وظیفه موجوده ام بزرگتر از همه چیز است و مقررات ، آمر بزرگترین ، فعلاً اسبب زحمت نمیشوم ولی در یورشما بعداً بماموریت حاضر باشد .

این یود بزرگترین شجاعت پیک فرد پولیس که با تأمین قانون تشجیع و اسباب امیدواری حاضرین گردید .

مشته یقین داریم که روز بروز نیازمندی مردم ما در تأمین امنیت و مصوئیت حقوق فردی بر آورده خواهد شد . به اتکا این آرزوی بزرگ از حکایت چند روز پیش و انجام وظیفهٔ یکفرد با لیاقت پولیس حرف می زنم تا مطالعه کنندگان خود قاضی این امر باشند .

چند روز پیش تقریباً میان تاریکی شب و روشنائی روز ، در لحظاتی که نی شام تمام است وئی قسمتی از روز باقی مانده بود ، در همین هنگام به چراغ ترافیک ، نزدیک چهار راهی ایستاده بودم تازهٔ بور یابم و از کوریدور ، جناح چپ را گذشته و بکنار راست بگذرم . چراغ سرخ روشن بود و عبور ترافیک مسدود . در حینیکه پیاده ها خیال گذشتن از معبر را داشتند ناگاه موتری با مارک و نمبر پلیت ... گذشت . پولیس امر توقف داد ، اعتنا نکرد ، ویسل پولیس تکرار گردید

نگهداشته تا قوای جمهوری متحده عرب
باستقامت اردن پیش برود زمانیکه
مقامات نظامی عرب متوجه خود
گردیدند قوای شان در صحرای
سینا محاصره گردیده و جاده ها از طرف
قوای اسرائیل اشغال گردیده بود.
۳- راه پیشرفت قوای اسرائیل
قرار ذیل بود .

- ۱- جاده ساحلی از غازه باستقامت
خان یونس - العریش و کانال سویز .
- ۲- جاده وسطی از العوچه باستقامت
اسماعیلیه
- ۳- جاده جنوبی از القیسمه باستقامت
سمرملتا و سویز

اراضی بین این جاده ها همدریگزار
بوده و برای همه عراده جات حتی
تانکها غیر قابل عبور میباشد طول
جاده غازه و کانال سویز ۱۵۰ میل
بوده جاده درجه اول میباشد . این
جاده دارای دو سرک رفت و آمد
بوده برای حرکت تانکها مساعد و
کوتاه ترین هر سه جاده است لذا
ضرر به اصلی اسرائیل بالای این
منطقه اجرا گردید .

جاده دوم نیز پخته (اسفلت شده)
بوده و به اسماعیلیه منتهی میگردد .
جاده سوم یعنی جاده جنوبی جاده
درجه سوم بوده و اسفلت نشده و از
بین جزیره نما ی سینا از سمرملتا تا خلیج
سویز امتداد دارد .

در روز اول محاربه قوای عراق
و اردن از حصه وسط یعنی از حصه
پیش برآمده گی در خاک اسرائیل
استفاده نموده و کوه المکیر
و موضع القدس را اشغال نمودند



غازه، خان یونس و العریش پیشرفت
نمودند .

قوای جمهوری متحده عرب که
باستقامت ایلات پیشرفت مینمودند از
اثر پیشرفت های اسرائیل مشوش
گردیده خواه در اثر امر مقامات فوق
و یار هائیدن خود از خطر محاصره
بعوض اینکه به وظیفه خود دوام
بدهند به عقب نشینی آغاز نمودند .

در روز دوم محاربه قوای
جمهوری متحده عرب در منطقه
العریش تجمع نموده و برای مقاومت

اما قوای اسرائیل از دو طرف پیش
برآمده گی به تعرض آغاز نموده
و با استعمال بم های ناپالم به قوای
اردن تلفات زیادی وارد نمودند .
در جبهه سوریه در روز اول
انداخت سلاح های طرفین جاری
بوده و در ظرف روز مذکور مواضع
اسرائیلی شدیداً تحت آتش قوای
سوریه قرار گرفت .

در نتیجه روز اول محاربه فایقیت
فضائی اسرائیلی تأثیر مثبت نموده
قوای اسرائیل ۷۰ کیلومتر باستقامت

آخرین خود را آماده ساختند اما تفوق فضائی اسرائیل جاده هارا از تانکهای جمهوری متحده عرب پاک ساخته و قوای زبانی آنها به شدت پیشرفت نمودند که انکشاف پیشرفت قوای اسرائیل بالای کر و کی نشان داده شده است .

قوای اردن در روز دوم محاربه در تحت محاصره قوای اسرائیل از دو طرف واقع گردیده و با نداشتن حمایت هوائی و بمبار شدن میدان های هوائی و غیره قسمت پیش برآمدگی خاک اردن که در اسرائیل پیشرفته بود بعد از اشغال شدن شهر بیت المقدس و نابولوس تماماً از طرف قوای اسرائیل اشغال و قسمت اعظم قوای اردن امجا گردیده و بقیه قوای اردن بطرف غرب دریای اردن عقب نشینی کرده و قبل از همه متفقین خود به امر اوربند ملل متحده موافقه نمودند .

در جبهه سوریه قوای سوریه در خاک اسرائیل ۱۵ کیلومتر پیشرفت نموده و شهر نظره را در خاک اسرائیل بدست آوردند .

اما در ظرف ۸۰ ساعت آخرین مقاومت قوای جمهوری، متحده عرب از بین رفته و قوای آنها تا کانال سوئز عقب نشینی نموده و پایگاه شرم الشیخ بدون کدام مقاومت به قوای اسرائیل تسلیم گردید .

قوای فضائی اسرائیل که از دیگر جهات فارغ گردیده بودند به تعداد ۴۰۰ طیاره بالای قوای سوریه تعرض نموده آنها را از خاک خود خارج ساخته و قوای پراشوتی خود را در ۴ میلی دمشق پیاده نمودند که بعد از قبول اوربند از طرف سوریه

اسرائیل به تجاوز خود دوام داده و تمام نقاط حاکم حدودی سوریه را اشغال و بعداً به اوربند موافقه نموده و با اینصورت کوتاه ترین محاربه عصر حاضر پایان یافت .

اسباب هوجبه مغلوبیت اعراب :

۱- احضارات حرب اسرائیل مکمل بوده و پلان محاربه آنها بصورت بسیار صحیح حاضر شده بود چنانچه تعرض باصقین اسرائیل نظریه پلان مذکور اجرا و نتایج آن آشکارا گردید .

احضارات حرب اعراب مکمل نبوده و با وجود نفوس زیاد قوای کافی در وقت و زمان لازمه به جبهه رسانده نتوانستند .

۲- قوماندانیت متحده اعراب محض بنام موجود بوده و جنبه تبلیغاتی داشت و هر سه مملکت (جمهوری متحده عرب ، سوریه و اردن) به تنهایی خود محاربه مینمودند که به نفع اسرائیل تمام شد .

۳- تفوق فضائی اسرائیل : گرچه قبل از محاربه تعداد طیارات اعراب نظریه اسرائیل بیشتر بود اما اسرائیل با اجرای باصقین

قسمت زیاد طیارات جمهوری متحده عرب و دیگر متفقین آنها از بین بردند و در نتیجه قوای زمینی اعراب از حمایت قوای هوائی محروم گردیدند .

۴- سوئیة تعلیم و تربیه قوای اسرائیل خیلی عالی بوده و اردوی اسرائیل در زمان حاضر برای محاربه خود را خوب حاضر نموده بودند چنانچه زنان اسرائیل نیز دراد و سهم فعال داشته و دوش بدوش مردان خود محاربه نموده و حتی در قوای پراشوتی نیز شامل بودند. در مقابل سوئیة تعلیم و تربیه قوای مسلح اعراب ضعیف بوده و گرچه دارای سلاح های خیلی مدرن بودند اما از آن استفاده لازمه کرده نتوانستند .

۵- مدافعه هوائی اعراب با الیخاصه سیستم را دار آنها خیلی ضعیف بود .

۶- قوای اسرائیل به پیمانته و میعی بم های ناپالم استعمال، و بالخاصه به قوای اردن تلفات زیادی وارد ساخته چنانچه از جمله يك لوی اردن که مرکب از ۳۰۰۰ نفر بود در ظرف یکروز ۲۷۰۰ نفر ضایعات دادند که اکثر آنها شهید شدند .

همه چیز زیباست بشرطی که با ما همبستگی نداشته باشد ...
زندگی هیچگاه زیبا نیست فقط تصاویر زندگی در هنگامی که
در آئینه شعر و هنر تجلی می کند زیبا می باشد و این حقیقت
مخصوصاً در دوران جوانی که هنوز زندگی را نشناخته ایم
صدق می کند .

زما دمطالبو خوټکی..

یو اڅی تجمل پښندی نشی کولای چا دښمنیت دښمن پریدو سبب وگرځی :

لمړی لازم دی چه نه شائی یواځی او یواځی په خبرو او تیوری بسنه او اکتفا وکړو او په ژوندانه کی له عملی کارو نوڅخه ځان وژغورو .
ځکه یواځی تیوری نشی کولای چه همه واره مشکلات حل اودمشته نتانجو

ډول اوبدون دتفوق غوښتلو یو پر بل دښمنه کار ومصدر وگرځو. یواځنی مطلب چه ویل غواړو و دادی چه انسان په لمړی سردژوندانه اولیه ضروریات ترسره کړی او پس له هغه داقتصادی وضع دایجاب په صورت څرنگه چه اندازه دزیاتید وئی هم له نورمال معیار نه زیاد وی په دوهمه درجه تجملی ژوند ته لاس پوری کړی اوبی ویلی پاتی نشی چه پیش له پیشه دا اجتماع اقتصادی نظام او توازن ته ډیر پاملرنه او توجه و شی -

ددی له کبله موټر باید داقتصادی نظم دښمن ساتلو په غرض دخپل اقتصاد معیار حساسو نکاتو ته متوجه اوسو .
تولوتو څرگنده ده چه په هر کال کښی دوطن یو زیات اندازه اسعار او سرمایی یواځی دښک او لوکس او تجملی شیاتو باندی مصرفیږی چه دا کار بالذات لویه اقتصادی خساره دمادی توازن په معیار کښی واردوی او همدا سبب دی چه دمملکت لوی تجاران ډیری پیسی له لاسه ورکوی اومملکت ته دتاوان سبب گرځی -
اوبلکه د تخمین په توگه ویلای شو تقریباً په سلو کښی نوی دوطن عایداتی منابع یواځی دا بریښمینیو او گرانبها پارچو ، ډول ډول سگرټو - نیلون جرابونو او یخن قاق کمیسونو پرلون

سبب وگرځی - مونږ هغه وخت په ژوندانه کښی موفقیدای شو چه وینا او عمل موسره یو ځای دخپل ژوند مصداق وگرځوو او که یواځی زمونږ وینا د تیوریو څخه جوړشوی وی او عملی اړخ ونه لری، همدا دی چه یواځی وینا بی له عمل څخه زمونږ دژوند دکامیابی سبب نشی کیدای او همدا شان اعمال اودهغه اغیزی که زمونږ داصلی رویی او کردار څخه بیل وی بی له دی چه دښمنو نتیجو سبب نشی کیدای زمونږ وحیه ضعیف اوزمونږ عکس العملونه بی گټه محسو بیږی .

پس ددی له کبله که غواړو چه خپل اجتماع ته گټور ثابت شو لازم دی چه څه وایو په عملی کولوئی هم ځان مقید وبولو- او لکه هغه دماشین پرزی چه هر یو ځانته وظیفی لری او ماشین په فعالیت اچوی مونږ هم دگران وطن دفعالو پرزو په شان یو اوبل ته گټور او خپل اجتماعی ژوند ته ترقی ورکړو .

بل یواځنی شرط په ژوندانه کی دادی چه هغه گټور پلانونه او اقدامات چه دا اجتماعی بهبودی او دژوندا نه دسطحی دلورولو په غرض دمر بوطه مقاماتو لخوا طرح کیری د زمانی دایجاباتو سر سم دزړه له کومی استقبال اومننه وکړو او په یوه منمکوره اومتجد

آ-ق « بیغرض »

— ۹ —

نکتاتی گائی اونور د آرایش سامان اوشیان دصاد ریدو په ایاره کښی مصرف ته رسیری او عایدات ئی دخارجی تجارو او فابریکو جیو کښی لوییری . مونږ صرف نظر له دی چه که په ډیر تاسف ووايو چه سرمایه او پانگه مو په بی حاصلو شیانو مصرفیږی حقیقی مطلب چه بیاهم په ویلوئی مجبور یرو تظاهر او د ژوندانه تجملی او نمائشی حرکات دی .

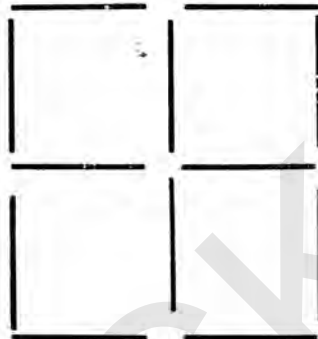
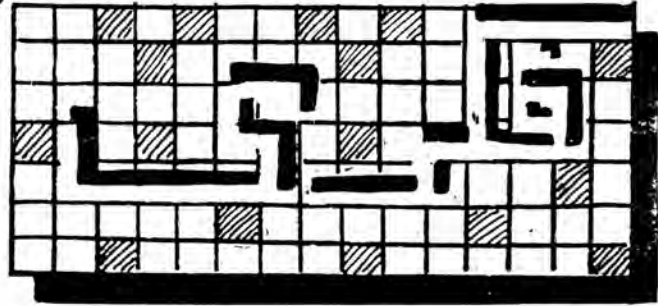
ددی مضمون عنوان (چه یواخی تجمل پسندی ز مونږ د شخصیت د بشپړیدو سبب نشی کیدای) دی لیارو کښی د تبصری غوښتونکی دی چه د شخصیت د تمیز او تشخیص په حقله څه رنائی واچوری .

گرائو محترمو لوستونکو ته څرگنده ده چه هر څوک محالته (من) وائی اوددی آرزومندی په بنایواخی اویواخی ځانی او شخص پروری ته ډیره توجه وی . پس دی حصه کی که لبر سوچ و کړشی دخپل حق اود نورو حق - دخپل شخصیت او دنورو شخصیت ښه تشخیصیدای شی ځکه ډیر آرایش او لوکس ژوند اونسف پروری او ځان پروری پر نورو باندی د برتری اود حقیقی شخصیت سبب نشی کیدای بلکه پر نورو برتری اود حقیقی شخصیت برهان هغه شیان دی چه داخل مندی او معنوی تکامل له لیاری حاصلی شی . دپوه خاوندان همه واره کوښښ کوی چه د تجملی ژوند څخه یو دم صرف نظر اود «خود بینی» په اساس نه بلکه د اجتماعی ترقی په احساس دهغه کارونو مصدر گرځی کوم چه حقیقی شخصیت ایجابوی اود نورو لخوا ورته شخص شخص ویل کیری .

د آسمانی او وضعی تشریح ترمینځ توپیر :-

د حقیقت څرگندی چه سماوی تشریح عبارت له اوا سرو او نواهیو دینی ارشادات او رهنمائی گائی، او مواعظو څخه دی . چه د پاک خدای لخوا درسولانو پواسطه خپلو بندگانو ته ئی لیری دی چه دهغه په اساس دلوی خاوند اوسرو په بنا عمل وشی اوسولان (علیهم السلام) بشر په دی پوه کړی چه «الجنة لمن أطاع والنار لمن عصی» یعنی جوړ شویدی جنت د فرمان ورونکی لپاره اود دو زخ لمبی دعاصیانو او گمراهانو لپاره ! وضعی تشریح یا قانون عبارت له هغو قواعدو څخه دی چه یوه ډله پوهان او عالمان چه د ژوند د بهبودی په راز ښه آگاه وی دانسانانو د ژوندانه د تنظیم لپاره مقرر کړیدی اوسماوی او وضعی تشریح په لاندنی شیانو کښی یر تر بله فرق او توپیر لری - لمړی د سماوی تشریح غایه او غرض د افراد تشکیل دی په دی معنی چه باید هر سړی او هر فرد ښو اخلاقو خاوند وی - او خپل وچائب او وظایف د ژوند وپېژنی او ښا پردی دهر انسان تا کلی وظیفه او وچیبه ده چه خپل روا بط او عایق دنورو افرادو او ټولنوسره وساتی اولوی خدای سره ټینگه علاقه ولری ، خپل ضمیر او زړه سپیڅلی وساتی او وجدان را وین کړی . اما وضعی قانون د سماوی تشریح سره ډیر توپیر لری او بلکه مخالف بلل کیری چه په دی کښی هیڅ تردید موجود نه دی ځکه چه وضعی قانون د فرد رابطه او علاقه له نورو افرادو سره ټینگه وی اود فرد علاقه د څښتن تالی سره د وضعی قوانینو ځنی شمیرل کیری بلکه د شرعی قوانینو په ډله کښی محسوبیږی - مثلاً :- که څوک په یواخی توب

اوبی له دینه چه چاته ضرر ورسوی شراب وڅکی د وضعی قانون به اساس کومه جزا او مسئولیت ورته نه دی ټاکل شوی منگر سماوی تشریح په هر حالت کښی دانسانانو پاملرنه او مراقبت کوی اود گناه لپاره ئی جزا ټاکلی ده - لکه څرنگه چه که څوک دغلا په نیت مسجد ته لاړشی اودلاری په مینځ کښی له خپل عزم او ارادی څخه منصرف اودهغه کار په عوض نفلی لمونځ ادا کړی څښتن تعالی ورته ثواب ور کوی دوم بیاهم سماوی تشریح ایجابی او سلبی دی یعنی په ښو اعمالو باندی هر څوک مکلفوی اود ناوړو اعمالو څخه ئی ساتی او منع کوی ئی ځکه چه ددی تشریح یواخی مقصد او صحیح هدف د بندگانو مصلحت او خیر دی چه له مفاسدو څخه ځان وساتی اما د وضعی قانون یواخی مرام او مقصد په ټولنه کښی د مفاسدو او ناوړو دودونو له مینځه وړل دی - دریم سماوی تشریح عبارت له دی څخه دی چه دهغو په عملی کولو باندی ثواب ور کول کیری او په نافرمانی کښی ئی مسئولیت او عذاب ټاکل شوی دی اود وضعی قانون په اساس مجرم او مسئول ته په دنیا کښی سزا قائلیری یعنی په همدی تری کښی مجرم اود قانون مخالف ته جزا ور کول کیری د آخرت په جزانه دی قائل شوی څلورم سماوی تشریح «دین» د الهی مقرر اتو څخه بلل کیری اولوی خدای په ټولو هغو شیانو باندی چه د بندگانو په نفع یا ضرر تمامیری ښه پوهیږی مگر وضعی قانون د بشر د افکارو نتیجه ده او بشر د اجتماعی عواملو تر اغیزی لکه عرف عادات ، رسم اورواج لاندی راځی چه بنا پردی طبیعی عوامل لکه زمان مکان اقلیم او نور شیان ور باندی اغېزه لری .



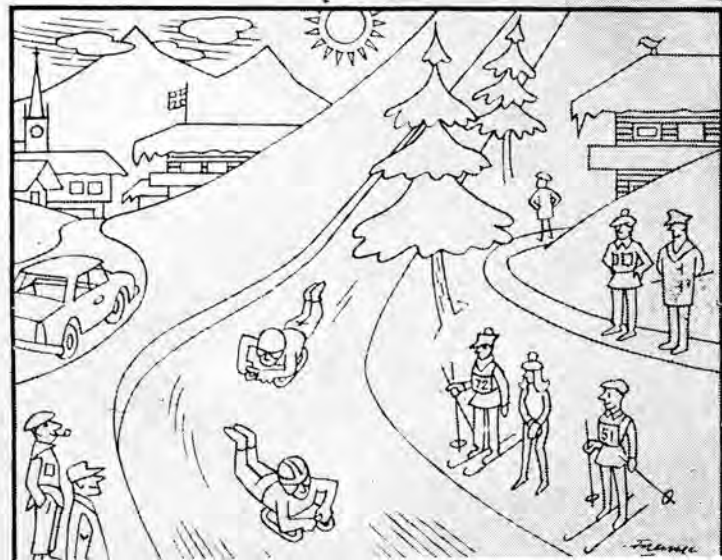
سرگرمی با گوگرد
دوازده دانه گوگرد را قرار این شکل ترتیب کنید

بعد از آن اشکال ذیل را بسازید .

- ۱ - با کم کردن دو دانه گوگرد ۲ مربع غیر مساوی درست کنید .
- ۲ - سه گوگرد را طوری جابجا بسازید که سه مربع مساوی تشکیل شود .
- ۳ - چهار گوگرد را قسمی جابجا کنید که ده مربع مساوی بدست بیاید .

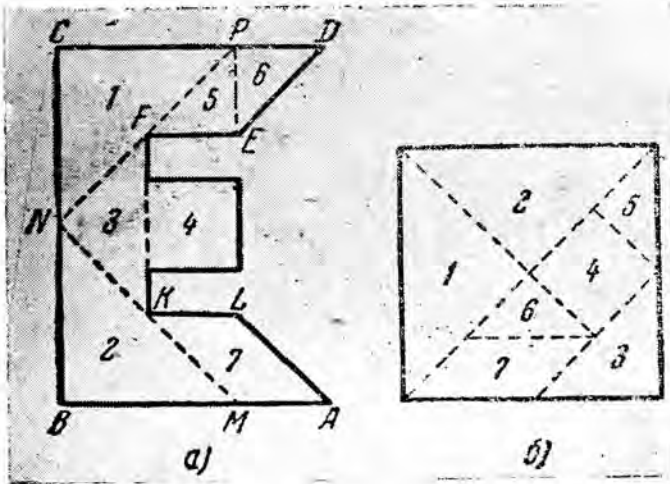
ده اختلاف

دو شکل پائین در ظاهر بکلی با هم مشابه اند اما اگر کمی دقت شود ده اختلاف جزئی در آنها پیدا شده می تواند ، اگر پیدا نمودید بنویسید تا بنام شما نشر شود .

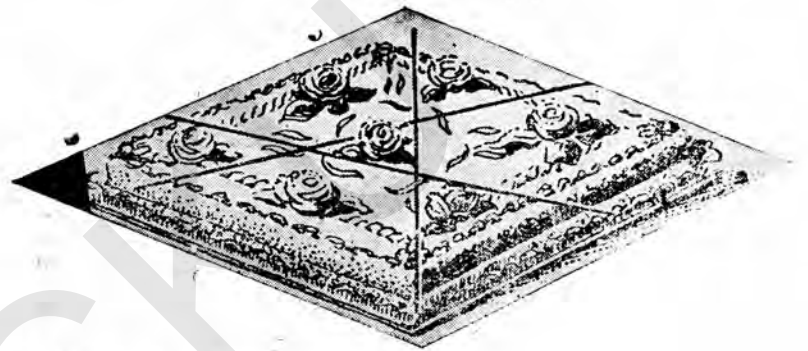


پرابلم فوتوگراف

شخصی فوتوی يك پسر را بدوست خود نشان داده گفت ممكن است شما بدانيد كه من برادر وخواهر ندارم ، اما پدر اين شخص پسر پدر من می باشد .
آيا شما ارتباط صاحب عكس را با اين شخصی فهميده می توانيد ؟



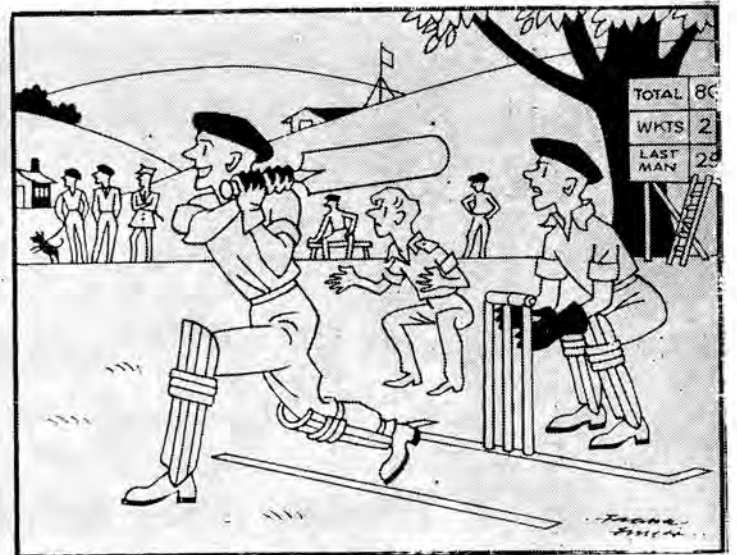
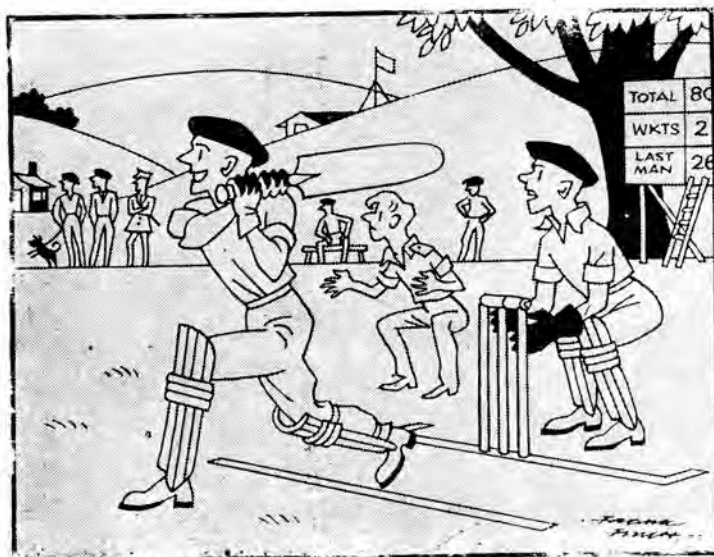
حل ترسیم مربع شماره ۷ گذشته



حل کیک جشن تولد شماره ۷ گذشته

حل ده اختلاف

- ۱- ساختمان دنده ۲- گیتس که در پای راست نفر اول می باشد ۳- بازوی راست نفر نشسته
- ۴- سایز بیرغ ۵- پته زینه ۶- (WKTS)K ۷- در بچه چپری طرف چپ ۸- آستین راست
- نفر عقب ۹- عدد روی تخته ۱۰- دم سگک .





بوالاحضرت شهزاده احمد شاه هنگام معاینه و مشاهده یکقسمت از دستگاه های ورکشاپ های
بلچرخی درروز افتتاح آن

وزارت دفاع ملی - ستر درستیز

شماره پنجم = اسد ۱۳۴۶

دقاسیسی کال ۲۱ - حمل ۱۲۹۹

AFGHAN ARMY REVIEW

Address: De urdu Mudjella Kabul - Afghanistan

Tel. 24574

Subscription rate For Foreign Countries: 5 dollars

Jul. - Aug. 1967

دملی دفاع مطبعه

افغانستان - کابل